

نام کتاب: قراردادهای بیع بین المللی در پرتو کنوانسیون بیع بین الملل
کالا

(۸۸ پرسش و پاسخ)

امیر هوشنگ فتحی زاده عضو هیات علمی موسسه مطالعات و

پژوهشهای بازرگانی

محمدصادق فتحی زاده کارآموز مرکز مشاورین قوه قضاییه و

کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل

مریم اکبرلو کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل

فهرست

مقدمه

فصل اول

نام فصل

نام فصل: اسناد متحدالشکل و روابط آنها با یکدیگر

کنوانسیون بیع

اصول یونیدورا

اصول لاهه

کنوانسیون مرور زمان

کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی

رابطه کنوانسیون بیع با دیگر توافقات بین المللی

رابطه با کنوانسیون مرور زمان

رابطه با اصول یونیدورا

رابطه اصول یونیدورا با کنوانسیون بیع و مرور زمان

فصل دوم

نام فصل: تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی

(۱) از طریق اعمال مستقیم یک معاهده

۲) از طریق اعمال قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی
الف) هنگامی که طرفین قانون حاکم را تعیین کرده‌اند
ب) هنگامی که طرفین قانون حاکم را تعیین نکرده‌اند
ج) اعمال تا مرز قواعد آمره و نظم عمومی

فصل سوم

نام فصل: کنوانسیون به عنوان قانون حاکم بر قرارداد
اهمیت و جایگاه بیع در قراردادهای داخلی و بین‌المللی
اهمیت کنوانسیون

پرسش ۱) دلایل اهمیت این کنوانسیون در بین سایر اسناد چیست؟

پیشینه و روند شکل‌گیری
تدوین نسخه نهایی توسط آنسیترال

کشورهای عضو

عدم الحاق ایران

آشنایی با ساختار کنوانسیون

پرسش ۲) مهم‌ترین اصول و اهداف کنوانسیون، چیست؟

پرسش ۳) چه زمانی یک بیع، بین‌المللی محسوب می‌شود؟ (ماده ۱)

پرسش ۴) چه زمانی کنوانسیون برای طرفین لازم‌الاجرا می‌شود؟

(ماده ۱)

پرسش ۵) چه ارتباطاتی، موجب اعمال کنوانسیون را فراهم می‌کند؟

(ماده ۱)

پرسش ۶) آیا کنوانسیون می‌تواند قانون حاکم بر بیع باشد؟ (ماده ۱)

پرسش ۷) نقش اصول یونیدروا، در حاکمیت کنوانسیون بر قرارداد

بیع چیست؟

پرسش ۸) تعریف «کالا» از منظر کنوانسیون چیست؟ (ماده ۲)

پرسش ۹) چه بیع‌هایی از مستثنیات کنوانسیون محسوب می‌شود؟

(ماده ۲)

پرسش ۱۰) تعریف قرارداد بیع از منظر کنوانسیون چیست؟ (ماده ۳)

پرسش ۱۱) چه موضوعاتی تحت حاکمیت کنوانسیون است؟ (ماده ۴)
پرسش ۱۲) آیا طرفین حق عدول یا تغییر قواعد کنوانسیون را دارند؟
(ماده ۶)

پرسش ۱۳) خلاءهای کنوانسیون چهگونه رفع می‌شود؟ (ماده ۷)
پرسش ۱۴) سه خصیصه مهم کنوانسیون به اختصار چیست؟ (ماده ۷)

پرسش ۱۵) کنوانسیون با چه رویکردی تفسیر می‌شود؟ (ماده ۸)
پرسش ۱۶) در کنوانسیون چه قواعدی برای تفسیر قرارداد وجود دارد؟
(ماده ۸)

پرسش ۱۷) رویه‌ها و عُرف‌هاچه نقشی در تعیین قانون حاکم دارند؟
(ماده ۹)

پرسش ۱۸) محل کسب‌وکار طرفین در کنوانسیون چهگونه تعیین
می‌شود؟ (ماده ۱۰)

پرسش ۱۹) آیا کنوانسیون، الزامات شکلی دارد؟ (ماده ۱۱)
پرسش ۲۰) چه زمانی و چهگونه یک قرارداد ذیل کنوانسیون، منعقد
می‌گردد؟

پرسش ۲۱) چه زمانی یک پیشنهاد، «ایجاب» محسوب می‌شود؟
(ماده ۱۴)

پرسش ۲۲) آیا تحت کنوانسیون قرارداد «ثمن باز»، معتبر است؟
(ماده ۱۴)

پرسش ۲۳) آیا ایجاب قابل انصراف یا قابل رجوع است؟ (ماده ۱۵)
پرسش ۲۴) قبول ایجاب، چهگونه محقق می‌شود؟ (ماده ۱۸)
پرسش ۲۵) آیا ایجاب از طریق سکوت یا عدم اقدام، قابل قبول است؟
(ماده ۱۸)

پرسش ۲۶) ایجاب متقابل چیست؟ (ماده ۱۹)

پرسش ۲۷) آیا کنوانسیون بر «تعارض اسناد» حاکمیت می‌کند؟ (ماده
۱۹)

پرسش ۲۸) مبدا زمان در ایجاب‌های مدت‌دار، چهگونه محاسبه
می‌شود؟ (ماده ۲۰)

پرسش ۲۹) فسخ قرارداد در صورت نقض اساسی چه مقرراتی دارد؟
(ماده ۲۵)

پرسش ۳۰) اصلاح یک قرارداد ذیل کنوانسیون، به چه صورت است؟
(ماده ۲۹)

پرسش ۳۱) تعهدات طرفین شامل چه مواردی است؟ (ماده ۳۰)
پرسش ۳۲) چه رابطه متقابلی بین کنوانسیون و قواعد اینکوترمز وجود دارد؟

پرسش ۳۳) تعهدات بایع در کنوانسیون چیست؟ (ماده ۳۰)

پرسش ۳۴) کالاها باید در کجا و چه‌گونه تسلیم شوند؟ (ماده ۳۱)

پرسش ۳۵) آیا قواعد خاصی در مورد یک قرارداد حمل کالا وجود دارد؟ (ماده ۳۱)

پرسش ۳۶) هزینه تسلیم و تحویل کالا بر عهده کیست؟ (ماده ۳۱)

پرسش ۳۷) وظیفه حمل کالا و بیمه بر عهده کدامیک از طرفین است؟
(ماده ۳۲)

پرسش ۳۸) کالا چه زمانی باید تسلیم شود؟ (ماده ۳۳)

پرسش ۳۹) تاخیر در تسلیم، چه تبعاتی دارد؟ (ماده ۳۳)

پرسش ۴۰) بایع تعهداتی مانند تحویل اسناد یا انتقال مالکیت دارد؟
(ماده ۳۴)

پرسش ۴۱) تعهد بایع به تسلیم کالای منطبق، چیست؟ (ماده ۳۵)

پرسش ۴۲) تعریف انطباق کالا از منظر «کیفیت» چیست؟ (ماده ۳۵)

پرسش ۴۳) شرایط «بسته‌بندی» منطبق با قرارداد چیست؟ (ماده ۳۵)

پرسش ۴۴) چه زمانی برای تعیین انطباق مقرر شده است؟ (ماده ۳۶)

پرسش ۴۵) چه حقی برای جبران از طرف بایع وجود دارد؟ (ماده ۳۷)

سوال ۴۶) اقدامات خریدار برای حفظ حقوق خود ناشی از عدم انطباق کالا، چیست؟ (ماده ۳۸)

پرسش ۴۷) مدت زمان بازرسی جهت تطابق کالا چه مقرراتی دارد؟
(ماده ۳۹)

پرسش ۴۸) آیا بائع مکلف به تسلیم کالایی بدون ادعای شخص ثالث است؟ (ماده ۴۱)

پرسش ۴۹) خریدار چه تعهداتی در این خصوص دارد؟ (ماده ۴۱)
پرسش ۵۰) مالکیت فکری چه تعریفی در کنوانسیون دارد؟ (ماده ۴۲)
پرسش ۵۱) آیا حق اعتراض خریدار تا همیشه محفوظ می‌ماند؟ (مواد ۴۳ و ۴۴)

پرسش ۵۲) حق اعتراض خریدار، چه استثنائاتی دارد؟ (مواد ۴۳ و ۴۴)

پرسش ۵۳) شیوه‌های جبران خسارت در دسترس خریدار چیست؟ (مواد ۲۸ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸)
پرسش ۵۴) در چه مواردی مشتری می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند؟ (ماده ۴۹)

پرسش ۵۵) تسلیم پیش از موعد چه اثراتی دارد؟ (ماده ۵۲)
پرسش ۵۶) تعریف انطباق کالا از منظر «کمیت» چیست؟ (ماده ۵۲)
پرسش ۵۷) خریدار در حالت کلی چه تعهداتی دارد؟ (ماده ۵۳)
پرسش ۵۸) تعهد خریدار به پرداخت ثمن چه ضوابطی دارد؟ (ماده ۵۴)

پرسش ۵۹) نحوه تعیین ثمن به چه صورت است؟ (مواد ۵۵ و ۵۶)
پرسش ۶۰) کنوانسیون چه مقرراتی برای نحوه تعیین ارزش پرداخت دارد؟

پرسش ۶۱) «محل پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟ (ماده ۵۷)
پرسش ۶۲) «هزینه پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟ (ماده ۵۷)
پرسش ۶۳) «زمان پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟ (ماده ۵۸)
پرسش ۶۴) آیا پرداخت ثمن، مقررات شکلی خاصی دارد؟ (ماده ۵۹)
پرسش ۶۵) «روش پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟
پرسش ۶۶) تعهد به تحویل کالا، چه تعریفی دارد؟ (ماده ۶۰)

- پرسش ۶۷) شیوه‌های متعدد جبران خسارت در دسترس بایع چیست؟ (مواد ۶۲ و ۶۳)
- پرسش ۶۸) در چه مواردی بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند؟ (ماده ۶۴)
- پرسش ۶۹) بایع چه حقی درباره تعیین مشخصات کالا دارد؟ (ماده ۶۵)
- پرسش ۷۰) چه شرایطی برای انتقال ریسک پیش‌بینی شده است؟ (ماده ۶۶)
- پرسش ۷۱) شرایط انتقال ریسک در قراردادهای متضمن حمل، چیست؟ (ماده ۶۷)
- پرسش ۷۲) شرایط انتقال ریسک برای کالای در حال ترانزیت چیست؟ (ماده ۶۸)
- پرسش ۷۳) شرایط انتقال ریسک در حالت کلی چیست؟ (ماده ۶۹)
- پرسش ۷۴) شرایط نقض قابل پیش‌بینی و قراردادهای اقساطی چیست؟ (مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳)
- پرسش ۷۵) خسارات تحت کنوانسیون چه‌گونه تنظیم شده است؟ (مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷)
- پرسش ۷۶) آیا طرفین مستحق بهره مبالغ پرداخت نشده هستند؟ (ماده ۷۸)
- پرسش ۷۷) موارد مهم اختلاف قانون مدنی ایران با کنوانسیون چیست؟ (مواد ۳۱ و ۵۵ و ۷۸)
- پرسش ۷۸) برخی از مهم‌ترین دلایل عدم الحاق ایران به کنوانسیون چیست؟
- پرسش ۷۹) شرایط معافیت طرف ناقض از جبران خسارات چیست؟ (ماده ۷۹)
- پرسش ۸۰) آیا «فورس ماژور» از موارد رافع مسئولیت است؟ (ماده ۷۹)
- پرسش ۸۱) موارد رافع الزام بایع به تسلیم بدل کالا چیست؟ (ماده ۸۲)
- پرسش ۸۲) موارد استثنای الزام بایع به تسلیم بدل کالا چیست؟ (ماده ۸۲)

پرسش ۸۳) قواعد ناظر بر حفظ و نگهداری کالا چیست؟ (مواد ۸۵ و ۸۶)

پرسش ۸۴) سپردن کالا به انبار چه شرایطی دارد؟ (ماده ۸۷)
پرسش ۸۵) فروش خودیار و اضطراری چه شرایطی دارند؟ (ماده ۸۸)

پرسش ۸۶) آیا کنوانسیون همواره در یک دولت متعاهد اعمال می‌شود؟
(مواد ۹۳ و ۹۴)

پرسش ۸۷) چه مقرراتی در وصف کتبی بودن قرارداد، وضع شده است؟
(ماده ۹۶)

پرسش ۸۸) رابطه کنوانسیون با دیگر توافقات بین‌المللی چیست؟ (مواد ۹۰ و ۹۹)

فصل چهارم:

نام فصل: قرارداد نمونه بیع بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی
(معیارهای حقوقی بی‌طرفانه برای قراردادها)

قراردادهای توزیع

قرارداد نمایندگی

مسائل نرم‌افزار / داده‌ها / مالکیت فکری

تجارت متقابل و تهاتر

متن کنوانسیون به انگلیسی و فارسی

منابع

مقدمه:

سازوکار تجارت از ابتدای حیات خود یعنی به قدمت تاریخ بشر تاکنون با موانع و مشکلاتی مواجه بوده که عدم وجود قانونی هماهنگ و یکسان برای تجارت در سطح بین‌الملل، همیشه از مهم‌ترین چالش‌های این عرصه به شمار می‌رفته و تا به امروز هم تثبیت چنین قواعد

متحدالشکل، به نوعی مهم‌ترین دغدغه حقوق‌گذاران و حتی تاجران محسوب می‌شود.

اگرچه ایجاد حقوقی یک‌پارچه و یکسان برای همه ملل دنیا به دلیل وجود نظام‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و ... در سراسر جهان تقریباً غیرممکن است، اما تلاش برای تدوین اسنادی که تا بیش‌ترین حد امکان، به سهولت و توسعه تجارت بین‌الملل کمک کند و رژیم‌های حقوقی گوناگون را به هم نزدیک نماید، نه تنها غیرممکن نبوده بلکه در یک سده اخیر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، ثمرات چشم‌گیر و نمونه‌های موفقی در ابعاد فراملی داشته است.

دلایل نیاز به این یکسان‌سازی مقررات حقوقی، از موضوعات صرفاً داخلی آغاز شده، با موضوعات داخلی که آثار و تبعات خارجی دارد ادامه پیدا کرده و در بالاترین شکل خود، تا موضوعاتی که وجود مقررات ملی به تنهایی تکاپوی حل‌وفصل آن‌ها را نمی‌دهد، احساس می‌شود.

یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی مقررات قانونی، که از ضرورت آن به اختصار سخن رانندیم، ممکن است از طرق گوناگونی محقق شود. گاهی از سطح ملی با اصلاح مقررات موجود، آغاز می‌شود، گاهی در سطح بین‌المللی از طریق انعقاد معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی تشخیص می‌یابد و گاهی نیز از طریق پذیرش بدون الزام بعضی از مقررات از سوی تجار و شرکت‌ها، به مرور تبدیل به عرف‌های یکسان بازرگانی می‌شود. اما بارزترین و بحث‌برانگیزترین شکل ایجاد حقوق هماهنگ، شکل دوم یعنی انعقاد معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی است که از مهم‌ترین منابع حقوق تجارت بین‌الملل محسوب می‌شوند و اثرگذاری آن‌ها از گستره جغرافیایی و تنوع نظام‌های حقوقی بیش‌تری برخوردار است.

از قرن بیست به بعد، تعداد زیادی از موسسات و سازمان‌های بین‌المللی با هدف ویژه ایجاد مقررات متحدالشکل و تشکیل یک رژیم حقوقی یک‌پارچه، تاسیس شدند که برخی از آن‌ها تا حد بسیار زیادی به این مهم دست یافته و یا حداقل نزدیک شده‌اند. سازمان جهانی تجارت با

کمیسیون تخصصی حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) یکی از تاثیرگذارترین این نهادها با بیش‌ترین قلمرو اجرایی بوده که مشخصاً کنوانسیون موضوع بحث ما در این کتاب، یعنی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در سال ۱۹۸۰ در وین توسط همین کمیسیون به تدوین نهایی رسیده و آماده امضای کشورها شده است. این سند تا به امروز جامع‌ترین و مهم‌ترین قانون متحدالشکل در زمینه بیع بین‌المللی کالا در سراسر جهان محسوب می‌شود که درباره وجوه تمایز آن در متن کتاب بیش‌تر صحبت خواهیم کرد.

از منظری دیگر، مرور مواد این کنوانسیون (فارغ از مسئله ملحق شدن یا نشدن به آن)، به تنهایی راهگشای سهولت تجارت و رفع تعارضات حقوقی ملل مختلف نیست بلکه نحوه به‌کارگیری آن در جایگاه قانون حاکم بر قرارداد، یکی دیگر از مباحث بسیار تخصصی و مهمی است که جای بحث و تعمق فراوان دارد و در این‌جا صرفاً در حد ایجاد تلنگری در ذهن مخاطبان گرامی، بدان اشاره خواهیم کرد. همان‌گونه که مستحضرید، روابط خارجی کشور عزیز ما در سالیان گذشته به دلیل وضعیت خاص تحریمی بعضاً تحت‌الشعاع تصمیمات نادرست و غیر اصولی کشورهای بیگانه قرار گرفته و مسئله بسیار مهم ضرورت تنظیم یک قرارداد استاندارد با لطایف و ظرایف خاص خودش، مغفول واقع شده است. به واقع در این سال‌ها به دلیل عدم موازنه منطقی بین ما و شرکای تجاری‌مان، متعهد به ایفای تعهدات سنگینی شدیم که به دلیل فقدان پشتوانه‌ای به نام قرارداد استاندارد، در روز بروز مشکل نتوانستیم بر این موازنه ناعادلانه و شرایط دور از انصافی که بر ایمان چیده بودند، فائق بیاییم و حرف خود را ثابت و حق خود را استیفا کنیم.

اما همگی به خوبی می‌دانیم که این وضعیت پایدار نیست و امید بسیاری می‌رود تا با حل مسائل مربوط به تحریم، ما هم در آینده‌ای نزدیک بتوانیم از قدرت مشابه در روابط بین‌المللی برخوردار شویم و با بهره‌مندی از توان و تخصص چانه‌زنی برابر با شرکای تجاری خویش،

قراردادهایی مطابق معیارهای جهانی بدون هیچ نقص و ضعفی منعقد و به بهترین شکل ممکن به انجام برسانیم.

لذا با منطقی‌تر شدن روابط خارجی ما، دیگر ضرورت این مهم بر همگان آشکار شده و زمان آن نیست که از پرداختن و آموزش و پژوهش و یادگیری و تمرین اصول قراردادهای تمام عیار تجاری بین‌المللی طفره برویم و با استدلال‌های سنتی از آن امساک کنیم. مسئله ارتقای سطح و دانش قراردادنویسی در ابعاد بین‌المللی نه فقط معطوف به برخی وکلای برجسته با پرونده‌های خاص است، بلکه جامعه هدف درک ضرورت‌های این مهم، همه اقشار حقوقی از جمله دانشجویان، پژوهشگران، حقوق‌دانان، وکلا، مشاوران و قضات؛ و همچنین صاحبان تجارت‌های خرد و کلان به عنوان یکی از طرفین اصلی ماجرا هستند.

قراردادهای تجاری بین‌المللی ابعاد زیادی دارد که همگی نه در این‌جا موضوع بحث ماست و نه در این مختصر صفحات، می‌گنجد. لذا به فراخور ارتباط مضمونی با مطالبی که در فصل‌های پیش رو می‌خوانیم، ورود مختصری به «قانون حاکم بر قرارداد» به عنوان یکی از مهم‌ترین شروط قراردادی به ویژه در ابعاد بین‌المللی خواهیم داشت. البته می‌دانیم که در کنار انتخاب قانون حاکم، مسئله تعیین «رکن حل اختلاف» هم تقریباً به همان اندازه، اهمیت و نقش داشته و به نوعی مکمل قانون انتخابی ماست، اما غور و تحقیق در آن را برای علاقه‌مندان، به خارج از این کتاب ارجاع می‌دهیم.

فراموش نکنیم که قرارداد یک امر ساده و پیش‌پا افتاده نیست و آثار و عواقب آن در همان مواد معدودش در چند برگ خلاصه نمی‌شود، بلکه قانون حاکم به مشابه ولی و سرپرست قرارداد، وظیفه رشد و نگهداری و حمایت و صیانت و احقاق حق آن را برعهده دارد و به دلیل خاصیت پویایی و عدم ایستایی هر قراردادی، نیاز رجوع به قانون حاکم در روز اختلاف، حیاتی می‌شود و آن‌جاست که پشیمانی حاصل از غفلت طرفین قرارداد نسبت به انتخاب چنین بند مهمی، سودی نخواهد داشت. بنابراین علاج واقعه را قبل از وقوع می‌کنیم و از این

به بعد به عنوان یک حقوق‌دان مجرب و مشاور متخصص، نه تنها از مسئله مهم و حیاتی انتخاب قانون حاکم مغفول نمی‌مانیم بلکه آن را به ساعات پایانی مذاکره موکول نکرده و بدان به چشم رفع تکلیف و تشریفات قراردادی نمی‌نگریم.

برای رسیدن به یک قانون مورد قبول طرفین راه‌ها و گزینه‌های بسیاری وجود دارد که رفتن به سراغ اسناد متحدالشکلی که طی سالیان سال تحقیق و مذاکره با جمع زیادی از افراد و کشورها به منظور تسهیل روابط تجارت بین‌الملل، تدوین شده، یکی از متداول‌ترین و منطقی‌ترین راه‌هاست و همان‌طور که در ابتدای مقدمه به آن‌ها اشاره کردیم، این اسناد نیمی از مسیر را برایمان هموار کرده و به عبارتی نادیده گرفتن آن‌ها به منزله اختراع دوباره چرخ از نو است.

حالا که روی مباحث مهمی همچون ضرورت وجود قوانین هماهنگ بین‌المللی، ضرورت تعیین قانون حاکم در قراردادهای تجاری بین‌المللی و پیوند این دو باهم یعنی انتخاب یکی از اسناد متحدالشکل در جایگاه قانون حاکم بر قراردادمان به نقطه نظر مشابهی رسیدیم، مطالعه این کتاب می‌تواند تا حدود زیادی راه‌گشای دغدغه‌های مشترکمان باشد.

ما در این کتاب که مبتنی بر تالیف و ترجمه است، با معرفی برخی از مهم‌ترین اسناد متحدالشکل و نحوه حاکمیت آن‌ها بر هر قراردادی، به یکی از بهترین نمونه این اسناد یعنی «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» به صورت جزئی‌تر پرداخته‌ایم و به همه سوالات احتمالی که در نتیجه انتخاب این کنوانسیون به عنوان قانون حاکم بر یک قرارداد بیع کالا، ایجاد خواهد شد، تا حد امکان به سیاق ماده محور، پاسخ داده‌ایم.

کتاب پیش روی شما مشتمل بر چهار فصل و یک ضمیمه شامل متن کامل کنوانسیون به انگلیسی و فارسی است که این بخش علاوه بر اهمیت مضمونی مواد، مرجع و منبع مفیدی برای تطبیق واژگان و ارتقای سطح ترجمه و تسلط به متن اصلی اسناد بین‌المللی به شمار می‌رود.

فصل اول کتاب با اندک مباحثی راجع به ماهیت اسناد متحدالشکل آغاز شده و پس از معرفی چندین نمونه مهم بین‌المللی آن از جمله کنوانسیون

بیع کالا، اصول یونیدورا، اصول لاهه و ... به مقایسه این اسناد با یکدیگر پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را برشمرده است. در فصل دوم درباره ضرورت و نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌خوانیم و شیوه‌های مختلف این اعمال حاکمیت را مرور می‌کنیم.

فصل سوم به نوعی بدنه اصلی کتاب محسوب شده و مطالب مفصل‌تری را در خود گنجانده است. این فصل به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در جایگاه قانون حاکم می‌پردازد و نخستین سوال از این ۸۸ سوال با دلایل اهمیت این کنوانسیون بین سایر اسناد هم‌پایه، آغاز می‌شود. در ادامه پس از آشنایی با پیشینه و روند شکل‌گیری و کشورهای عضو، کمی درباره مسئله عدم الحاق ایران به چنین سند مهمی صحبت و بعد از آشنایی با ساختار کنوانسیون، به ۸۷ سوال باقی‌مانده پاسخ می‌دهیم. فصل چهارم نیز معرفی برخی قراردادهای نمونه بیع بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی به عنوان معیارهای حقوقی بی‌طرفانه برای قراردادهای تجاری بین‌المللی را شامل می‌شود.

در همین‌جا خاطر نشان می‌کنیم، اگرچه ایران هنوز به این سند ملحق نشده، اما با توجه به جامعیت و مانعیت این کنوانسیون، تفحص و تعلم آن نه تنها خالی از لطف نیست بلکه در جوانب گوناگون قراردادنویسی حتی برای ما ایرانی‌ها که از دایره شمول و متعهدین کنوانسیون مزبور خارج هستیم، آموزنده و ثمربخش و کاربردی خواهد بود.

امید است که این نسخه مختصر، برای دانش‌پژوهان و متولیان امر حقوقی و تجاری مفید واقع شود و قطره‌ای به دریای دانش و اندوخته‌هایشان بیافزاید تا در آینده‌ای نه چندان دور، بتوانیم در عرصه تنظیم و انعقاد و اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی در میان شرکای تجاری خود، قدرت‌مندتر از همیشه حرفی برای زدن و حقی برای ستاندن، داشته باشیم.

دکتر امیر هوشنگ فتحی‌زاده

فصل اول : اسناد متحدالشکل و روابط آن‌ها با یکدیگر

مهم‌ترین اسناد مرجع قرارداد

وجود نظام‌های مختلف حقوقی، سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان، نوعی چند دستگی حقوقی ایجاد کرده که مانعی برای تسهیل جریان تجارت است. حقوق متحدالشکل،^۱ همیشه در تلاش بوده تا قواعدی را مقرر کند که در مقیاس جهانی، یکپارچه و هماهنگ باشد. این قواعد یکسان، یک رژیم حقوقی همسان برای قراردادهای بیع بین‌المللی^۲ کالا^۳ فراهم می‌آورد و با این کار به سهولت توسعه تجارت بین‌الملل کمک می‌کند.

طرفین قرارداد، در همه قراردادهای بین‌المللی، به ویژه قراردادهای بیع کالا، همیشه با انبوهی از اسناد حقوقی گوناگون مواجهند. اگر این اسناد متحدالشکل شوند و یکسان‌سازی قوانین دولت‌های مختلف را در پی داشته باشند، تجارت بین‌الملل به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم حقوق بین‌الملل، مدرن‌سازی و تسهیل خواهد شد.

البته همواره مشخص نیست که این اسناد حقوق متحدالشکلی که درباره آن صحبت می‌کنیم، قرار است چه‌گونه باهم تعامل داشته و مکمل یکدیگر باشند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین اسنادی که براساس آن‌ها قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب می‌کنیم موارد زیر است:

¹ Uniform law

² The concept of "internationality", which is more specific or broader depending on the instrument, will be explained in the relevant section for each individual instrument below.

³ International sale of goods contracts

● کنوانسیون سازمان ملل متحد برای قراردادهای بیع بین‌المللی کالا (کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا):⁴ این کنوانسیون، همان‌طور که از نام آن پیداست، قواعدی برای تشکیل قراردادهای، حقوق و تعهدات طرفین بیع بین‌المللی کالا مقرر می‌کند. در صورت حاکم شدن قواعد این کنوانسیون بر هر قراردادی، لزوم تعیین قانون حاکم از طرف دولت‌ها، از بین می‌رود و بدین ترتیب، کنوانسیون به تامین قطعیت در مبادلات تجاری و کاهش هزینه‌های معاملات کمک شایانی می‌کند.

● اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی موسسه یونیدروا (اصول یونیدروا):⁵ این اصول، یک مجموعه مدون غیر الزام‌آور⁶ شامل قواعد حقوقی قراردادهای و اصولی است که برای حاکم شدن بر قراردادهای تجاری در سطح بین‌الملل طراحی شده‌اند. این اصول می‌خواهد قواعد متوازن و متناسب با معاملات برون مرزی را در اختیار طرفین قرارداد، داوران و سایر کاربران، قرار دهد و به عنوان یک سند حقوقی از دسته «حقوق نرم»⁷، طیفی از گزینه‌های مختلف و انعطاف‌پذیر، برای طرفین و داوران فراهم می‌کند.

● اصول کنفرانس حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه (اصول لاهه): این اصول هم، یک مجموعه از قوانین غیر الزام‌آور است که رهنمودهایی را برای تدوین و اصلاح قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای مقرر داشته و به موجب آن، طرفین یک قرارداد تجاری، قانون حاکم بر قراردادشان را با توافق هم انتخاب می‌کنند. اصول لاهه، نه تنها اصل اختیار طرفین در انتخاب قانون حاکم⁸ را پذیرفته و ترویج می‌دهد بلکه با ایجاد اصلاحاتی می‌خواهد طرفین یک قرارداد در بهترین موقعیت

⁴ *United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)*

⁵ *UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (UPICC)*

⁶ *non-binding*

⁷ *soft law instrument*

⁸ *principle of party autonomy*

قرار گرفته و با رعایت حد و مرز متعادل، مناسبترین هنجارهای حقوقی^۹ برای معامله خودشان را انتخاب کنند.

● کنوانسیون مرور زمان:^{۱۰} هر یک از طرفین قرارداد بیع بین‌المللی کالا باید در ظرف مدت معینی، دعوی حقوقی^{۱۱} برای اقامه ادعای ناشی از قرارداد را آغاز کند. کنوانسیون مرور زمان، قواعد متحدالشکلی درباره این مدت زمانی قانونی، تدوین کرده است. از اثرات مثبت این کنوانسیون، می‌توان به شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری^{۱۲} مبحث «زمان»، که یکی از جوانب پراهمیت دآوری است، اشاره کرد.

● کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی:^{۱۳} این کنوانسیون با تضمین اعتبار و قابلیت اجرایی ارتباطات مبادله شده به صورت الکترونیکی، زمینه انعقاد قراردادهای الکترونیکی با ارزش معادل قراردادهای کاغذی را فراهم و تسهیل کرده است.

در ادامه به سایر اسناد نشأت گرفته از نهادهای بین‌المللی، فراملی یا منطقه‌ای نیز اشاره می‌کنیم:

● کنوانسیون ۱۹۹۵ بیع کالای کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه:^{۱۴} این کنوانسیون، درباره مسائل انتخاب قانون حاکم^{۱۵} در قراردادهای بیع بین‌المللی کالای ملموس و قابل ذکر^{۱۶} است.

● کنوانسیون ۱۹۷۸ نمایندگی کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه^{۱۷}: این کنوانسیون، قواعد انتخاب قانون حاکم بر روابط نمایندگی را مقرر می‌کند.

⁹ legal norms

¹⁰ The Limitation Convention

¹¹ legal proceedings

¹² predictability

¹³ The Electronic Communications Convention

¹⁴ The HCCH 1955 Sales of Goods Convention

¹⁵ choice of law

¹⁶ tangible goods

¹⁷ The HCCH 1978 Agency Convention

● کنوانسیون ۱۹۸۶ بیع کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه^{۱۸}: این کنوانسیون، قواعد انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای مرتبط با بیع بین‌المللی کالا را تدوین کرده که البته هنوز اجرایی نشده است.

● آیین‌نامه شماره ۵۹۳/۲۰۰۸ مورخ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۸ پارلمان و شورای اروپا راجع به قانون حاکم بر تعهدات قراردادی (مصوب رُم یک)^{۱۹}: این آیین‌نامه، قواعدی را در سطح اتحادیه اروپا^{۲۰} برای حاکمیت قانون ملی در تعهدات قراردادی تدوین کرده است. این قراردادها باید در موضوعات مدنی و تجاری با حضور بیش از یک کشور منعقد شده باشد.

● کنوانسیون بین امریکایی قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی (کنوانسیون مکزیکی)^{۲۱}: این کنوانسیون قوانینی را برای تعیین قانون حاکم در قراردادهای بین‌المللی در داخل کشورهای عضو کنوانسیون تعیین می‌کند.

در جدول زیر قابلیت اجرایی هر سند در یک معامله مثالی^{۲۲} با علامت ستاره نشان‌داده شده است.

کنوانسیون ارتباطات الکترونی کی	کنوانسیون ن مرور زمان	اصول کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه	اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی موسسه یونیدروا	کنوانسیون ن بیع بین‌المللی کالا	
---	-----------------------------	---	--	--	--

¹⁸ *The HCCH 1986 Sales Convention*

¹⁹ *Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the Law Applicable to Contractual Obligations (the Rome I Regulation)*

²⁰ *The European Union (EU)*

²¹ *The Inter-American Convention on the Law Applicable to International Contracts (the Mexico Convention)*

²² *paradigm transactions*

	*	*	*	*	بيع بين المللى كالا (منعقد نشده از طريق ارتباطات الكترونيك ى)
*	*	*	*	*	بيع بين المللى كالا (منعقد شده از طريق ارتباطات الكترونيك ى)
		*	*		قراردادها ى تجارى غير از بيع بين المللى كالا (منعقد نشده از طريق ارتباطات الكترونيك ى)
*		*	*		قراردادها ى تجارى غير از بيع بين المللى كالا (منعقد شده از

					طریق ارتباطات الکترونیک (ی)
--	--	--	--	--	--------------------------------------

ما همیشه از «اصل آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم» صحبت می‌کنیم در حالی که این اصل، وجه دومی به نام «آزادی قرارداد»^{۲۳} دارد. انتخاب طرفین درباره حقوق و مسئولیت‌هایشان در قبال یکدیگر، تا حد زیادی تابع شروط و محدودیت‌های همان قانون حاکمی است که انتخاب کرده‌اند. در چنین شرایطی طرفین می‌توانند به قرارداد فروش خود، بندهایی اختصاری^{۲۴} که توسط یک نهاد بین‌المللی تنظیم شده است، اضافه کنند. بهترین مثال این بندهای اختصاری، قواعد اینکوترمز گردآوری و تدوین شده در اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۲۵}، است و به نوعی رویه بین‌المللی^{۲۶} را در خود بازتاب می‌دهد.

رابطه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با سایر اسناد متحدالشکل

همان‌طور که در جدول همپوشانی این کنوانسیون‌ها با یکدیگر ملاحظه کردیم، این اسناد مانع الجمع^{۲۷} نیستند. یعنی در یک معامله یکسان می‌توانیم هم زمان چند سند را اجرا کنیم. به همین منظور نگاهی اجمالی به روابط این اسناد متحدالشکل می‌اندازیم و هرکدام را به اختصار در مواد مرتبط مقایسه می‌کنیم.

رابطه با کنوانسیون مرور زمان

²³ *freedom of contract*

²⁴ *shorthand clause*

²⁵ *International Chamber of Commerce (ICC) Incoterms®*

²⁶ *international practice*

²⁷ *mutually exclusive*

کنوانسیون مرور زمان و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، کنوانسیون‌های خواهر^{۲۸} محسوب می‌شوند. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حقوق و تعهدات بایع و خریدار ناشی از قراردادهای بیع بین‌المللی کالا حاکم است، اما مقرراتی راجع به مدت‌های مرور زمان ندارد و کنوانسیون مرور زمان، مکمل این خلاء شده است. هرچند کنوانسیون‌های مزبور به‌نحو مستقل از یکدیگر قابل اعمال هستند، اما اعمال هر دوی آن‌ها در یک قرارداد بیش‌ترین ارزش را دارد و به همین جهت توصیه می‌شود که دولت‌ها به هر دوی این کنوانسیون‌ها ملحق شوند.

قلمروی شمول کنوانسیون مرور زمان مطابق با اصلاحیه سال ۱۹۸۰، با قلمروی شمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هماهنگ بوده و به جز چند موقعیت محدود، هر دو کنوانسیون، حاکم بر قرارداد یکسان و ادعاهای ناشی از آن است.

اما فراموش نکنیم، محدوده‌های زمانی ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، باید تفکیک‌گردد.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، متضمن چندین شرط مرتبط با محدوده‌های زمانی است. برای مثال، بند ۲ ماده ۳۹ مقرر می‌کند که هرگاه خریدار ظرف دو سال از تاریخ تسلیم شدن کالا به وی، از عدم انطباق کالا به بایع اطلاع ندهد، حق خود برای استناد به این حق از دست خواهد داد. این محدوده‌های زمانی نباید با مدت مرور زمان ذیل کنوانسیون مرور زمان اشتباه‌گرفته شود. کنوانسیون مرور زمان، صراحتاً مقرر کرده، که بر یک محدوده زمانی معین که یکی از طرفین، حسب شرط کسب یا اعمال ادعای خود^{۲۹}، در ظرف آن مدت مکلف به اخطار دادن به طرف دیگر یا انجام عمل دیگری غیر از اقامه دعوی حقوقی است، هیچ اثری ندارد (بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مرور زمان؛ بند ۲ ماده ۱۰ اصول یونیدروا).

²⁸ *sister conventions*

²⁹ *acquisition or exercise of claim*

رابطه با اصول یونیدورا

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدورا، یک مجموعه غیر الزام‌آور از قواعد و اصول حقوق قراردادهاست که برای بیع بین‌المللی در مقیاس جهانی طراحی شده است. هدف از اصول مزبور این است که یک مجموعه از قواعد که نسبت به حقوق قراردادهای ملی تناسب بهتری با معاملات برون مرزی دارد، در دسترس متعاملین قرار بگیرد. اصول یونیدورا با سه خصیصه اصلی، این هدف را محقق می‌سازد.

اما اصول یونیدورا، از جهات عمده‌ای با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تفاوت دارد. اول این‌که، اصول مزبور جایگاه یک معاهده را ندارند. این اصول، مجموعه‌ای از قواعد غیرالزام‌آور است که تنها در صورتی بر یک قرارداد معین حاکم می‌گردد که طرفین یا یک داور آن‌ها را انتخاب کند و چنین انتخابی مورد پذیرش یا تصدیق چارچوب حقوقی مربوطه قرار گیرد. دوم این‌که، قلمروی اصول یونیدورا به قراردادهای بیع محدود نیست. اصول یونیدورا، قواعد کلی حقوق قراردادهاست که برای انواع قراردادهای، از جمله قراردادهای خدماتی^{۳۰} قابلیت استفاده دارد. و سوم این‌که، اصول مزبور، متضمن مجموعه گسترده‌ای از قواعد مربوط به حقوق عمومی قراردادها و تعهدات است، یعنی مسائلی که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آن‌ها را دربر نمی‌گیرد.

اصول یونیدورا، همانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و کنوانسیون مرور زمان، تحت نظارت یک سازمان بین‌المللی طرح‌ریزی و تدوین شده است. با این حال، برخلاف این کنوانسیون‌ها و سایر کنوانسیون‌های موجود در حوزه حقوق تجاری فراملی، یک سند موسوم به «حقوق نرم» محسوب می‌شود؛ یعنی، دولت‌ها مکلف نیستند تا به قواعد این

³⁰ *service contracts*

سند از طریق قانون‌گذاری ملی، ترتیبات مربوط به قانون اساسی^{۳۱} یا سایر سازوکارهای جایگزینی^{۳۲}، ترتیب اثر دهند.

قانون‌گذاران ملی ممکن است اصول یونیدروا را مانند سایر اسناد حقوق متحدالشکل در کلیت آن یا به صورت گزینشی به عنوان قواعد داخلی حقوق قراردادها مصوب کنند. در حقیقت، یکی از اهداف اصول یونیدروا که صراحتاً در مقدمه آن بیان شده این است که «نقش یک الگو یا نمونه را برای قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی داشته باشد». مثال‌های زیادی از تصمیمات قانون‌گذاران ملی در این زمینه، وجود دارد.

اگر اصول یونیدروا به نحوی که گفتیم اجرا نشده باشد، به تنهایی، تعهدات مستقیمی برای طرفین قرارداد ایجاد نمی‌کند. یعنی این طور نیست که اگر یک قرارداد مشمول قلمروی آن قرار بگیرد، به‌نحو خودکار بر آن حاکم شود، در حالی که یک سند الزام‌آور، از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یا کنوانسیون مرور زمان، این چنین است. اصول یونیدروا، تنها در صورتی برای طرفین لازم‌الاجراست که دو الزام مضاعف تحقق یافته باشد. اولاً، طرفین، یا داور بین آن‌ها، باید اصول یونیدروا را در رابطه قراردادی آن‌ها حاکم کرده باشد. ثانیاً، قانون حاکم بر دعوی بین طرفین، اعم از قانون مقر دادگاه^{۳۳} یا قانون مقر داور،^{۳۴} چنین انتخابی را ارج بنهد. با این حال، اگر این الزامات تحقق نیافته باشد، چنانچه داور اصول یونیدروا را برای تفسیر یا تکمیل حقوق قراردادهای حاکم به‌کار بگیرد، این اصول می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر رابطه قراردادی بین طرفین حاکم شود.

رابطه اصول یونیدورا با کنوانسیون بیع و مرور زمان

³¹ constitutional arrangements

³² mechanisms of transposition

³³ lex fori

³⁴ lex arbitri

اصول یونیدروا، در چارچوب موجود حقوق تجاری فراملی که شامل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و کنوانسیون مرور زمان بود، تدوین گردید. اصول یونیدروا قرار است یک نظام از قواعدی که مشخصاً متناسب با نیازهای معاملات تجاری بین‌المللی است را فراهم آورد و در حقیقت، بهترین راه حل‌ها را در برمی‌گیرد، اگرچه هنوز مورد پذیرش عمومی نیست.

حین مقایسه اصول یونیدروا با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و کنوانسیون مرور زمان، سه نوع از شروط باید تفکیک‌گردد: شروط مربوط به مسائل یکسان؛ شروط مربوط به موضوع یکسان، اما با سطح متفاوت جزئیات؛ و شروط مربوط به مسائل استثنای شده از قلمروی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و کنوانسیون مرور زمان.

اولاً، برخی از شروط، با مسائل یکسان در کنوانسیون‌ها مربوط است. معمولاً، شروط مزبور یا به صورت تحت اللفظی و یا حداقل محتوایی از قواعد مشابه در کنوانسیون‌ها اقتباس می‌شود. قواعد ناظر بر ایجاب و قبول (مواد ۱۱-۲، ۱، ۲، اصول یونیدروا؛ مواد ۲۳-۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) قیود راجع به قابلیت پیش‌بینی زیان (ماده ۷، ۴، ۴، اصول یونیدروا، جمله دوم، ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا،) و قیود ناظر بر حوادث فورس ماژور (ماده ۷، ۱، ۷، اصول یونیدروا، ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) از این جمله‌اند. در برخی موارد، قواعد تقریباً یکسان است و در برخی موارد تفاوت‌های اندک اما مهمی وجود دارد. به‌طور مثال، هم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و هم اصول یونیدروا، متضمن قواعدی راجع به تفسیر و تکمیل سند هستند. با این حال، برخلاف بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ماده (۲) ۱، ۶ اصول یونیدروا، در قضایایی که خلاءها با رجوع به اصول کلی پشتیبان سند قابل رفع نباشد، داور را به عنوان آخرین چاره به حقوق داخلی ارجاع نمی‌دهد. هر دو سند، طرفین قرارداد را به رعایت

عرف‌هایی که در تجارت بین‌الملل، به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده و رعایت می‌شود، مکلف می‌دانند. با این حال، برخلاف بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ماده (۲) ۱، ۹ اصول یونیدروا، اطلاع و آگاهی واقعی یا مفروض^{۳۵} طرفین از یک عرف معن را لازمه اجرایی شدن آن نمی‌داند.

ثانیاً، برخی از شروط مربوط به موضوعی است که مشمول کنوانسیون‌ها می‌شود. این امر شامل بسیاری از قواعد راجع به تشکیل قرارداد، خسارات و مدت‌های مرور زمان است. در این موارد، اشتراک گسترده‌ای بین اصول یونیدروا و کنوانسیون‌ها وجود دارد. هرچند، گاهی اوقات اصول یونیدروا از حد راه حل‌های کنوانسیون‌ها فراتر رفته و صریح‌تر از آن‌هاست. برای مثال، ماده ۲/۱/۱، صراحتاً اذعان دارد که قراردادها نه تنها با قبول یک‌ایجاب، بلکه با سایر اعمال طرفین که برای اثبات توافق آن‌ها کافی باشد، قابل انعقاد است. همچنین، قواعد خاصی راجع به تاییدیه‌های کتبی، در قضایایی که طرفین، انعقاد یک قرارداد را به حصول توافق راجع به موضوعات معین، یا به یک شکل خاص و نیز بر ادغام^{۳۶} و شروط عدم اصلاح شفاهی وابسته نموده‌اند (مواد ۱۳-۲/۱/۱۲ و ۱۸-۲/۱/۱۷) دارد، که هیچ یک از آن‌ها صراحتاً در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بیان نشده است. در حالی که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تنها نقش حُسن‌نیت را در تجارت بین‌الملل می‌پذیرد (بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا)، اصول یونیدروا یک تعهد عام و فراگیر برای طرفین مبنی بر اقدام مطابق با حُسن‌نیت و معامله منصفانه در تمام مدت قرارداد، از جمله در جریان مذاکرات را بیان می‌کند (مواد ۱/۷، ۱/۸ و ۲/۱/۱۵ اصول یونیدروا). قواعد راجع به تفسیر قراردادی در فصل ۴ اصول یونیدروا، نسبت به قواعد ناظر بر همین موضوع در ماده ۸ کنوانسیون بیع

³⁵ *actual or constructive knowledge*

³⁶ *merger*

بین‌المللی کالا، به‌طور اساسی تفصیلی‌تر و جامع‌تر است، مثلاً شروط معین راجعه تفسیر علیه انشاکننده، تفسیر متون چند زبانه و رفع خلاءها را شامل می‌شود. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، متضمن قواعد معین راجعه شروط استاندارد نیست، درحالی‌که اصول یونیدروا مشتمل بر یک مجموعه از قیود تفصیلی، از همه مهم‌تر، راجعه درج‌این شروط و «تعارض اسناد» است (مواد ۲۲-۲/۱/۱۹). شروط معافیت (ماده ۷/۱/۶)، نرخ‌های بهره (مواد ۱۰-۷/۴/۹) و پرداخت مورد توافق در قبال عدم اجرای قرارداد (ماده ۷/۴/۱۳)، از جمله سایر مسائل مشمول اصول یونیدرواست که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، صراحتاً به آن‌ها نپرداخته است. در موارد نادر، اصول یونیدروا عمداً از کنوانسیون‌های قبلی فاصله می‌گیرد. برای مثال، مدت کلی ۳ ساله مرور زمان در این اصول (ماده ۱۰/۲) با مدت مرور زمان ۴ ساله در ماده ۸ کنوانسیون مرور زمان، تفاوت دارد.

ثالثاً، بسیاری از شروط مندرج اصول یونیدروا شامل مسائلی است که صراحتاً از شمول قلمروی کنوانسیون‌ها استثنانگاریده، از جمله اعتبار ماهوی^{۳۷} قراردادها (فصل ۳؛ ماده ۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا)، یا مسائلی که به‌وضوح خارج از قلمروی آن‌هاست. این مورد اخیر، قواعد ناظر بر اختیارات کارگزاران (بخش ۲، ۲)، قراردادها به نفع اشخاص ثالث (بخش ۲، ۵)، تهاتر (فصل ۸)، واگذاری حقوق، انتقال تعهدات و واگذاری قراردادها (فصل ۹) و کثرت متعهدین و متعهدین‌له را شامل می‌شود (فصل ۱۱).

تاکنون بسیاری از این موضوعات مورد توجه قرار گرفته است چراکه اصول یونیدروا، محدود به قراردادهای بیع نبوده، بلکه حاکم بر انواع قراردادهای تجاری بین‌المللی است. یونیدروا شامل برخی از شروطی است که معادلی در کنوانسیون‌ها ندارند و از این جهت مشخصاً برای قراردادهای خدماتی، به ویژه قراردادهای بلندمدت و قراردادهای

³⁷ substantive validity

موسوم به رابطه‌های^{۳۸}، مناسب است. درحالی‌که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و کنوانسیون مرور زمان معمولاً بر یک «معامله یک باره»^{۳۹} و واحد متمرکز است. تشکیل قراردادها با شروطی که عمداً باز گذاشته شده (ماده ۱۴، ۱، ۲)، ابطال قراردادهای ناموفق (مواد ۱۵، ۲، ۳ و ۷، ۳، ۷)، تعهد به همکاری (ماده ۳، ۱، ۵)، تعیین کیفیت اجرا (ماده ۶، ۱، ۵)، لغو یک جانبه قراردادها به مدت نامحدود (ماده ۸، ۱، ۵)، و تعسر (مواد ۳-۱، ۲، ۶) از این جمله‌اند. نسخه ویرایش شده ۲۰۱۶ اصول یونیدروا، شش ماده و بسیاری از توضیحات موجود را اساساً تغییر داده تا به الزامات خاص قراردادهای بلندمدت، توجه بهتری شود. همچنین، در ماده ۱، ۱۱ خود یک تعریف معین از «قرارداد بلندمدت» ارائه داده که طبق آن، قرارداد بلندمدت، قراردادی است که باید در یک مدت‌زمان انجام شود و معمولاً به درجات مختلف، مشتمل بر پیچیدگی معامله و یک رابطه مستمر بین طرفین تقسیم می‌شود.

فصل دوم :

تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی^{۴۰}

تعیین قانون حاکم برای قراردادهای تجاری بین‌المللی از دو طریق کلی که هرکدام زیرمجموعه‌های خود را دارد، امکان‌پذیر است:

(۱) از طریق اعمال مستقیم یک معاهده^{۴۱}

³⁸ relational contracts

³⁹ one off-transaction

⁴⁰ international commercial contracts

⁴¹ uniform law treaty

معاهدات متحدالشکل، چه‌گونه بر یک قرارداد بین‌المللی حاکم می‌شوند؟

معاهدات مدرن حقوق متحدالشکل، هنگامی بر قراردادهای بین‌المللی حاکم می‌گردد که شرایط لازم برای اعمال قلمرویی و محتوایی^{۴۲} آن‌ها تحقق یابد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، کنوانسیون مرور زمان و کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی، شرایط الزام تحقق و قلمرو شمول^{۴۳} خود را تعریف کرده‌اند؛ به‌طوری‌که اگر آن الزامات تحقق یابد، کنوانسیون مزبور، بدون رجوع به قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حاکم می‌گردد.

به عنوان مثال، بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ارتباط با قلمروی اجرای این کنوانسیون، دو شیوه را مقرر نموده که در این صورت این کنوانسیون بر قراردادهای بیع بین‌المللی حاکم می‌گردد، این دو شیوه عبارتند از:

(الف) هنگامی‌که مکان‌های کسب‌وکار^{۴۴} طرفین، طبق آنچه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تعیین‌گردیده، در دولت‌های متعاقد^{۴۵} مختلف قرار دارد.

(ب) هنگامی‌که قانون حاکم بر قرارداد، طبق انتخاب و تراضی طرفین، یک قاعده حقوق بین‌المللی خصوصی، یعنی قانون یکی از دولت‌های متعاقد، باشد.

قراردادهای بیع بین‌المللی کالا در برخی موارد استثنایی (ماده ۲) یا در مورد «عقد‌های مرکب»^{۴۶} که در آن‌ها ارائه نیروی کار یا خدمات بر کالا غلبه دارد (ماده ۳)، ممکن است در دامنه شمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قرار نگیرد. نوع یا ماهیت دقیق این موارد و سایر

⁴² territorial and substantive application

⁴³ scope of application

⁴⁴ places of business

⁴⁵ Contracting States

⁴⁶ mixed contracts

محدودیت‌های ناظر بر اعمال‌پذیر بودن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در تعدادی از آرای دادگاهی، آرای داوری و مراجع تعلیمی و نظری^{۴۷} بررسی شده است. قانون حاکم بر قراردادهای بیع که مشمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیست، با اعمال شدن قواعد حقوق بین‌المللی خصوصی، انتخاب می‌شود.

ماده ۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به طرفین اجازه می‌دهد تا برای گستره اجرایی مقررات این کنوانسیون استثناء قائل شوند^{۴۸} و (به استثنای ماده ۱۲) از آثار هر یک از مقررات مزبور عدول کرده یا آن را تغییر دهند. براساس رویه‌های قضایی و نظرات پژوهشی (که تقریباً مورد اجماع است)، به صرف این‌که قراردادی بودن را قید کنیم دلیل بر انتخاب قانون حاکم از طرف آن دولت نیست، بلکه اگر دولت متعاقد این انتخاب را کرده باشد و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی آن را اجرایی سازد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا حاکم خواهد شد.

اعلامیه‌های^{۴۹} تسلیم شده توسط دولت‌ها نیز می‌تواند قابلیت اعمال^{۵۰} کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد یک قرارداد را تحت تاثیر قرار دهند.

۲) از طریق اعمال قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی

همان‌طور که در بالا خواندیم، معاملات بین‌المللی می‌تواند تحت حاکمیت اسناد حقوق متحدالشکل قرار گیرد، که این اسناد یا مستقیم یا به‌موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، بر قرارداد اعمال می‌شود.

اکثر حوزه‌های قضایی، نه تمامی آن‌ها، دارای قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی‌اند که هر دادگاهی می‌تواند برای مشخص کردن قانون حاکم

⁴⁷ *Doctrinal authorities*

⁴⁸ *opt out*

⁴⁹ *declarations*

⁵⁰ *applicability*

بر یک رابطه حقوقی خاص به آن‌ها رجوع کند. در بستر بیع یا معاملات برون مرزی^{۵۱}، دو شیوه اصلی برای مشخص کردن قانون حاکم وجود دارد:

(۱) هنگامی که طرفین قانون حاکم بر قراردادشان را انتخاب کرده‌اند، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی اعتبار می‌یابد.

(۲) هنگامی که طرفین قانون حاکم بر قراردادشان را انتخاب نکرده‌اند یا انتخاب آن‌ها نامعتبر و ناموثر است، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، قانون حاکم بر معامله را تعیین خواهد کرد.

بنابراین یک سند حقوق متحدالشکل، غیر از اعمال مستقیم، می‌تواند از طریق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، بر یک معامله بین‌المللی، از جمله قراردادهای بیع، حاکم گردد.

یک سند حقوق متحدالشکل، به سه روش بهره‌گیری از قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، می‌تواند بر یک معامله بین‌المللی حاکم شود:

(الف) هنگامی که طرفین، قانون یک دولت که یکی از سندهای حقوق متحدالشکل حاکم بر معامله است را پذیرفته و به عنوان قانون حاکم بر معامله انتخاب کرده‌اند؛

(ب) هنگامی که طرفین یک سند حقوق متحدالشکل را به عنوان «قواعد حقوقی^{۵۲}» حاکم بر معامله شان انتخاب کرده‌اند؛

(پ) هنگامی که در فقدان انتخاب قانون حاکم توسط طرفین، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی منجر به اعمال حقوق متحدالشکل شود.

هر یک از این روش‌ها به قواعد حاکم حقوق بین‌الملل خصوصی وابسته است. گاهی، این قواعد شامل قواعد داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی کشور مقر دادگاه^{۵۳} است، گاهی، شامل قواعد مندرج یک معاهده است که دولت مقر دادگاه هم، یکی از دولت‌های متعاقد آن است. گاهی ممکن

⁵¹ *cross-border sales or transactions*

⁵² *rules of law*

⁵³ *forum State*

است قواعد داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی، تحت تاثیر حقوق نرم مانند اصول لاهه قرار گیرد.

در ادامه مطالب، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی موجود در معاهدات، که برای تعیین قانون یا قوانین حاکم بر یک معامله بین‌المللی مفید خواهد بود را در سه حالت پیش فرض، بررسی می‌کنیم.

الف) هنگامی که طرفین قانون حاکم را تعیین کرده‌اند

امروزه اصل آزادی طرفین در مورد انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی، در اکثر سیستم‌های قضایی سراسر جهان، پذیرفته شده است. این اصل به آزادی طرفین برای انتخاب قانون یا قوانین، همچنین نظام یا نظام‌های حقوقی حاکم بر معاملات قراردادی‌شان از طریق یک توافق اشاره دارد. با این حال، نکته مهم این‌جاست که این اختیار و آزادی، مطلق و بی‌حد و حصر نیست و گستره آن در حوزه‌های قضایی مختلف، متفاوت است.

این تفاوت‌ها به جنبه‌های مختلف انتخاب طرفین مربوط می‌شود، جنبه‌هایی از قرارداد تحت تاثیر قانون منتخب آن‌ها قرار می‌گیرد که به الزامات تشریفاتی⁵⁴ و محدودیت‌های وضع شده توسط نظم عمومی⁵⁵ مرتبط است.

تاکنون اسناد بین‌المللی فراوانی مسئله قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی و اعمال آن توسط دادگاه‌های دولتی را بررسی کردند، که البته برخی از آن‌ها مانند کنوانسیون ۱۹۵۵ بیع کالا، کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه، کنوانسیون ۱۹۷۸ نمایندگی کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه، مقررہ رُم یک و اصول کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه بیشتر از اسناد دیگر استفاده شده است. در این میان کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه و مقررہ رُم یک،

⁵⁴ *formality requirements*

⁵⁵ *public policy*

به‌عنوان سند فراملی و الزام‌آور در دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (به جز دانمارک⁵⁶) محسوب می‌شود و در دسته «حقوق سخت» جای می‌گیرد. در مقابل، اصول کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه، یک سند «حقوق نرم» و غیرالزام‌آور با قلمروی نامحدود است.

محیط داوری

در داوری⁵⁷، طرفین از آزادی قابل توجهی برای انتخاب «قواعد حقوقی» غیردولتی حاکم بر ماهیت دعوایشان⁵⁸ برخوردارند. این آزادی انتخاب ابتدا در بند ۱ ماده ۲۸ قانون نمونه ۱۹۸۵ آنستیرال راجع به داوری تجاری بین‌المللی، به رسمیت شناخته شد؛ قواعد داوری آنستیرال، در بسیاری از حوزه‌های قضایی الگو قرار داده می‌شود. در قوانین داوری جدید، داوران باید انتخاب طرفین درباره قانون حاکم بر دعوایشان را تایید کنند.

مفهوم «قواعد حقوقی» در اصول لاهه تصریح شده و شامل قواعدی است که از منابع دولتی نشأت نگرفته، بلکه در سطح بین‌المللی، فراملی یا منطقه‌ای به عنوان یک مجموعه از قواعد بی‌طرفانه و متوازن⁵⁹، مورد پذیرش قرار گرفته است (ماده ۳ اصول لاهه). مانند اصول یونیدرواکه توسط نهادهای غیرتقنینی⁶⁰ وضع‌گردیده است.

اما نکته این‌جاست که اگرچه مفهوم مدنظر اصول لاهه از قواعد حقوقی، آن‌هایی است که توسط نهادهای غیردولتی ایجاد شده ولی همین قید کافی نیست و فقط در صورتی قابل اجراست که (طبق ماده ۳) به این درجه از اعتبار رسیده باشد تا در سطح بین‌المللی، فراملی یا منطقه‌ای به‌عنوان یک مجموعه از قواعد بی‌طرفانه و متوازن، مورد

⁵⁶ Denmark

⁵⁷ arbitration

⁵⁸ merits of their dispute

⁵⁹ neutral and balanced set of rules

⁶⁰ non-legislative bodies

پذیرش واقع شود. در مقابل، آن‌دسته از کدهای تجاری و ابزارهای مشابهی که به این درجه از اعتبار نرسد، از نظر لاهه به عنوان «قواعد حقوقی» قابل پذیرش نیست.

اصول لاهه، نه تنها در محیط دآوری بلکه در محیط قضایی نیز انتخاب «قواعد حقوقی» را موثر می‌داند، مشروط به این‌که چنین انتخابی، مجاز دانسته شود.

در یک محیط دآوری، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌تواند به عنوان قانون حاکم انتخاب شود حتی اگر محل کسب‌وکار طرفین در دولت‌های متعاقد آن نباشد یا قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی منجر به حاکم شدن این کنوانسیون نشود.

محیط قضایی

در یک محیط قضایی، معمولاً طرفین در انتخاب قانون دولتی حاکم بر قراردادهایشان آزادند. اگرچه قانون در این مورد سکوت کرده اما در بسیاری از موارد تفسیر ما بر این است که قوانین ملی کشورها به طرفین اجازه نمی‌دهد که قواعد حقوقی غیر دولتی را به عنوان قانون حاکم انتخاب کنند. با این‌حال تجربه ثابت کرده حتی در کشورهایی که انتخاب قانون غیردولتی توسط طرفین را به رسمیت نمی‌شناسند و به آن ترتیب اثر نمی‌دهند، قوانین غیردولتی ممکن است به‌طور غیرمستقیم از طریق ادغام با شرایط اصلی قرارداد⁶¹، اعمال شود.

ب) هنگامی‌که طرفین قانون حاکم را تعیین نکرده‌اند

امروزه معمولاً در قراردادهای بین‌المللی قید می‌کنند که قانون منتخب طرفین بر قراردادشان حاکم باشد، اما در برخی موارد، ممکن است یا چنین انتخابی نکرده‌اند یا انتخابشان قابل اجرا نباشد. در این مواقع، داور

⁶¹ *actual terms of the contract*

باید قانون حاکم بر قرارداد را از طریق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی تعیین کند.

قواعد تعیین قانون حاکم بر قرارداد درغیاب انتخاب قانون توسط طرفین، با توجه به روش حل اختلاف منتخب آن‌ها، متفاوت خواهد بود. وقتی می‌گوییم علاوه بر انتخاب قانون حاکم، روش حل اختلاف منتخب طرفین هم در سرنوشت دعوی تاثیر دارد یعنی این‌که اگر طرفین اختلافات آتی خود را به دیوان‌دآوری ارجاع دهند یا به دادگاه دولتی، دو مسیر متفاوت در پیش خواهند داشت.

در بحث دآوری، انتخاب طرفین، می‌تواند شامل حقوق فراملی غیردولتی هم باشد و این انتخاب معمولاً توسط دیوان‌های دآوری سراسر جهان تائید می‌شود. اما در نقطه مقابل، هنگامی‌که طرفین تصمیم به ارجاع اختلافات آتی به دادگاه‌های دولتی می‌گیرند، باید یک مرجع رسیدگی که توافق آن‌ها برای انتخاب قانون حاکم را به رسمیت بشناسد، انتخاب کنند.

البته فراموش نکنیم که توافق بین طرفین برای اعطای صلاحیت به یک دادگاه یا یک دیوان دآوری به‌عنوان مرجع رسیدگی برای اختلافات ناشی از قرارداد، لزوماً به معنی انتخاب قانون حاکم نیست (مثلاً ماده ۴ اصول لاهه و ماده ۷ کنوانسیون مکزیک). اگرچه، هنگامی‌که انتخاب قانون حاکم صراحتاً انجام نشده یا آشکارا اثبات نشده باشد، توافق طرفین برای انتخاب یک دادگاه، تلویحاً به معنی انتخاب قانون همان دادگاه، به‌عنوان قانون حاکم بر قراردادشان خواهد بود.

محیط دآوری

در شرایطی‌که طرفین، قانون حاکم بر قراردادشان را انتخاب نکرده باشند یا در صورت بی‌اعتبار بودن چنین توافقی، این داوران هستند که از صلاحیت اصلی برای تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوی، اعم از قانون دولتی و «قواعد حقوقی» غیردولتی، برخوردارند.

بر اساس تعدادی از قواعد و قوانین دآوری، دیوان‌دآوری می‌تواند قانون حاکم بر ماهیت دعوی را مستقیماً و بدون رجوع به قواعد حقوق

بین‌الملل خصوصی تعیین کند (ماده ۲۱ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، ماده ۱۵۱۱ قانون داورى فرانسه). این انتخاب با «روش مستقیم» است.

از جانب دیگر، بند ۲ ماده ۲۸ قانون نمونه ۱۹۸۵ آنسیترال راجع به داورى تجارى بین‌المللى و بند ۳ ماده ۴۶ قانون داورى انگلیس بیان می‌کنند که دیوان داورى، فقط قانون منتخبى را اعمال پذیر می‌داند که توسط قواعد حل تعارض قوانین انتخاب شده باشد.

تجربه نشان داده است، باتوجه به این‌که داوران باید آرای خود را با دلایل منطقی ارائه دهند، برای تعیین قانون حاکم در غیاب انتخاب توسط طرفین، اغلب اوقات به قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی رجوع می‌کنند.

محیط قضایی

برای تعیین قانون حاکم در فقدان انتخاب آن، دادگاه‌های دولتی، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی مرجع رسیدگی را اعمال می‌کنند، که می‌تواند شامل قواعد بین‌المللی، فراملی یا داخلی باشد. البته اکثر نظام‌های داخلی حقوق بین‌المللی خصوصی، به داور اجازه نمی‌دهند تا در فقدان انتخاب قانون حاکم، قانون فراملی غیردولتی را برای حاکم شدن بر قرارداد، اعمال کند. با این حال، صراحتی مبنی بر ممنوعیت استفاده از آن ذکر نشده و اتفاقاً دادگاه‌ها در بسیاری از موارد به منظور تفسیر قانون دولتی حاکم، یا رفع خلاءهای آن قانون، به قانون غیردولتی رجوع می‌کنند.

ج) اعمال تا مرز قواعد آمره و نظم عمومی

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، طرفین در قرارداد بیع، معمولاً اختیار دارند قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب و در مورد شرایط آن توافق کنند. با این حال، اعمال قانون منتخب طرفین ممکن است توسط قواعد آمره و نظم عمومی، محدود شود.

در حقوق بین‌الملل خصوصی، قواعد آمره برتر^{۶۲} باید از قواعد آمره عادی^{۶۳} و حقوق قراردادها (یعنی قواعدی که با توافق قابل عدول نیست) تفکیک‌گردد، چراکه قواعد برتر دارای اهمیت اساسی در نظام حقوقی هر کشوری هستند و حتی علیرغم وجود قانونی که در غیراین صورت حاکم بر قرارداد است، اعمال خواهند شد. درحالی‌که قواعد آمره عادی تنها تا حدی که جزئی از قانون حاکم باشد، قابل اعمال است.

قواعد آمره برتر، یعنی مقررات حقوقی مصوب یک دولت، که در یک معاهده بین‌المللی درج گردیده یا از یک نهاد فراملی نشأت گرفته است (برای مثال، ماده ۱۰۱ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا^{۶۴}) و صرف نظر از وجود قانونی که در غیراین صورت حاکم بر قرارداد باشد، اعمال‌پذیر است. این قواعد از یک نظام حقوقی به نظام دیگر تفاوت دارد، چراکه با مسائل حساس نیازمند حمایت یا نظارت خاص (مانند حمایت از مصرف‌کننده،^{۶۵} قانون رقابت،^{۶۶} ارز^{۶۷} و فساد^{۶۸}) ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین، قواعد آمره برتر، محدودیت‌های مهمی را بر اصل اختیار طرفین برای انتخاب قانون حاکم وضع می‌کند و ممکن است از جستجوی مساعدترین مرجع رسیدگی^{۶۹} در حوزه‌های حساس جلوگیری کند. باین‌حال، قواعد آمره به ندرت با چنین صراحتی بیان شوند و غالباً، توسط رویه‌های قضایی تعیین می‌شوند. در برخی حوزه‌های قضایی، مفهوم قواعد آمره، ناشناخته یا استفاده نشده است، باین‌حال، قضات با استفاده از دکترینی که به دادگاه اجازه خودداری از اعمال قوانین ناقض نظم عمومی را می‌دهد، به نتایج یکسانی دست می‌یابند. در عمل، اگر سوابق قضایی^{۷۰} تفسیرکننده برای یک شرط حقوقی

⁶² *overriding mandatory rules*

⁶³ *ordinary mandatory rules*

⁶⁴ *Treaty on the Functioning of the European Union*

⁶⁵ *consumer protection*

⁶⁶ *competition law*

⁶⁷ *Currency*

⁶⁸ *Corruption*

⁶⁹ *forum shopping*

⁷⁰ *judicial precedents*

خاص وجود نداشته یا به راحتی قابل دسترسی نباشد، این محدودیت‌ها می‌تواند برای پیش‌بینی‌پذیری حقوقی^{۷۱} مانعی ایجاد کند.

مفهوم نظم عمومی، بیان‌گر سازوکار حمایت از ارزش‌های عمده نظام حقوقی مرجع رسیدگی در مقابل اعمال شدن یک قانون خارجی است. با جلوگیری از اعمال شدن یک قانون خارجی، که طرفین انتخاب کرده‌اند یا در مطابقت با قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی تعیین شده است، استثنای دیگری به نام نظم عمومی، اثرات مشابه با آثار قواعد آمره برتر را ایجاد می‌کند. طبق استثنای نظم عمومی، داور، بر این اساس که اعمال یک قانون خارجی در قضیه‌ای خاص، با سیاست‌های اساسی مرجع رسیدگی یا نظام حقوقی دیگری (که در غیاب انتخاب طرفین بر قرارداد حاکم می‌شد) متعارض یا متناقض است، اعمال آن قانون را منع می‌کند. این یک وسیله استثنائی اما ضروری است تا از وقوع نتایجی که ممکن است از مفاهیم بنیادین عدالت اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی^{۷۲} یک کشور تخطی شده باشد، اجتناب کند.

بسیاری از اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای حقوق بین‌الملل خصوصی، هم به قواعد آمره برتر و هم به نظم عمومی، توجه دارند.

به عنوان مثال در جدول، مواد مرتبط به قواعد آمره در «قوانین یونیدورا» و «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» را می‌بینیم:

قواعد آمره منتخب در چارچوب اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدورا	ماده ۱/۷ (حُسن‌نیت و معامله منصفانه ^{۷۳}) ماده ۳/۱/۴ (شروط کلی اعتبار ^{۷۴}) ماده ۷/۱/۵(۲) (تعیین ثمن ^{۷۵})
--	--

⁷¹ legal predictability

⁷² social, economic or political justice

⁷³ good faith and fair dealing

⁷⁴ general provisions on validity

⁷⁵ price determination

ماده (۲) ۱۳. ۴. ۷ (پرداخت مورد توافق در قبال عدم ایفا ^{۷۶}) (ماده (۲) ۳. ۱۰ (مدت‌های مرور زمان ^{۷۷})	
ماده ۱۲ ماده ۲۸	قواعد آمره در چارچوب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

فصل سوم :

کنوانسیون به عنوان قانون حاکم بر قرارداد

اهمیت و جایگاه «بیع» در قراردادهای داخلی و بین‌المللی

حقوق بیع، بی‌شک مهم‌ترین شاخه حقوق قراردادهاست که امور مربوط به حقوق اموال را شامل می‌شود. «بیع» عنوان عقد معینی است که در زبان فارسی به آن **خرید و فروش** می‌گویند. بیع واژه‌ای عربی و انتخاب آن در قانون مدنی ایران متأثر از کتب فقهی بوده است. همان‌طور که گفتیم، اصلی‌ترین و مهم‌ترین عقد در کلیه سیستم‌های حقوقی همین **عقد بیع** بوده چرا که متداول‌ترین حالتی است که فردی کالایی را با پول یا مال کلی مبادله می‌نماید. به همین جهت است که سیستم‌های حقوقی در مقام بیان قواعد عمومی قراردادها از واژه‌های بیع یا خرید یا فروش یا بایع یا مشتری یا خریدار یا فروشنده یا مبیع یا ثمن استفاده می‌کنند.

در قانون مدنی ایران ماده ۳۳۸، عقد بیع، عقدی تملیکی و معوض است. در صورتی‌که مبیع عین معین یا در حکم عین معین باشد، به محض عقد، به مشتری منتقل می‌شود و حتی اگر تسلیم او نشده باشد و یا بایع ثمن را قبض نکرده باشد. در صورتی‌که مبیع کلی باشد، بیع عقدی عهدی است یعنی به‌وسیله آن بایع تعهد می‌نماید مبیع را به مشتری تملیک نماید و عمل تملیک به‌وسیله قبض به‌عمل می‌آید. برای این‌که

⁷⁶ agreed payment for non-performance

⁷⁷ limitation periods

عقد بیع صحیح واقع شود باید دارای شرایط اساسی صحت معاملات باشد. عقد بیع به توافق قصد و رضای طرفین به انعقاد بیع، به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر آن کند، واقع می‌شود. همچنین در مواد دیگری، انواع و شرایط آن به تفصیل بیان شده که در اینجا موضوع بحث ما نیست و مطالعه آن را به عهده خواننده می‌گذاریم.

حالا به جنبه بین‌المللی آن نگاهی بیندازیم. قرارداد بیع بین‌المللی در تجارت بین‌الملل نقش مهم و محوری دارد و قراردادهای دیگر نظیر حمل‌ونقل و بیمه جهت تسهیل اجرای آن به‌وجود آمده‌اند؛ افزون بر این بسیاری از مسائل حاکم بر بیع بین‌المللی، در خصوص دیگر معاملات در تجارت بین‌الملل نیز به‌کار می‌رود. قرارداد بیع بین‌المللی ویژگی‌هایی دارد که مشابه قراردادهای بیع داخلی نیست. در قراردادهای بیع داخلی نظام حقوقی حاکم بر قرارداد، مشخص است و طرفین قرارداد با مراجعه به حقوق داخلی از چارچوب حقوقی آن اطلاع می‌یابند. یعنی تنها منبع مهم برای انعقاد قرارداد در بیع داخلی، اطلاع از قوانین داخلی است، در حالی که در بیع بین‌المللی، فروشنده و خریدار در دو کشور متفاوت اقامت دارند، از این رو وابسته به چند نظام حقوقی مختلف می‌شود. فروشنده از یک کشور، کالایی را به خریدار مقیم کشور دیگر می‌فروشد، اجرای قرارداد، انتقال کالا یا هر شی و خدمتی از کشوری به کشور دیگر است، چه بسا نظام حقوقی دو کشور خریدار و فروشنده با هم تفاوت داشته باشد و قواعد متفاوتی بر انعقاد قرارداد و آثار آن حاکم شود، از این لحاظ تنظیم قرارداد بیع بین‌المللی کالا باید در چارچوبی به‌عمل آید که مورد قبول دولت‌های طرفین واقع گردد و به همین جهت از اهمیت خاصی برخوردار است و وقوف به سازوکارهای حقوقی حاکم بر آن بسیاری از مشکلات اجرایی قرارداد را از میان برمی‌دارد.

بر اساس آنچه گفتیم، حالا دیگر در ضرورت استفاده از یک قانون متحد یکپارچه شک و شبهه‌ای نداریم و همان‌طور که اشاره کردیم منابع متعددی از اسناد متحدالشکل هستند که می‌توان برای انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای بیع از آن‌ها بهره گرفت. در اینجا به‌عنوان مهم‌ترین

سند حقوقی متحدالشکل به قانون ماهوی بیع بین‌الملل با استناد به بندهای کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌پردازیم و به همه سوال‌های احتمالی راجع به قراردادهایی که براساس حاکمیت این کنوانسیون منعقد شده‌اند، با رعایت ترتیب مواد (تا حد امکان)، پاسخ می‌دهیم.

اهمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اگرچه دلایل اهمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تقریباً بر همگان روشن است اما در قالب نخستین پرسش به آن می‌پردازیم و مختصری از دلایل طرفداران این سند را مرور می‌کنیم.

پرسش ۱) دلایل اهمیت این کنوانسیون در بین سایر اسناد چیست؟

پاسخ: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مصوب ۱۹۸۰ وین یکی از مهم‌ترین اسنادی به‌شمار می‌رود که در زمینه یکسان‌سازی حقوق ماهوی تصویب شده است. این کنوانسیون، موجب کاهش هزینه‌ها، افزایش قطعیت حقوقی، مدرن کردن حقوق داخلی و افزایش تجارت شده و سادگی، قطعیت، منصفانه بودن، موفقیت و تفسیر متحدالشکل آن از جمله دلایل طرفداران کنوانسیون در راستای الحاق به آن است. اگرچه برخی منتقدان، آن را سندی سازشی، ایستا و ناکارآمد توصیف کرده‌اند ولی ارزیابی کلی بیان‌گر این است که دلایل طرفداران کنوانسیون قوی‌تر بوده و این سند مهم، موجب ارتقای نظام حقوقی، کاهش هزینه‌ها، افزایش تجارت و توسعه اقتصادی شده و در نهایت افزایش رفاه عمومی را در پی دارد و با ملاحظه همین نتایج، الحاق به کنوانسیون توصیه می‌شود.

خوب است پیش از ورود به ماهیت مواد کنوانسیون، در ابتدا نگاهی اجمالی به پیشینه، روند شکل‌گیری، اعضا، ساختار و دلایل عدم الحاق ایران به این سند مهم بین‌دازیم:

پیشینه و روند شکل‌گیری کنوانسیون

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محصول یک فرآیند و تلاش ۶۰ ساله است. اقدامات اولیه در جهت تدوین قانون متحدالشکل در زمینه حقوق قراردادها در سال ۱۹۲۰ تحت نظر مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی آغاز شد. در سال ۱۹۲۹ مؤسسه یونیپروا بنا به پیشنهاد «ارنست رابل» حقوقدان آلمانی، تصمیم گرفت که مطالعات ضروری مقدماتی و کار تهیه و تدوین قانون متحدالشکل را به کمیته‌ای متشکل از حقوق‌دانان برجسته حقوق تطبیقی واگذار کند. کمیته مزبور بین سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۴، یازده بار تشکیل جلسه داد و نسخه پیش‌نویس در سال ۱۹۳۴ آماده شد. شورای حکام مؤسسه رم در سال ۱۹۳۹ نسخه اصلاحی پیش‌نویس را تصویب کرد اما با وقوع جنگ جهانی دوم، این فرآیند به تأخیر افتاد. در سال ۱۹۱۵ کشور هلند، کنفرانسی را در لاهه با شرکت حدود ۲۰ دولت تشکیل داد و کمیسیونی را مامور تهیه طرح جدید کرد. این طرح در یک کنفرانس بین‌المللی لاهه، از ۱ تا ۱۷ آوریل ۱۹۶۴ به بحث گذارده شد. کنفرانس مزبور، دو کنوانسیون را تصویب کرد که به کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ معروف هستند؛ یکی کنوانسیون مشتمل بر قانون یکنواخت راجع به بیع بین‌المللی اشیا منقول مادی که علامت اختصاری آن در انگلیسی (ULIS) و در فرانسه (LUVI) است؛ و دیگر کنوانسیون مشتمل بر قانون یکنواخت راجع به تشکیل قرارداد بیع بین‌المللی اشیا منقول مادی است که با علامت اختصاری (LUFC) به فرانسه و (ULFC) به انگلیسی مشخص می‌شود. نخستین کنوانسیون مربوط به تعهدات بایع و مشتری و به نوعی آثار بیع است و کنوانسیون دوم، از تشکیل قرارداد بیع سخن می‌گوید. دو طرح مذکور برای این‌که پذیرش بیشتری داشته باشند و هر دولت بتواند یکی از آن‌ها یا هر دو را بپذیرد، در هم ادغام نشدند. این طرح‌ها در ژوئیه ۱۹۶۴ آماده امضای کشورها شد.

کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ که سعی در سازش دادن و تلفیق سنت‌های نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی و کامن لا داشتند، با شکست نسبی مواجه شدند. این کنوانسیون‌ها در اوت ۱۹۷۲ وارد مرحله اجرایی شده ولی فقط به تصویب تعداد کمی از کشورها رسیدند (۸ کشور LUVI و ۷ کشور LUFC را تصویب کردند که این کشورها بیشتر اروپایی بودند) و انگهی همه کشورها به جز اسرائیل از یک یا چند حق رزرو استفاده و از این طریق قلمرو اجرای کنوانسیون‌ها را محدود کردند. این شکست نسبی، اندیشه تهیه و تصویب کنوانسیون جدیدی را پدید آورد. سازمان ملل متحد با نظرسنجی از کشورهای عضو به این جمع‌بندی رسید که کنوانسیون‌های لاهه از شانس کمتری برای موفقیت و پذیرش عمومی برخوردار است، لذا در صدد تدوین و تصویب سند جدید برآمد. این بار کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی (آنسیترال) انجام این کار مهم را بر عهده گرفت و سند پیش‌نویس که مشتمل بر مقررات حاکم بر تشکیل قراردادهای بیع و حقوق و تعهدات ناشی از آن بود توسط این موسسه آماده شد.

تدوین نسخه نهایی توسط آنسیترال

آنسیترال در نخستین دوره اجلاسیه خود به سال ۱۹۶۸، به اتفاق آرا بررسی بیع بین‌المللی را از نخستین کارهای خود قرار داد. به این منظور از کشورها راجع به کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ نظرخواهی شد. ۱۰ کشور از جمله فرانسه اعلام کردند که قصد تصویب کنوانسیون‌های مزبور را دارند؛ ۱۲ کشور اعلام کردند که در موضوع را در دست بررسی دارند؛ ۱۰ کشور از جمله ایالات متحده امریکا و شوروی سابق نیز صراحتاً گفتند که قصد تصویب آن‌ها را ندارند. در مجموع به آن کنوانسیون‌ها انتقاد می‌کردند که در جزمیت، اصول‌گرایی و پیچیدگی (هم برای حقوق‌دانان و هم برای افراد غیرمتخصص) افراط کرده‌اند. ایراد کشورهای غیرغربی نیز آن بود که در تدوین آن‌ها به اندازه کافی مشارکت نداشتند. پس از بررسی‌های لازم تصمیم به تهیه

کنوانسیون‌های جدیدی گرفته شد. دو طرح با الهام از کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ فراهم آمدند که یکی مربوط به آثار بیع (حقوق و تعهدات بایع و مشتری) و دومی راجع به انعقاد قرارداد بیع بود؛ ولی این بار تصمیم گرفتند، هر دو محور در قالب یک کنوانسیون جمع آوری شود. آنسیترال در سال ۱۹۷۸ هر دو را تصویب و آن‌ها را در یک طرح ادغام کرد. این طرح در همان سال به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم و مجمع با تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی جهت تصمیم‌گیری درباره آن، موافقت خود را اعلام کرد. کنفرانس مزبور ۱۰ مارس تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ با شرکت نمایندگان ۶۲ کشور و ۸ سازمان بین‌المللی در وین تشکیل و پس از بحث و بررسی، طرح آنسیترال با اصلاحاتی، تحت عنوان «کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا» به تصویب رسید و به شش زبان رسمی سازمان ملل (انگلیسی، عربی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی) چاپ و منتشر گردید.

کشورهای عضو کنوانسیون

این سند در سال ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد. امروزه ۹۰ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند و عنوان شده تمام کشورهای قدرتمند اقتصادی که بیش از دوسوم خرید و فروش‌های بین‌المللی را در اختیار دارند، به استثنای انگلیس، عضو این کنوانسیون هستند.

تا سال ۲۰۱۸، کشورهای زیر با تصویب یا پذیرش کنوانسیون به آن پیوستند.

اتریش	استرالیا	ارمنستان	آرژانتین	آلبانی
بنین	بلژیک	بلاروس	بحرین	جمهوری آذربایجان

کامرون	بوروندی	بلغارستان	برزیل	بوسنی و هرزگوین
جمهوری کنگو	کلمبیا	چین	شیلی	کانادا
جمهوری چک	قبرس	کوبا	کرواسی	کاستاریکا
السالوادور	مصر	اکوادور	جمهوری دومینیکن	دانمارک
گابن	فرانسه	فنلاند	فیجی	استونی
گویان	گینه	یونان	آلمان	گرجستان
اسرائیل	عراق	ایسلند	مجارستان	هندوراس
لبنان	لتونی	قرقیزستان	ژاپن	ایتالیا
ماداگاسکار	لوکزامبورگ	لیتوانی	لیبریا	لسوتو
مونتنگرو	مغولستان	مولداوی	مکزیک	موریتانیا
فلسطین	پاکستان	نروژ	نیوزیلند	هلند
رومانی	کره جنوبی	لهستان	پرو	پاراگوئه
سنگاپور	صربستان	سانمارینو	سنت وینسنت و گرنادینها	روسیه
سوئیس	سوئد	اسپانیا	اسلوانی	اسلواکی
اوکراین	اوگاندا	ترکیه	مقدونیه شمالی	سوریه
زامبیا	ویتنام	ازبکستان	اروگوئه	ایالات متحده امریکا

عدم الحاق ایران به کنوانسیون

ایران به‌رغم این‌که یکی از ۶۱ کشور و سازمان بین‌المللی بوده که کنوانسیون را در سال ۱۹۸۰ به تصویب رساند، تاکنون به آن ملحق نشده است. تصمیم‌گیری در خصوص الحاق و پاسخ به این سؤال که الحاق به نفع نظام حقوقی و اقتصادی ایران است یا خیر، نیازمند بررسی دقیق کنوانسیون و کارکردهای مثبت و منفی آن است.

پاسخ به این سؤال‌های اساسی که آیا الحاق به کنوانسیون موجب ارتقای کیفی نظام حقوقی و اقتصادی ایران خواهد شد یا اثرات و کارکردهای منفی آن در مقایسه با حقوق داخلی بیشتر است؟ و این‌که الحاق ایران به کنوانسیون با توجه به تعارضات ظاهری آن با حقوق داخلی قابل توصیه است یا خیر؟ بی‌شک نیازمند بررسی و تحقیق مفصلی است که موضوع بحث ما در این کتاب نیست و فقط به اشارات مختصری از آن برای طرح مسئله در ذهن مخاطب خواهیم پرداخت. دلایل عمده عدم الحاق و موارد اختلاف کنوانسیون مزبور با قانون مدنی در پرسش‌های ۷۷ و ۷۸ همین کتاب مطرح شده است.

به‌رغم ویژگی‌ها و کارکردهای مثبت متعدد کنوانسیون، منتقدین و مخالفین الحاق به آن، مفیدبودن کنوانسیون و ارتقای نظام حقوقی به وسیله آن را زیر سؤال برده‌اند. آنان از یکسان‌سازی ماهوی توسط کنوانسیون انتقاد کرده و عنوان می‌کنند که کنوانسیون، سندی سازشی بین کشورهای تصویب‌کننده آن است. آمار بالای عدم اعمال کنوانسیون در تجارت بین‌الملل توسط طرفین قرارداد، عدم قطعیت حقوقی در سایه کنوانسیون و ایستایی آن از دیگر انتقادات وارد به‌شمار می‌رود. باوجود تمامی انتقادات و ایرادات مطرح شده نسبت به کنوانسیون، می‌توان گفت، در ارزیابی کنوانسیون باید این نکته را در نظر بگیریم که صرفاً ۲۷ سال از لازم‌الاجرا شدن آن سپری شده و لذا کنوانسیون سندی جدید است و رژیم حقوقی‌ای که معرفی می‌کند تقریباً با تمام نظام‌های حقوقی موجود در اکثر موارد تفاوت دارد و از همین رو برای تمام افراد جامعه جهانی اعم از طرفین قرارداد و حقوق‌دانان (استادان، وکلا، مشاورین و قضات) ناآشنا و بدیع به نظر می‌رسد. آشنایی با کنوانسیون نیازمند صرف هزینه و آموزش مناسب بوده و این مهم نیازمند زمان است. لذا ایراد به این‌که کنوانسیون توسط طرفین قراردادی به‌صورت گسترده‌ای استثنای می‌شود، وارد نبوده و نمی‌توان

آن را به‌عنوان یکی از نواقص کنوانسیون تلقی کرد. اگر حقوق قراردادهای ملی کشورها مقبولیت بیشتری دارد، به دلیل سابقه طولانی قوانین و حقوق‌های ملی کشورها است و بدون تردید با گذشت زمان و کسب تجربه، کنوانسیون عملاً در حوزه بیع بین‌الملل جایگزین قوانین داخلی کشورها شده و به‌صورت فراگیر و گسترده اعمال خواهد شد. ثانیاً، کنوانسیون اگرچه به‌صورت مطلق و کامل نتوانسته است به یکسان‌سازی مقررات تحت شمول خود دست یابد ولی باید در نظر داشت که اولین گام عملی در راه رسیدن به متحدالشکل کردن قراردادهای بیع بین‌الملل بوده و همین حد از یکپارچگی نیز موفقیت بزرگی به شمار می‌رود. همچنین موضوعاتی که از حیث ماهوی، یکسان‌سازی مطلق در خصوص آن‌ها حاصل نشده است، قسمت‌های مهم و اعظم کنوانسیون را تشکیل نمی‌دهند و بیشتر موضوعات کاربردی حقوق قراردادهای بیع مانند نقض قراردادها و روش‌های جبرانی (به‌غیر از الزام به اجرای عین تعهد) یکسان و متحدالشکل شده است. از دیگر انتقادهایی که در خصوص کنوانسیون مطرح می‌شود، ناشی از مقایسه کنوانسیون با نظام‌های حقوقی پیشرفته و کارآمد است و از دیدگاه حقوق ایران این ایرادات قابل طرح نیست چرا که نظام حقوقی ایران، جایگزین مناسبی برای موارد انتقادی ارائه نمی‌دهد. تعارض‌های بین کنوانسیون و قانون مدنی ایران نیز صرف‌نظر از تلاش‌های فراوانی که برای توجیه آن شده، دلیل معقولی برای عدم الحاق به کنوانسیون نیست و باید بررسی شود که کدام یک کارکرد بهتری دارد. با نگاهی منصفانه، به‌طور قطع و یقین می‌توان گفت مقررات کنوانسیون بیع در مواردی که با مقررات قانون مدنی مغایرت دارد، بهتر، کارآمدتر و مدرن‌تر بوده و شایسته است که قانون‌گذار داخلی نسبت به بعضی مقرره‌های بعضاً مهجور قانون مدنی کمی منعطف‌تر عمل کرده و با الحاق به کنوانسیون بیع، در راستای ارتقا و مدرن کردن نظام حقوقی کشور گام برداشته و تأسیس‌های حقوقی جدید مانند «نقض قابل پیش‌بینی» یا «نقض اساسی» را به نظام حقوقی داخلی نیز تسری دهد. بی‌تردید الحاق به کنوانسیون برای نظام حقوقی و اقتصادی ایران، ضروری بوده و به ارتقا، مدرن و کارآمد شدن آن، هماهنگی با طرف‌های خارجی، افزایش تجارت، توسعه اقتصاد کشور و کاهش هزینه‌ها منجر شده و بالطبع افزایش رفاه عمومی را در پی

خواهد داشت. همگی این موارد توجیه‌کننده ضرورت الحاق به کنوانسیون است.

آشنایی با ساختار کنوانسیون

پرسش ۲) مهم‌ترین اصول و اهداف کنوانسیون، چیست؟

پاسخ: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ساختار خود، با یک مقدمه مشتمل بر سه بند آغاز می‌شود. در مقدمه، اصول و هدف‌هایی که الهام‌بخش دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک وین و نخستین امضاکنندگان این سند بوده، ذکر شده است. این اهداف عبارتند از: برقراری یک نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، برابری و نفع متقابل که عامل مهمی در ارتقای مناسبات دوستانه بین کشورهاست، رفع موانع حقوق تجارت بین‌المللی و فراهم آوردن موجبات توسعه آن.

ساختار مواد کنوانسیون نیز به شرح زیر است:

پس از مقدمه، مواد و مقررات کنوانسیون، ذیل صد و یک ماده در چهاربخش، بیان شده است:

بخش اول: قلمرو اجرا و مقررات کلی (مواد ۱-۱۳)

مبحث اول: دامنه اجرا (مواد ۱-۶)

مبحث دوم: مقررات کلی و عمومی (مواد ۷-۱۳)

بخش دوم: تشکیل قرارداد (مواد ۱۴ تا ۲۴)

بخش سوم: بیع کالا

فصل اول: مقررات کلی (مواد ۲۵-۲۹)

فصل دوم: تعهدات فروشنده (مواد ۳۰-۵۲)

مبحث اول: تحویل کالا و تحویل اسناد (مواد ۳۰-۳۰)

(۳۵)

مبحث دوم: انطباق کالا و دعاوی شخص ثالث (مواد

۳۵-۴۴)

مبحث سوم: جبران‌های نقض قرارداد توسط
فروشنده (مواد ۴۵-۵۲)

فصل سوم: تعهدات خریدار (مواد ۵۴-۶۵)

مبحث اول: پرداخت ثمن (مواد ۵۴-۵۹)

مبحث دوم: تحویل گرفتن (ماده ۶۰)

مبحث سوم: جبران خسارت قراردادی توسط

خریدار (مواد ۶۱-۶۵)

فصل چهارم: انتقال ریسک/خطر (مواد ۶۶-۷۰)

فصل پنجم: تعهدات مشترک بایع و مشتری (مواد ۷۱-۸۸)

مبحث اول: تعهدات مشترک بایع و مشتری

مبحث دوم: نقض قابل پیش‌گیری قرارداد

اقساطی (مواد ۷۱-۷۳)

مبحث سوم: خسارت حاصل از عدم اجرای

تعهد (مواد ۷۴-۷۷)

مبحث چهارم: بهره / سود (ماده ۷۸)

مبحث پنجم: معافیت‌ها / موارد رافع مسئولیت

(مواد ۷۹-۸۰)

مبحث ششم: آثار بطلان (مواد ۸۱-۸۴)

مبحث هفتم: حفظ و نگهداری کالا (مواد ۸۵-

۸۸)

بخش چهارم: مقررات نهایی (مواد ۸۹ تا ۱۰۱)

بخش اول: قلمرو _ موجبات اعمال کنوانسیون

پرسش ۳) چه زمانی یک بیع، بین‌المللی محسوب می‌شود؟

پرسش ۴) چه زمانی کنوانسیون برای طرفین لازم‌الاجرا می‌شود؟

۱. این کنوانسیون ناظر بر قراردادهای بیع کالا بین طرفینی است که محل تجارت^{۷۸} آن‌ها در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده باشد، مشروط بر این‌که:

الف: کشورهای مذکور در زمره دولت‌های متعاقد باشند؛ یا

ب: زمانی که قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) منجر به اعمال قانون یکی از کشورهای متعاقد گردد.

۲. این واقعیت که محل تجارت طرفین در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده است مورد توجه قرار نخواهد گرفت، مگر این‌که واقعیت مزبور از قرارداد و یا از معاملات بین طرفین یا اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها در زمان انعقاد قرارداد و یا هر زمانی پیش از آن استنباط گردد.

۳. تابعیت طرفین قرارداد یا خصوصیت مدنی یا تجاری قرارداد یا طرفین، در تعیین قلمرو این کنوانسیون لحاظ نمی‌شود.

پاسخ: هنگامی‌که شرایط مندرج در این سند و مشخصاً بند ۱ ماده ۱ آن تحقق یابد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای طرفین، قضات و داوران لازم‌الاجرا می‌شود. طبق نص ماده، بیع کالا هنگامی «بین‌المللی» محسوب می‌شود که محل کسب‌وکار طرفین متعاقد در دولت‌های مختلف قرار دارد (اگر طرفین بیش از یک محل کسب‌وکار داشته باشند، محلی‌که نزدیک‌ترین ارتباط با قرارداد یا اجرای آن را دارد، محل کسب‌وکار قلمداد می‌شود). هیچ ملاک دیگری برای تعیین بین‌المللی بودن^{۷۹} قرارداد بیع، از جمله ملیت طرفین، ماهیت مدنی یا تجاری طرفین یا قرارداد، لازم نیست.

پرسش ۵) چه ارتباطاتی، موجب اعمال کنوانسیون را فراهم می‌کند؟

⁷⁸ *place of business*

⁷⁹ *internationality*

پاسخ: شروط بندهای ۱ (الف) و (ب) ماده ۱، درباره تماس‌های بین معامله بیع و دولت بایع‌که موجب اعمال این کنوانسیون می‌شود، توضیحاتی داده است. در صورتی‌که دولت‌های محل استقرار محل‌های کسب‌وکار طرفین در زمره دولت‌های متعاقد کنوانسیون بوده یا هنگامی‌که قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی منجر به اعمال قانون یک دولت متعاقد شود، کنوانسیون مزبور اعمال خواهد شد.

توافقات طرفین ممکن است اعمال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را لغو کند (ماده ۶). همچنین، (طبق ماده ۹۵)، هر دولت متعاقد می‌تواند با تسلیم اعلامیه‌ای، اعمال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را از طریق اعمال قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، نفی نماید.

طبق بند ۲ ماده ۱، اگر در زمان انعقاد قرارداد، حقایقی‌که ثابت کند، بیع بین‌المللی است یا نه، برای طرفین آشکار نباشد، درباره تصمیم اعمال کنوانسیون، معیار بین‌المللی بودن نادیده‌گرفته می‌شود. بدین‌ترتیب، مثلاً، هنگامی‌که یک قرارداد بیع توسط نماینده یکی از طرفین منعقد شود بدون این‌که استقرار محل کسب‌وکار کارفرما در دولتی متفاوت با طرف دیگر افشا شود، کنوانسیون بر قرارداد حاکم نمی‌شود.

پرسش ۶) آیا کنوانسیون می‌تواند قانون حاکم بر بیع باشد؟

پرسش ۷) نقش اصول یونیدروا، در حاکمیت کنوانسیون بر قرارداد بیع چیست؟

پاسخ: طبق اصل اختیار طرفین برای انتخاب قانون حاکم، طرفین می‌توانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را حاکم نمایند در صورتی‌که به‌نحو دیگری اعمال نشود (انتخاب کردن به عنوان قانون غیردولتی). در چنین قضایایی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به عنوان پیکره‌ای از قواعد حقوقی محسوب خواهد شد (ماده ۳ اصول لاهه). اما در صورتی‌که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حسب شرایط خود اعمال

نشود (یعنی، اگر شرایط مندرج بند ۱ ماده ۱ تحقق نیابد)، انتخاب این کنوانسیون به عنوان قانون حاکم، تابع محدودیت‌های انتخاب قواعد حقوقی غیردولتی برای حاکمیت بر قرارداد خواهد بود.

طبق بند ۲ ماده ۲ اصول لاهه، طرفین می‌توانند بیش از یک قانون را به عنوان قانون حاکم بر قراردادشان داشته باشند. بر همین اساس، طرفین می‌توانند هم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و هم اصول المللی یونیدرو را به عنوان قوانین حاکم انتخاب کنند. بسته به انتخاب طرفین، اصول یونیدرو ممکن است نقش محدود قانون پس زمینه^{۸۰} را در مقابل نقش اصلی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ایفا کند.

پرسش ۸) تعریف «کالا» از منظر کنوانسیون چیست؟

پرسش ۹) چه بیع‌هایی از مستثنیات کنوانسیون محسوب می‌شود؟

ماده ۲

این کنوانسیون بر بیع‌های زیر اعمال نمی‌شود:

الف) بیع کالاهایی که جهت مصارف شخصی، خانوادگی یا استفاده در منازل خریداری می‌شوند، مگر این‌که فروشنده قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن، از این‌که کالاهای مزبور برای مصارف فوق خریداری شده اند، اطلاعی نداشته یا مکلف نبوده اطلاعی در این مورد داشته باشد.

ب) بیع از طریق مزایده و حراج؛

ج) بیع ناشی از اجرای احکام یا فروشی که به هر نحو دیگری با مجوز قانونی صورت می‌گیرد؛

د) بیع سرمایه شرکت‌های تجاری (سهام)، سهام شرکت‌ها،

تضمین‌های سرمایه‌گذاری (اوراق بهادار) اسناد قابل انتقال یا پول؛

ه) فروش کشتی‌ها، سفاین، هاورکرافت‌ها (هواناوها) و وسایل نقلیه

پاسخ : شش دسته خاص بیع بین‌المللی از شمول کنوانسیون مستثنی شده‌اند. موارد ذکر شده در بند (الف) ماده ۲ با بیع کالا به خریدارانی که آن‌ها را جهت مصارف شخصی، خانوادگی، یا استفاده در خانه به دست می‌آورند، مرتبط است؛ در اکثر کشورها، چنین بیع‌هایی به عنوان معاملات مصرف‌کننده مشخص‌گردیده و تحت حاکمیت قواعد خاصی‌اند، که غالباً ماهیت آمره دارند. بندهای (ب) و (پ) ماده ۲ با بیع از طریق حراج^{۸۱} یا بیعی که ناشی از اجرای قانون یا به‌نحو دیگری به حکم قانون^{۸۲} انجام شود، مربوط است، که ممکن است مسائلی را در مورد تشکیل قرارداد^{۸۳} و رضایت بایع‌ایجاد کند. تمامی این استثنائات مبتنی بر ماهیت خاص معامله است. از جانب دیگر، استثنائات باقی‌مانده (بندهای (ت) - (ج) ماده ۲) مبتنی بر ماهیت کالاهاست. بیع سهام و اوراق بهادار^{۸۴} دیگر، و نیز پول، از قلمروی شمول کنوانسیون مستثنی‌گردیده است. بیع کشتی‌ها، کشتی‌های بزرگ، هواناو^{۸۵} یا هواپیما نیز مستثنی است. قراردادهای بیع برق نیز ششمین موردی است که مستثنی شده. اما نکته این‌جاست که ماده ۲، تامین گاز و نفت و سایر منابع انرژی را از قلمرو کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مستثنی نکرده است.

پرسش ۱۰) تعریف قرارداد بیع از منظر کنوانسیون چیست؟

⁸¹ auction

⁸² by authority of law

⁸³ formation of the contract

⁸⁴ securities

⁸⁵ hovercraft

۱. قراردادهای ناظر بر تهیه کالاهایی که باید ساخته یا تولید شوند بیع محسوب می‌شوند مگر این‌که سفارش‌دهنده تعهد نموده باشد که قسمت عمده مواد لازم برای ساخت یا تولید آن کالاها را تهیه کند.
۲. قراردادهایی که در آن‌ها قسمت اعظم تعهدات طرفی که کالا را تهیه می‌کند ناظر به ارائه نیروی کار یا خدمات دیگر باشد، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود.

پاسخ: اگرچه در بیشتر مواقع، مصادیق یک قرارداد بیع در چارچوب کنوانسیون مزبور، واضح است؛ با این حال، شرایطی هم داریم که توضیح یا تحلیل بیشتری در این خصوص می‌طلبد. همین امر در مورد مصادیق کالا طبق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز صدق می‌کند.

مواد ۱ و ۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، معاملاتی که مشمول این کنوانسیون باشد را عنوان کرده است. در این جا با رجوع به شروطی که معمولاً تعهدات طرفین بر مبنای قرارداد را مشخص می‌کند (یعنی مواد ۳۰ و ۵۳ کنوانسیون)، می‌توان به تعریفی از یک قرارداد بیع طبق این کنوانسیون دست یافت. در این ماده می‌گوید: بایع مکلف است کالاها را تسلیم کند و خریدار مکلف است آن‌ها را دریافت نموده و ثمن مورد توافق را بپردازد.

بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، روی تعریف کلاسیک قرارداد بیع در برخی سنت‌های حقوقی^{۸۶} خاص، که تعهد بایع را به عنوان تعهدات اعطا^{۸۷} مشخص می‌سازد، تمرکز کرده است، در حالی که تعهد بایع در سایر قراردادهای، مانند قراردادهای کاری یا ارائه خدمات

⁸⁶ *legal traditions*

⁸⁷ *dare*

و ساخت و ساز، شامل تعهد به انجام دادن^{۸۸} است. طبق بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تعهد بائع صرفاً با تعهد به اعطا کردن تمام نمی‌شود، بلکه تعهد انجام دادن را نیز دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، در صورت وجود شرایط زیر، قرارداد منعقد شده را یک «قرارداد بیع» محسوب می‌کند. شرایطی که قرارداد برای عرضه کالاهاهایی که باید توسط فروشنده با موادی که توسط خودش یا خریدار ارائه شده است، تولید یا تهیه می‌شد ولی خریدار بخش قابل توجهی از مواد لازم برای چنین ساختی را ارائه نداده است.

بند ۲ ماده ۳ به اعمال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد عقود مرکب پرداخته؛ یعنی، قراردادهای بیع که تعهدات بائع شامل تعهد به ارائه نیروی کار یا سایر خدمات و کالاها باشد. کنوانسیون مزبور مقرر می‌کند که چنین قراردادهایی مشمول کنوانسیون می‌شوند، مگر این که تامین نیروی کار یا خدمات به منزله «بخش غالب»^{۸۹} تعهدات طرف تهیه‌کننده کالاها، باشد.

فناوری‌های جدید، مسائلی را در مورد قلمروی محتوایی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به ویژه در حوزه نرم‌افزار و داده‌های رایانه‌ای،^{۹۰} مطرح کرده است. قراردادهای مرتبط با نرم‌افزار و داده‌ها می‌توانند مسائلی را در این موارد ایجاد کنند که باید ببینیم در زمره قراردادهای بیع هستند و آیا می‌توانند کالای موضوع بیع باشند یا خیر.

پرسش (۱۱) چه موضوعاتی تحت حاکمیت کنوانسیون است؟

ماده ۴

⁸⁸ *facere*

⁸⁹ *preponderant part*

⁹⁰ *computer software and data*

مقررات این کنوانسیون صرفاً ناظر بر انعقاد قرارداد بیع و حقوق و تعهداتی که برای طرفین در اثر چنین قراردادی ایجاد می‌شود، بوده و ارتباطی خاصه با امور ذیل نخواهد داشت، مگر این‌که خلاف آن تصریح شده باشد:

(الف) صحت قرارداد یا هر یک از شرایط آن یا اعتبار هرگونه عرف مربوط؛

(ب) اثری که ممکن است قرارداد بر مالکیت کالایی که فروخته می‌شود داشته باشد.

ماده ۵

این کنوانسیون شامل مسئولیت بایع در قبال مرگ یا صدمات بدنی که به سبب کالا برای افراد اتفاق می‌افتد، نخواهد بود.

پاسخ : هنگامی که اعمال پذیر بودن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مشخص شد، مسئله بعدی این است که چه موضوعاتی تحت حاکمیت این کنوانسیون قرار می‌گیرد. مواد ۴ و ۵ صراحتاً به این مسئله پرداخته و گفته موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، باید منحصرأً توسط قیود صریح یا اصول کلی پشتیبان این کنوانسیون باشد و هنگامی که هیچ قید یا اصل کلی یافت نشود، حقوق داخلی در مطابقت با ماده ۷ اعمال خواهد شد.

ماده ۴، مقرر می‌کند که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر دو مورد از مهم‌ترین موضوعاتی که در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا مطرح می‌شود، حاکم است. موضوع نخست این‌که، یک قرارداد در چه زمانی منعقدگر دیده است. موضوع دوم به حقوق و تعهدات^{۹۱} بایع و خریدار

⁹¹ *rights and obligations*

ناشی از قرارداد می‌پردازد. مفاهیم حقوق داخلی مانند عوض^{۹۲} و علت،^{۹۳} با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مرتبط نیست. حقوق و تعهدات اشخاص ثالث نیز تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قرار نمی‌گیرد.

ماده ۴ مقرر نموده که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با دو موضوع ارتباطی ندارد. نخست «اعتبار قرارداد»، یا هر یک از مقررات آن، یا هر عُرْف ذی‌ربط (بند (الف) ماده ۴). طبق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، «اعتبار» باید از «تشکیل» قرارداد متمایز گردد. ابتدا باید قراردادی منعقد شود و سپس مسئله نیاز به ابطال آن، مطرح شده و معنی می‌گیرد. قواعد ناظر بر نظم عمومی، اشتباه^{۹۴}، تقلب^{۹۵}، تهدید^{۹۶}، یا عدم اهلیت^{۹۷}، نمونه‌هایی از ابطال در حقوق داخلی است.

موضوع دومی که ارتباطی با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ندارد، اثر قرارداد بر مالکیت کالای فروخته شده است (بند (ب) ماده ۴). مسئله چگونگی و زمان انتقال مالکیت از بایع به خریدار باید توسط قانون داخلی حاکم تعیین گردد.

باین‌حال، بندهای (الف) و (ب) ماده ۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یک استثنای مهم دارند. ماده ۴ مقرر نموده که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با اعتبار و مالکیت ارتباطی ندارد، «مگر این‌که خلاف آن در این کنوانسیون تصریح شده باشد». برای مثال، برخی نظام‌های حقوقی داخلی، ممکن است به دلیل اشتباه در مورد کیفیت کالا، اجازه ابطال قرارداد را بدهند. باین‌حال، نظر به این‌که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

⁹² *consideration*

⁹³ *causa*

⁹⁴ *mistake*

⁹⁵ *fraud*

⁹⁶ *threat*

⁹⁷ *incapacity*

قواعد صریحی راجع به تسلیم کالای غیر منطبق^{۹۸} دارد، این کنوانسیون با نادیده گرفتن قوانین داخلی، بر این موضوع حاکم می‌شود.

مسئولیت بائع در قبال مرگ یا صدمات فردی^{۹۹} ناشی از کالا به هر شخصی، تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیست (ماده ۵). از آنجا که مرگ یا صدمه فردی با منافع خارج از قرارداد^{۱۰۰} مربوط است، این مسئله طبق تصمیمات نظم عمومی هر دولت متعاقد، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، قواعد داخلی ناظر بر مسئولیت در قبال محصول^{۱۰۱} بین فروشندگان و خریداران، تا زمانی که با مرگ یا صدمه فردی مربوط باشد، اعمال می‌گردد حتی اگر قرارداد بیع تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا باشد. اما اگر قرارداد بیع ذیل بند (۲) ماده ۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا باشد، این امر مرگ یا صدمه فردی ناشی از نیروی کار یا سایر خدمات ارائه شده توسط بائع را شامل می‌شود. اما باز هم نکته این‌جاست که، مبالغ پرداختی خریدار به عنوان غرامت مرگ یا صدمه فردی یک شخص ثالث به سبب کالاها یا خدماتی که بائع عرضه نموده، ممکن است به عنوان ادعاهای زیان‌مالی^{۱۰۲} خریدار محسوب شود.

پرسش (۱۲) آیا طرفین حق عدول یا تغییر قواعد کنوانسیون را دارند؟

ماده ۶

طرفین می‌توانند شمول این کنوانسیون را استثناء یا با رعایت ماده ۱۲، از آثار هر یک از مقررات آن عدول کنند یا آن‌ها را تغییر

⁹⁸ *non-conforming goods*

⁹⁹ *personal injury*

¹⁰⁰ *extra contractual interests*

¹⁰¹ *product liability*

¹⁰² *claims for pecuniary loss*

دهند.

پاسخ : اختیار طرفین برای انتخاب قانون حاکم، یکی از اصول اساسی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است. مطابق با آنچه در ماده ۶ مقرر گردیده، طرفین می‌توانند نه تنها مقررات کنوانسیون را مستثنی کنند بلکه حین یا بعد از انعقاد قرارداد، از اثر هر یک از مقررات آن عدول کرده یا آن را تغییر دهند.

پرسش (۱۳) خلاءهای کنوانسیون چه‌گونه رفع می‌شود؟

ماده ۷

۱. در تفسیر این کنوانسیون باید به خصیصه بین‌المللی بودن آن و ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن‌نیت^{۱۰۳} در تجارت بین‌المللی توجه شود.
۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آن‌ها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده، طبق اصولی کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است حل و فصل خواهند شد.

پاسخ : ماده ۷، یک چارچوب را برای تفسیر متحدالشکل و بین‌المللی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر کرده و هدفش این است که از تفسیر و اعمال انحرافی^{۱۰۴} کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به دلیل تداخلات با

¹⁰³ Good faith

¹⁰⁴ distortive interpretation and application

قوانین داخلی، رویه‌های قضایی و سنت‌های رهنامه‌ای^{۱۰۵}، اجتناب شود.

طبق بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ضابطه تفسیری مستقل^{۱۰۶} مبتنی بر اصول بین‌المللی، هماهنگ بودن و حسن‌نیت است. همچنین طبق بند ۲ ماده ۷، روش مستقل رفع خلاءها باید در مطابقت با اصول کلی یکس‌آن‌که از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، جدایی‌ناپذیر است، اعمال شود.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مانند اصول یونیدروا و سایر متون متحدالشکل، هدف تفسیر هماهنگ و یکسان‌سازی کردن را دنبال می‌کند و می‌خواهد اصطلاحات و مفاهیم مورد استفاده به‌نحو مستقل تفسیر گردد. بنابراین، معنای اکثریت قاطعی از اصطلاحات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا باید در داخل این کنوانسیون و نه در قوانین داخلی، یافت شود. برای دستیابی به هدف تفسیر متحدالشکل، دادگاه‌های داخلی و نیز دیوان‌های داوریه که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را در حوزه‌های قضایی مختلف اعمال می‌کنند، معمولاً حین تفسیر این کنوانسیون، به دعاوی تعیین تکلیف شده توسط سایر دادگاه‌ها توجه می‌کنند.

ماده ۷، نیاز به اعمال قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق ماهوی داخلی را به حداقل رسانده است. هنگامی که در مسئله‌ای مرتبط با یکی از موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون، صراحتاً تعیین تکلیف نشده باشد، مسئله مزبور باید در مطابقت با اصول کلی کنوانسیون، حل‌وفصل شود. تنها در غیاب چنین اصولی، مفسر به قانون داخلی تعیین شده توسط قواعد انتخاب قانون حاکم ارجاع داده می‌شود، و بدین‌ترتیب، رجوع به قانون داخلی، آخرین راه چاره^{۱۰۷} است.

¹⁰⁵ *doctrinal traditions*

¹⁰⁶ *autonomous interpretative criterion*

¹⁰⁷ *ultima ratio*

عملاً، تعداد زیادی از اصول کلی که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دیده می‌شود، بر مبنای رویه‌های قضایی تدوین شده‌اند.

این‌که اصول بیرونی در غیاب توافق طرفین، تاجه حد، می‌تواند در رفع خلاءهای کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا موثر واقع شود، مسئله‌ای قابل بحث است. در مورد رابطه بین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول یونیدروا، درک متداول این است که اصول یونیدروا، به تنهایی، به منزله اصول کلی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محسوب نشده، بلکه می‌تواند وجود یک اصل کلی معین را تایید کند، از همین رو نیز، می‌تواند ابزاری برای تفسیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محسوب شود.

پرسش ۱۴) سه خصیصه مهم کنوانسیون به اختصار چیست؟

پاسخ: به این سه ویژگی مهم در ماده ۷ کنوانسیون اشاره شده است. نخست مسئله «بین‌المللی» بودن سند است که ما در تفسیرش باید از همین رویکرد اعمال نظر کنیم و دچار خلط مبحث آن با حقوق داخلی نشویم. دومین ویژگی مهم این که، کنوانسیون جهت «یکپارچگی» رویکردهای مختلف حقوقی به وجود آمده است، بنابراین باید به گونه‌ای تفسیر شود که با پیش کشیدن تفاوت‌های نظام کامن‌لا و حقوق نوشته، به هویت متحدالشکل بودن این سند خدشه‌ای وارد نشود. و سومین خصیصه مهم «حسن‌نیت» است که در نظام‌های حقوقی مختلف تعاریف و جایگاه متفاوتی دارد. علیرغم این‌که در نظام حقوقی کامن‌لا بیشتر از نظام حقوق نوشته به این مسئله توجه شده است، اما در تفسیر این سند همه کشورهای عضو فارغ از نظام حقوقی‌شان باید دیدگاه منصفانه را مدنظر داشته باشند.

پرسش ۱۵) کنوانسیون با چه رویکردی تفسیر می‌شود؟

پرسش ۱۶) در کنوانسیون چه قواعدی برای تفسیر قرارداد وجود دارد؟

۱. از نظر این کنوانسیون، هرگاه یکی از طرفین نسبت به قصد طرف دیگر علم داشته باشد یا جهل او مسموع نباشد، الفاظ و سایر اعمال طرف دیگر باید مطابق قصد وی تفسیر شود.
۲. در صورت عدم شمول بند پیشین، الفاظ و سایر اعمال هریک از طرفین محمول بر استنباط افراد متعارف همان صنف در اوضاع و احوال مشابه است.
۳. در مقام تشخیص قصد هریک از طرفین یا تعیین استنباطی که یک فرد متعارف از آن خواهد داشت، باید به اوضاع و احوال ذی ربط از جمله مذاکرات، هرگونه رویه مقرر بین طرفین، عرف و عادت و سایر اعمال بعدی آنان، توجه کافی مبذول شود.

پاسخ: ماده ۸ به تفسیر الفاظ و رفتار یک طرف قرارداد توجه دارد. این ماده، که اعمال قوانین داخلی ناظر بر تفسیر چنین الفاظ و رفتاری را جایگزین می‌سازد، نقش مهمی برای تعیین معنای یک قرارداد دارد.

بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ارجحیت تفسیر الفاظ و اعمال یک جانبه مطابق با قصد طرف ارائه دهنده یا عمل کننده قرارداد را بیان می‌کند، مشروط به این که طرف دیگر از قصد وی یا آگاه بوده یا عقلاً نمی‌توانسته ناآگاه باشد.

اگر طرف دیگر از قصد طرف بیان کننده یا عمل کننده آگاه نبوده و نمی‌توانسته از قصد وی علم داشته باشد، در این صورت، طبق بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، الفاظ و عمل وی باید مطابق با درک و استنباط افراد متعارف همان رده یا گروه مشابه^{۱۰۸} در اوضاع و احوال مشابه، تفسیر شود.

¹⁰⁸ reasonable person of the same kind

بند ۳ ماده ۸، به الزام پیگیری یک رویکرد زمینه‌ای^{۱۰۹} برای تشخیص قصد یک طرف یا استنباطی که یک فرد متعارف در این شرایط دارد، می‌پردازد. طبق این بند، توجه کافی به کلیه اوضاع و احوال ذی‌ربط قضیه از جمله، مذاکرات و هر رویه‌ای که طرفین بین خود انتخاب کرده‌اند، همچنین عرف‌ها و سایر اعمال متعاقب طرفین، الزامی است.

فصل ۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، یک مجموعه از قواعد تفصیلی راجع به تفاسیر قراردادی را در خود جای داده، این مجموعه با یک قید کلی آغاز می‌شود که قرارداد در دو شرایط را پیش‌بینی کرده است. یکی در مورد تفسیر قرارداد مطابق با قصد مشترک^{۱۱۰} طرفین، دیگری در صورت عدم امکان تعیین یک قصد مشترک بین طرفین. یونیدورا در مورد دوم این راهکار را ارائه می‌دهد و می‌گوید، تفسیر مطابق با معنایی باشد که افراد متعارف هم‌تراز با طرفین اگر در همان اوضاع و احوال مشابه بودند، ارائه می‌دادند و در حقیقت بر رویکرد زمینه‌ای که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دنبال می‌کند صحه می‌گذارد. اصول یونیدروا به مسائل مضاعفی مانند تفسیر شرایط تهیه شده توسط یک طرف (از طریق قاعده تفسیر علیه انشاکنده (قاعده خلاف راجح)^{۱۱۱})، تفاوت‌های زبانی و تهیه شرایط محذوف یا از قلم افتاده^{۱۱۲} نیز صراحتاً توجه نموده است.

پرسش (۱۷) رویه‌ها و عرف‌ها چه نقشی در تعیین قانون حاکم دارند؟

ماده ۹

(۱) طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق، و رویه‌های معمول بین خودشان هستند.

¹⁰⁹ contextual approach

¹¹⁰ common intention

¹¹¹ contra proferentem rule

¹¹² omitted terms

۲) فرض بر این است که طرفین به‌طور ضمنی عرفی را که بدان وقوف داشته یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌الملل کاملاً شناخته شده و طرفین قراردادهای مشابه در آن نوع تجارت خاص، به‌طور منظم آن را رعایت می‌کنند، به‌نحو ضمنی بر قرارداد فیما بین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند، مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.

پاسخ: تعیین محتوای یک قرارداد بیع بین‌المللی کالا به اختیار طرفین واگذار می‌شود که می‌توانند محتوای آن را مطابق با نیازهای هر معامله خاص در چارچوب محدودیت‌های تعیین شده قواعد آمره، شکل دهند. در عمل، طرفین ممکن است یک قرارداد بسیار طولانی و تفصیلی را تدوین کنند یا با تبادل ایجاب و قبول^{۱۱۳} صرفاً عناصر اساسی قرارداد را بیان‌کنند. در هر صورت، مسئله این است که خلاءهای قرارداد چگونه رفع خواهد شد.

برای حل این مسئله، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به اهمیت رویه‌ها و عرف‌ها توجه دارد. ماده ۹ این کنوانسیون (مانند بند ۹ ماده ۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا)، به سه وضعیت که از نظر اسم، محتوا و اثر تفاوت دارند، اشاره می‌کند: رویه‌های مقرر بین طرفین، عرف‌های مورد توافق و عادات معمول در تجارت بین‌الملل. رویه‌ها و عرف‌های مورد توافق، اثر دوجانبه دارند و تنها تا میزانی که در عمل عادی طرفین در رابطه کسب‌وکار آنها یا در توافق طرفین ذی‌ربط بازتاب یابد، لازم‌الاجرا هستند. فرض بر این است که عرف‌های تجاری بین‌المللی که معتبر و پذیرفته شده‌اند، در حیطة اطلاعات و دانش عمومی، تلویحاً مورد تایید هستند، چراکه وجود آنها به یک عملکرد تجاری عینی، وابسته نیست.

¹¹³ Offer and Acceptance

هر سه موردی که گفتیم، به اجزای لاینفک قرارداد تبدیل شده و معمولاً در خلال تشکیل قرارداد، با توافق صریح یا ضمنی، برای طرفین الزام‌آور است و به این ترتیب، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، خلاءهای سایر شرایط قرارداد را از طریق شروط قراردادی^{۱۱} خود رفع خواهد کرد.

عُرف و عادت و رویه‌ها به عنوان یک ضابطه تفسیری برای قرارداد، نقش مهم دیگری را در داخل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر عهده دارند (بند ۳ ماده ۸).

بند (الف) ماده ۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مسائل مربوط به اعتبار هر عُرف را از قلمروی کنوانسیون مستثنی می‌کند.

پرسش ۱۸) محل کسب‌وکار طرفین در کنوانسیون چه‌گونه تعیین می‌شود؟

ماده ۱۰

از نظر این کنوانسیون:

الف) هرگاه یکی از طرفین بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت وی جایی خواهد بود که با در نظر گرفتن اوضاع و احوالی که قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن بر طرفین معلوم بوده یا منظور نظر آن‌ها قرار گرفته است نزدیک‌ترین رابطه را با قرارداد و اجرای آن دارد.

ب) هرگاه یکی از طرفین فاقد محل تجارت باشد، محل سکونت معمولی وی معیار خواهد بود.

پاسخ : از آنجاکه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در چندین مقرر به محل کسب‌وکار یک طرف اشاره کرده است، تعریف کردن «محل کسب‌وکار» مورد نظر از بین چندین محل کسب‌وکار یک طرف، برای گسترش قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی حین اعمال این کنوانسیون، اهمیت دارد.

طبق بند (الف) ماده ۱۰، در صورتی که یکی از طرفین بیش از یک محل کسب‌وکار داشته باشد، محل کسب‌وکار مربوطه طبق مفهوم مورد نظر این کنوانسیون، محلی است که نزدیک‌ترین رابطه را با قرارداد و اجرای آن دارد. بدین ترتیب، اگر طرف مورد نظر چندین محل کسب‌وکار دارد، محل اصلی کسب‌وکار همواره برای تعیین حاکم بودن این کنوانسیون بر قرارداد، حائز ارتباط نیست. هنگامی که طرف مورد نظر فاقد یک محل کسب‌وکار است، باید به محل سکونت عادی^{۱۱۵} وی به جای اقامتگاهش^{۱۱۶} اشاره شود.

به‌طور مثال، ماده ۱۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به نحوی تفسیر گردیده که محل کسب‌وکار ذی‌ربط با بیع به عنوان محل ساخت‌وسازی که قرارداد در آنجا منعقد گردیده و خریدار باید تجهیزات را از آنجا تهیه کند، شناخته شود.

پرسش ۱۹) آیا کنوانسیون، الزامات شکلی دارد؟

ماده ۱۱

ضرورتی ندارد که قرارداد بیع به صورت کتبی منعقد یا مستند شود و از نظر شکلی نیز محتاج به رعایت هیچ‌گونه شروط و قیود دیگری نیست. وجود قرارداد را می‌توان به هر طریقی از جمله شهادت شهود

¹¹⁵ Habitual residence

¹¹⁶ domicile

پاسخ : کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هیچ شکل مشخصی (مثلاً کتبی بودن) یا هیچ الزام خاصی (مانند یک امضای خاص) را برای انعقاد قرارداد، الزامی نکرده است.

شکل، آن‌گونه‌که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ذکر شده، معنای مستقل خود را دارد؛ بدین ترتیب، حتی اگر مسئله شکل با اعتبار ذیل قانون داخلی مربوط باشد، ماده ۱۱ حاکمیت یافته و الزامات داخلی مانند قانون ضد کلاهبرداری^{۱۱۷} یا هر الزام شکلی دیگر، بی‌اثر می‌شود.

اصل آزادی ادله^{۱۱۸} نیز اعمال می‌شود و قرارداد را می‌توان با هر وسیله‌ای از جمله شهود، مستندسازی نمود و بدین ترتیب آن را جایگزین قوانین داخلی ناظر بر ادله مانند قواعد منع‌کننده شهادت شفاهی می‌کنیم («قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد»^{۱۱۹}).

میزان‌اهمیتی‌که به ادله داده می‌شود، برعهده قاضی یا داور است، بنابراین، ارزش اثباتی^{۱۲۰} ادله باید مطابق با قوانین شکلی^{۱۲۱} یا قواعد حقوقی و بر مبنای موردی، ارزیابی‌شود.

طرفین ممکن است، صراحتاً یا تلویحاً، راجع به نفی یا عدول از اصل غیررسمی بودن (ذیل ماده ۱۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) به‌موجب ماده ۶ این کنوانسیون یا از طریق یک شرط عدم اصلاح شفاهی^{۱۲۲} که توافقات شفاهی برای اصلاح قرارداد را منع می‌کند، توافق نمایند (ماده

¹¹⁷ *statute of frauds*

¹¹⁸ *freedom of evidence*

¹¹⁹ *parole evidence rule*

¹²⁰ *probative value*

¹²¹ *procedural laws*

¹²² *no oral modification ("NOM") clause*

۲۹ کنوانسیون). شروط عدم اصلاح شفاهی، صراحتاً توسط اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، مورد توجه قرار گرفته و ضوابط خاصی را راجع به آن‌ها مقرر داشته است.

دولت‌ها می‌توانند یک اعلامیه را ذیل ماده ۹۶ تسلیم نمایند که موجب اعمال شدن ماده ۱۲ و در نتیجه، الزامی شدن شکل مکتوب برای هر قراردادی می‌شود. اعلامیه موضوع ماده ۹۶ در مورد ماده ۱۱، راجع به ارتباطات مندرج بخش ۲ در ارتباط با تشکیل قراردادها (مواد ۲۴-۱۴) و اصلاح و فسخ توافقی قرارداد (ماده ۲۹) از نظر شکل قرارداد و سایر ارتباطات و همچنین در مورد ادله آن‌ها اعمال می‌گردد.

پرسش ۲۰) چه‌گونه یک قرارداد ذیل کنوانسیون، منعقد می‌گردد؟

پاسخ: بخش دوم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مقررات تنظیم یک قرارداد بیع بین‌المللی را با توجه به قواعد ایجاب (مواد ۱۷-۱۴) و قبول (مواد ۲۲-۱۸) بیان می‌کند. یک قرارداد هنگامی منعقد می‌شود که قبول یک ایجاب با اصل شدن به ایجاب‌کننده^{۱۲۳}، نافذگردد (مواد ۲۳ و ۲۴). هیچ قواعدی برای تعیین محل انعقاد قرارداد وجود نداشته و بنابراین، این مسئله به قانونی که در غیر این صورت حاکم بود، واگذار شده است.

هنگامی که ایجاب و قبول به راحتی مشخص نباشد، بخش دوم اعمال می‌شود. همچنین، این بخش در مورد اصلاح قرارداد و فسخ (اقاله)^{۱۲۴} آن بعد از فرآیند ایجاب و قبول اعمال می‌گردد.

پرسش ۲۱) چه زمانی یک پیشنهاد، «ایجاب» محسوب می‌شود؟

¹²³ offeror

¹²⁴ avoidance (termination)

۱. پیشنهاد انعقاد قرارداد خطاب به یک یا چند شخص معین در صورتی ایجاب محسوب می‌شود که به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب‌کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد. پیشنهاد در صورتی به اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و به‌نحو صریح یا ضمنی مقدار و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید.
۲. پیشنهاد، جز در موردی که خطاب به یک یا چند فرد معین است، صرفاً دعوت برای ایجاب محسوب می‌شود، مگر در صورتی که پیشنهاد دهنده خلاف آن را به‌وضوح اعلام نماید.

پاسخ : تحت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، برای این‌که یک پیشنهاد برای انعقاد قرارداد به منزله یک‌ایجاب محسوب شود، باید خطاب به یک یا چند شخص معین مطرح شده و باید به‌اندازه کافی مشخص باشد. برای این‌که یک ایجاب به‌اندازه کافی مشخص محسوب شود، باید کالا معلوم باشد، مقرراتی برای تعیین مقدار کالا عنوان شود، همچنین ثمن آنرا به‌طور صریح یا ضمنی معین کرده یا تمهیداتی برای تعیین آن‌ها مقرر کند (بند (۱) ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا). پیشنهادات به عموم مردم به منزله دعوت برای ایجاب محسوب می‌شود، مگر این‌که شخص پیشنهاد دهنده آشکارا خلاف آنرا اعلام کند (بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا).

تحت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، طرفین می‌توانند توافق کنند که قرارداد صرفاً زمانی منعقد می‌شود که پاره‌ای از موضوعات خاص (به جز موضوعات بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون)، مبنای قرارداد باشد.

پرسش ۲۲) آیا تحت کنوانسیون ، قرارداد ثمن باز^{۱۲۵} معتبر است؟
پاسخ : ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اعلام می‌کند که ثمن باید در ایجاب موجود باشد، در حالی‌که ماده ۵۵ آن، با اعمال ثمن مطالبه شده رایج حین انعقاد قرارداد برای فروش این قبیل کالا در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه، یک روش را برای تعیین این عنصر مقرر می‌کند. در مورد قراردادهای ثمن باز، تعارض ظاهری بین مواد ۱۴ و ۵۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا معمولاً با اجرای قرارداد حل و فصل می‌شود. مواردی که قرارداد اجرا نشده است، می‌تواند مشکل آفرین باشد.

پرسش ۲۳) آیا ایجاب قابل انصراف یا قابل رجوع است؟

ماده ۱۵

۱. ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب، نافذ می‌گردد.
۲. ایجاب، حتی در مواردی که غیر قابل رجوع باشد قابل انصراف است، مشروط بر این‌که اعلام انصراف، قبل یا هم‌زمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد.

ماده ۱۶

۱. مادامی‌که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابلیت رجوع دارد، به شرطی که رجوع پیش از آن‌که مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد.
۲. در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد:
الف) در صورتی‌که ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیر قابل رجوع است؛ یا

ب) تکیه مخاطب بر ایجاب، به عنوان یک ایجاب غیر قابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد.

ماده ۱۷

ایجاب حتی اگر غیر قابل رجوع باشد، از هنگامی که رد آن از سوی مخاطب به ایجاب کننده برسد، منتفی می شود.

پاسخ: بله قابل رجوع و انصراف است اما شرایط خاصی دارد. کنوانسیون بیع بین المللی کالا بین انصراف^{۱۲۶} (ماده ۱۵)، رجوع^{۱۲۷} (ماده ۱۶) و منتفی نمودن^{۱۲۸} ایجاب (ماده ۱۷)، تمایز قائل گردیده است. هنگامی که ایجاب ظرف یک مدت زمان معین یا، در صورت عدم تعیین زمان، ظرف یک زمان متعارف، قبول نشود، منقضی می گردد (بند ۲ ماده ۱۸).

پرسش ۲۴) قبول ایجاب چه گونه محقق می شود؟

ماده ۱۸

۱. الفاظ یا سایر اعمال مخاطب ایجاب که حاکی از رضایت به ایجاب است قبول محسوب می شود. سکوت یا عدم اقدام فی نفسه منجر به قبول نمی گردد.

۲. قبول ایجاب از لحظه ای که اعلام رضا به ایجاب کننده واصل می گردد، نافذ می شود. هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که ایجاب کننده تعیین نموده یا، در صورت عدم تعیین مدت، ظرف مدت متعارفی

¹²⁶ withdrawal

¹²⁷ revocation

¹²⁸ termination

به وی نرسد قبول نافذ نخواهد بود؛ در تشخیص مدت متعارف به اوضاع و احوال معامله، از جمله به سرعت وسایل ارتباطاتی مورد استفاده ایجاب‌کننده توجه لازم معطوف می‌گردد. ایجاب شفاهی باید فوراً قبول شود مگر این‌که اوضاع و احوال به‌نحو دیگری دلالت نماید.

۳. مع الوصف، چنان‌چه به‌موجب ایجاب یا در نتیجه رویه متداول بین طرفین یا عرف و عادت، مخاطب، بدون اعلام به ایجاب‌کننده، بتواند با انجام عملی نظیر آنچه که مربوط به ارسال کالا یا پرداخت ثمن است اعلام رضا نماید، قبول از لحظه‌ای که عمل به مرحله اجرا درمی‌آید نافذ است، مشروط بر این‌که آن عمل ظرف مدت مقرر در بند پیشین انجام شود.

پاسخ : قبول، پاسخ مثبت به ایجاب است. قبول‌کننده باید آشکارا و بدون قید و شرط، قبول را انجام دهد. قبول ممکن است به سه طریق انجام شود : از طریق یک اعلامیه، یک اقدام، یا در اوضاع و احوال مشروط، از طریق سکوت یا عدم اقدام (بند ۱ ماده ۱۸).

مخاطب‌ایجاب، می‌تواند ایجاب را یا به صورت شفاهی (شخصاً از طریق تلفن و نظایر آن) یا به صورت مکتوب، از جمله از طریق وسایل الکترونیکی (نامه، تلگرام، دورنویس تلفنی، فکس، ایمیل و نظایر آن) قبول کند، مگر این‌که ایجاب‌کننده یک شکل خاص را برای قبول تعیین کرده باشد. در هر دو اوضاع و احوال، برای نافذ شدن قبول و در نتیجه، به منظور منعقد شدن قرارداد، قبول باید ظرف مدت زمان مقرر در ایجاب، یا در غیاب چنین شرطی، ظرف یک زمان متعارف، به ایجاب‌کننده واصل‌گردد (بند ۲ ماده ۱۸).

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد ایجاب‌های شفاهی، فوری بودن قبول را الزامی دانسته، مگر این‌که اوضاع و احوال طور دیگری دلالت نماید.

قبول از طریق عمل یا اقدامات برای اجرا نیز ممکن است انجام شود. هنگامی که در حالت قبول از طریق عمل هستیم (مثلاً با بلند کردن دست یا تکان دادن سر)، انعقاد قرارداد از زمانی است که ابلاغ چنین عملی به ایجاب‌کننده برسد؛ یعنی، ایجاب‌کننده از آن‌گاه شود. اگر قبول از طریق اجرا انجام شود (برای مثال، با تحویل دادن کالا و پرداخت ثمن)، لازم است که قبول ابلاغ شود، چراکه اقدام تحویل دادن یا پرداخت کردن هنگامی موجب انعقاد قرار می‌شود که ظرف مدت زمان تعیین شده توسط ایجاب‌کننده برای قبول باشد. یا در صورت تعیین نشدن مدت، ظرف یک مدت زمان متعارف، انجام شود. باین‌حال، لازمه قبول کردن از طریق اقدامات اجرایی بدون نیاز به اطلاع دادن آن‌به ایجاب‌کننده، این است که ایجاب، چنین اقدامی را مجاز بداند (شامل، «شروع کردن تولید»، «ارسال کردن فوری»، «خرید بدون تاخیر از طرف من»، یا «پرداخت کردن به شماره حساب من») یا این‌که متعهد بر حسب عرف موجود، مجاز به انجام باشد (بند ۳ ماده ۱۸).

قبول در صورتی قابل انصراف است که انصراف قبل از نافذ شدن یا هم‌زمان با آن به ایجاب‌کننده واصل‌گردد (ماده ۲۲).

پرسش (۲۵) آیا ایجاب از طریق سکوت یا عدم اقدام، قابل قبول است؟

پاسخ: سکوت یا عدم اقدام، به خودی خود، به منزله قبول نیست (بند ۲ ماده ۱۸). باین‌حال، سکوت یا عدم اقدام، همراه با سایر عوامل، می‌تواند به منزله قبول یک‌ایجاب محسوب شود. این امر ممکن است با اعمال یک شرط حقوقی (بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۲۱)؛ با اعمال یک عرف تجاری یا یک رویه مقرر بین طرفین (ماده ۹) به منزله قبول شناخته شود، همچنین در برخی اوضاع و احوال این قبول با سکوت مخاطب یک تاییدیه که حاکی از اصلاح یک قرارداد شفاهی است، انجام می‌شود.

ماده ۱۹

۱. هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده ولی متضمن اضافات، محدودیت‌ها یا سایر اصلاحات باشد، به منزله رد ایجاب است و ایجاب متقابل محسوب می‌شود.
۲. هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده اما متضمن شروط اضافی و متفاوتی است که شروط ایجاب را به‌طور اساسی تغییر نمی‌دهد قبول محسوب می‌شود مگر این‌که ایجاب‌کننده، بدون تأخیر موجه، شفاهاً به آن مغایرت اعتراضی کند یا یادداشتی بدان مضمون بفرستد. چنانچه مشارالیه بدین نحو اعتراضی نکند شروط قرارداد عبارتند از شروط مذکور در ایجاب با اصلاحاتی که در قبول مندرج است.
۳. شروط اضافی یا متفاوت مربوط به ثمن، تأدیه، وصف و مقدار کالا، مکان و زمان تسلیم کالا، حدود مسئولیت هریک از طرفین نسبت به طرف دیگر، یا حل اختلافات، از جمله شروطی هستند که شرایط ایجاب را به‌طور اساسی تغییر می‌دهند.

پاسخ: یکی از مشکلات مکرر در تشکیل قرارداد، نوعی پاسخ به ایجاب است که ظاهراً حاکی از قبول آن می‌باشد اما متضمن شرایط مضاعف یا مختلفی است. ماده ۱۹ کنوانسیون بین‌شروطی که شرایط ایجاب را به‌طور اساسی تغییر داده (ایجاب متقابل) و شروطی که این چنین نیست (قبول) تمایز قائل شده است.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای تعیین این‌که چه زمانی یک عنصر اضافه شده به قبول، تغییر اساسی در ایجاب به‌وجود می‌آورد و در

نتیجه آن، از انعقاد قرارداد جلوگیری می‌شود یا خیر، فهرستی از موارد را بیان کرده که شامل ثمن، کیفیت و مقدار کالا، زمان و مکان تحویل، گستره مسئولیت یک طرف در مقابل طرف دیگر و حل اختلافات است.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قواعد خاصی در ارتباط با به کارگیری شروط استاندارد یا معیار ندارد؛ یعنی، شرطی که پیشاپیش برای استفاده عمومی و مکرر یکی از طرفین تهیه شده و معمولاً بدون مذاکره با طرف دیگر، قابل اعمال باشد (که تعریف آن در ماده ۲ اصول یونیدروا آمده است)، اما معمولاً رویه‌های قضایی، به کارگیری شروط استاندارد تحت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و عمدتاً مواد ۸ و ۲۴-۱۴ آنرا در ارتباط با درج شدن یا نشدن شروط استاندارد در قرارداد، مورد توجه قرار می‌دهند.

پرسش (۲۷) آیا کنوانسیون بر «تعارض اسناد»^{۱۳۰} حاکمیت می‌کند؟
پاسخ: هر چند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا متضمن یک شرط صریح راجع به مسئله موسوم به «تعارض اسناد» نیست، اما توافق عمومی وجود دارد که این موضوع تحت حاکمیت کنوانسیون مزبور است. «تعارض اسناد» یا «نبرد فرم‌ها» به وضعیتی اشاره دارد که طرفین شروط کلی (فرم‌های آماده^{۱۳۱}) را تبادل و یک یا چند شرط اصلی‌ایجاب را اضافه کنند. معمولاً، شروط کلی مندرج در دو فرم، متضمن تناقضاتی است و در صورت وقوع اختلاف، دو پرسش ذیل مطرح می‌شود: آیا قرارداد منعقدگردیده؟ اگر چنین است، شروط قرارداد چیست؟ اگر یک قرارداد به درستی منعقد شده باشد، «قاعده آخرین اقدام^{۱۳۲}»؛ (تقدم و حاکمیت آخرین فرم استفاده شده توسط طرفین) و «قاعده تساقط^{۱۳۳}»، (که طبق آن شروط متناقض موجود در

¹³⁰ battle of the forms

¹³¹ pre-printed forms

¹³² last-shot rule

¹³³ knock-out rule

فُرْم‌های استاندارد، خارج از محتوای قرارداد است و ماده ۲۲، ۱، ۲ اصول یونیدروا نیز صراحتاً آنرا پذیرفته است)، از جمله پُرکاربردترین قواعد برای رسیدگی به نبرد فُرْم‌ها محسوب می‌شود. رویه‌های قضایی اعمال‌کننده کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مقرر کرده‌اند که کدام یک از این دو راه حل باید حاکم شود.

پرسش ۲۸) مبدا زمان در ایجاب‌های مدت‌دار، چه‌گونه محاسبه می‌شود؟

ماده ۲۰

۱. مهلتی که ایجاب‌کننده در تلگرام یا نامه‌ای برای قبول تعیین می‌کند از لحظه‌ای که تلگرام جهت مخابره تحویل می‌گردد و یا از تاریخی که در نامه قید شده، یا چنان‌چه در نامه تاریخی قید نشده باشد از تاریخ منعکس روی پاکت نامه شروع می‌شود. مهلتی را که ایجاب‌کننده برای قبول به‌وسیله تلفن، تلکس یا سایر طرق مخابراتی فوری تعیین می‌کند، از زمانی آغاز می‌گردد که ایجاب به مخاطب آن برسد.

۲. تعطیلات رسمی یا روزهای غیر ارادی در خلال مهلت قبول، جزو مهلت قبول محسوب می‌شوند. پس چنان‌چه در آخرین روز آن مهلت تحویل اعلان قبول به آدرس ایجاب‌کننده بعثت آن‌که آن روز مصادف است با یک روز تعطیل یا یک روز غیر اداری، ممکن نباشد مهلت مذکور تا اولین روز اداری بعد از آن تمدید خواهد شد.

پاسخ: مبدا محاسبه زمان در ایجاب‌های زمان دار طبق ماده ۲۰ تعیین می‌گردد و به استناد همین ماده در طرق مخابراتی فوری، ارسال و دریافت تقریباً یکی است و در لحظه محسوب می‌شود. درباره تعطیلات رسمی که منطبق با آخرین روز مدت مذکور باشد نیز صراحتاً در کنوانسیون تعیین تکلیف شده است و ابهامی برای طرفین باقی نمی‌گذارد.

پرسش ۲۹) فسخ قرارداد در صورت نقض اساسی چه مقرراتی دارد؟

ماده ۲۵

نقض قرارداد توسط یکی از طرفین، هنگامی نقض اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خساراتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه که استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است اساساً محروم نماید، مگر این‌که طرف نقض‌کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در شرایط و اوضاع و احوال مشابه نمی‌توانسته چنین پیامد و نتیجه‌ای را پیش‌بینی کند.

پاسخ: فسخ قرارداد به عنوان شیوه شدید جبران خسارت (که معادل اصطلاح ابطال قرارداد در اصول یونیدرواست به‌طور کلی، مستلزم ارتکاب نقضی اساسی است. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول یونیدرو، اولویت را به حفظ توافق (اصل حفظ و بقای قرارداد^{۱۳۴}) و لزوم به حداقل رساندن هزینه‌های معامله، می‌دهند. یک نقض زمانی اساسی است که طرف غیرناقص^{۱۳۵} را از آنچه استحقاق اوست، به‌نحو اساسی محروم کند (ماده ۲۵). ارائه تعریف یک نقض اساسی، تنها با توجه به قرارداد طرفین و اوضاع و احوال هر دعوی خاص امکان‌پذیر است. به‌طور کلی، رویه‌های قضایی، سطح بالای آستانه را برای فسخ قرارداد بر مبنای یک نقض اساسی مقرر کرده و این طرفین هستند که می‌توانند مصادیق یک نقض اساسی را در قرارداد خود تعریف کنند.

¹³⁴ favor contractus

¹³⁵ non-breaching party

پرسش ۳۰) اصلاح یک قرارداد ذیل کنوانسیون، به چه صورت است؟

ماده ۲۹

۱. قرارداد می‌تواند به صرف توافق طرفین، اصلاح یا اقاله شود.
۲. یک قرارداد کتبی که متضمن شرط اصلاح یا اقاله به‌نحو کتبی است، نمی‌توان به‌نحو دیگری اصلاح یا اقاله کرد. معهذاً، امکان دارد که هریک از طرفین به علت رفتار خود از استناد به این شرط تا حدودی که طرف دیگر به چنین رفتاری اعتماد کرده است، ممنوع شود.

پاسخ: یک قرارداد می‌تواند بنا به توافق محض طرفین، اصلاح یا فسخ شود (بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا) و هر دو حالت، از الگوی یکسان انعقاد قرارداد؛ یعنی، ایجاب و قبول، تبعیت می‌کند، اما مفاهیم حقوق داخلی مانند «عوض» در این حوزه جایگاهی ندارد. اگر شرط عدم اصلاح شفاهی در قرارداد درج شده باشد، قرارداد حتی با توافق طرفین هم به صورت شفاهی، قابل اصلاح یا فسخ نیست. بالاین‌حال، ممکن است رفتار یکی از طرفین مانع استناد وی به چنین شرطی شود، مشروط بر این‌که طرف دیگر بر رفتار وی اعتماد کرده باشد (بند ۲ ماده ۲۹).

پرسش ۳۱) تعهدات طرفین شامل چه مواردی است؟

ماده ۳۰

فروشنده مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر گردیده کالا را تسلیم کند، هرگونه مدارک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد.

پاسخ: فصول ۲ و ۳ بخش سوم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، یک ساختار ساده برای تعریف تعهدات طرفین ارائه داده و سپس شیوه‌های جبران خسارت^{۱۳۶} در دسترس طرف دیگر در صورت نقض هر یک از آن تعهدات را اعلام کرده است. تعهدات بایع، در ماده ۳۰ بیان‌گردیده و در مواد ۳۱ تا ۴۴ توضیح داده شده، که شروطی راجع به تعهد خریدار به بررسی کالا و اطلاع دادن عدم مطابقت کالا به بایع را شامل می‌شود (مواد ۴۴-۳۸). تعهدات خریدار نیز در ماده ۵۳ مطرح و در مواد ۵۴ تا ۶۰ توضیح داده شده است.

مسئله زمان انتقال ریسک اِتلاف یا فقدان از فروشنده به خریدار، ارتباط نزدیکی با تعهد بایع دارد، چراکه تعهد وی تعریف می‌کند که آیا اِتلاف یا خسارت وارده به کالا به منزله نقض تعهد اوست یا خیر. فصل چهارم بخش ۳، به مسئله انتقال ریسک توجه دارد. همچنین، هنگامی که ریسک اِتلاف بر عهده طرف دیگر است، هم بایع هم خریدار، ممکن است مکلف به حفظ کالا باشند. قواعد ناظر بر وظیفه حفظ کالا در جزء ششم، فصل ۵، بخش سوم آمده است.

در عمل، غالباً طرفین از اصطلاحات تجاری اختصاری مانند «تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا»، «تحویل کالا روی عرشته کشتی در مبدا»، «تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد» و «هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد»، برای اشاره به تخصیص تعهدات، ریسک‌ها و هزینه‌های خاص بین بایع و خریدار در قالب قرارداد و در مطابقت با قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی استفاده می‌کنند. قواعد مزبور، اصطلاحات تحویل کالا در نقطه عزیمت در مبدا (اصطلاح

دسته E)؛ تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا، تحویل کالا در کنار کشتی در مبدا، و تحویل کالا روی عرشه کشتی در مبدا (اصطلاحات دسته F)؛ تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد، تحویل با پرداخت کرایه حمل و بیمه تا مقصد، هزینه و کرایه حمل تا مقصد، و هزینه و بیمه و کرایه حمل تا مقصد (اصطلاحات دسته C)؛ و تحویل در محل، تحویل در محل پس از تخلیه، تحویل در مقصد با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی (اصطلاحات دسته D) را تعریف می‌کند.

پرسش ۳۲) چه رابطه متقابلی بین کنوانسیون و قواعد اینکوترمز وجود دارد؟

پاسخ: قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، یک مجموعه از تعاریف پذیرفته شده برای پُرکاربردترین اصطلاحات تجاری مورد استفاده برای بیع و خرید کالا است. قواعد مزبور، تخصیص تعهدات، ریسک‌ها و هزینه‌های خاص بین خریدار و بایع، از جمله تشریفات واردات، صادرات،^{۱۳۷} و حمل و نقل را توضیح می‌دهد. در رویه قرارداد، قواعد اینکوترمز در قراردادهای بیع کالا درج می‌شود و به ایجاد شفافیت و کاهش نااطمینانی‌ها و ریسک‌های موجود برای طرفین، کمک می‌کند.

قواعد اینکوترمز که نخستین بار در سال ۱۹۳۶ توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی منتشر شد، به‌طور منظم به‌روزرسانی می‌شود تا بتواند بازتاب‌دهنده رویه‌های تجاری فعلی باشد. قواعد اینکوترمز ۲۰۲۰، آخرین نسخه این قواعد است.

اینکوترمز، دارای ۱۱ قاعده است. هفت مورد آن، قواعدی برای هر شیوه حمل و نقل^{۱۳۸} است (تحویل کالا در نقطه عزیمت در مبدا^{۱۳۹}،

¹³⁷ import and export formalities

¹³⁸ modes of transport

¹³⁹ Ex Works (EXW)

تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا^{۱۴۰}، تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد^{۱۴۱}، تحویل با پرداخت کرایه حمل و بیمه تا مقصد^{۱۴۲}، تحویل در محل^{۱۴۳}، تحویل در محل پس از تخلیه^{۱۴۴}، تحویل در مقصد با پرداخت عوارض گمرکی^{۱۴۵}، در حالی که چهار مورد دیگر، قواعد خاص حمل و نقل دریایی و آبراهه‌های داخلی است (تحویل کالا در کنار کشتی در مبدا^{۱۴۶}، تحویل کالا در عرشه کشتی در مبدا^{۱۴۷}، هزینه و کرایه حمل تا مقصد^{۱۴۸}، هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد^{۱۴۹}).

«تحویل کالا در نقطه عزیمت در مبدا» به این معناست که فروشنده، کالا را در محل کار خود یا در محل تعیین شده دیگری (محل کار، کارخانه، کارگاه و نظایر آن) در اختیار خریدار قرار دهد. لازم نیست که بایع کالا را روی یک وسیله نقلیه گردآوری کننده بارگیری کند، و نیز لزومی ندارد که کالا را برای صادرات با هزینه خودش ترخیص کند، بلکه حتما باید درخواست و هزینه از طرف خریدار باشد.

«تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا» به این معناست که فروشنده، کالا را به حمل‌کننده یا شخص دیگری که توسط خریدار معرفی گردیده در محل کار خود یا در محل تعیین شده دیگری تحویل می‌دهد. به صلاح طرفین است که نقطه موجود در داخل محل تعیین شده تحویل دهی را به واضح‌ترین صورت مشخص کنند، چراکه در آن نقطه، ریسک به خریدار منتقل می‌شود.

«تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد» به این معناست که فروشنده، کالا را در یک محل مورد توافق (در صورت توافق طرفین در مورد

¹⁴⁰ *Free Carrier (FCA)*

¹⁴¹ *Carriage Paid To (CPT)*

¹⁴² *Carriage and Insurance Paid to (CIP)*

¹⁴³ *Delivered at Place (DAP)*

¹⁴⁴ *Delivered at Place Unloaded (DPU)*

¹⁴⁵ *Delivered Duty Paid (DDP)*

¹⁴⁶ *Free Alongside Ship (FAS)*

¹⁴⁷ *Free on Board (FOB)*

¹⁴⁸ *Cost and Freight (CFR)*

¹⁴⁹ *Cost, Insurance and Freight (CIF)*

چنین محلی) به حمل‌کننده تحویل می‌دهد و بایع باید قرارداد حمل را تهیه یا تنظیم کند و هزینه‌های حمل لازم برای رسیدن کالا تا محل تعیین شده در مقصد را بپردازد.

«تحویل با پرداخت کرایه حمل و بیمه تا مقصد» به این معناست که فروشنده، کالا را در یک محل مورد توافق (در صورت توافق طرفین در مورد چنین محلی) به حمل‌کننده یا شخص دیگر معرفی شده توسط بایع تحویل می‌دهد و بایع باید قرارداد حمل را تهیه یا تنظیم کند و هزینه‌های حمل لازم برای رسیدن کالا به محل تعیین شده در مقصد را بپردازد. همچنین، فروشنده برای پوشش بیمه علیه ریسک اِتلاف یا خسارت دیدن کالای خریدار در جریان سفر دریایی نیز قرارداد تهیه می‌کند. خریدار باید توجه کند که مطابق این قاعده، اکنون بایع همسو با شروط باربری موسسه لندن یا شروط مشابه، ملزم است که نسبت به قبل سطح بیمه بالاتری را تهیه کند. چنانچه خریدار خواستار حمایت بیمه‌ای بیشتر باشد، یا باید با فروشنده به توافق صریحی برسد یا خودش بیمه مازاد را تهیه کند.

«تحویل در محل» به این معناست که فروشنده زمانی کالا را تحویل داده که کالا روی وسیله حمل آماده برای تخلیه در محل تعیین شده مقصد، در اختیار خریدار قرار گیرد. تمام ریسک‌های مربوط به آوردن کالا به محل تعیین شده بر عهده بایع است.

«تحویل در محل پس از تخلیه» به این معناست که بایع هنگامی کالا را تحویل داده که کالا، بعد از تخلیه شدن از وسیله حمل، در محل تعیین شده مقصد در اختیار خریدار قرار گیرد. فروشنده، تمام ریسک‌های مربوط به آوردن کالا به محل مقصد و تخلیه آن را بر عهده می‌گیرد.

«تحویل در مقصد با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی» به این معناست که فروشنده هنگامی کالا را تحویل داده که کالا، بعد از ترخیص شدن برای واردات روی وسیله حمل آماده برای تخلیه در محل تعیین شده مقصد، در اختیار خریدار قرار گیرد. در این روش، کلیه هزینه‌ها و ریسک‌های مربوط به آوردن کالا تا محل مقصد، تعهدترخیص کالا

برای صادرات و واردات، همچنین انجام کلیه تشریفات گمرکی^{۱۵۰} برای واردات و صادرات برعهده فروشنده است.

«تحویل کالا در کنار کشتی در مبدا» به این معناست که بایع هنگامی کالا را تحویل داده که کالا در کنار کشتی (یعنی، روی یک بارانداز یا دونه^{۱۵۱}) تعیین شده توسط خریدار در بندر تعیین شده حمل، قرار گیرد. ریسک اِتلاف یا خسارت وارده به کالا، هنگام قرارگرفتن کالا در کنار کشتی، منتقل می‌شود، و از آن لحظه به بعد، خریدار کلیه هزینه‌ها را برعهده می‌گیرد.

«تحویل کالا در عرشه کشتی در مبدا» به این معناست که فروشنده، کالا را روی عرشه کشتی تعیین شده توسط خریدار در بندر تعیین شده حمل تحویل داده یا کالایی که قبلاً بدین ترتیب تحویل شده را تهیه می‌کند. ریسک اِتلاف یا خسارت وارده به کالا هنگامی که کالا روی عرشه کشتی بارگیری شود، انتقال یافته، و از آن لحظه به بعد، کلیه هزینه‌ها برعهده خریدار است.

«هزینه و کرایه حمل تا مقصد» به این معناست که فروشنده، کالا را روی عرشه کشتی تحویل داده یا کالایی که قبلاً بدین ترتیب تحویل شده را تهیه می‌کند. ریسک اِتلاف یا خسارت وارده به بار هنگامی که کالا روی عرشه کشتی بارگیری شود، انتقال می‌یابد. بایع باید قرارداد حمل را منعقد و هزینه‌ها و کرایه حمل لازم برای آوردن کالا به بندر تعیین شده مقصد را پردازد.

«هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد» به این معناست که فروشنده، کالا را روی عرشه کشتی تحویل داده یا کالایی که قبلاً بدین ترتیب تحویل شده را تهیه می‌کند. ریسک اِتلاف یا خسارت وارده به بار هنگامی که کالا روی عرشه کشتی بارگیری شود، انتقال می‌یابد. بایع باید قرارداد حمل را منعقد و هزینه‌ها و کرایه حمل لازم برای آوردن کالا به بندر تعیین شده مقصد را پردازد. همچنین، خودش قرارداد بیمه برای پوشش

¹⁵⁰ *customs formalities*

¹⁵¹ *quay or a barge*

ریسک اِتلاف یا خسارت وارده به کالا در حین حمل برای خریدار را منعقد می‌کند. خریدار باید توجه کند که طبق شرط هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد، بایع تنها ملزم به تهیه حداقل پوشش بیمه است. اگر خریدار خواستار پوشش بیمه بیشتر باشد، باید در این خصوص صریحاً با بایع توافق کند یا تمهیدات خود برای تهیه بیمه مازاد را اتخاذ کند (شخصاً بیمه را تهیه نماید).

طبق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قواعد اینکوترمز هم به عنوان عرف‌ها و رویه‌های مورد توافق طرفین، و هم به عنوان عرف‌های تجاری مورد توجه قرار گرفته است. فعل و انفعال مهمی بین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و قواعد اینکوترمز از نظر تحویل‌دهی، انتقال ریسک و پرداخت وجود دارد. استفاده از قواعد اینکوترمز، به‌طور کامل جایگزین قواعد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد انتقال ریسک نمی‌شود، چراکه قواعد مزبور تنها به منزله عدول جزئی از این کنوانسیون است (ماده ۶). همچنین، قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، به مسائلی از جمله، تشکیل قرارداد، تعهدات خریدار برای پرداخت و به ویژه، شیوه‌های جبران خسارت^{۱۵۲} هنگام نقض قرارداد، توجه ندارد.

اصطلاحات تجاری، ممکن است در رابطه با بخش‌های کسب‌وکار یا در قانون داخلی، به‌نحو متفاوت با قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، تعریف شود. بنابراین، مشخص کردن اصطلاح تجاری مورد نظر به شکل صحیح و کامل، ضروری است.

پرسش ۳۳) تعهدات بایع در کنوانسیون چیست؟

پاسخ: تعهدات کلی فروشنده این است که مطابق با آنچه در قرارداد و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ذکر شده، کالا را تسلیم نماید، هرگونه

مدرک مربوط به کالا را تحویل خریدار و مالکیت کالا را انتقال دهد (ماده ۳۰). تعهد به تسلیم کردن کالا شامل تعهدات به تسلیم‌دهی کالا در مطابقت با قرارداد و تسلیم‌دهی کالای مصون از هرگونه حق یا ادعای اشخاص ثالث، است.

پرسش ۳۴) کالاها باید در کجا و چه‌گونه تسلیم شوند؟

پرسش ۳۵) آیا قواعد خاصی در مورد یک قرارداد حمل کالا وجود دارد؟

ماده ۳۱

در صورتی‌که فروشنده ملزم به تسلیم کالا در محل معین دیگری نباشد تعهد او به تسلیم عبارت است از:

الف) چنان‌چه قرارداد فروش متضمن حمل کالا باشد، تسلیم این کالا به اولین حمل‌ونقل‌کننده جهت ارسال برای مشتری.

ب) در مواردی که مشمول قسمت الف نباشد، چنان‌چه قرارداد راجع به کالای معین باشد، یا کلی در معین که باید از انبار معینی استخراج شود، یا کالای کلی که باید ساخته یا تولید شود و طرفین در زمان انعقاد قرارداد می‌دانسته‌اند که کالا در محل معینی واقع است یا باید در محل معینی تولید یا ساخته شود، تعهد به تسلیم عبارت است از قرار دادن کالا در همان محل معین در اختیار خریدار.

ج) در سایر موارد، تعهد به تسلیم این است که بائع کالا را در همان محلی که در زمان انعقاد قرارداد، محل تجارت او بوده، در اختیار مشتری قرار دهد.

پاسخ : در بیع بین‌المللی کالا، غالباً طرفین توافق می‌کنند که حمل‌کنندگان مستقل را برای تسلیم کالا به خدمت گیرند. این توافقات به

عنوان بیع «متضمن حمل کالا»^{۱۵۳} شناخته می‌شود. در این مورد، فروشنده متعهد است که کالا را در یک محل معین به یک حمل‌کننده تسلیم کند و خریدار متعهد است که در مقصد حمل‌کننده لزوماً یک مکان یکسان با محل کسب‌وکار وی نیست، کالا را از حمل‌کننده تحویل بگیرد. اگر فروشنده در قرارداد توافق کند که کالا را در محل کسب‌وکار خریدار تسلیم نماید، قرارداد مزبور یک قرارداد متضمن حمل کالا در مفهوم مورد نظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیست، حتی اگر بایع یک حمل‌کننده مستقل را به خدمت گیرد. زیرا در این مورد، تعهد بایع به تسلیم دادن، با تحویل کالا به یک حمل‌کننده مستقل تحقق نیافته، بلکه با قرارداد دادن کالا در اختیار خریدار در محل کسب‌وکار خریدار، انجام می‌شود.

حقوق و تعهدات حمل‌کننده و فرستنده کالا^{۱۵۴} یا دارنده اسناد حمل (یعنی، بارنامه‌ها^{۱۵۵}) تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیست. این موارد تحت حاکمیت قانون حاکم بر قرارداد حمل یا بارنامه‌ها قرار می‌گیرد. در بیشتر قضایای حمل بین‌المللی کالا، قوانین متحدالشکل حاکم است. برای حمل در دریا، رژیم «قواعد لاهه-ویزبی»^{۱۵۶} که توسط کنوانسیون بین‌المللی یکسان‌سازی برخی مقررات حقوقی مربوط به بارنامه‌ها (کنوانسیون ۱۹۲۴ بروکسل) و پروتکل‌های مختلف اصلاح‌کننده آن، تعیین‌گردیده، یا توسط رژیم «قواعد هامبورگ» که توسط کنوانسیون ۱۹۷۸ سازمان ملل متحد راجع به حمل کالا از طریق دریا، مقرر گردیده است، حاکم می‌شود. برای حمل بین‌المللی از طریق هوا، کنوانسیون ۱۹۹۹ (کنوانسیون مونترآل)، به‌منظور یکسان‌سازی برخی مقررات حمل‌ونقل بین‌المللی هوایی مهم‌ترین سند است. کنوانسیون ۱۹۵۶ راجع به قرارداد برای حمل‌ونقل بین‌المللی کالا از طریق جاده، کنوانسیون ۲۰۰۱ بوداپست

¹⁵³ *involve carriage of goods*

¹⁵⁴ *consignor*

¹⁵⁵ *bills of lading*

¹⁵⁶ *Hague-Visby Rules*

راجع به قرارداد حمل کالا در آبراهه‌های داخلی و قواعد متحدالشکل مربوط به قرارداد حمل بین‌المللی کالا از طریق راه آهن که تحت چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۰ مربوط به حمل و نقل بین‌المللی راه آهن است، از جمله اسناد حقوق متحدالشکل مربوط به حمل و نقل زمینی و آبراهه‌های داخلی^{۱۵۷} به شمار می‌رود.

اگر قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد، فروشنده مکلف است که کالا را به نخستین حمل‌کننده جهت ارسال به خریدار، تحویل دهد (بند (الف) ماده ۳۱) و با اتمام آن، تعهد بایع برای تسلیم کردن کالا تمام می‌شود. البته هرگاه کالا به وسیله علامت‌گذاری روی کالا یا به وسیله اسناد حمل یا به نحو دیگر (که مربوط به قرارداد بیع است)، کاملاً مشخص نشده باشد، مطلع کردن مشتری، از وظایف فروشنده می‌شود (بند (الف) ماده ۳۲). در شرایطی که خریدار، حمل را تدارک دیده، چنانچه تعهد بایع به تسلیم دادن شامل تحویل کالا به حمل‌کننده باشد، تعهد به اطلاع دادن حمل، همزمان ذیل بند (۱) ماده ۳۲ اعمال می‌شود (یعنی، قراردادهای تحویل روی عرشه کشتی در مبدا و تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا).

معمولاً طرفین در مورد یک محل متفاوت (بندر حمل^{۱۵۸}) توافق می‌کنند که کالا باید در آنجا به یک حمل‌کننده، اعم از این که حمل‌کننده نخست یا غیر آن باشد، تحویل گردد. این امر یا با استفاده از اصطلاحات تجاری، مانند «تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا»، «تحویل روی عرشه کشتی در مبدا»، «هزینه و کرایه حمل تا مقصد»، «هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد» مطابق با قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، یا به نحو دیگری انجام می‌شود. در این موارد، توافق‌نامه مورد نظر حاکمیت دارد (ماده ۶).

پرسش ۳۶) هزینه تسلیم و تحویل کالا بر عهده کیست؟

¹⁵⁷ land and inland waterway transport

¹⁵⁸ port of shipment

پاسخ : هرچند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا شرطی صریح درباره عهده‌دار شدن هزینه اجرای قرارداد ندارد، اما عرف تجاری مربوطه (ماده ۹) یا اصل کلی پشتیبان‌کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (بند ۲ ماده ۷) حاکی از این است که هزینه تسلیم‌دهی، با فروشنده است، مگر این‌که طرفین خلاف آن توافق کرده باشند. این قاعده با شرط مندرج در اصول یونیدروا راجعه اجرای قرارداد منطبق است (ماده ۶، ۱، ۱۱ اصول یونیدروا). هزینه‌های لازم برای تسلیم‌دهی (یعنی، بسته‌بندی، اندازه‌گیری، توزین کالا) بر عهده بایع دارد. همچنین وی، هزینه‌های حمل را تنها تا محل تسلیم‌دهی، بر عهده دارد. اگر تعهد بایع به تسلیم‌دهی بدین‌ترتیب باشد که کالا را به حمل‌کننده نخست تحویل دهد (بند الف) (ماده ۳۱)، هزینه حمل بعد از آن نقطه بر عهده بایع نخواهد بود. به همین‌ترتیب، اگر لازم است که خریدار کالا را در یک محل معین تحویل بگیرد (بندهای ب) و (ج) ماده ۳۱)، هزینه حمل فراتر از آن محل بر عهده فروشنده نیست.

اینکوئترمز، قواعد معین بیشتری راجعه تخصیص هزینه‌های مختلف مربوط به تسلیم‌دهی و حمل اسناد، ترخیص واردات یا صادرات^{۱۵۹}، بازرسی، بسته‌بندی و علامت‌گذاری کالا دارد.

پرسش ۳۷) وظیفه حمل کالا و بیمه بر عهده کدامیک از طرفین است؟

ماده ۳۲

۱. اگر فروشنده مطابق قرارداد با این کنوانسیون کالا را به حمل و نقل کننده تحویل دهد ولی کالا به وسیله علامت‌گذاری روی آن یا به وسیله اسناد حمل یا به نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشد که کالا مربوط به قرارداد بیع است، بایع مکلف است مشتری را با مشخص نمودن کالا، از حمل آن مطلع نماید.

¹⁵⁹ export or import clearance

۲. هرگاه بایع مکلف شده باشد که ترتیب حمل کالا را بدهد، باید قراردادهای ضروری برای حمل کالا به محل تعیین شده با وسایل حمل و نقل که مناسب اوضاع و احوال و منطبق با شرایط متعارف این قبیل حمل و نقل است، منعقد نماید.

۳. در صورتی که فروشنده مکلف به بیمه کالا در رابطه با حمل آن نباشد باید بنا به درخواست خریدار، کلیه اطلاعات موجود که برای قادر ساختن مشتری جهت بیمه کالا ضروری است را در اختیار وی قرار دهد.

پاسخ: هنگامی که قرارداد بیع، متضمن حمل کالا است، این مسئله مطرح می‌شود که چه کسی ترتیب قرارداد حمل و بیمه حمل کالا را می‌دهد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مستقیماً به این پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهد. با این حال، کنوانسیون مقرر نموده که اگر بایع طبق قرارداد مکلف است که ترتیب حمل کالا را بدهد، در قراردادهایی که برای حمل کالا به محل تعیین شده منعقد می‌کند، باید از وسایل حمل و نقلی که مناسب اوضاع و احوال موجود و مطابق با شرایط متعارف این قبیل حمل و نقل باشد، استفاده کند. (بند ۲ ماده ۳۲).

قواعد این کوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، توضیح می‌دهند که چه زمانی قرارداد حمل در تعهد فروشنده است (یعنی، اصطلاحات دسته C) و چه زمانی چنین تعهدی ندارد (یعنی، اصطلاحات دسته F). هنگامی که قرارداد حمل در تعهد فروشنده باشد، طبق قواعد این کوترمز، حمل باید مبتنی بر شرایط متعارف و به هزینه بایع باشد، همچنین باید از مسیر معمول به نحو متعارفی که معمولاً برای حمل کالاهای مشابه است، استفاده شود. قواعد مزبور مقرر می‌سازد که حتی اگر فروشنده، مکلف به ترتیب دادن قرارداد حمل نباشد، باید اطلاعات مورد نیاز خریدار برای ترتیب دادن حمل را فراهم کند.

در بخش مربوط به بیمه نیز، حتی اگر بایع مکلف به تهیه بیمه حمل کالا نباشد، باز هم باید، حسب تقاضای خریدار، کلیه اطلاعات لازم موجود را در اختیارش قرار دهد تا خریدار قادر باشد چنین بیمه‌ای را تهیه کند (بند ۳ ماده ۳۲).

بر اساس قواعد اینکوترمز اتاق بازرگانی بین‌المللی، بایع باید بیمه بار^{۱۶۰} را مطابق با شرایط هزینه، فقط در دو قاعده «بیمه و کرایه حمل تا مقصد» و «تحویل با پرداخت کرایه حمل و بیمه تا مقصد» تهیه کند. طبق سایر شروط مربوط به بیع متضمن حمل (شروط دسته F و تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد، هزینه و کرایه حمل تا مقصد)، بایع هیچ تعهدی به تهیه قرارداد بیمه ندارد اما باید اطلاعاتی مورد نیاز خریدار برای تهیه را در اختیارش قرار دهد.

اگر قرارداد بیع، متضمن حمل کالا نباشد، بایع مکلف است کالا را با قرار دادن در اختیار خریدار، تسلیم کند. بایع با انجام هر آنچه برای قادر ساختن خریدار به تصاحب (یعنی، در اختیارگرفتن^{۱۶۱}) کالا لازم است، تعهد خود را برای «قرار دادن کالا در اختیار خریدار» انجام می‌دهد.

محل قرار دادن کالا در اختیار خریدار، به تمایز ذیل وابسته است. اصولاً، محل مورد نظر همان محلی است که محل کسب و کار بایع در زمان انعقاد قرارداد در آنجا قرار دارد (بند (ج) ماده ۳۱). با این حال، (۱) اگر قرارداد مربوط به کالایی معین است، یا کالاهای نامشخصی باید از یک انبار معین استخراج یا تولید شود، و (۲) اگر طرفین اطلاع داشتند که در زمان انعقاد قرارداد، کالا در یک محل معین قرار داشته، یا باید در یک محل معین تولید یا ساخته می‌شود، محل قرار دادن کالا در اختیار خریدار، همان محل می‌شود (بند (ب) ماده ۳۱). اگر طرفین

¹⁶⁰ cargo insurance

¹⁶¹ to take possession of

در مورد یک محل متفاوت برای تسلیم کالا توافق کنند، توافق آن‌ها حاکم می‌شود (ماده ۶).

اگر طرفین از شروط دسته‌های E یا D مطابق با قاعده اینکوترمز استفاده کنند، راجعه به یک محل متفاوت تسلیم در قرارداد غیرمتضمن حمل، توافق کرده‌اند.

پرسش ۳۸) کالا چه زمانی باید تسلیم شود؟

پرسش ۳۹) تاخیر در تسلیم، چه تبعاتی دارد؟

ماده ۳۳

بایع مکلف است در مواعد زیر کالا را تسلیم کند:

الف) چنانچه در قرارداد تاریخی تعیین شده باشد یا بر اساس آن قابل تعیین باشد، در همان تاریخ:

ب) چنانچه در قرارداد، مدتی معین شده باشد یا براساس آن مدتی قابل تعیین باشد، ظرف مدت مزبور، مگر این‌که اوضاع و احوال حاکی از این باشد که تعیین تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری است؛ یا

ج- در سایر موارد، ظرف مدت معقولی پس از انعقاد قرارداد.

پاسخ: اگر یک «تاریخ» برای تسلیم‌دهی در قرارداد تعیین شده یا از متن قرارداد قابل برداشت باشد، بایع مکلف به تسلیم‌دهی تا آن تاریخ است (بند الف ماده ۳۳). اگر یک «بازه زمانی» برای تسلیم‌دهی در قرارداد تعیین یا از قرارداد قابل استنباط باشد، بایع مکلف به تسلیم‌دهی

ظرف آن مدت است و می‌تواند در هر زمانی در خلال آن مدت کالا را تحویل دهد، مگر این‌که اوضاع و احوال دلالت کند که خریدار باید یک تاریخ را انتخاب کند (بند (ب) ماده ۳۳). در سایر موارد، بائع باید در ظرف مدت معقول و متعارفی بعد از انعقاد قرارداد، تسلیم‌دهی را انجام دهد (بند (پ) ماده ۳۳).

اگر فروشنده در ظرف یا در همان تاریخ‌های مقرر کالا را تسلیم نکند، قرارداد را نقض کرده است. البته لازم است که خریدار تقاضای تسلیم‌دهی کند تا بائع به عنوان ناقض قرارداد، شناخته شود.

پرسش ۴۰) بائع تعهداتی مانند تحویل اسناد یا انتقال مالکیت دارد؟

ماده ۳۴

اگر فروشنده موظف باشد که اسناد مربوط به کالا را تسلیم نماید، باید آن‌ها را در زمان و مکان و به شکلی که در قرارداد مقرر شده تحویل دهد. در صورتی که فروشنده اسناد را قبل از تاریخ مقرر تحویل دهد می‌تواند تا فرارسیدن موعد هرگونه نقض راجع به عدم مطابقت در اسناد را تصحیح و رفع نماید مشروط بر این‌که اعمال این حق موجب ایجاد مشکل و ناراحتی غیر معقول برای مشتری یا تحمیل هزینه‌های نامتعارف بر او نباشد. البته، هرگونه حق مطالبه خسارت به‌نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده برای مشتری محفوظ است.

پاسخ: بائع باید هرگونه اسناد مربوط به کالا را تحویل دهد (مواد ۳۰ و ۳۴). چنین اسنادی نه تنها شامل اسناد نشان‌دهنده حقوق مالکیت کالا که برای مطالبه یا در اختیارگرفتن کالا لازم است، می‌شود (یعنی، بارنامه‌ها، قبض‌های انبار^{۱۶۲})، بلکه، مثلاً، فاکتورها^{۱۶۳}،

¹⁶² warehouse receipts

¹⁶³ invoices

بیمه‌نامه‌ها^{۱۶۴}، گواهی‌های مبدا^{۱۶۵}، گواهی‌های کیفیت^{۱۶۶}، و هر سند دیگری که قرارداد تحویل آنرا الزامی‌نموده دربر می‌گیرد. غالباً طرفین، با درج شروط تجاری مطابق با قواعد اینکوترمز، نوع این اسناد را در قراردادهای خود مشخص می‌کنند. تا جایی‌که به اعتبار اسنادی^{۱۶۷} مربوط است، تعهد بایع نسبت به اسناد حمل شامل این است که اسناد مزبور را به بانک تعیین‌شده در اعتبار اسنادی ارائه دهد تا مبالغ را دریافت کند.

در بیع اسنادی^{۱۶۸}، بایع مکلف به تسلیم سندهایی است که حق مالکیت کالا را نشان می‌دهد و برای مطالبه یا در اختیار گرفتن کالا لازم است (بارنامه‌ها، قبوض انبار). بر همین مبنا در ماده ۵۸ مقرر شده، خریدار باید هنگامی‌ثمن را بپردازد که بایع، اسناد کنترل‌کننده تسلط بر کالا را در اختیار خریدار قرار دهد (بند ۱ ماده ۵۸). با این حال، اصولاً، تا زمانی‌که خریدار فرصت بازرسی کالا را نداشته باشد، مکلف به پرداخت ثمن نیست (بند ۳ ماده ۵۸). بازرسی ذیل بند ۳ ماده ۵۸، برخلاف ماده ۳۸، به بازرسی کوتاه و سطحی^{۱۶۹} کالا محدود می‌شود.

اسناد باید با قرارداد منطبق باشد. اسناد باید در زمان و مکان و به شکل مقرر در قرارداد تحویل داده شود. اگر فروشنده اسناد را پیش از موعد تسلیم کند، زمان کافی برای جبران هرگونه عدم انطباق در سند را دارد، مشروط به این‌که اعمال این حق، موجب زحمت غیرمعقول یا هزینه نامتعارف خریدار نشود. با این حال، حق مطالبه خسارت مقرر در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای خریدار محفوظ است (ماده ۳۴، بند ۱ (ب) ماده ۴۵ و مواد ۷۷-۷۴).

¹⁶⁴ *insurance policies*

¹⁶⁵ *certificates of origin*

¹⁶⁶ *certificates of quality*

¹⁶⁷ *letter of credit*

¹⁶⁸ *documentary sales*

¹⁶⁹ *brief and superficial examination*

فروشنده باید مالکیت کالا را به خریدار منتقل کند (ماده ۳۰). اگر کالا متعلق به یک شخص ثالث باشد و بایع قادر به انتقال مالکیت آن نباشد، مرتکب نقض شده است (ماده ۴۱).

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، چگونگی این انتقال را مقرر نکرده است (ماده ۴، جمله ۲ (ب)). انتقال باید مطابق با قانون حاکم بر انتقال مالکیت که به موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی حاکم است، تعیین شود.

پرسش (۴۱) تعهد بایع به تسلیم کالای منطبق، چیست؟

ماده ۳۵

۱. فروشنده باید کالایی را تسلیم کند که دارای مقدار، واجد کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد معین شده بسته‌بندی یا ظرف‌بندی گردیده باشد.
۲. به جز در مواردی که طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود مگر این‌که:
 - الف) متناسب با مقاصدی باشد که عرفاً کالاهای با آن اوصاف برای مقاصد مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرند.
 - ب) متناسب برای هر مقصود خاصی باشد که به‌طور صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده است، مگر این‌که اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بایع اعتماد نکرده یا اعتماد او غیر معقول بوده است.
 - ج) واجد اوصافی باشد که فروشنده به‌عنوان نمونه یا مدل به مشتری ارائه نموده است.
 - د) به‌نحو ظرف‌بندی یا بسته‌بندی شده باشد که برای چنان کالایی معمول است یا در صورتی که چنین ترتیبی موجود نباشد آن را به‌نحو انجام دهد که بقا و سلامت کالا تامین شود.

۳. هرگاه مشتری در زمان انعقاد قرارداد از عدم مطابقت کالا با قرارداد آگاه بوده یا نمی‌توانسته است ناآگاه باشد، فروشنده نسبت به هر نوع عدم انطباق کالا مسئولیتی طبق مقررات بندهای «الف» تا «د» بند پیشین را نخواهد داشت.

پاسخ: کالایی که خریدار تسلیم می‌کند باید، دارای مقدار، کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد (بند (۱) ماده ۳۵). کالا باید به‌نحو مقرر در قرارداد، بسته‌بندی شود (بند (۱) ماده ۳۵). بسته‌بندی در بیع بین‌المللی کالا اهمیت خاصی دارد تا از کالا در مقابل اِتلاف یا صدمه دیدن در جریان حمل محافظت شود. به‌طور کلی، قواعد اینکوترمز، بسته‌بندی به‌نحو مناسب برای حمل را جزو تعهدات بایع می‌داند.

پرسش ۴۲) تعریف انطباق کالا از منظر «کیفیت» چیست؟

پاسخ: اگر طرفین راجع به کیفیت کالا توافق نکرده باشند، انطباق کالا مطابق با ضوابط ذیل تعیین می‌شود. (الف) متناسب با مصارفی باشد که کالاهای با همان اوصاف متعارفاً برای آن استفاده می‌شود (تناسب با هدف متعارف^{۱۷۰}، بند ۲ (الف) ماده ۳۵)؛ یا (ب) متناسب با هر مقصود خاصی باشد که به‌نحو صریح یا ضمنی حین انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسانده شده است (تناسب با مقصد خاص^{۱۷۱}، بند ۲ (ب) ماده ۳۵). با این حال، هرگاه اوضاع و احوال نشان‌دهنده خریدار به مهارت یا قضاوت بایع اعتماد نکرده (یعنی، خود خریدار انتخاب نموده)، یا اعتماد وی به مهارت یا قضاوت بایع، نامتعارف بوده (یعنی، بایع حرفه‌ای نبوده)؛ یا (پ) اوصاف کالایی که بایع به عنوان یک نمونه

¹⁷⁰ fitness for ordinary purpose

¹⁷¹ fitness for particular purpose

به خریدار ارائه نموده را دارا باشد (بند ۲ (پ) ماده ۳۵)، قاعده مندرج بند ۲ (ب) ماده ۳۵ اعمال نمی‌شود. با این حال، اگر در زمان انعقاد قرارداد، خریدار از این عدم انطباق آگاهی داشته یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، بایع هیچ مسئولیتی از بابت عدم انطباق طبق بندهای (الف)-(پ) ماده ۳۵، نخواهد داشت.

پرسش ۴۳) شرایط «بسته‌بندی» منطبق با قرارداد چیست؟

پاسخ: اگر طرفین در مورد نحوه بسته‌بندی کالا، توافق نکرده باشند، کالا زمانی منطبق با قرارداد محسوب می‌شود که به نحو متعارف برای چنین کالایی یا دسته مشابه همین کالا، برای حفاظت و بقای آن طرف‌بندی یا بسته‌بندی شده باشد (بند ۲ (ت) ماده ۳۵). با این حال، اگر در زمان انعقاد قرارداد، خریدار از این عدم انطباق آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، بایع از بابت عدم انطباق بسته‌بندی طبق بند ۲ (ت) ماده ۳۵ هیچ مسئولیتی نخواهد داشت (بند ۳ (ت) ماده ۳۵).

بسته به انعطاف‌پذیری تفسیر قرارداد (ماده ۸)، تعیین تکلیف بر اساس بندهای (۱) و (۲) ماده ۳۵ ممکن است نامشخص شود. استناد خریدار به بند (۱) ماده ۳۵ بیشتر به نفع وی است، چراکه اگر در زمان انعقاد قرارداد، خریدار از این عدم انطباق آگاهی داشته یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، بایع از بابت عدم انطباق کالا طبق بند (۲) ماده ۳۵ هیچ مسئولیتی نخواهد داشت (بند ۳ ماده ۳۵).

پرسش ۴۴) چه زمانی برای تعیین انطباق مقرر شده است؟

ماده ۳۶

۱. فروشنده بر طبق قرارداد و این کنوانسیون مسئول هرگونه عدم مطابقت کالا است که در زمان انتقال ضمان به مشتری وجود دارد، حتی اگر عدم انطباق پس از آن زمان آشکار شود.

۲. فروشنده همچنین مسئول هرگونه عدم انطباقی است که بعد از زمان مذکور در بند پیشین حادث شود و ناشی از نقض هر یک از تعهدات وی باشد، از جمله نقض هرگونه ضمانت بایع دایر بر این که کالا تا مدتی جهت استفاده برای مقاصد عادی یا برای برخی مقاصد خاص، مناسب خواهد بود یا خصایص و اوصاف معینی را حفظ خواهد کرد.

پاسخ: زمان مربوط برای تعیین انطباق، همان زمانی است که ریسک به خریدار منتقل می‌شود (بند ۱ ماده ۳۶). زمان انتقال ریسک طبق مواد ۶۷ تا ۶۹، یا مطابق با توافق طرفین (یعنی، درج شروط تجاری مطابق با قواعد اینکوترمز) تعیین می‌شود. لزومی ندارد که عدم انطباق در زمان انتقال ریسک، آشکار باشد و حتی ممکن است بعداً کشف شود.

عدم انطباق چنانچه بعد از انتقال ریسک روی دهد، همچنان موجب مسئولیت برای بایع است، البته اگر عدم انطباق ناشی از نقض هر یک از تعهدات بایع بوده (بند ۲ ماده ۳۶). به رغم این که بایع ضمانت نموده که کالا برای مدتی جهت استفاده به منظور مقاصد عادی یا یک مقصد خاص مناسب خواهد ماند یا خصوصیات یا اوصاف معینی را حفظ خواهد کرد اما عدم انطباق حادث شود، معمولاً وضعیت چنین خواهد بود.

پرسش ۴۵) چه حقی برای جبران از طرف بایع وجود دارد؟

ماده ۳۷

هرگاه بایع کالا را زودتر از موعد مقرر تسلیم نماید، می‌تواند تا فرارسیدن موعد مزبور قسمت‌های کسری را تحویل دهد یا هرگونه

نقصانی در مقدار را جبران کند، یا کالای دیگری را در عوض کالای غیر مطابق تسلیم نماید، یا هرگونه عدم انطباقی را در کالای تسلیم شده مرتفع سازد، مشروط بر این که اعمال این حق موجب زحمت نامعقول یا مخارج نامتناسب برای مشتری نشود. با این وجود، حق مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر گردیده، برای مشتری محفوظ است.

پاسخ: فروشنده، حق و فرصت جبران عدم انطباق را دارد. اگر بایع کالا را قبل از تاریخ تسلیم‌دهی، تسلیم کند، می‌تواند، تا تاریخ مزبور، هرگونه کسری و نقص آن کالا را جبران کند، هرگونه عدم انطباق را رفع نموده و تسلیم جدیدی داشته باشد، اما مشروط به این که اعمال این حق موجب زحمت غیرمعقول^{۱۷۲} یا هزینه نامتعارف^{۱۷۳} خریدار نشود (ماده ۳۷). همچنین بایع (طبق ماده ۴۸) حق مشابهی برای جبران بعد از مواعد تسلیم‌دهی دارد.

با این حال، حتی اگر فروشنده، عدم انطباق را جبران کند، نمی‌تواند حقیقت عدم انطباق کالای تسلیم شده را انکار کند و خریدار حق مطالبه هرگونه خسارت مقرر در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را برای خود محفوظ می‌داند (ماده ۳۷ و بند ۱ ماده ۴۸).

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، شرطی راجع به حق جبران طرف متخلف^{۱۷۴} را در ماده ۱۴، ۱، ۷ خود گنجانده و با عبارات کلی‌تر بیان کرده تا مشمول تمامی قراردادها باشد. این ماده، شرایط و محدودیت‌هایی که طبق آن، «جبران» قابل قبول است را بیان کرده و رابطه آن با سایر شیوه‌های جبران خسارت را توضیح می‌دهد

¹⁷² unreasonable inconvenience

¹⁷³ unreasonable expense

¹⁷⁴ non-performing party

سوال ۴۶) اقدامات خریدار برای حفظ حقوق خود ناشی از عدم انطباق کالا، چیست؟

ماده ۳۸

۱. مشتری باید ظرف کوتاهترین مدت ممکن، با توجه به اوضاع و احوال مربوطه، کالا را مورد بازرسی و آزمایش قرار دهد یا موجبات بازرسی آن‌ها را فراهم نماید.
۲. اگر قرارداد متضمن حمل کالا باشد، معاینه و بازرسی کالا می‌تواند تا وصول آن‌ها به مقصد به تعویق افتد.
۳. اگر مشتری مسیر و مقصد کالای در راه را تغییر دهد یا کالا را مجدداً به مقصد دیگری ارسال کند، بدون این‌که فرصت معقولی جهت بازرسی داشته باشد و در زمان انعقاد قرارداد، بایع نسبت به امکان این گونه تغییر مقصد یا ارسال مجدد آن آگاهی داشته یا باید آگاهی می‌داشت، امر بازرسی می‌تواند تا وصول کالا به مقصد جدید به تعویق بیفتد.

پاسخ: خریدار باید در کوتاهترین مدت ممکن در اوضاع و احوال موجود، کالا را بازرسی، یا موجبات بازرسی کالا را فراهم سازد (بند ۱ ماده ۳۸). به‌طور کلی، این مدت از هنگامی‌که بایع کالا را تسلیم دهد، آغاز می‌شود. با این حال، اگر قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بازرسی می‌تواند تا وصول کالا به مقصد خود به تعویق افتد (بند ۲ ماده ۳۸). همچنین، اگر خریدار مسیر کالای در ترانزیت را تغییر دهد، بدون این‌که از فرصت معقولی برای بازرسی برخوردار باشد، در حالتی‌که در زمان انعقاد قرارداد بایع از امکان تغییر مسیر یا باز ارسال کالا آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، بازرسی می‌تواند تا وصول کالا به مقصد جدید، به تعویق بیافتد (بند ۳ ماده ۳۸).

پرسش ۴۷) مدت زمان بازرسی جهت تطابق کالا چه مقرراتی دارد؟

ماده ۳۹

۱. در صورتی که مشتری ظرف مدت متعارفی پس از این که عدم انطباق کالا را کشف کرد یا می‌باید کشف می‌کرد، اطلاعیه‌ای حاکی از تعیین نوع عدم انطباق جهت بایع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق کالا ساقط می‌شود.

۲. در هر حال اگر مشتری حداکثر ظرف دو سال از تاریخی که عملاً کالا به او تسلیم شده است اطلاعیه‌ای حاکی از عدم انطباق برای بایع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق ساقط می‌شود، مگر این که این مهلت با دوره تضمین کالا که در قرارداد تعیین شده است مغایر باشد.

پاسخ: هیچ مجازات مستقلی برای عدم انجام بازرسی وجود ندارد. اما، عدم بازرسی کالا می‌تواند نتایج ناگواری برای خریدار به دنبال داشته باشد. ماده ۳۸ باید همراه با ماده ۳۹ تفسیر شود که به موجب آن هرگاه خریدار به بایع اطلاع دهد، از هرگونه حق جبران عدم انطباق محروم خواهد شد. یعنی، موعدی که خریدار باید کالا را طبق ماده ۳۸ بازرسی می‌کرد، با موعد مقرر طبق بند ۱ ماده ۳۹ که خریدار «باید عدم انطباق کالا را کشف می‌کرد»، یکسان است. طول «کوتاه‌ترین مدت ممکن در اوضاع و احوال موجود» به عوامل مختلفی مانند اعطای فرصت متعارف به خریدار جهت بازرسی کالا، نوع کالا (مثلاً کالای فاسد

شدنی یا ماندگار^{۱۷۵}؛ فصلی یا غیر آن^{۱۷۶})، دفعات معامله^{۱۷۷}، رویه‌های مقرر بین طرفین و عُرف‌ها و نظایر آن، بستگی دارد.

خریدار مکلف است هرگونه عدم انطباق کالا را به اطلاع بایع برساند. چنانچه خریدار در ظرف یک مدت معقول بعد از اینکه عدم انطباق را کشف کرد یا باید کشف می‌کرد، اختاری مبنی بر تعیین نوع عدم انطباق برای فروشنده ارسال نکند، تمام حقوق خود برای استناد به عدم انطباق را از دست می‌دهد (بند ۱ ماده ۳۹). تعیین کردن یک مدت زمان معقول^{۱۷۸} به عوامل مختلفی از جمله نوع کالا (مثلاً فاسدشدنی یا ماندگار؛ فصلی یا غیر آن)، دفعات معامله، رویه‌های مقرر بین طرفین و عرف‌ها و نظایر آن بستگی دارد. همچنین، یک موعد نهایی^{۱۷۹} نامشروط دو ساله از تاریخی که کالا واقعاً به خریدار تحویل داده شده نیز وجود دارد (بند ۲ ماده ۳۹). حتی اگر خریدار نتوانسته باشد عدم انطباق پنهان را در خلال آن مدت کشف کند، موعد نهایی فوق اعمال می‌شود. بالاین‌حال، طرفین می‌توانند با توافق راجع به مدت ضمانت مختلف کالا در قرارداد، این محدوده زمانی دو ساله را تمدید یا کوتاه کنند (بند ۲ ماده ۳۹).

هدف اصلی ارسال اخطار به بایع این است که وی قادر به جبران عدم انطباق بشود. اگر عدم انطباق مربوط به حقایقی باشد که بایع از آن‌ها آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، و آن‌ها را برای خریدار افشا نکرده، فروشنده نمی‌تواند به عدم ارسال اخطار از جانب خریدار مطابق با ماده ۳۹ استناد کند (ماده ۴۰).

استثنای مندرج ماده ۴۴، عدم انعطاف تعهد به بازرسی و اطلاع دهی را تا حدودی کاهش می‌دهد. چنانچه خریدار برای عدم ارسال اخطار

¹⁷⁵ *perishable or durable*

¹⁷⁶ *seasonal or not*

¹⁷⁷ *frequency of the transaction*

¹⁷⁸ *a reasonable period of time*

¹⁷⁹ *cut-off period*

مورد نیاز عذر موجهی^{۱۸۰} داشته باشد، می‌تواند مطابق با ماده ۵۰، ثمن را تقلیل داده^{۱۸۱} یا مطالبه خسارت به جز عدم النفع^{۱۸۲} را داشته باشد. با این حال، توجه کنید که این استثناء شامل محدوده زمانی دو ساله تحت بند ۲ ماده ۳۹ نیست. بنابراین، محدوده زمانی دو ساله، قطعی و نامشروط است.

پرسش ۴۸) آیا بایع مکلف به تسلیم کالایی بدون ادعای شخص ثالث است؟

پرسش ۴۹) خریدار چه تعهداتی در این خصوص دارد؟

ماده ۴۱

فروشنده باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث است تحویل دهد مگر این که مشتری راضی به دریافت کالایی باشد که موضوع حق یا ادعای شخص ثالثی است. به هر حال هرگاه این حق یا ادعا ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی باشد، بایع مشمول ماده ۴۲ خواهد بود.

پاسخ: فروشنده باید کالا را مصون از هرگونه حق یا ادعای یک شخص ثالث تسلیم نماید، مگر این که خریدار با دریافت کالای موضوع چنین حق یا ادعایی توافق کرده باشد (ماده ۴۱، جمله ۱). حق یا ادعای یک شخص ثالث تحت ماده ۴۱، شامل حقوق مالکیت مانند مالکیت (یعنی، فروش دارایی شخص ثالث) یا حقوق امنیتی^{۱۸۳} که مانع استفاده یا در اختیار گرفتن کالا توسط خریدار است، می‌شود، اما شامل مالکیت فکری^{۱۸۴} که ذیل ماده ۴۲ بررسی گردیده، نمی‌شود. نیازی به اثبات حق

¹⁸⁰ *reasonable excuse*

¹⁸¹ *price reduction*

¹⁸² *loss of profit*

¹⁸³ *Security rights*

¹⁸⁴ *intellectual property*

یا ادعای یک شخص ثالث نیست. بدین ترتیب، حتی اگر خریدار مالکیت کامل کالا مطابق با قانون مالکیت داخلی حامی خریدار آن با حسن نیت^{۱۸۵} را کسب کند، چنانچه مالک هرگونه ادعایی علیه خریدار طرح کند، کماکان بایع به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مسئول است. بدین دلیل که، مشخصاً در بیع بین‌الملل، نباید انتظار داشت که خریدار با اشخاص ثالث که معمولاً در یک کشور خارجی حضور دارند، سروکار داشته باشد.

بایع مکلف به تسلیم کالایی مصون از حقوق یک شخص ثالث است که در زمان تسلیم کالا وجود داشته است. ادعاهای اشخاص ثالث شامل مواردی است که تنها بعد از زمان تسلیم‌دهی مطرح می‌شود مشروط به این که مبتنی بر حقوق موجود در زمان تسلیم‌دهی بوده باشد.

پرسش ۵۰) مالکیت فکری چه تعریفی در کنوانسیون دارد؟

ماده ۴۲

۱. فروشنده باید کالایی را تحویل دهد که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی که در زمان انعقاد قرارداد از آن‌ها مطلع بوده یا نمی‌توانسته است نسبت به آن‌ها بی‌اطلاع باشد، مصون باشد، مشروط بر این که:

الف) اگر طرفین هنگام انعقاد قرارداد فروش مجدد کالا، یا استفاده از آن به‌نحو دیگر را در کشور معینی پیش‌بینی کرده و انتظار داشته اند، در این صورت حق یا ادعای مذکور طبق قوانین همان کشور ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد، یا

ب) در سایر موارد، حق یا ادعای مذکور طبق قوانین کشور محل تجارت مشتری، ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد.

۲. تعهدات بائع حسب بند پیشین، به مواد زیر تسری نمی‌یابد:

(الف) هنگامی که مشتری در زمان انعقاد قرارداد می‌دانسته یا نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد که این حق یا ادعا وجود دارد؛ یا

(ب) وقتی که آن حق یا ادعا ناشی از تبعیت فروشنده از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها یا سایر مشخصات مشابهی باشد که توسط مشتری ارائه شده است.

پاسخ: اگر حق یا ادعای شخص ثالث مبتنی بر مالکیت صنعتی^{۱۸۶} یا سایر اشکال مالکیت فکری باشد، تعهد فروشنده تحت حاکمیت ماده ۴۲ است. مانند سایر حقوق و تعهدات موضوع ماده ۴۱، فروشنده باید کالایی که مصون از هرگونه حق یا ادعای یک شخص ثالث بر مبنای مالکیت فکری است را تسلیم کند. با این حال، ماهیت مالکیت فکری نیازمند بررسی خاص است.

هرچند قواعد مالکیت فکری ذیل معاهدات سازمان جهانی مالکیت فکری^{۱۸۷} هماهنگ شده، اما به دلیل اصل سرزمینی بودن^{۱۸۸} در حقوق مالکیت فکری^{۱۸۹}، نقض این حق می‌تواند طبق قوانین هر دولت، به‌نحو متفاوت مشخص شود. بنابراین، در بیع بین‌المللی کالا مهم است که بدانیم کدام قانون، حاکم است، تا از آن طریق بفهمیم آیا بائع، تعهد خود برای تسلیم کالای مصون از حق یا ادعای مبتنی بر مالکیت فکری شخص ثالث را انجام داده است یا خیر. بند ۱ ماده ۴۲ مقرر نموده که حاکم، قانون کشوری است که کالاها در آنجا مجدداً فروخته یا به‌نحو دیگری استفاده شده، مشروط به این که طرفین در زمان انعقاد قرارداد، فروش مجدد کالا یا استفاده از آن به نحوی دیگر در آن کشور را پیش‌بینی کرده باشند (بند ۱ (الف) ماده ۴۲). اگر طرفین چنین

¹⁸⁶ industrial property

¹⁸⁷ World Intellectual Property Organization (WIPO)

¹⁸⁸ principle of territoriality

¹⁸⁹ intellectual property law

استفاده‌ای را پیش‌بینی نکرده بودند، قانون مورد نظر قانون کشوری خواهد بود که محل کسب‌وکار خریدار در آن‌جاست (بند ۱ (ب) ماده ۴۲).

همچنین، بایع مکلف است کالا را در شرایطی تسلیم کند که از هرگونه حق یا ادعای مبتنی بر مالکیت فکری یک شخص ثالث مصون باشد. با این بند، مسئولیت فروشنده تنها به حقوق مالکیت فکری که در زمان انعقاد قرارداد از آن‌ها آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد، محدود می‌شود (بند ۱ ماده ۴۲). این یک الزام منحصر به مالکیت فکری است که ذیل ماده ۴۱ وجود ندارد.

به علاوه، تعهد بایع به تسلیم کالای مصون از هرگونه حق یا ادعای مبتنی بر مالکیت فکری یک شخص ثالث به این موارد تسری پیدا نمی‌کند: (الف) خریدار در زمان انعقاد قرارداد از حق یا ادعای مورد نظر آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد؛ یا (ب) حق یا ادعای مذکور منتج از تبعیت بایع از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها یا سایر مشخصاتی باشد که توسط خریدار فراهم آمده است. (بند ۲ ماده ۴۲).

پرسش ۵۱) آیا حق اعتراض خریدار تا همیشه محفوظ می‌ماند؟

پرسش ۵۲) حق اعتراض خریدار، چه استثنائاتی دارد؟

ماده ۴۳

۱. اگر مشتری پس از آن‌که از حق یا ادعای شخصی ثالث آگاه شد یا می‌بایست آگاه می‌شد اختاری که مبین نوع حق و ادعای مذکور است را در مدت متعارفی به فروشنده ندهد، حق استناد به مقررات اصول ۴۱ یا ۴۲ را از دست خواهد داد.

۲. در صورتی که بایع از حق یا ادعای شخص ثالث و نوع و ماهیت آن آگاه بوده باشد حق استناد به مقررات بند پیشین را نخواهد داشت.

ماده ۴۴

در صورتی که مشتری عذر موجهی برای عدم ارسال اخطار به فروشنده داشته باشد می‌تواند علیرغم مقررات بند ۱ از ماده (۳۹) و بند ۱ از ماده ۴۳ ثمن کالا را بر طبق مقررات ماده ۵۰ تقلیل دهد یا مطالبه خسارت، به‌جز عدم‌النفع، نماید.

پاسخ: خیر. چنانچه خریدار ظرف یک مدت متعارف بعد از این‌که از حق یا ادعای مزبور آگاه شد یا باید آگاه می‌شد، (همانند عدم انطباق از لحاظ مقدار، کیفیت و وصف کالا)، اگر اخطاری برای تعیین نوع حق یا ادعای شخص ثالث برای بایع ارسال نکند، حق استناد به شروط مندرج مواد ۴۱ و ۴۲ را از دست می‌دهد (بند ۱ ماده ۴۳).

در صورتی که بایع از حق یا ادعای شخص ثالث و نوع آن واقف بوده، حق استناد به عدم ابلاغ به موقع از جانب خریدار را نخواهد داشت (بند ۲ ماده ۴۳). استثنای یکسان دیگری نیز وجود دارد که هرگاه خریدار عذر موجهی در مورد عدم اعطای اخطار لازم داشته باشد، می‌تواند مطابق با ماده ۵۰، ثمن را تقلیل داده یا مطالبه خسارت به جز عدم‌النفع نماید (ماده ۴۴). با این حال، برخلاف عدم انطباق از لحاظ مقدار، کیفیت و وصف کالا، خریدار هیچ تعهدی برای بازرسی ندارد (ماده ۳۸) و تابع محدوده زمانی دو ساله برای ارسال اخطار نیست (بند ۲ ماده ۳۹).

پرسش (۵۳) شیوه‌های جبران خسارت در دسترس خریدار چیست؟

ماده ۲۸

اگر بر اساس مقررات این کنوانسیون یک طرف قرارداد حق داشته باشد که ایفای تعهدی را از طرف دیگر درخواست کند، دادگاه مکلف به صدور حکم نسبت به اجرای عین تعهد نیست مگر این که مطابق قانون متبوع خود دادگاه، نسبت به قراردادهای بیع مشابه که مشمول مقررات این کنوانسیون نیستند حکم به اجرای عین تعهد دهد.

ماده ۴۶

۱. مشتری می‌تواند ایفای تعهدات بایع را از او بخواهد، مگر این که به یکی از طرق جبران خسارت که با درخواست وی منافات دارد متوسل شده باشد.

۲. چنانچه کالا منطبق با قرارداد نباشد مشتری فقط در صورتی می‌تواند تسلیم کالای جانشین را از وی درخواست نماید که مغایرت کالا متضمن نقص اساسی قرارداد باشد و درخواست بدل کالا، همزمان با اخطار مذکور در ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت بگیرد.

۳. هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری می‌تواند از فروشنده بخواهد که عدم انطباق را با تعمیر کالا جبران نماید مگر این که چنین درخواستی با توجه به کل اوضاع و احوال غیر معقول تلقی شود. درخواست تعمیر باید از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت پذیرد.

ماده ۴۷

۱. مشتری می‌تواند جهت ایفای تعهدات بایع، مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.

۲. مشتری جز در مواردی که از بایع اخطاری مبنی بر این که تعهدات خو را در مهلت اضافی تعیین شده ایفا نخواهد کرد دریافت کرده باشد، نمی‌تواند در مدت مزبور از بابت نقض قرارداد به هیچ یک از طرق جبران خسارت متوسل شود. با این وجود، مشتری از هیچ حقی که ممکن است در مورد مطالبه خسارت ناشی از

تأخیر در ایفای تعهد داشته باشد، محروم نخواهد شد .

ماده ۴۸

۱. فروشنده می‌تواند با رعایت ماده ۴۹، حتی پس از موعد تسلیم، هر نوع قصور در ایفای تعهدش را به هزینه خود جبران نماید مشروط بر آن‌که انجام این کار بدون تأخیر غیر معقول و بدون ایجاد مزاحمت نامعقول برای مشتری انجام شود و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت پیش پرداختش نشود. به هر حال هر نوع حق مطالبه خسارت برای مشتری، به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده است، محفوظ خواهد بود.

۲. اگر فروشنده از مشتری درخواست نماید که نظر خود در این خصوص که آیا ایفای تعهد توسط وی را خواهد پذیرفت یا خیر، اعلام کند و مشتری به تقاضای مذکور در مدت معقولی پاسخ ندهد، فروشنده می‌تواند ظرف مدت مذکور در درخواست، تعهدش را ایفا نماید. مشتری ظرف مدت مزبور نمی‌تواند به هیچ یک از طرق جبران خسارت که مغایر با ایفای تعهد بایع باشد، متوسل گردد.

۳. اعلام بایع دایر بر این‌که ظرف مدت معینی تعهد خود را ایفا خواهد نمود، به منزله استعلام از تصمیم مشتری مطابق بند پیشین است.

۴. تقاضا یا اخطاری که به موجب بندهای ۲ و ۳ این ماده توسط فروشنده به عمل آمده، بلااثر است مگر این‌که توسط مشتری دریافت شده باشد.

پاسخ: در صورت نقض، خریدار حق دارد «ایفای عین تعهد» را از فروشنده بخواهد (بند ۱ ماده ۴۶). طبق ماده ۲۸، شیوه جبران مبتنی بر درخواست ایفای عین تعهد، در قانون حاکم بر دادگاه یا دعاوی دآوری در محل درخواست این شیوه، امکان‌پذیر است. ماده ۲، ۲، ۷.

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، متضمن شروط تفصیلی راجع به «ایفای عین تعهد» است که می‌تواند در موقعیت‌های پیش‌بینی شده در ماده ۲۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، متمرکز واقع شود. تسلیم‌دهی کالای غیرمنطبق از جانب بایع، موجب حق خریدار به درخواست تسلیم کالای جایگزین می‌شود (بند (۲) ماده ۴۶) البته تنها در صورتی که نقض ارتكابی، اساسی تلقی شود. همچنین، خریدار می‌تواند فروشنده را به تعمیر کالای غیرمنطبق ملزم سازد (بند ۳ ماده ۴۶).

در صورت تسلیم کالای غیرمنطبق، تقلیل دادن ثمن قرارداد نیز، برای خریدار امکان‌پذیر است. (ماده ۵۰)

شیوه‌های جبران خسارت مقرر در مواد ۴۶ تا ۵۰، در شرایط تسلیم جزئی کالا، تابع مقررات خاصی است (ماده ۵۱).

در صورت نقض قرارداد از جانب بایع، خریدار واجد حقوق مضاعفی است که صراحتاً در مواد ۴۶ تا ۵۲ بیان نشده است. این حقوق، شیوه‌های جبران خسارت در صورت نقض قابل پیش‌بینی^{۱۹۰} و قراردادهای اقساطی^{۱۹۱} (مواد ۷۱-۷۳) و حق عدم ایفای تعهدات^{۱۹۲} شخصی خریداران، به ویژه، عدم پرداخت ثمن مورد توافق را شامل می‌شود.

پرسش ۵۴) در چه مواردی مشتری می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند؟

ماده ۴۹

۱. مشتری می‌تواند در موارد زیر قرارداد را باطل اعلام نماید:

¹⁹⁰ *anticipatory breach*

¹⁹¹ *instalment contracts*

¹⁹² *right to withhold performance*

(الف) در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات بایع به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب می‌شود؛ یا (ب) در صورت عدم تسلیم کالا، هرگاه بایع ظرف مدت اضافی که مطابق بند اول ماده ۴۷ توسط مشتری تعیین شده است، کالا را تسلیم نکند یا اعلام کند که ظرف مدت مزبور، کالا را تسلیم نخواهد کرد. ۲. با این وجود، در مواردی که بایع کالا را تسلیم کرده باشد مشتری حق اعلام بطلان قرارداد را از دست خواهد داد مگر این که او این کار را به طریق ذیل انجام دهد:

(الف) در صورت تأخیر در تسلیم، ظرف مدت معقولی پس از وقوف از تسلیم کالا، اعلام بطلان کند.

(ب) در رابطه با نقض هر یک از تعهدات قرارداد از جانب بایع، غیر از تأخیر در تسلیم، ظرف مدت معقولی که:

(۱) پس از این که نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا باید مطلع می‌شد.

(۲) بعد از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند اول ماده ۴۷ توسط مشتری تعیین شده یا بعد از این که فروشنده اعلام کرد که او در مهلت اضافی نیز به تعهداتش عمل نخواهد کرد.

(۳) پس از انقضای مهلت اضافی که توسط فروشنده بر اساس بند ۲ ماده ۴۸ مشخص شده است، یا پس از اعلام مشتری مبنی بر این که ایفای تعهد را قبول نخواهد کرد.

پاسخ: علاوه بر شرایط فسخ در صورت نقض قرارداد طبق ماده ۲۵، در صورت انقضای مدت اضافی ایفای تعهد: (۱) بدون تسلیم کالا از جانب بایع (بند ۱ (ب) ماده ۴۹)، خریدار می‌تواند فسخ قرارداد را اعلام کند؛ یا (۲) در وضعیت عدم پرداخت یا تحویل از جانب خریدار (بند ۱ (ب) ماده ۶۴)، بایع می‌تواند فسخ قرارداد را اعلام کند. قرارداد بیع در حالت کلی قابل فسخ و ابطال است.

پرسش ۵۵) تسلیم پیش از موعد^{۱۹۲} چه اثراتی دارد؟
پرسش ۵۶) تعریف انطباق کالا از منظر «کمیت» چیست؟

ماده ۵۲

۱. اگر فروشنده کالا را زودتر از موعد مقرر تسلیم نماید، مشتری مختار است آن را قبض کند یا از قبض آن امتناع ورزد.
۲. در صورتی که فروشنده بیشتر از مقدار کالایی که در قرارداد مقرر بوده، تسلیم کند، مشتری می‌تواند مقدار اضافی را قبض نموده یا از قبض آن خودداری کند. چنانچه مشتری همه یا قسمتی از کالای اضافی را قبض کند باید قیمت آن را مطابق با نرخ قرارداد بپردازد.

پاسخ: تسلیم زودتر از تاریخ یا مدت تعیین شده تسلیم‌دهی، نیز طبق شرایطی نقض تعهد بائع محسوب می‌شود، حتی اگر خریدار، کالا را تحویل بگیرد (بند (۱) ماده ۵۲).

تا جایی که به مقدار کالای مربوط است، نه تنها تسلیم دادن مقدار کمتر از آنچه در قرارداد مقرر است، بلکه تسلیم‌دهی مقدار کالای بیشتر از حد مقرر در قرارداد، به منزله عدم انطباق محسوب می‌شود. حتی اگر خریدار، مقدار مازاد را تحویل بگیرد نیز بائع کماکان مرتکب نقض شده است. در این موارد، خریدار باید بهای مقدار مازاد تحویل‌گرفته را با نرخ قرارداد بپردازد (بند (۲) ماده ۵۲، جمله دوم) و همچنین مسئولیت جبران خسارت زیان‌ناشی از تسلیم‌دهی مازاد بر عهده خریدار است.

پرسش ۵۷) خریدار در حالت کلی چه تعهداتی دارد؟

ماده ۵۳

مشتری باید به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است
ثمن را بپردازد و کالا را قبض نماید .

پاسخ : تعهدات کلی خریدار شامل پرداخت ثمن کالا و قبض یا تسلیم
شدن کالا به‌نحو مقرر در قرارداد و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
می‌شود (ماده ۵۳).

پرسش ۵۸) تعهد خریدار به پرداخت ثمن چه ضوابطی دارد؟

ماده ۵۴

تعهدات مشتری دایر بر تادیه ثمن شامل اقدامات و رعایت تشریفاتی
است که حسب قرارداد یا هر قانون و مقررات دیگر، برای امکان
تادیه ثمن لازم دانسته شود.

پاسخ : تعهد خریدار به پرداخت ثمن شامل انجام اقدامات و رعایت
تشریفاتی است که ذیل قرارداد یا هر نوع قانون یا مقررات دیگر برای
امکان پرداخت ثمن لازم باشد (ماده ۵۴). برای مثال، اگر قرارداد،
پرداخت به‌وسیله اعتبار اسنادی را لازم دانسته باشد، خریدار باید ترتیب
گشایش یک اعتبار اسنادی را در بانک خود بدهد. همچنین، خریدار
باید مقررات ناظر بر تبادل ارز^{۱۹۴} را رعایت نماید. با توجه به اصل
کلی مسئولیت مطلق^{۱۹۵} ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، یک
خریدار که به دلیل امتناع مقام مربوطه از اعطای مجوز انتقال وجوه
قادر به پرداخت ثمن نباشد، منوط به امکان‌معافیت ذیل ماده ۷۹،
همچنان در قبال عدم پرداخت مسئول خواهد بود. طرفینی که از بابت

¹⁹⁴ *currency exchange regulations*

¹⁹⁵ *general principle of strict liability*

ریسک اقدامات زیان‌بار کنترل ارزی^{۱۹۶} و پولی نگرانی دارند، می‌توانند به اصول یونیدروا توجه نمایند، چراکه اصول مزبور متضمن مجموعه‌ای از قواعد قراردادهای معین راجع به اعمال مجوز دولتی است، که تعریف موسعی از آن‌ها دارد، و مسائلی از جمله طرفی که باید درخواست مجوز داده و تعهدات ناشی شده برای آن طرف، و نیز پیامدهای مسئولیت عدم اعطای مجوز، یا وضعیتی که مجوز نه اعطا و نه رد می‌شود را مورد توجه قرار داده است.

پرسش ۵۹) نحوه تعیین ثمن به چه صورت است؟

ماده ۵۵

هرگاه قرارداد به‌نحو صحیح منعقد شده باشد ولی ثمن به‌طور صریح یا ضمنی تعیین نشده یا مقرراتی برای تعیین آن وضع نگردیده باشد، در صورت فقدان هرگونه دلیل مخالفت، چنین فرض می‌شود که طرفین به‌طور ضمنی بر روی ثمنی که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای چنان کالایی در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه رایج است، توافق کرده‌اند .

ماده ۵۶

اگر ثمن بر حسب وزن کالا تعیین شده باشد، در صورت بروز تردید ثمن کالا بر اساس وزن خالص تعیین می‌شود .

پاسخ : حتی زمانی که قرارداد به درستی منعقد شده باشد نیز ممکن است طرفین به‌نحو صریح یا ضمنی، ثمن را تعیین نکرده یا مقرره‌ای برای تعیین ثمن وضع نکرده باشند. در این موارد، در غیاب هرگونه دلیل مخالف، چنین فرض می‌شود که طرفین به‌طور ضمنی؛ ثمنی را که در

زمان انعقاد قرارداد برای فروش این قبیل کالا در اوضاع و احوال مشابه در نوع تجارت مربوطه رایج بوده است، مدنظر داشته‌اند (ماده ۵۵). این راه حل تفسیر، با قاعده قراردادی راجع به تعیین ثمن که مندرج اصول یونیدرواست و ناظر بر زمان تعیین نشدن یا وجود نداشتن شروط تعیین ثمن در قرارداد است، مطابقت دارد (ماده ۵، ۱، ۷). همچنین، اصول یونیدروا، ناظر بر وضعیتی است که قرارداد صراحتاً مقرر نموده که ثمن باید توسط یکی از طرفین، یا شخص ثالث یا با استناد به عوامل بیرونی، تعیین شود. یک مقرر صریح دیگر ناظر بر وضعیتی است که طرفین عمداً شروط قراردادی را در زمان انعقاد قرارداد بلا تکلیف گذاشته‌اند تا در آینده تعیین شوند. این مقرر، شامل شروط ثمن است و مشخصاً برای قراردادهای بلندمدت^{۱۹۷} مهم کاربرد دارد (ماده ۲، ۱، ۱۴ اصول یونیدروا).

اگر ثمن بر اساس وزن کالا تعیین شده باشد، در صورت بروز تردید، ثمن باید بر حسب وزن خالص^{۱۹۸} تعیین شود، و نه بر مبنای وزن ناخالص^{۱۹۹} با احتساب وزن بسته‌بندی (ماده ۵۶).

پرسش ۶۰) کنوانسیون چه مقرراتی برای نحوه تعیین ارزش پرداخت دارد؟

پاسخ: ارزش پرداخت باید ارزش مورد توافق در قرارداد باشد. این مسئله که آیا خریدار می‌تواند ارزش محل خودش را پرداخت کند، چنانچه ارزش مزبور متفاوت با ارزش قراردادی باشد، ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تعیین تکلیف نشده اما اصول یونیدروا، انتخاب فوق را در اوضاع و احوال معین مجاز دانسته است (ماده ۶، ۱، ۹ اصول یونیدروا). چنانچه طرفین در مورد ارزش پرداخت توافق نکرده باشند، ارزی که باید استفاده شود ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر نگردیده، اما

¹⁹⁷ long-term contracts

¹⁹⁸ net weight

¹⁹⁹ gross weight

ارز پرداختی باید مطابق با بند ۲ ماده ۷ تعیین شود. از جانب دیگر، اصول یونیدروا مقرر نموده که در این مورد، پرداخت باید با ارز محل پرداخت انجام شود (ماده ۱۰، ۱، ۶ اصول یونیدروا).

پرسش ۶۱) «محل پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟

ماده ۵۷

۱. هرگاه مشتری ملزم نباشد که ثمن کالا را در محل معین دیگری تأدیه کند، مکلف است ثمن را :
الف) در محل تجارت فروشنده؛ یا
ب) اگر در پرداخت منوط به تحویل کالا یا اسناد باشد، آن را در محل تسلیم کالا یا اسناد تأدیه نماید.
۲. هر نوع افزایش هزینه‌ای که لازمه پرداخت ثمن و ناشی از تغییر محل تجارت بایع پس از انعقاد قرارداد باشد، به عهده اوست.

پاسخ : اگر طرفین در مورد محل پرداخت توافق کرده‌اند، پرداخت باید در همان محل انجام شود. اگر توافق نکرده‌اند، اصولاً، خریدار باید ثمن را در محل کسب‌وکار بایع به وی پرداخت کند (بند ۱ الف) ماده ۵۷).
باین حال، اگر لازم باشد پرداخت منوط به تسلیم کالا یا اسناد گردد، باید در محل تسلیم کالا یا اسناد پرداخت شود (بند ۱ ب) ماده ۵۷).

پرسش ۶۲) «هزینه پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟

پاسخ : به همان دلیل که فروشنده عهده دار هزینه تسلیم‌دهی است، هزینه پرداخت باید بر عهده خریدار باشد، مگر این‌که به نحوی دیگر توافق کنند که این وضع با ماده ۶،۱،۱۱ اصول یونیدروا، مطابقت دارد. با این حال، فروشنده باید هرگونه افزایش هزینه لازم برای پرداخت ثمن را که ناشی از تغییر محل کسب و کارش بعد از انعقاد قرارداد است، بر عهده بگیرد (بند (۲) ماده ۵۷).

پرسش (۶۳) «زمان پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟

ماده ۵۸

۱. در صورتی که مشتری ملزم نباشد که ثمن را در یک زمان معین تأدیه نماید، مکلف است در زمانی که با بایع، کالا یا اسناد استیلای بر آن را طبق قرارداد و طبق کنوانسیون در اختیار او قرار می‌دهد، ثمن را تأدیه کند. فروشنده می‌تواند تسلیم کالا یا اسناد آن را مشروط به به تأدیه ثمن نماید.
۲. هرگاه قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بایع می‌تواند کالا را با قید این شرط که تسلیم کالا یا اسناد آن به مشتری، موکول به تأدیه ثمن باشد، ارسال نماید.
۳. تا زمانی که مشتری فرصت بازرسی کالا را نیافته است، ملزم به تأدیه ثمن نیست، مگر این‌که نحوه تسلیم یا تأدیه مورد توافق متعاملین، با قائل شدن چنین فرصتی برای او منافات داشته باشد.

پاسخ : خریدار باید زمانی ثمن را بپردازد که فروشنده، کالا یا اسناد کنترل‌کننده تسلط بر آن‌ها را مطابق با قرارداد و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در اختیار خریدار قرار دهد (بند ۱ ماده ۵۸). بایع می‌تواند این پرداخت را مشروط به تسلیم کالا یا اسناد کند. اگر قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بایع می‌تواند کالا را با این شرط که تسلیم

کالا یا اسناد کنترل‌کننده تسلط بر آن‌ها به خریدار مشروط به پرداخت ثمن است، ارسال کند (بند ۲ ماده ۵۸). به این ترتیب، قاعده کلی این است که کالا یا اسناد و پرداخت ثمن، باید هم‌زمان با یکدیگر مبادله شود.

البته کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر کرده تا زمانی که خریدار فرصت بازرسی کالا را نداشته، مکلف به پرداخت ثمن نیست (بند ۳ ماده ۵۸). با این حال، چنانچه رویه‌های تسلیم‌دهی یا پرداخت مورد توافق طرفین با چنین فرصتی ناهمخوانی داشته باشد (مثل پرداخت وجه در ازای اسناد)، حق بازرسی کالا قبل از پرداخت ثمن، اعمال‌پذیر نیست. این بازرسی یک بازرسی کوتاه و سطحی و عمدتاً به منظور شناسایی تسلیم کالای نادرست (کالای دیگر، غیر از مبیع معین^{۲۰۰})، عیوب ظاهری^{۲۰۱}، یا تسلیم مقدار نادرست^{۲۰۲}، است. این بازرسی باید از بازرسی به‌موجب ماده ۳۸ به منظور کشف هرگونه عدم انطباق تفکیک شود.

پرسش ۶۴) آیا پرداخت ثمن، مقررات شکلی خاصی دارد؟

ماده ۵۹

مشتری مکلف است در موعد مقرر یا قابل تعیین به‌وسیله قرارداد و این کنوانسیون، بدون این‌که مستلزم هرگونه تقاضا یا رعایت تشریفاتی از جانب بایع باشد، ثمن را تادیه نماید.

پاسخ: خیر. برخلاف قانون برخی از حوزه‌های قضایی، خریدار باید ثمن را در تاریخ تعیین شده یا قابل تعیین بر اساس قرارداد و کنوانسیون

²⁰⁰ *aliud*

²⁰¹ *apparent defects*

²⁰² *delivery of wrong quantity*

بیع بین‌المللی کالا بدون نیاز به هرگونه تقاضا یا رعایت هر شکلی از تشریفات از جانب بایع، بپردازد.

پرسش ۶۵) «روش پرداخت» مشمول چه مقرراتی است؟

پاسخ: برخلاف اصول یونیدرواکه شروطی برای روش پرداخت دارد (مواد ۶، ۱، ۷ و ۶، ۱، ۸)، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قواعدی در مورد روش‌های پرداخت مقرر نکرده است. با این حال، شروط کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا راجع به زمان پرداخت (ماده ۵۸) و محل پرداخت (ماده ۵۷) فرض می‌کنند که پرداخت می‌تواند به وسیله پول نقد یا از طریق انتقال وجه^{۲۰۳} انجام شود. خریدار می‌تواند ثمن معامله را به هر یک از این دو شکل پرداخت کند، مگر این که طرفین یا از قبل توافق کرده باشند، یا یک رویه مقرر بین طرفین یا یک عرف لازم‌الاجرا در ارتباط با روش پرداخت وجود داشته باشد (ماده ۹). برای پرداخت به هر شکل دیگر، از جمله برات^{۲۰۴}، سفته^{۲۰۵}، چک^{۲۰۶} یا اعتبارات اسنادی، باید قبل یا بعد از انعقاد قرارداد، با فروشنده توافق شود.

اسناد مختلف حقوق متحدالشکل، قواعد ناظر بر روش‌های پرداخت را مقرر کرده‌اند. قانون نمونه آنسیترال در خصوص انتقال‌های بین‌المللی اعتبار (۱۹۹۲)، یک مدل متحدالشکل جهانی را ارائه داده است. متون سندهای منطقه‌ای، مانند دستورالعمل خدمات پرداخت اتحادیه اروپا، نیز ممکن است مربوط به این موضوع باشد.

برای پرداخت به وسیله برات‌ها، سفته‌ها، و چک‌ها، برخی از کشورها، قانون متحدالشکل برات‌های اسعاری و سفته‌ها^{۲۰۷} و قانون

²⁰³ funds transfer

²⁰⁴ bills of exchange

²⁰⁵ promissory notes

²⁰⁶ Cheques

²⁰⁷ Uniform Law for Bills of Exchange and Promissory Notes

متحدالشکل چک‌ها^{۲۰۸} را مطابق با کنوانسیون‌های ژنو، به تصویب رسانده‌اند. کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد در مورد بروات و سفته‌های بین‌المللی^{۲۰۹}، هنوز اجرا نشده است. برای اعتبارات اسنادی تجاری^{۲۱۰}، مجموعه رویه و عرف‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی^{۲۱۱}، که توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی تهیه شده، یک استاندارد بالفعل^{۲۱۲} را مقرر می‌کند. اتاق بازرگانی بین‌المللی برای پوشش‌دهی تجارت الکترونیک، یک متمم برای رویه و عرف‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی به منظور ارائه الکترونیکی اعتبارات اسنادی^{۲۱۳} و نیز، مقررات متحدالشکل تعهد پرداخت بانکی^{۲۱۴} را تدوین نموده است.

پرسش ۶۶) تعهد به تحویل کالا، چه تعریفی دارد؟

ماده ۶۰

تعهد مشتری به قبض کالا عبارت است از :
الف) انجام کلیه اقداماتی که به منظور قادر ساختن بایع بر تسلیم،
عرفاً از مشتری انتظار می‌رود.

ب) قبض کالا

پاسخ : خریدار باید کالا را تحویل بگیرد. این امر نه تنها شامل تصرف فیزیکی (در اختیارگرفتن) کالا است (بند (ب) ماده ۶۰)، بلکه شامل

²⁰⁸ *Uniform Law for Cheques*

²⁰⁹ *1988 United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes*

²¹⁰ *commercial letters of credit*

²¹¹ *Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP)*

²¹² *de facto standard*

²¹³ *Supplement to UCP for electronic presentation of letters of credit (eUCP)*

²¹⁴ *Uniform Rules for Bank Payment Obligations (URBPO)*

انجام تمام اقداماتی است که متعارفاً از خریدار انتظار می‌رود تا با بایع قادر به تسلیم‌دهی باشد (بند (الف) ماده ۶۰). برای مثال، اگر لازم است خریدار ترتیب حمل کالا را بدهد، باید خودش قرارداد حمل را منعقد و کلیه اطلاعات لازم، از جمله نام کشتی، را در اختیار فروشنده قرار دهد تا وی قادر به تسلیم کالا به حمل‌کننده باشد.

پرسش ۶۷) شیوه‌های متعدد جبران خسارت در دسترس بایع چیست؟

ماده ۶۲

فروشنده می‌تواند از مشتری تقاضای پرداخت ثمن، قبض کالا یا ایفای دیگر تعهداتش را بنماید، مگر این‌که متوسل به یک طریق جبران خسارتی منافی با این تقاضاست شده باشد.

ماده ۶۳

۱. بایع می‌تواند جهت ایفای تعهدات مشتری، مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.

۲. فروشنده نمی‌تواند در اثنای مهلت اضافی فوق متوسل به هیچ‌کدام از طرق جبران خسارات برای نقض قرارداد بشود، مگر این‌که اعلانی از مشتری مبنی بر این‌که او در مهلت اضافی تعیین شده ایفا تعهد نخواهد کرد، را دریافت نموده باشد. با این وجود، بایع از هیچ‌گونه حقی که ممکن است جهت دعوای خسارت ناشی از تأخیر تادیه داشته باشد محروم نمی‌شود.

پاسخ: هنگامی که خریدار مرتکب نقض قرارداد شود، بایع می‌تواند خریدار را به پرداخت ثمن، تسلیم شدن مبیع یا ایفای سایر تعهداتش ملزم سازد، مگر این‌که فروشنده به یک شیوه جبران خسارت مغایر این درخواست متوسل شده باشد (ماده ۶۲). همه این شیوه‌های

جبران خسارت، در دسته کلی درخواست «ایفای عین تعهد» قرار می‌گیرد.

در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات خریدار به موجب این قرارداد یا کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به منزله یک نقض اساسی محسوب شود، بائع می‌تواند قرارداد را فسخ کند (بند ۱ الف) ماده ۶۴). همچنین اگر خریدار، تعهد خود به پرداخت ثمن یا تسلیم شدن کالا را در ظرف مدت زمان اضافی تعیین شده توسط بائع مطابق با بند ۱ ماده ۶۳ ایفا نکند، قرارداد قابل فسخ است.

پرسش ۶۸) در چه مواردی بائع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند؟

ماده ۶۴

در موارد زیر بائع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید:
الف) در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا
ب) هرگاه مشتری ظرف مهلت اضافی که طبق بند (۱) ماده ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است تعهدات خود را مبنی بر پرداخت ثمن یا قبض کالا ایفا نکند یا اعلام نماید که در ظرف مهلت مذکور به تعهداتش جامه عمل نخواهد پوشاند.

۲. معهذاً، در مواردی که مشتری ثمن را پرداخته باشد فروشنده حق اعلام اجتناب از قرارداد را از دست خواهد داد مگر این‌که او این کار را به‌طریق ذیل انجام دهد:

(الف) در صورت تاخیر در ایفا تعهد از طرف خریدار، پیش از وقوف به انجام تعهد، اعلام بطلان کند؛ یا
(ب) در صورت نقض هر یک از تعهدات، غیر از تاخیر در ایفای تعهدات، ظرف مدت متعارف به شرح زیر اعلام بطلان نماید:
(۱) پس از این‌که نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا می‌باید

اطلاع حاصل می‌کرد؛ یا

(۲) پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند ۱ ماده ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است، یا پس از اعلام مشتری مبنی بر این‌که ظرف مدت مزبور، تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد.

پاسخ: طبق موارد ذکر شده در ماده ۶۴ بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید. وقوع نقض اساسی، تادیه و پرداخت ثمن، قبض کالا و تاخیر در ایفای تعهد همگی از جمله مواردی است که در این ماده بدان پرداخته شده و حقوقی برای بایع نسبت به اعلام بطلان قرارداد ایجاد کرده است.

پرسش (۶۹) بایع چه حقی درباره تعیین مشخصات کالا دارد؟

ماده ۶۵

۱. چنانچه حسب قرارداد، تعیین شکل، اندازه یا سایر مشخصات کالا به عهده مشتری باشد و او در انجام این امر قصور ورزد، اعم از این‌که قصور در تاریخ مورد توافق صورت گیرد یا ظرف مدت متعارفی پس از وصول تقاضای تعیین مشخصات از بایع، فروشنده می‌تواند بدون این‌که خدشه‌ای به سایر حقوقش وارد گردد، با توجه به خواسته‌های مشتری که ممکن است بر او معلوم باشد، راسا مشخصات کالاها را تعیین کند.

۲. چنانچه خود بایع مشخصات کالا را تعیین کند، باید جزییات آن را به آگاهی مشتری رسانده و مدت متعارفی تعیین کند تا ظرف مدت مزبور، مشتری بتواند در صورت تمایل، مشخصات متفاوتی اعلام کند. هرگاه پس از وصول چنین اعلانی، مشتری ظرف مدت مقرر، مشخصات کالا را تعیین نکند، مشخصات تعیین شده از طرف بایع، لازم الاتباع است.

پاسخ : در نهایت، هنگامی که خریدار نتواند شکل، اندازه یا سایر مشخصات کالا را، به نحو مقرر در قرارداد، تعیین کند، بایع می‌تواند مطابق با الزامات تعیین شده از جانب خریدار، شخصاً نسبت به تعیین این موارد اقدام کند (ماده ۶۵).

پرسش (۷۰) چه شرایطی برای انتقال ریسک پیش‌بینی شده است؟

ماده ۶۶

تلف یا خسارت وارده بر کالا، بعد از انتقال ضمان (ریسک) به خریدار، موجب برائت وی از ایفاء تعهدش مبنی بر پرداخت ثمن نمی‌شود، مگر این‌که تلف یا خسارت مذکور ناشی از فعل یا ترک فعل فروشنده باشد.

پاسخ : کالاهای مشخص شده در قرارداد ممکن است تلف شده یا صدمه ببیند. در چنین مواردی، این‌که عدم تسلیم^{۲۱۵} (در صورت اِتلاف) یا تسلیم کالای صدمه دیده (در صورت صدمه) به منزله نقض تعهد بایع به تسلیم کالا تلقی می‌شود یا خیر، به این بستگی دارد که اِتلاف یا صدمه قبل یا بعد از انتقال ریسک اِتلاف یا صدمه اتفاق افتاده است.

هنگامی که کالا بعد از انتقال ریسک اِتلاف یا صدمه از فروشنده به خریدار، دچار اِتلاف یا صدمه شود، بایع مکلف به جبران اِتلاف یا صدمه نیست، و خریدار باید ثمن کامل را بپردازد (ماده ۶۶).
با این حال، دو استثناء وجود دارد. نخست این‌که، اگر اِتلاف یا صدمه ناشی از فعل یا ترک فعل^{۲۱۶} بایع باشد، تسلیم ندادن یا تسلیم کالای

²¹⁵ non-delivery

²¹⁶ act or omission

صدمه دیده، نقض تعهد بائع برای تسلیم کالا محسوب می‌شود (ماده ۶۶). این‌که آن‌فعل یا ترک فعل به خودی خود به منزله نقض تعهد بائع محسوب شود، درست نیست. دوم این‌که، اگر اِتلاف یا خسارت بعد از انتقال ریسک اتفاق افتاد، چنان‌چه بائع مرتکب نقض اساسی قرارداد^{۲۱۷} شده باشد (صرف نظر از این‌که علت اِتلاف یا صدمه چه باشد)، خریدار می‌تواند به شیوه‌های جبران خسارت در دسترس خود بر مبنای چنین نقضی، رجوع کند (ماده ۷۰). این شیوه‌های جبران خسارت، درخواست تسلیم کالای جایگزین^{۲۱۸} (بند ۲ ماده ۴۶) و اعلام فسخ قرارداد را شامل می‌شود (بند ۱ (ب) ماده ۴۹)، با این حقیقت‌که اِتلاف یا صدمه بعد از انتقال ریسک اتفاق افتاده است.

از جانب دیگر، چنان‌چه اِتلاف یا صدمه وارده به کالا، قبل از انتقال ریسک به خریدار اتفاق افتد، به منزله نقض تعهد بائع به تسلیم (در صورت اِتلاف) یا تسلیم دادن کالای صدمه دیده (در صورت صدمه) محسوب می‌شود. فروشنده مکلف به تسلیم دادن کالای جایگزین خواهد بود. در غیر این صورت، بائع مرتکب نقض تعهد خود به تسلیم کالا شده است.

پرسش (۷۱) شرایط انتقال ریسک در قراردادهای متضمن حمل، چیست؟

ماده ۶۷

۱. هرگاه قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد و فروشنده ملزم به تسلیم آن‌ها در محل معینی نباشد از زمانی که کالا مطابق قرارداد بیع به اولین حمل و نقل کننده جهت ارسال به مشتری تسلیم شود، ضمان به مشتری منتقل می‌گردد. هرگاه بائع ملزم به تسلیم کالا به متصدی حمل در محل معینی باشد، تا زمانی که کالا تسلیم متصدی در محل مزبور

²¹⁷ fundamental breach of contract

²¹⁸ delivery of substitute goods

نشده است، ضمان به مشتری منتقل نخواهد شد. این امر که با بایع مجاز باشد اسناد کالاها را نزد خود نگه دارد، اثری در انتقال ضمان نخواهد داشت.

۲. با این وصف تا زمانی که کالاهای موضوع قرارداد، خواه از طریق علامت‌گذاری روی آن‌ها، خواه به وسیله بارنامه‌ها و خواه با اخطار به مشتری یا به‌نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشند، ضمان به مشتری منتقل نخواهد شد.

پاسخ: تعیین زمان انتقال ریسک، بسیار مهم است. طرفین معمولاً، با انتخاب یک شرط تجاری از قواعد اینکوترمز، راجع به زمان انتقال ریسک توافق می‌کنند (البته یادمان باشد که قواعد اینکوترمز، پیامدهای انتقال ریسک را تعریف نکرده است). به‌طور کلی، قواعد اینکوترمز، ابقای ریسک ائتلاف با بایع را در نظر می‌گیرند تا زمانی که فروشنده کالا را مطابق با هر یک از شروط تجاری تسلیم کند. برای مثال، در شرط «تحویل کالا به حمل‌کننده در مبدا»، «تحویل با پرداخت کرایه حمل تا مقصد»، و «تحویل با پرداخت کرایه حمل و بیمه تا مقصد»، هنگامی که کالا به حمل‌کننده تسلیم یا در اختیار وی قرار گرفته است؛ طبق اصطلاحات «تحویل روی عرشه کشتی در مبدا» و «هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد»، هنگامی که بایع کالا را روی عرشه کشتی قرار دهد؛ طبق اصطلاحات «تحویل کالا در نقطه عزیمت در مبدا»، «تحویل در محل و تحویل در مقصد با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی»، هنگامی که بایع کالا را در نقطه مورد توافق در اختیار خریدار قرار دهد، ریسک انتقال می‌یابد. اگر طرفین چنین توافقی نکرده‌اند، تحت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ریسک مطابق با مواد ۶۷ و ۶۸ انتقال می‌یابد. از منظر عملی، طرفین باید برای پوشش ائتلاف کالا، بیمه را خریداری کنند.

انتقال ریسک، از مسئله انتقال مالکیت جداست. به‌طور کلی، ریسک هنگامی منتقل می‌شود که بایع هر آنچه لازم بود را برای تسلیم کالا انجام داده و خریدار در موقعیت بهتری برای کنترل کالا قرار دارد. توجه کنید که ریسک به خریدار منتقل نمی‌شود مگر این‌که کالای موضوع قرارداد مشخص شده باشد (بند ۲ ماده ۶۷ و بند ۳ ماده ۶۹).

اصول یونیدروا، شروط قراردادی صریحی راجع به انتقال ریسک اِتلاف و پیامد آن ندارد، به این دلیل که قلمروی شمول گسترده‌تر اصول مزبور شامل تمامی قراردادها می‌شود.

ماده ۶۷ زمان انتقال ریسک در مواردی که قرارداد بیع متضمن حمل کالا است را مقرر می‌کند. اگر بایع مکلف به تسلیم دادن کالا به حمل‌کننده در یک محل معین نباشد، ریسک زمانی به خریدار منتقل می‌شود که کالا در مطابقت با قرارداد بیع، به حمل‌کننده نخست تسلیم شده تا برای خریدار ارسال شود. این وضع با نحوه تسلیم‌دهی مقرر برای فروشنده طبق بند (الف) ماده ۳۳ مطابقت دارد. اگر بایع مکلف به تسلیم دادن کالا به یک حمل‌کننده در یک محل معین باشد، ریسک زمانی به خریدار منتقل می‌شود که کالا در آن محل به حمل‌کننده تسلیم شود (یعنی، اگر یک بایع در داخل کشور توافق کند که کالا را در یک بندر دریایی به حمل‌کننده تسلیم کند، ریسک با تسلیم کالا به حمل‌کننده نخست در محل کسب‌وکار بایع، منتقل نمی‌شود). این حقیقت که بایع می‌تواند بعد از تسلیم دادن کالا به حمل‌کننده، اسناد کنترل‌کننده تسلط بر کالا (یعنی، بارنامه‌ها) را نزد خود حفظ کند، تاثیری بر انتقال ریسک ندارد. در این قضایا، بایع قبلاً کالا را تسلیم کرده و ریسک اِتلاف در تمام طول حمل و نقل با خریدار است چراکه در موقعیت بهتری برای مشخص کردن اِتلاف یا صدمه بعد از وصول کالا به مقصد قرار دارد.

با این حال، تا زمانی که کالای موضوع قرارداد به وضوح مشخص نشده باشد، ریسک به خریدار منتقل نمی‌شود (بند ۲ ماده ۶۷). مشخص

کردن ممکن است با علامت‌گذاری روی کالا، به‌وسیله اسناد حمل^{۲۱۹}، با اخطار دادن به خریدار یا به نحوی دیگر انجام شود. مشخص‌سازی بعد از حمل به ویژه در مورد بیع کالای فله تقسیم نشده^{۲۲۰} مهم است.

پرسش ۷۲) شرایط انتقال ریسک برای کالای در حال ترانزیت چیست؟

ماده ۶۸

در مورد مبیعی که در حال حمل (در میانه راه) فروخته می‌شود، ضمان از تاریخ انعقاد قرارداد به مشتری منتقل می‌شود. مع هذا اگر از اوضاع و احوال چنین برآید، از تاریخ تسلیم کالا به موسسه حمل و نقلی که اسناد مربوط به قرارداد حمل را صادر می‌کند، ضمان بر ذمه مشتری مستقر خواهد شد. با این وصف، چنانچه بایع در زمان انعقاد قرارداد نسبت به تلف کالا یا زیان دیدن آن اطلاع داشته یا باید اطلاع می‌داشت و این امر را به آگاهی مشتری نرسانده باشد، ضامن تلف یا زیان خواهد بود.

پاسخ: ماده ۶۸ به وضعیتی توجه دارد که کالای در حال ترانزیت (یا حمل) فروخته می‌شود. اصولاً، ریسک کالای فروخته شده در حال ترانزیت، از زمان انعقاد قرارداد به خریدار منتقل می‌شود (جمله نخست ماده ۶۸) با این حال، اگر اوضاع و احوال چنین دلالت کند (یعنی، چنانچه خریدار، بیمه برای پوشش مدت کل حمل را تهیه کرده باشد)، خریدار از زمانی که کالا تسلیم حمل‌کننده گردید و وی اسناد متضمن قرارداد حمل را صادر کرد، ریسک را به صورت رجعی^{۲۲۱} برعهده می‌گیرد. سند مزبور می‌تواند شامل هر سند بیانگر وجود

²¹⁹ shipping documents

²²⁰ undivided bulk goods

²²¹ Retroactively

یک قرارداد باشد و الزاما همیشه یک سند کنترل‌کننده تسلط بر کالا نیست.

با این حال، چنانچه، در زمان انعقاد قرارداد بیع کالای در حال ترانزیت، بایع از اِتلاف یا صدمه دیدن کالا آگاهی داشته یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد اما آن را برای خریدار افشا نکرده، ضامن اِتلاف یا زیان خواهد بود (ماده ۶۸، بند سوم).

پرسش (۷۳) شرایط انتقال ریسک در حالت کلی چیست؟

ماده ۶۹

۱. در غیر از موارد مندرج در اصول ۶۷ و ۶۸، از تاریخی که مشتری کالا را قبض می‌کند، یا چنانچه در موعد مقرر اقدام به قبض ننماید، از تاریخی که کالا در اختیار وی قرار داده شده است و به لحاظ قصور در قبض، مرتکب نقض قرارداد می‌گردد، ضمان به ذمه او منتقل می‌شود.

۲. چنانچه مشتری ملزم به قبض کالا در محلی غیر از محل تجارت بایع باشد، با فرارسیدن موعد تسلیم و اطلاع مشتری از این که کالا در محل مزبور در اختیار او قرار داده شده است، ضمان به وی منتقل می‌شود.

۳. چنانچه قرارداد راجع به کالایی باشد که در زمان انعقاد قرارداد مشخص نگردیده است، تا زمانی که مشخص نشده که کالای تحویلی مربوط به قرارداد بوده، فرض بر این است که آن کالا در اختیار مشتری قرار نگرفته است.

پاسخ: ماده ۶۹، زمان انتقال ریسک در موارد غیر مندرج در مواد ۶۷ و ۶۸ را مقرر می‌کند. اگر لازم باشد که خریدار کالا را در محل

کسب‌وکار با بایع تحویل بگیرد، ریسک، از همان زمان تسلیم کالا به خریدار، منتقل می‌شود. (بند ۱ ماده ۶۹). زیرا خریدار در موقعیت بهتری برای در اختیار گرفتن کالا قرار دارد.

با این حال، اگر خریدار کالا را در موعد مقرر تحویل نگیرد، از زمانی که کالا در اختیار وی قرار گرفته و با تسلیم نشدن کالا مرتکب نقض قرارداد گردیده باشد، ریسک به وی منتقل می‌شود (مواد ۵۳ و ۶۰ را ببینید). زمان قرار گرفتن کالا در اختیار خریدار و زمانی که خریدار کالا را تسلیم شده عنوان کرده، ممکن است با یکدیگر منطبق نباشد، چراکه بایع می‌تواند کالا را قبل از تاریخ مقرر در اختیار خریدار قرار دهد، یا ممکن است بایع مکلف به اطلاع دادن به خریدار بوده که کالا در اختیارش قرار گرفته است. قرار دادن کالا در اختیار خریدار، به تنهایی، برای انتقال ریسک کافی نیست، چراکه بایع کنترل کالا در محل کسب‌وکار خویش را بر عهده دارد.

اگر لازم است خریدار کالا را در محلی غیر از محل کسب‌وکار بایع تحویل بگیرد (یعنی، محل کسب‌وکار خریدار یا انبار یک شخص ثالث)، ریسک زمانی انتقال می‌یابد که قبض و تسلیم شدن کالا فرارسیده و خریدار از حقیقت قرار گرفتن کالا در اختیارش در آن محل آگاه شود (بند ۲ ماده ۶۹). توجه کنید که این امر با قواعد اینکوترمز که معمولاً آگاه شدن خریدار را برای انتقال ریسک الزامی نمی‌دانند، تفاوت دارد. انتقال ریسک ذیل بند ۲ ماده ۶۹ زودتر از انتقال ریسک ذیل بند ۱ ماده ۶۹ اتفاق می‌افتد چراکه کنترل کالا در اختیار بایع نیست.

با این حال، توجه کنید که تا زمانی که به وضوح مشخص نشود که کالای تحویلی مربوط به قرارداد است، فرض بر این می‌شود که آن کالا در اختیار خریدار قرار نگرفته است (بند ۳ ماده ۶۹).

پرسش ۷۴) پرسش ۷۴) شرایط نقض قابل پیش‌بینی و قراردادهای اقساطی ۲۲۲ چیست؟

ماده ۷۱

۱. چنانچه پس از انعقاد قرارداد آشکار شود که یکی از طرفین به شکل زیر، بخش اساسی تعهدات خود را ایفا نخواهد نمود، طرف دیگر حق خواهد داشت اجرای تعهدات خود را معلق کند :
الف) نقصان فاحش در توانایی یا اعتبار مالی متعهد برای انجام قرارداد؛ یا

ب) نحوه رفتار او در تمهید مقدمه اجرای قرارداد یا اجرای اصل قرارداد.

۲. اگر فروشنده پیش از ظهور جهات موصوف در بند پیشین، کالا را ارسال کرده باشد، می‌تواند از تسلیم آن به مشتری جلوگیری کند، حتی اگر مشتری دارای سندی باشد که او را محق به وضع ید بر کالا می‌کند.

۳. طرفی که اجرای تعهد را، خواه قبل از ارسال کالا یا بعد از آن، معلق می‌نماید موظف است فوراً اخطار تعلیق را به طرف دیگر ارسال کند و چنانچه طرف دیگر در زمینه ایفای تعهد خود اطمینان کافی فراهم نماید، اجرای تعهد خود را از سر می‌گیرد.

ماده ۷۲

۱. اگر قبل از تاریخ اجرای قرارداد معلوم شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد طرف دیگر می‌تواند قرارداد را باطل نماید.

۲. طرفی که قصد اعلام بطلان را دارد، چنانچه فرصت اقتضا کند، مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر بدهد تا برای او این

امکان که اطمینان کافی جهت ایفای تعهدش بدهد، فراهم شود.
۳. چنانچه طرف دیگر اعلام کرده باشد که تعهدات خود را اجرا نخواهد کرد، الزامات مذکور در بند پیشین منتفی خواهند بود.

ماده ۷۳

۱. در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط، چنانچه قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، طرف دیگر در همین رابطه اختیار اعلام بطلان دارد.

۲. چنانچه قصور یکی از طرفین در اجرای تعهدات نسبت به هر یک از اقساط، دلایل قانع کننده‌ای در اختیار طرف دیگر قرار دهد که نسبت به اقساط آتی نیز نقض اساسی قرارداد صورت خواهد گرفت، طرف اخیر حق دارد قرارداد را نسبت به آینده باطل اعلام نماید، مشروط بر اینکه ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری کند.

۳. در موردی که مشتری در رابطه با هر یک از دفعات تسلیم، اعلام بطلان می‌کند، می‌تواند هم‌زمان با چنین اعلامی، نسبت به فقرات انجام قبلی یا آتی نیز اعلام بطلان نماید، مشروط بر اینکه به علت وابستگی متقابل کالا، نتوان از آنچه تسلیم شده یا می‌شود در مقاصد مورد نظر طرفین هنگام انعقاد قرارداد، استفاده کرد.

پاسخ: در صورت نقض قابل پیش‌بینی از جانب طرفین، تعدادی از شیوه‌های جبران خسارت در دسترس خریدار یا فروشنده است. ماده ۷۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به طرف زیان‌دیده اجازه می‌دهد که هرگاه بعد از انعقاد قرارداد، معلوم شد که طرف مقابل، قسمت مهمی از تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد، ایفای تعهدات خویش که مندرج یک یا چند قرارداد اقساطی است را تعلیق کند. عدم ایفای قابل پیش‌بینی از

جانب طرف دیگر باید ناشی از نقص فاحش^{۲۲۳} در توانایی ایفای تعهد، اعتبارمندی^{۲۲۴} متعهد، نحوه رفتار وی در آمادگی جهت اجرا یا در اجرای قرارداد باشد.

همچنین، اگر قبل از تاریخ اجرای قرارداد، معلوم شود که خریدار یا بایع مرتکب نقض اساسی خواهند شد، قرارداد قابل فسخ است (ماده ۷۲).

در نهایت، اگر قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط به منزله نقض اساسی آن قسط باشد، قرارداد تسلیم کالا به صورت قسطی می‌تواند فسخ شود (بند ۱ ماده ۷۳). چنانچه طرف ناقض نشانه‌های آشکاری از خود بروز دهد که بیانگر نقض اساسی نسبت به اقساط آتی باشد، تمام قرارداد قابل فسخ است.

پرسش ۷۵) خسارات تحت کنوانسیون چه‌گونه تنظیم شده است؟

ماده ۷۴

خسارات ناشی از نقض قرارداد به‌وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی، که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. چنین خساراتی نمی‌تواند از مقدار زیانی که نقض‌کننده، در زمان انعقاد قرارداد و در پرتو حقایق و موضوعاتی که در همان موقع بدان واقف بوده یا می‌باید واقف می‌بوده، به عنوان اثر ممکن‌الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده و یا می‌باید پیش‌بینی می‌کرده است، تجاوز کند.

ماده ۷۵

²²³ serious deficiency

²²⁴ creditworthiness

هرگاه قرارداد فسخ شده باشد و مشتری پس از فسخ آن به شیوه متعارف و در ظرف مدت معقوله کالای دیگری به جای مبیع خریده، یا فروشنده مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت ثمن مذکور در قرارداد با ثمن معامله جانشین و همچنین هر نوع خسارتی که به موجب ماده پیشین، قابل وصول باشد، مطالبه نماید.

ماده ۷۶

۱. در صورتی که قرارداد فسخ شده و برای کالا ثمن رایجی موجود باشد طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند در صورتی که به موجب ماده ۷۵ به خرید و فروش مجدد مبادرت ننموده باشد، تفاوت بین قیمت تعیین شده در قرارداد و قیمت رایج در زمان بطلان و همچنین سایر خسارات قابل وصول طبق ماده ۷۴ را مطالبه کند. با این وجود، اگر طرفی که مدعی خسارت است پس از قبض کالا مبادرت به ابطال قرارداد کند ثمن رایج در زمان قبض به جای ثمن رایج در زمان فسخ ملاک عمل خواهد بود.

۲. از نظر بند پیشین، قیمت رایج عبارت است از قیمت متداول در محلی که کالا می‌باید در آنجا تسلیم می‌شود، یا چنانچه در آن محل قیمت رایجی نبود، با احتساب هزینه‌های حمل، قیمت رایج در محل دیگری که عرفاً جایگزین محل مزبور باشد.

ماده ۷۷

طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان اقدامات متعارفی برای مقابله خسارت، از جمله عدم‌النتفع، ناشی از نقض قرارداد معمول دارد. در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق‌الذکر تصور نماید، نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت قابل‌تقلیل بوده، مدعی کاهش خسارت گردد.

پاسخ : قواعد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا راجع به شیوه‌های جبران خسارت، تاثیر شدیدی بر شروط یونیدروا در این مورد داشته، باین‌حال، اصول یونیدروا، متضمن شروطی مضاعف راجع به مسائلی است که تکلیف آن‌صراحتاً توسط کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مشخص نشده است.

در صورت نقض قرارداد، مطالبه خسارت، که برای خریدار (بند ۱ (ب) ماده ۴۵) و بایع (بند ۱ (ب) ماده ۶۱) مشترک است، مهم‌ترین شیوه عملی جبران خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است. مبحث خسارات و استثنائات احتمالی آن، تحت حاکمیت مواد ۷۷-۷۴ و ۸۰-۷۹ قرار دارد. اصل جبران خسارت کامل^{۲۲۵} حاکمیت دارد (ماده ۷۴، جمله نخست)، اما به خسارات قابل پیش‌بینی برای طرف ناقض در زمان انعقاد قرارداد محدود شده است (ماده ۷۴، جمله دوم). حین تعیین خسارات، نیازی به اثبات قصور طرف ناقض نیست. ادله سببیت^{۲۲۶} که رفتار طرف ناقض را با خسارات وارده قابل اثبات، ربط می‌دهد، کفایت می‌کند.

در حالی که ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قاعده‌ای کلی برای اندازه‌گیری خسارات مطرح کرده، مواد ۷۵ و ۷۶، شیوه‌های معادل آن را بیان می‌کند. ماده ۷۵ ناظر بر انجام یک معامله جانشین^{۲۲۷} است. در نتیجه نقض قرارداد، به‌نحو متعارف و ظرف زمان متعارف بعد از فسخ، بایع زیان‌دیده می‌تواند کالا را با فروش یا خریدار زیان‌دیده می‌تواند کالا را با خرید کند و مابه‌التفاوت ثمن قرارداد و ثمن معامله جانشین را وصول نماید. طبق ماده ۷۶، خسارات، هم‌سو با ثمن رایج (یا بازار)^{۲۲۸} کالای مورد نظر تعیین می‌شود. ثمن رایج

²²⁵ *principle of full compensation*

²²⁶ *Evidence of causality*

²²⁷ *substitute transaction*

²²⁸ *current (or market) price*

باید در زمان فسخ تعیین گردد (بند ۱ ماده ۷۶) و با ثمن غالب محلی که کالا باید در آنجا تسلیم شود، مطابقت داشته باشد (بند ۲ ماده ۷۶).

طبق ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند، باید هر اقدام لازمی برای به حداقل رساندن خسارات انجام دهد. در صورت رعایت نکردن این تعهد، طرف غیرناقص، در قبال هر خسارتی که زیان دیده می‌توانسته از آن اجتناب کند، مسئولیتی ندارد.

طبق اصل آزادی قرارداد (ماده ۶)، طرفین می‌توانند از مواد ۷۴-۷۷ عدول کنند و در صورت عدم اجرای قرارداد، برای پرداخت مبالغ مورد نظر، توافق کنند. اگرچه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هیچ مقررات معینی راجع به مبالغ مورد توافق ندارد، اما با توجه به اصول کلی (بند ۲) ماده ۷، هر مقرره‌ای راجع به حمایت از متعهد^{۲۲۹} در هر قانون یا قواعد حقوقی حاکم، باید مطابق با یک معیارهای بین‌المللی از جمله متعارف بودن،^{۲۳۰} گزاف بودن^{۲۳۱} یا متناسب بودن^{۲۳۲}، اعمال گردد. مبلغ پرداختی مورد توافق حین عدم‌ایفا، در ماده ۷/۴/۱۳ اصول یونیدروا و قواعد متحدالشکل ناظر بر شروط قراردادی (۱۹۸۳)، مطرح شده است. طرفینی که خواستار درج شروط معین در این خصوص بوده‌اند، امکان رجوع به آن را نیز دارند.

پرسش ۷۶) آیا طرفین مستحق بهره مبالغ پرداخت نشده هستند؟

ماده ۷۸

²²⁹ *obligor*

²³⁰ *reasonableness*

²³¹ *excessiveness*

²³² *proportionality*

هرگاه یکی از طرفین موفق به پرداخت ثمن یا یکی از وجوه معوقه نگردد طرف دیگر استحقاق دریافت بهره آن را دارد بدون این‌که به حق وی در ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ خلی وارد آید.

پاسخ: مطالبه بهره (ماده ۷۸) در قبال هرگونه نقض قرارداد از جانب خریدار یا بایع، اعم از نقض اساسی یا غیر آن، امکان‌پذیر است. این شرط، یک حق آشکار نسبت به بهره برای طرف زیان‌دیده را مقرر نموده اما نرخ بهره اعمال‌پذیر^{۲۳۳} را تعیین نمی‌کند، زیرا بهره‌ها ممکن است مقررات آمره قانون داخلی در برخی از حوزه‌های قضایی را نقض کند. بیشتر دادگاه‌های دولتی اعمال‌کننده ماده ۷۸، نرخ بهره را مطابق با قانون داخلی حاکم با ارجاع به قواعد حل تعارض قانون دولت مرجع رسیدگی تعیین می‌کنند، باین‌حال آرای داور و قضایی دیگری هم وجود دارد که به یک معیار متحدالشکل رجوع کرده‌اند. حین تنظیم نرخ بهره اعمال‌پذیر، طرفین ممکن است خواستار توجه به قاعده متحدالشکل مندرج ماده ۷, ۴, ۹ اصول یونیدرو باشند.

پرسش (۷۷) موارد مهم اختلاف قانون مدنی ایران با کنوانسیون چیست؟

پاسخ: این تعارض و تقابل را در سه ماده می‌توان خلاصه کرد. ماده ۳۱ (محل تسلیم مبیع)، کنوانسیون محل تسلیم مبیع را محل تحویل به اولین متصدی حمل و نقل می‌داند. ماده ۵۵ (تعیین ثمن)، کنوانسیون بیع کالا را حتی با وجود عدم تعیین ثمن صحیح می‌داند. ماده ۷۸ (بهره ثمن)، کنوانسیون برای فسخ اثر قهقرایی قائل است، یعنی اگر بیع فسخ شد منافع قبل از فسخ به فروشنده تعلق دارد و در برابر ثمن به اضافه بهره ثمن به مشتری بر می‌گردد در حالی که در قانون مدنی ایران منافع مبیع با فسخ متعلق به خریدار بوده و برای رد ثمن نیز بهره‌ای برای مدتی که ثمن نزد فروشنده بوده تعلق نمی‌گیرد و اصولاً دریافت بهره حرام شمرده می‌شود. البته موارد اختلافی دیگری نیز وجود دارد.

²³³ applicable interest rate

پرسش ۷۸) برخی از مهمترین دلایل عدم الحاق ایران به کنوانسیون چیست؟

پاسخ : اگرچه عدم الحاق ایران به این کنوانسیون مهم دلایل خرد و کلان زیادی دارد که شاید مهمترین آن‌ها را بتوان در موارد زیر خلاصه کرد.

نگرانی‌هایی که در مورد عدم مطابقت بعضی مواد کنوانسیون با قانون مدنی ایران وجود دارد، عدم اجماع تصمیم‌گیران و چندانگانی مراکز تصمیم‌سازی، عدم مدیریت واحد، تقابل آرای برخی فقها و حقوق‌دانان، مشکلات سیاسی موجود، وجود فرهنگ و دیدگاه‌های اشتباه، نبودن برنامه‌های جامع و سیاست‌های بلندمدت اقتصادی و سایر ناهماهنگی‌های موجود.

پرسش ۷۹) شرایط معافیت طرف ناقض از جبران خسارات چیست؟ پرسش ۸۰) آیا «فورس ماژور» از موارد رافع مسئولیت است؟

ماده ۷۹

۱. طرفی که هریک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت کند که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد، آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آن و آثارش اجتناب نموده، یا آن‌ها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود.
۲. اگر قصور طرف ناشی از قصور ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد او را به‌کار گرفته است طرف مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که :
(الف) به‌موجب بند پیشین از مسئولیت معاف باشد؛ و
(ب) متصدی انجام تعهد از جانب او نیز، در صورت اعمال مقررات

بند پیشین بر او، از مسئولیت مبری باشد.

۳. معافیت مقرر در این ماده ظرف مدتی که حادثه جریان دارد، واجد اثر خواهد بود.

۴. طرفی که در اجرای تعهد خود قصور می‌ورزد، مکلف است طی اختطاری وقوع حادثه و آثار آن را بر توانایی خود در اجرای قرارداد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه اخطار وی ظرف مدت متعارفی پس از این‌که به حادثه وقوف یافته یا باید وقوع می‌یافته است، به طرف دیگر واصل نشود، طرف قاصر مسئول خسارت ناشی از عدم حصول خواهد بود.

۵. هیچ‌یک از مندرجات این ماده مانع طرفین از اعمال هر نوع حق، غیر از مطالبه خسارات موضوع این کنوانسیون، نخواهد بود.

پاسخ: در صورتی‌که نقض قرارداد ناشی از یک مانع خارج از کنترل یا اقتدار طرف ناقض باشد، آن طرف می‌تواند از پرداخت خسارات معاف شود (بند ۱ ماده ۷۹). با این حال، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هیچ شرطی برای مذاکره مجدد^{۲۳۴} یا تغییر یک قرارداد برای برقراری مجدد تعادل اصلی آن ندارد. صحبت ما درباره نقضی است که توسط یک حادثه غیرمنتظره رخ داده^{۲۳۵} و هزینه ایفای تعهد یکی از طرف‌ها را افزایش یا ارزش دریافتی یک طرف از ایفای تعهد را کاهش می‌دهد و در نهایت قرارداد، به‌طور اساسی تغییر کرده باشد («تعسر»^{۲۳۶}). برخی آرای قضایی و مراجع رهنامه‌ای، به ماده ۷۹ به عنوان مدخل توجه به چنین موقعیت‌هایی ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا استناد می‌کنند. همچنین مواد ۶/۲/۱ و ۶/۲/۳ اصول یونیدروا، متضمن

²³⁴ renegotiation

²³⁵ unanticipated supervening event

²³⁶ hardship

شروط تفصیلی است که می‌تواند برای نظارت بر پیامدهای تعسر در قرارداد‌های بین‌المللی استفاده شود.

طبق اصل آزادی قرارداد (ماده ۶)، طرفین می‌توانند با مستثنی یا محدود کردن صریح مسئولیت طرف ناقض در صورت عدم ایفا یا ایفای ناقص تعهد^{۲۳۷} (شروط مرور زمان و استثناء یا عدم شمول^{۲۳۸})، از بندهای مندرج کنوانسیون عدول کنند. یک شرط صریح راجع به مستثنی یا محدود کردن مسئولیت و حد و حصر آن در اصول یونیدروا درج شده است

پرسش ۸۱) موارد رافع الزام بایع به تسلیم بدل کالا چیست؟
پرسش ۸۲) موارد استثنای الزام بایع به تسلیم بدل کالا چیست؟

ماده ۸۲

۱. اگر برای مشتری استرداد کالا عمدتاً به همان وضعیتی که آن‌ها را دریافت کرده، مقدور نباشد، حق اعلام بطلان قرارداد یا الزام بایع به تسلیم بدل کالا را از دست خواهد داد.

۲. بند پیشین شامل موارد زیر نخواهد بود:

الف) چنانچه عدم امکان اعاده کالا، یا عدم امکان اعاده آن عمدتاً با همان وضعیتی که مشتری آن‌ها را دریافت کرده، ناشی از فعل یا ترک فعل وی نباشد؛

ب) چنانچه تمام یا بخشی از کالا بر اثر بازرسی موضوع ماده ۳۸ از بین رفته یا در معرض نابودی قرار گرفته باشد؛ یا

ج) چنانچه تمام یا بخشی از کالا، پیش از این‌که مشتری عدم انطباق آن را کشف نماید یا باید کشف می‌نمود، در جریان عادی کسب توسط وی فروخته یا مصرف شده یا تغییر شکل یافته باشد.

²³⁷ defective performance

²³⁸ limitation and exclusion clauses

پاسخ : از جمله آثار بطلان در مواد ۸۱ تا ۸۴، این است که مشتری اگر نتواند عین کالا را به همان وضعیتی که تحویل گرفته بوده، بازگرداند، حق اعلام بطلان یا الزام بایع به تسلیم بدل کالا را از دست خواهد داد، اما طبق ماده ۸۲، این امر استثنائایی دارد که در صورت تحقق این موارد، همچنان حق مشتری محفوظ خواهد ماند.

پرسش (۸۳) قواعد ناظر بر حفظ و نگهداری کالا چیست؟

ماده ۸۵

هرگاه مشتری نسبت به قبض کالا تاخیر نماید یا در موردی که تادیه ثمن و تحویل کالا می‌باید به صورت همزمان باشد، مشتری در تادیه ثمن قصور ورزد و کالا در ید بایع بوده و یا به نحو دیگری بر کالا استیلا داشته باشد، بایع مکلف است، حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که مشتری هزینه‌های متعارف انجام شده را تادیه ننماید، بایع حق دارد کالا را حبس کند.

ماده ۸۶

۱. چنانچه مشتری کالا را دریافت کرده و قصد اعمال هر یک از حقوق خود را در چهارچوب قرارداد و این کنوانسیون دایر بر رد آن داشته باشد، مکلف است حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که بایع هزینه‌های انجام شده را تادیه ننماید، مشتری حق دارد کالا را حبس کند.

۲. چنانچه کالای ارسال شده برای مشتری در مقصد مورد نظر در اختیار وی قرار داده شود و او از حق رد استفاده کند، مکلف است به نیابت از بایع، کالا را تصرف کند، مشروط بر آنکه انجام این کار بدون پرداخت ثمن و بدون زحمت غیر متعارف یا مخارج نامعقول

انجام شود. چنانچه بائع یا شخص مأذونی که بتواند به نیابت از او حفظ کالا را تقبل نماید در مقصد حاضر باشد، شرط مذکور اعمال نخواهد شد. هرگاه مشتری در چهارچوب این بند، کالا را در تصرف نگاه دارد، حقوق و تعهدات او مشمول بند پیشین خواهد بود.

پاسخ: در جریان حوادث، شاید موقعیت‌هایی ایجاد شود که یکی از طرفین کالاها را در تصرف خود دارد به این دلیل که طرف دیگر نتوانسته این کار را بکند. برای مثال، امکان دارد خریدار هنگام تسلیم کالا دچار تاخیر شده، یا ممکن است فروشنده، کالا را بعد از عدم پذیرش از جانب خریدار، (یعنی، تقاضای تسلیم کالای جایگزین (بند ۲ ماده ۴۶)، به دلیل فسخ قرارداد، یا امتناع از تسلیم پیش از موعد (بند ۱ ماده ۵۲)، نزد خود نگه داشته است. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، طرفی که کالا در اختیار اوست را مکلف می‌سازد تا با انجام اقدامات متعارف در اوضاع و احوال موجود، کالا را حفظ کند (ماده ۸۵ و بند ۱ ماده ۸۶). این اقدام به نفع طرف دیگر انجام می‌شود چراکه آن طرف عهده دارد ریسک اِتلاف کالا است.

اقدامات متعارف در اوضاع و احوال موجود به عواملی از جمله نوع کالا، احتمال اِتلاف یا صدمه، جدی بودن احتمالی^{۲۳۹} اِتلاف یا صدمه بستگی دارد. برای مثال، ذخیره‌سازی کالای فاسدشدنی در یک یخچال می‌تواند یک گام متعارف باشد. اگر هزینه حفاظت در مقایسه با ارزش کالا به‌طور نامتناسبی زیاد باشد، چنین اقداماتی در اوضاع و احوال موجود، نامتعارف خواهد بود. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قواعد مفصلی در مورد دو مثال از اقدامات برای حفاظت از کالا را در مواد ۸۷ و ۸۸ خود مقرر نموده است.

عدم انجام اقدامات متعارف برای حفاظت از کالا منجر به مسئولیت در قبال خسارات وارده ذیل مواد ۴۵ (۱) (ب) یا ۶۱ (۱) (ب)، در صورت اِتلاف یا خسارت دیدن کالا، خواهد شد.

همچنین، بند ۲ ماده ۸۶ مقرر نموده که اگر کالای ارسالی به خریدار در مقصد خود در اختیار خریدار قرار گرفته اما وی حق خود برای رد کالا را اعمال کند، باز هم مکلف به تصرف فیزیکی کالا به نیابت از بایع، و سپس حفاظت از آن خواهد بود، مشروط بر این که این اقدام بدون پرداخت ثمن و بدون زحمت نامتعارف یا هزینه نامعقول امکان پذیر باشد.

پرسش ۸۴) سپردن کالا به انبار ۲۴۰ چه شرایطی دارد؟

ماده ۸۷

طرفی که مکلف به انجام اقداماتی برای محافظت از کالا است می تواند آن را به هزینه طرف دیگر به انبار شخص ثالث بسپارد مشروط بر این که هزینه های مربوطه غیر متعارف نباشد .

پاسخ: کنوانسیون بیع بین المللی کالا، مشخصاً دو مثال از اقدامات متعارف اتخاذی برای حفاظت از کالا را بیان کرده است. اقدام نخست، شامل سپردن کالا به انبار یک شخص ثالث به هزینه طرف دیگر است (ماده ۸۷). این اقدام، طرف متعهد به حفظ کالا را از نگهداری و حفاظت شخصی آن معاف می کند. البته اگر هزینه این کار، نامتعارف باشد، مجاز نیست.

۱. چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا بازپس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه‌های حفظ کالا به‌نحو غیرمتعارف تاخیر ورزد، طرفی که طبق مواد ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است، می‌تواند آن را به طرق مقتضی بفروشد، مشروط بر این که اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، برای طرف دیگر ارسال کرده باشد.
۲. اگر کالا در معرض فساد سریع بوده یا نگهداری آن مستلزم هزینه غیر متعارف باشد، طرفی که مطابق مواد ۸۵ یا ۸۶ مکلف به حفظ آن است باید اقدامات متعارف جهت فروش آن معمول دارد. مشارالیه باید حتی‌الامکان اخطاری مبنی بر قصد خویش برای فروش کالا به طرف دیگر بدهد.
۳. طرفی که اقدام به فروش کالا می‌نماید حق دارد از عواید فروش، مبلغی معادل مخارج فروش و هزینه‌های متعارف نگهداری کالا برای خویش منظور دارد. مشارالیه باید حساب باقی مانده را به طرف دیگر پس دهد.

پاسخ: مثال عینی دوم از اقداماتی متعارف، شامل حفاظت از کالا در قالب بیع خودیار و اضطراری ذیل ماده ۸۸ است.

طرفی که مطابق با مواد ۸۵ و ۸۶ مکلف به حفظ کالا است، می‌تواند کالا را از یک طریق مناسب به فروش برساند، مشروط بر این که طرف دیگر در زمینه در اختیارگرفتن کالا (یعنی، تاخیر خریدار در تصرف کالا) یا پس‌گرفتن آن (یعنی، تاخیر خریدار در پس‌گرفتن کالا هنگام

فسخ قرارداد) یا در پرداخت ثمن یا هزینه‌های حفظ کالا، به‌نحو نامتعارفی تاخیر کرده باشد (بند ۱ ماده ۸۸).

لازم نیست که بیع خودیاری، بیعی قضایی^{۲۴۲} باشد، بلکه می‌تواند به‌طور خصوصی در بازار انجام شود. تنها شرط لازم این است که بیع به طریق مناسب صورت گیرد زیرا اگر کالا به روش نامناسبی فروخته شده باشد، فروشنده در قبال خسارات آن مسئول خواهد بود.

هرگاه کالا در معرض فساد سریع^{۲۴۳} باشد (کالای فاسد شدنی)، یا حفظ و نگهداری کالا مستلزم هزینه‌های نامتعارف باشد (مانند خوراک دام)، طرفی که به‌موجب مواد ۸۵ و ۸۶ مکلف به حفظ کالا است، باید اقدامات متعارف برای فروش کالا را انجام دهد (بند ۲ ماده ۸۸). بیع اضطراری برخلاف بیع خودیاری (ذیل بند ۱ ماده ۸۸)، وظیفه طرف مکلف به حفظ کالا است.

بیع اضطراری نیز مانند بیع خودیاری ذیل بند ۱ ماده ۸۸، می‌تواند به‌طور خصوصی در بازار انجام شود، مشروط به این که اقدام به فروش کالا، معقول و متعارف باشد. اگر اقدام مزبور نامتعارف باشد، منجر به مسئولیت در قبال خسارات خواهد شد. با توجه به فوریت موضوع در بیع اضطراری، شرایط و سخت‌گیری‌های بند ۱ ماده ۸۸، می‌تواند ذیل بند ۲، متعارف‌تر و ساده‌تر اعمال شود.

پرسش ۸۶) آیا کنوانسیون همواره در یک دولت متعاهد اعمال می‌شود؟

ماده ۹۳

۱. هرگاه یکی از کشورهای متعاهد شامل دو یا چند واحد ارضی باشد که طبق قانون اساسی آن کشور نظام‌های حقوقی مختلفی در رابطه با موضوعات مطروحه در این کنوانسیون بر آن‌ها حاکم است،

²⁴² *judicial sale*

²⁴³ *rapid deterioration*

آن کشور می‌تواند در زمان امضاء، تصویب، قبول، تایید یا الحاق اعلام نماید که این کنوانسیون بر تمام واحدهای اراضی خود یا تنها بر یک یا بیشتر تسری دارد و نیز می‌تواند، هر زمان با تقدیم اعلامیه دیگری، اعلامیه قبلی خود را اصلاح نماید.

۲. اعلامیه‌های مذکور باید به استحضار امین کنوانسیون برسند و باید در آن‌ها، واحدهای اراضی مشمول این کنوانسیون، صریحاً تعیین گردند.

۳. چنانچه این کنوانسیون به‌موجب اعلامیه مندرج در این ماده نسبت به یک یا چند واحد اراضی کشور متعاقد، و نه همه واحدهای آن، تسری یابد، اگر محل تجارت یکی از طرفین در کشور مزبور واقع باشد، از نظر این کنوانسیون چنین تلقی خواهد شد که محل تجارت مذکور در یک کشور متعاقد واقع نیست مگر آن‌که آن محل تجارت در یکی از واحدهای اراضی مشمول مقررات این کنوانسیون واقع شده باشد.

۴. چنانچه یکی از کشورهای متعاقد مبادرت به صدور اعلامیه موضوع بند ۱ این ماده ننماید، مقررات این کنوانسیون به تمام واحدهای اراضی آن کشور تسری داده خواهد شد.

ماده ۹۴

۱. دو یا چند کشور متعاقد که در رابطه با موضوعات تحت حاکمیت این کنوانسیون دارای قواعد حقوقی یکسان یا کاملاً مشابهی هستند هر زمان می‌توانند اعلام کنند که قراردادها را بیع یا انتقاد آن‌ها بین طرفینی که در آن کشورها دارای محل تجارتند، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود. اعلامیه‌های مزبور ممکن است مشترکاً یا به صورت اعلامیه یک طرف متقابل صادر شوند.

۲. یک کشور متعهد که در خصوص موضوعات تحت حاکمیت این کنوانسیون دارای قواعد حقوقی یکسان یا کاملاً مشابهی با یک یا چند کشور غیر متعهد است، هر زمان می‌تواند اعلام کند که قراردادهای بیع یا انعقاد آن‌ها بین طرف‌هایی که در آن کشورها دارای محل تجارت هستند، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود.

۳. هرگاه کشوری که موضوع اعلامیه مذکور در بند پیشین است، بعداً در زمره کشورهای متعهد درآید، از تاریخی که کنوانسیون نسبت به کشور متعهد جدید لازم‌الاجرا می‌گردد، اعلامیه صادره آثار اعلامیه‌ای را که طبق بند ۱ صادر شده است، خواهد داشت، مشروط بر این‌که کشور متعهد جدید به اعلامیه مزبور بپیوندد یا اعلامیه یک طرفه متقابلی صادر نماید.

پاسخ: اگر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تنها در برخی از واحدهای ارضی یک دولت متعهد اجرا شود (ماده ۹۳) و چنانچه برخی از دولت‌های متعهد اعلام کرده باشند که در مورد موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون مزبور دارای قواعد حقوقی یکسان یا کاملاً مشابه هستند (ماده ۹۴)، باز هم اعمال آن استثنائاتی خواهد داشت. در حال حاضر، اعلامیه اخیر شامل قراردادهای بین طرفینی است که محل کسب‌وکارشان در دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد قرار دارد.

پرسش ۸۷) چه مقرراتی در وصف کتبی بودن قرارداد، وضع شده است

؟

ماده ۹۶

هر یک از کشورهای متعهد که قوانین داخلی آن انعقاد کتبی قراردادهای بیع یا مستند نمودن آن‌ها را به‌صورت کتبی لازم بدانند،

می‌تواند هر زمان طبق ماده ۱۲ اعلامیه‌ای صادر نماید مبنی بر این‌که هر یک از مقررات ماده ۱۱، ماده ۲۹ یا قسمت دوم کنوانسیون که انعقاد قرارداد بیع یا اصلاح یا اقاله آن یا هر نوع ایجاب و قبول یا سایر انواع اعلام اراده را به هر شکل غیر کتبی اجازه می‌دهد، شامل طرفی که در کشور مزبور محل تجارت دارد، نخواهد شد.

پاسخ: اگرچه کتبی بود از الزامات شکلی مقرر در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محسوب نمی‌شود، اما طبق ماده ۹۶، با احترام به قوانین داخلی کشورهای متعاقد، در مواردی که ذکر شده قابل استثناست.

پرسش ۸۸) رابطه کنوانسیون با دیگر توافقات بین‌المللی چیست؟

ماده ۹۰

این کنوانسیون بر هیچ‌کدام از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی دیگر که قبلاً منعقد شده یا ممکن است منعقد گردند و متضمن مقرراتی راجع به موضوعات مشمول این کنوانسیون باشند، حاکمیت نخواهد داشت، مشروط بر این‌که محل تجارت طرفین در کشورهای عضو چنان موافقت‌نامه‌ای واقع شده باشد.

ماده ۹۹

۱. با رعایت مقررات بند ۶ این ماده، کنوانسیون حاضر در اولین روز از ماهی که بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تایید یا الحاق، از جمله اسناد حاوی اعلامیه صادره حسب ماده ۹۲، آغاز می‌گردد، لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲. هنگامی که یک کشور پس از سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تایید یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تایید می‌نماید، یا بدان ملحق می‌شود، تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حاضر، به جز فصلی که مستثنی شده است، در ارتباط با آن کشور، با رعایت مقررات بند ۶ این ماده، اولین روز از ماهی خواهد بود که بعد از انقضای دوازده ماه از زمان تودیع اسناد تصویب، قبول، تایید یا الحاق آن کشور، شروع می‌شود.

۳. کشوری که این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تایید می‌نماید، یا بدان ملحق می‌شود و ضمناً عضو «کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قرارداد بیع بین المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ لاهه» (کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه ۱۹۶۴) و یا «کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر بیع بین المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ لاهه» (کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴) و یا عضو هر دوی آنها باشد باید همزمان با تصویب یا قبول یا تایید این کنوانسیون، برحسب مورد، یک یا هر دو کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴ و کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه ۱۹۶۴ را ضمن اطلاع به دولت هلند، رد نماید.

۴. هر کشور عضو کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تایید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده ۹۲ اعلام می‌کند یا اعلام نموده که ملزم به رعایت «فصل دوم» این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تایید یا الحاق ضمن اطلاع به دولت هلند، کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

۵. هر کشور عضو کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تایید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده ۹۲ اعلام می‌کند یا اعلام نموده که ملزم به رعایت «فصل سوم» این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تایید یا الحاق با دادن اطلاع به دولت هلند، از کنوانسیون بیع

۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

۶. از نظر این ماده تصویب، قبول تایید و الحاق کشورهای عضو کنوانسیون انعقاد لاهه ۱۹۶۴ یا کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴ نسبت به این کنوانسیون نافذ نخواهد شد، مگر این که اعلام رد کنوانسیون های مذکور، از جانب کشورهای مزبور نافذ گردد. امین این کنوانسیون با دولت هلند به عنوان امین کنوانسیون های ۱۹۶۴ جهت تضمین هماهنگی های لازم در این زمینه تبادل نظر خواهند کرد.

پاسخ: کنوانسیون بیع بین المللی کالا (طبق ماده ۹۰)، نسبت به سایر موافقت نامه های بین المللی که به موضوعات تحت شمول این کنوانسیون می پردازد، حاکمیت نخواهد داشت، به جز مواردی که محل کسب و کار طرفین قرارداد، در دولت های طرف چنین موافقت نامه ای قرار داشته باشد. بر اساس یکی از دیدگاه ها، عبارت «موافقت نامه بین المللی» شامل، حقوق متحدالشکل منطقه ای که نیازمند جایگزینی به عنوان قانون ملی است، (مانند دستور العمل های اتحادیه اروپا)،^{۲۴۴} نمی شود. به طور کلی، کنوانسیون بیع بین المللی کالا و موافقت نامه های بین المللی راجع به جوانب حقوق بین الملل خصوصی قراردادهای بیع بین المللی^{۲۴۵}، با یکدیگر سازگار هستند.

ماده ۹۹، رد کردن کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۶۴^{۲۴۶}، و کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۶۴ را قبل از تصویب کنوانسیون بیع بین المللی کالا، الزامی نموده است. اهمیت فعلی کنوانسیون های فوق تا حدود زیادی به دلیل جنبه تاریخی آن هاست.

²⁴⁴ *European Union directives*

²⁴⁵ *international agreements on PIL aspects of international sales contracts*

²⁴⁶ *Convention relating to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods, 1964 ("ULF")*

فصل چهارم:

قرارداد نمونه بیع بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی (معیارهای حقوقی بی‌طرفانه برای قراردادهای)

اتاق بازرگانی بین‌المللی، مجموعه‌هایی دقیق و فراگیر از قراردادهای و شروط نمونه تجاری را تدوین نموده که مبنای حقوقی صحیحی محسوب می‌شود تا بازرگانان جهان بتوانند به سرعت یک توافق منصفانه قابل قبول برای هر دو طرف را در معاملات بین‌المللی منعقد سازند.

ارکان اصلی مجموعه قراردادهای نمونه اتاق بازرگانی بین‌المللی از جمله قراردادهای نمونه نمایندگی، توزیع، فرانشیزینگ و محرمانگی، با تجارت جهانی کالا مرتبط است. کلیه قراردادهای نمونه اتاق بازرگانی بین‌المللی به نحوی تفسیر می‌شود تا منافع تمام طرفین به صورت متوازن در نظر گرفته شود و یک چارچوب واحد از قواعد را با شروط انعطاف‌پذیری که به طرفین اجازه درج الزامات خاص آن‌ها را می‌دهد، تلفیق می‌کند.

معمولاً، قراردادهای نمونه اتاق بازرگانی بین‌المللی، متضمن شروطی راجع به حقوق حاکم است و به اسناد بین‌المللی به عنوان قاعده قراردادی اشاره دارد. این قراردادها تغییر انتخاب طرفین را برعهده ترجیح و اولویت‌بندی خودشان می‌گذارد. برای مثال، قرارداد نمونه بیع بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۲۴۷} (کالای تولیدی)، که بار نخست در سال ۱۹۹۷ منتشر و در سال ۲۰۱۲ بازنگری و به‌روزرسانی شد، در شروط کلی خود به حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اشاره دارد.

²⁴⁷ ICC Model International Sales Contract (Manufactured Goods)

شرط ۲، ۱ ماده یک قرارداد مزبور بیان می‌کند که تمامی مسائلی که در متن قرارداد برای آن تعیین تکلیف نشده (به شمول شرایط کلی مورد توافق)، تحت حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خواهد بود و اگر کنوانسیون مزبور شامل چنین مسائلی نبوده و طرفین نیز درباره هیچ قانون حاکمی توافق نکرده باشند، به قانون محل کسب و کار بایع رجوع می‌کنیم. در بخش نخست قرارداد نمونه، امکان مذاکره راجع به شروط انفرادی برای طرفینی که خواستار انتخاب قانون متفاوت با قانون بایع در مسائل غیرمشمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هستند، قرار داده شده است. البته باید تاکید کرد که اتاق بازرگانی بین‌المللی حین تدوین شروط قرارداد و شرایط کلی خود، از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به عنوان الگوی اصلی برای شروط قراردادی استفاده کرده است.

اکثر قراردادهای نمونه، به حاکمیت اصول کلی حقوق تجاری و اصول یونیدروا رجوع کرده‌اند. برای مثال، طبق بند نخست ماده ۲۴ قرارداد نمونه نمایندگی تجاری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۲۴۸}، برای هر مسئله‌ای که صریحاً یا تلویحاً توسط شروط قراردادی تعیین تکلیف نشده باشد، به ترتیب زیر، تحت حاکمیت اصول حقوقی پذیرفته شده در تجارت بین‌الملل به عنوان اصول حاکم بر قراردادهای نمایندگی بین‌المللی؛ عرف‌های تجاری مربوطه و اصول یونیدروا، قرار خواهد داشت. همچنین، اتاق بازرگانی بین‌المللی، شروط مستقلی^{۲۴۹} برای توجه به برخی مسائل خاص، از جمله فورس ماژور و تعسر، تدوین نموده که بر زبان به کار رفته در شروط اصول یونیدروا به منظور تنظیم مقررات این مسائل، اثرگذار بوده است (ماده ۷/۱/۷ راجع به فورس ماژور و مواد ۶/۲/۳-۶/۲/۱ راجع به تعسر). در عوض، اصول یونیدروا، نقش یک نمونه را در اکثر بازننگری‌های اخیر این شروط، به ویژه شرط تعسر، ایفا می‌کند.

²⁴⁸ ICC Model Commercial Agency Contract

²⁴⁹ stand-alone clauses

• قراردادهای توزیع^{۲۵۰}

موافقت‌نامه‌های توزیع ممکن است پاسخ‌گوی شیوه‌های مختلف در عملکرد کسب‌وکار باشند. اساساً، ذیل یک قرارداد توزیع، تامین‌کننده، توافق می‌کند که کالا را به‌طور مستمر برای توزیع‌کننده تامین و توزیع‌کننده توافق می‌کند تا کالا را خریداری کرده و (به ریسک خود) به نام توزیع‌کننده و به نمایندگی از او، به دیگران بازفروش کند. در هر دو سطح ملی و بین‌المللی، وصف و تعریف یکسانی از یک قرارداد توزیع وجود ندارد. در سطح داخلی، قرارداد مزبور را می‌توان یک شیوه یا نوع فرعی قرارداد بیع کالا یا یک قرارداد مستقل محسوب کرد. به‌موجب یک قرارداد توزیع، طرفین یک رابطه طولانی مدت که غالباً توأم با روح همکاری است را پیش‌بینی می‌کنند.

در برخی قراردادهای توزیع، به جز تعهد به توزیع کالا، برخی تعهدات معین دیگر، مانند بازاریابی، توزیع و توسعه تبلیغات و بازاریابی کالا، شروط عدم رقابت^{۲۵۱}، معاضدت فنی^{۲۵۲}، حقوق صنعتی یا فکری یا تعهد به تبعیت از دستورالعمل‌های معین تامین‌کننده، و تعهدات انحصار همکاری^{۲۵۳} (یعنی انحصار فروش، خرید، در داخل یک قلمروی معین یا یک‌گروه معین از توزیع‌کنندگان یا مشتریان)، بین طرفین مورد توافق قرار می‌گیرد. تعهد انحصار همکاری، می‌تواند اشکال گوناگونی از جمله، تعهد به خرید کالا تنها از یک تامین‌کننده معین، تعهد به فروش انحصاری به توزیع‌کنندگان معینی که واجد الزامات خاص هستند، یا تعهد به عرضه برای یک توزیع‌کننده در یک قلمرو یا عرضه برای گروه معینی از مشتریان را داشته باشد.

²⁵⁰ Distribution contracts

²⁵¹ non-competition clauses

²⁵² technical assistance

²⁵³ exclusivity obligations

در سطح بین‌المللی، یک سند متحدالشکل خاص که مربوط به قراردادهای توزیع باشد، وجود ندارد. در یک سطح کلی‌تر، اصول یونیدروا، قراردادهای مزبور را به عنوان قراردادهای بلندمدت، پوشش داده، که تعریف آن‌ها به «قراردادی که باید در یک مدت زمان اجرا شده و معمولاً، به درجات مختلف، متضمن پیچیدگی مبادله و یک رابطه مستمر بین طرفین است»، اشاره دارد (ماده ۱،۱۱ اصول یونیدروا). اصول یونیدروا، قراردادهای بلندمدت را با معاملات ساده‌تر از جمله قراردادهای بیع که باید یک باره اجرا شود کنار هم قرار می‌دهد.

طبق حکم اکثر دادگاه‌ها، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حاکم بر قراردادهای توزیع نیست (آنچه به «توافق‌نامه چارچوب»^{۲۵۴} موسوم‌گردیده)، چراکه این قراردادها به جای تجارت کالا، بر «سازمان توزیع»^{۲۵۵} تمرکز دارد. با این حال، چنانچه کلیه الزامات اعمال‌پذیر بودن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، از جمله بین‌المللی بودن، بیع کالا و نظایر آن تحقق یابد، این کنوانسیون ممکن است بر قراردادهای منعقد شده بر مبنای توزیع، نیز حاکم شود.

همچنین در موافقی که «توافق‌نامه چارچوب» شکل یک توافق‌نامه تامین کالا را به خودگرفته و متضمن کالا، مقدار و ثمن، یا مبنایی برای تعیین آتی مقدار و ثمن است، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، می‌تواند بر آن حاکم شود (مواد ۸، ۹، (۱) ۱۴ و ۵۵ کنوانسیون). اگر چنین باشد، تعهدات قراردادی ناشی از توافق‌نامه چارچوب، می‌تواند ذیل قواعد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به شمول تعهدات انحصار همکاری، بدون محدودیت تحلیل شود. سایر قواعد، مانند تعهدات رقابت، به موجب قانون داخلی رعایت خواهد شد زیرا مسائل رقابت مشمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیست.

²⁵⁴ framework agreement

²⁵⁵ organization of the distribution

در غیاب یک معاهده بین‌المللی متحدالشکل در این حوزه، طرفین ممکن است با ملحق شدن به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به تنهایی یا همراه با انتخاب^{۲۵۶} اصول یونیدروا به عنوان قانون یا قواعد حقوقی حاکم بر قراردادشان، نااطمینانی‌های ناشی از اعمال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد قراردادهای توزیع بین‌المللی را رفع کنند.

• قرارداد نمایندگی^{۲۵۷}

قراردادهای نمایندگی، ممکن است به عنوان قراردادهای بین کارفرما و کارگزار تعریف شود که به موجب آن کارگزار واجد اختیارات (یا ظاهراً واجد اختیارات) به نیابت از شخص دیگر، یعنی کارفرما، برای انعقاد یک قرارداد بیع کالا با یک شخص ثالث است (ماده ۱,۱ راجع به قلمروی شمول کنوانسیون ۱۹۸۳ یونیدروا راجع به نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا، کنوانسیون ۱۹۷۸ نمایندگی کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه و ماده (۱) ۲,۲,۱ اصول یونیدروا). در این خصوص، کارگزار می‌تواند از طرف خود یا از طرف کارفرما عمل کند.

به‌طور کلی، کارگزار نه تنها در ارتباط با انعقاد قرارداد بیع بین‌المللی کالا بلکه در مورد اجرای آن نیز اختیار عمل دارد. به این ترتیب، کارگزار ممکن است تحت حاکمیت شروط معین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا باشد.

در جریان تشکیل قرارداد، کارگزار ممکن است همان‌طرفی باشد که به ارائه پیشنهاد و یا حتی، دعوت به ارائه یک پیشنهاد، بپردازد. در موقعیت اخیر، چنانچه کارگزار فاقد اختیارات انعقاد قرارداد به نمایندگی از کارفرما باشد، دعوت به ارائه پیشنهاد را با عبارات دال بر عدم چنین قصدی، مثلاً عبارات «بدون رضایت من» یا «جز قبول

²⁵⁶ *opting in*

²⁵⁷ *Agency*

از جانب کارفرما» ارسال خواهد کرد، زیرا پیشنهاد مورد نظر به تنهایی نمی‌تواند متضمن قصد متعهد شدن در صورت قبول باشد.

همچنین در طول اجرای قرارداد، کارگزار ممکن است شخصی باشد که اخطار عدم انطباق کالا ذیل بند ۱ ماده ۳۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را از خریدار دریافت می‌کند. در این اوضاع و احوال، مشکلات مربوط به گستره اختیارات کارگزار باید مطابق با قانون داخلی یا قواعد حقوقی منتخب طرفین، حل و فصل شود.

تعیین حاکمیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به ویژه در مورد نمایندگی افشاء نشده یا مخفی،^{۲۵۸} یکی از مسائل چالش برانگیز است (مواد ۱ و ۱۰ کنوانسیون). به‌طور کلی، محل کسب‌وکار کارگزار، نزدیکترین رابطه را با قرارداد و اجرای آن خواهد داشت، در صورتی که محل کسب‌وکار کارفرما واجد چنین ارتباطی است.

اصول یونیدروا در بخش ۲،۲ خود، مشتمل بر یک مجموعه کامل از قواعد ناظر بر نمایندگی است که به تشکیل قرارداد و پوشش اختیارات یک شخص («کارگزار») برای اثرگذاری بر روابط حقوقی شخصی دیگر («کارفرما») توسط یک قرارداد با یک شخص ثالث (اعم از این که کارگزار از طرف خود یا کارفرما عمل کند)، اشاره دارد. این بخش، تنها بر روابط بین کارفرما و کارگزار از یک طرف و شخص ثالث از طرف دیگر، حاکم است و با روابط داخلی بین کارفرما و کارگزار، ارتباطی ندارد. این بخش به قلمرو نمایندگی (ماده ۲،۲،۲). به تاسی از قاعده کلی مبنی بر این که اعطای اختیارات به کارگزار از جانب کارفرما، تابع هیچ الزام شکلی معینی نیست و نیز این قاعده که شامل گستره اختیارات انجام کلیه اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف موردنظر اعطاگردیده، است)، تفاوت بین نمایندگی «افشاء شده»^{۲۵۹} و «افشاء نشده» (مواد ۴-۳، ۲، ۲)، وضعیتی که کارگزار بدون اختیارات

²⁵⁸ undisclosed agency

²⁵⁹ disclosed

عمل کرده یا از حد اختیارات خود تجاوز نموده، از جمله پذیرش احتمالی از جانب کارفرما (مواد ۶-۲، ۵-۲، ۹-۲)، تعارض منافع به عنوان دلیل فسخ قرارداد (ماده ۷، ۲، ۲)، نصب کارگزار فرعی که در حیطه اختیارات ضمنی کارگزار تلقی می‌شود (ماده ۸، ۲، ۲) و خاتمه اختیارات (ماده ۱۰، ۲، ۲) توجه دارد. اصول یونیدروا، به‌نحو متفاوت از تعدادی از نظام‌های حقوقی، نمایندگی «مستقیم یا غیرمستقیم»^{۲۶۰} را تفکیک نمی‌کند. همچنین به شرایطی که اختیارات کارگزار توسط قانون اعطاگردیده یا برگرفته از مجوز قضایی است، اشاره ندارد و بر قواعد خاص حاکم بر کارگزاران شرکت‌ها به‌موجب قوانین آمره حاکم (در صورت بروز تعارض بین آن قواعد و قواعد اصول یونیدروا)، حاکمیت ندارد.

• مسائل نرم‌افزار/ داده‌ها/ مالکیت فکری^{۲۶۱}

معاملات با اطلاعات دیجیتالی، به‌ویژه هنگامی که این اطلاعات از رسانه مشهودی که اطلاعات در آن ذخیره شده مجزاست، پدیده‌ای نسبتاً جدید است، خصوصاً از این نظر که تاکنون چارچوب حقوقی خاصی برای آن تدوین نشده است. این امر با ظهور نرم‌افزار رایانه‌ای به عنوان یک موضوع مستقل تجارت آغازگردید، و به سرعت رشد کرد تا محتوای دیجیتال از جمله موسیقی، کتاب‌های الکترونیکی^{۲۶۲} و برنامه‌های کاربردی^{۲۶۳} را شامل شود. رویکردهای مختلفی بین حوزه‌های قضایی در مورد توصیف چنین معاملاتی به منظور تعیین رژیم حقوقی حاکم وجود دارد. برخی از حوزه‌های قضایی، قانون حاکم بر بیع کالا را یا از طریق اعمال مستقیم در قوانین موضوعه حاکم یا بنابر تشابه^{۲۶۴}، اعمال می‌کنند. سایر حوزه‌های قضایی،

²⁶⁰ direct or indirect representation

²⁶¹ Software/data/intellectual property issues

²⁶² e-books

²⁶³ apps

²⁶⁴ by analogy

معاملات با اطلاعات دیجیتالی را به عنوان قراردادهای عادی که تحت حاکمیت رژیم‌های خاص بیع کالا نیست یا به عنوان قراردادهای لیسانس^{۲۶۵} تلقی می‌کنند و برخی دیگر نیز در حال تدوین حقوق قرارداد منحصر به فرد^{۲۶۶} حاکم بر معاملات با محتوای دیجیتال هستند.

این مسئله که آیا معاملات با «اطلاعات دیجیتالی» (نرم‌افزار، برنامه‌های رایانه‌ای، برنامه‌های کاربردی، موسیقی، کتاب‌های الکترونیکی، کالای هوشمند،^{۲۶۷} و نظایر آن) مشمول قلمروی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است، چالشی را برای تفسیر این کنوانسیون ایجاد نموده است. هنگام تصویب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در سال ۱۹۸۰، این مسئله پیش‌بینی نشده بود و اکنون دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. این مسئله، مفاهیم «کالا» (یعنی، آیا کالا باید مشهود باشد؟) و معامله (یعنی، بیع، لیسانس مالکیت^{۲۶۸}، یا دسترسی به داده‌های حفاظت نشده در یک رژیم مالکیت) را دربر می‌گیرد. مطلوب بودن تحقق یکسان قانون به وسیله اعمال گسترده کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از یک طرف، و مقبولیت ناشی از تدوین یک قاعده مناسب با استفاده از فناوری در حال تغییر اطلاعات مدرن^{۲۶۹} از طرف دیگر، باید مورد توجه مقتضی باشد.

در حال حاضر، این‌که معاملات با اطلاعات دیجیتالی باید از معاملات با دارایی‌های فکری اصلی (یعنی، حقوق نشر^{۲۷۰} و حقوق ثبت اختراع^{۲۷۱}) تفکیک گردد، مورد توافق عمومی است مشروط به این‌که اطلاعات مزبور تحت حفاظت چنین رژیمی باشد. طرف عرضه‌کننده اطلاعات دیجیتالی، (اعم از این‌که صاحب مالکیت فکری آن اطلاعات

²⁶⁵ *licence contracts*

²⁶⁶ *sui generis*

²⁶⁷ *smart goods*

²⁶⁸ *licence of property*

²⁶⁹ *modern information technology*

²⁷⁰ *copyrights*

²⁷¹ *patents*

یا شخص دریافت‌کننده لیسانس عرضه اطلاعات دیجیتالی به یک شخص ثالث، یا یک شخص کنترل‌کننده دسترسی به داده‌های حفاظت نشده توسط قواعد مالکیت فکری باشد) صرفاً می‌تواند حق استفاده از اطلاعات دیجیتالی در چارچوب محدوده‌های قرارداد و قانون مالکیت فکری حاکم را به طرف دیگر بدهد. مالکیت فکری، ممکن است توسط صاحب آن حفظ شود یا نشود.

مالکیت فکری، تا حدود زیادی، از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری^{۲۷۲}، کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت فکری^{۲۷۳}، و موافقت‌نامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری،^{۲۷۴} هماهنگ می‌شود. با این حال، به دلیل اصل سرزمینی بودن^{۲۷۵}، قانون قلمروی محل حفاظت مالکیت فکری، گستره حمایت از مالکیت فکری را تعیین می‌کند. مشکل به وجود آمده در تجارت بین‌الملل این است که، حقوق مالکیت فکری، در یک حوزه قضایی نسبت به حوزه قضایی دیگر، به نحو مستقل تعیین می‌شود. با توجه به این مشکل، ماده ۴۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، یک قاعده متحدالشکل را در این خصوص مقرر نموده که کدام قانون برای تعیین این که آیا کالا ناقض مالکیت فکری یک شخص ثالث است، حائز ارتباط باشد، تا مشخص شود که آیا بایع، تعهد خود به تسلیم کالای مصون از هرگونه حق یا ادعای مالکیت فکری یک شخص ثالث را به انجام رسانده است یا خیر.

هم چنین، باید توجه داشت که در حال حاضر، موسسه حقوق امریکا و موسسه حقوق اروپا، یک پروژه مشترک را با هدف ایجاد اصول حاکم بر اقتصاد داده^{۲۷۶} نوظهور، و مشخصاً معاملات با داده‌های

²⁷² Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works

²⁷³ Paris Convention for the Protection of Industrial Property

²⁷⁴ Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

²⁷⁵ principle of territoriality

²⁷⁶ data economy

الکترونیکی، آغاز کرده‌اند. اگر این تلاش موفقیت‌آمیز باشد و سند حقوق نرم منتج از آن اثرگذار به اثبات برسد، برآیند آن ممکن است شامل هماهنگ‌سازی بیشتر در این حوزه و امکان‌آوردن آتی توسط سازمان‌های بین‌المللی بشود.

• تجارت متقابل و تهاتر^{۲۷۷}

در قراردادهای بیع کالا، مالکیت کالا در ازای پرداخت ثمن با یک ارز، به دایره شمول قراردادهای تحت قلمروی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اضافه می‌شود. باین‌حال، امکان‌دارد مالکیت، کلاً یا جزئاً، در ازای انتقال مالکیت سایر کالاها، واگذار شود. این قرارداد معمولاً «تهاتر» خوانده می‌شود.

در سال ۱۹۹۲، کمیسیون آنسیترال، یک راهنمای حقوقی راجع به معاملات تجارت متقابل بین‌المللی^{۲۷۸} را به تصویب رساند که رهنمودهایی در مورد راه‌حل‌های قراردادی برای انواع مختلف معاملات تجارت متقابل ارائه می‌دهد. اصطلاح مزبور به عنوان «معاملاتی که یکی از طرفین آن، کالا، خدمات، فناوری یا ارزش اقتصادی دیگری را به طرف دوم عرضه نموده و در مقابل، طرف نخست یک مقدار مورد توافق از کالا، خدمات، فناوری یا ارزش اقتصادی دیگری را از طرف دوم خریداری می‌کند»، تعریف شده است. رابطه بین معاملات باید واضح باشد. به‌موجب آن راهنما، معاملات تجارت متقابل شامل تهاتر، خرید متقابل،^{۲۷۹} بیع متقابل (تجارت جبرانی)،^{۲۸۰} و افسیت^{۲۸۱} است.

²⁷⁷ Countertrade and barter

²⁷⁸ Legal Guide on International Countertrade Transactions

²⁷⁹ counter-purchase

²⁸⁰ buy-back

²⁸¹ offset

تهاتر و سایر معاملات تجارت متقابل، آشکارا در قلمروی شمول اصول یونیدروا قرار دارند که گسترده‌تر از قلمروی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است، مشروط به این‌که ماهیت بین‌المللی داشته باشد و بین طرفین تجاری انجام شود.

دیدگاه‌های مختلفی راجع به قابلیت اعمال شروط کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد قراردادهای تهاتر وجود دارد. عناصری مانند تعریف مفهوم «ثمن» در این کنوانسیون ممکن است بر دیدگاه‌های مذکور اثرگذار باشد. به‌طور کلی، غالباً شروط کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تا حدی بر قراردادهای تهاتر اعمال شده است که مسئله مربوطه بین قراردادهای بیع کالا و تهاتر مشترک باشد اما هنگامی که تلقی حقوقی متفاوتی از مسئله وجود داشته است، شروط مزبور اعمال نشده‌اند.

در حوزه اسناد متحدالشکل حقوق بین‌الملل خصوصی، طبق نظر اکثریت، قانون حاکم بر بیع بین‌المللی کالا بر قراردادهای متضمن انتقال کالا در ازای چیزی غیر از پول، اعمال نمی‌شود. اسناد حاکم بر قراردادها به‌طور عام، (مانند مقرره رُم یک) بر تهاتر و نظایر آن حاکم است، اما صرفاً تا حدی که به قواعد کلی آن‌ها مربوط می‌باشد؛ از جانب دیگر، قواعد معین برای قراردادهای بیع، اعمال‌پذیر نیست.

متن کنوانسیون به انگلیسی

United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods



UNITED NATIONS

کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره قراردادهای بیع بین‌المللی کالا
کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با یک مقدمه مشتمل بر سه بند آغاز
می‌شود. در مقدمه، اصول و هدف‌هایی که الهام‌بخش دولت‌هایی بوده
که در کنفرانس دیپلماتیک وین شرکت داشتند و کنوانسیون را امضا
کردند، ذکر شده است که عبارتند از: برقراری یک نظم نوین اقتصادی
بین‌المللی، برابری و نفع متقابل که عامل مهمی در ارتقای مناسبات
دوستانه بین کشورهاست، رفع موانع حقوق تجارت بین‌المللی و فراهم
آوردن موجبات توسعه آن.

پس از مقدمه، مواد و مقررات کنوانسیون، صد و یک ماده در چهار
بخش، بیان شده است:

بخش اول: قلمرو اجرا و مقررات کلی (مواد ۱-۱۳)

بخش دوم: تشکیل قرارداد (مواد ۱۴ تا ۲۴)

بخش سوم: بیع کالا

فصل اول: مقررات کلی (مواد ۲۵-۲۹)

فصل دوم: تعهدات فروشنده (مواد ۳۰-۵۲)

فصل سوم: تعهدات خریدار (مواد ۵۴-۶۵)

فصل چهارم: انتقال ریسک/خطر (مواد ۶۶-۷۰)

فصل پنجم: تعهدات مشترک بایع و مشتری (مواد ۷۱-۸۸)

بخش چهارم: مقررات نهایی (مواد ۸۹ تا ۱۰۱)

Part I. Sphere of application and general provisions

CHAPTER I. SPHERE OF APPLICATION

بخش اول: قلمرو – موجبات اعمال کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

Article 1

(1) This Convention applies to contracts of sale of goods between parties whose places of business are in different States:

(a) when the States are Contracting States;
or

(b) when the rules of private international law lead to the application of the law of a Contracting State.

(2) The fact that the parties have their places of business in different States is to be disregarded whenever this fact does not appear either from the contract or from any dealings between, or from information disclosed by, the parties at any time before or at the conclusion of the contract.

(3) Neither the nationality of the parties nor the civil or commercial character of the parties or of the contract is to be taken into consideration in determining the application of this Convention.

۱. این کنوانسیون ناظر بر قراردادهای بیع کالا بین طرفینی است که محل تجارت آن‌ها در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده باشد، مشروط بر این‌که :

الف: کشورهای مذکور در زمره دولت‌های متعاقد باشند، یا

ب: زمانی که قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) منجر به اعمال قانون یکی از کشورهای متعاقد گردد.

۲. این واقعیت که محل تجارت طرفین در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده است مورد توجه قرار نخواهد گرفت، مگر این‌که واقعیت مزبور از قرارداد و یا از معاملات بین طرفین یا اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها در زمان انعقاد قرارداد و یا هر زمانی پیش از آن استنباط گردد.

۳. تابعیت طرفین قرارداد یا خصوصیت مدنی یا تجاری قرارداد یا طرفین، در تعیین قلمرو این کنوانسیون لحاظ نمی‌شود.

Article 2

This Convention does not apply to sales:

- (a) of goods bought for personal, family or household use, unless the seller, at any time before or at the conclusion of the contract, neither knew nor ought to have known that the goods were bought for any such use;
- (b) by auction;
- (c) on execution or otherwise by authority of law;
- (d) of stocks, shares, investment securities, negotiable instruments or money;
- (e) of ships, vessels, hovercraft or aircraft;

(f) of electricity.

ماده ۲

این کنوانسیون بر بیع های زیر اعمال نمی شود:

- (الف) بیع کالاهایی که جهت مصارف شخصی، خانوادگی یا استفاده در منازل خریداری می شوند، مگر این که فروشنده قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن، از این که کالاهای مزبور برای مصارف فوق خریداری شده اند، اطلاعی نداشته یا مکلف نبوده اطلاعی در این مورد داشته باشد
- (ب) بیع از طریق مزایده و حراج؛
- (ج) بیع ناشی از اجراء احکام یا فروشی که به نحوی از انحا با مجوز قانونی صورت می گیرد؛
- (د) بیع سرمایه شرکت های تجاری، سهام شرکت ها، تضمین های سرمایه گذاری (اوراق بهادار)، اسناد قابل انتقال یا پول؛
- (ه) فروش کشتی ها، سفاین، هاورکرافت ها (هواناوها) و وسایل نقلیه هوایی؛
- (و) فروش نیروی برق.

Article 3

(1) Contracts for the supply of goods to be manufactured or produced are to be considered sales unless the party who orders the goods undertakes to supply a substantial part of the materials necessary for such manufacture or production.

(2) This Convention does not apply to contracts in which the preponderant part of the

obligations of the party who furnishes the goods consists in the supply of labour or other services.

ماده ۳

۱. قراردادهای ناظر بر تهیه کالاهایی که باید ساخته یا تولید شوند بیع محسوب می‌شوند مگر این‌که سفارش‌دهنده تعهد نموده باشد که قسمت عمده مواد لازم برای ساخت یا تولید آن کالاها را تهیه کند.
۲. قراردادهایی که در آن‌ها قسمت اعظم تعهدات طرفی که کالا را تهیه می‌کند ناظر به ارائه نیروی کار یا خدمات دیگر باشد، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود.

Article 4

This Convention governs only the formation of the contract of sale and the rights and obligations of the seller and the buyer arising from such a contract. In particular, except as otherwise expressly provided in this Convention, it is not concerned with:

- (a) the validity of the contract or of any of its provisions or of any usage;
- (b) the effect which the contract may have on the property in the goods sold.

ماده ۴

مقررات این کنوانسیون صرفاً ناظر بر انعقاد قرارداد بیع و حقوق و

تعهداتی که برای طرفین در اثر چنین قراردادی ایجاد می‌شود، بوده و ارتباطی خاصه با امور ذیل نخواهد داشت، مگر این‌که خلاف آن تصریح شده باشد:

الف) صحت قرارداد یا هر یک از شرایط آن یا اعتبار هرگونه عرف مربوط؛

ب) اثری که ممکن است قرارداد بر مالکیت کالائی که فروخته می‌شود داشته باشد.

Article 5

This Convention does not apply to the liability of the seller for death or personal injury caused by the goods to any person.

ماده ۵

این کنوانسیون شامل مسئولیت بائع در قبال مرگ یا صدمات بدنی که به سبب کالا برای افراد اتفاق می‌افتد، نخواهد بود.

Article 6

The parties may exclude the application of this Convention or, subject to article 12, derogate from or vary the effect of any of its provisions.

ماده ۶

طرفین می‌توانند شمول این کنوانسیون را استثناء یا با رعایت ماده ۱۲، از آثار هر یک از مقررات آن عدول کنند یا آن‌ها را تغییر دهند.

CHAPTER II. GENERAL PROVISIONS

فصل دوم: مقررات کلی

Article 7

(1) In the interpretation of this Convention, regard is to be had to its international character and to the need to promote uniformity in its application and the observance of good faith in international trade.

(2) Questions concerning matters governed by this Convention which are not expressly settled in it are to be settled in conformity with the general principles on which it is based or, in the absence of such principles, in conformity with the law applicable by virtue of the rules of private international law.

ماده ۷

۱. در تفسیر این کنوانسیون باید به خصیصه بین‌المللی بودن آن و ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن‌نیت در تجارت بین‌المللی توجه شود.

۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آن‌ها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده، طبق اصولی کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است حل و فصل خواهند شد.

Article 8

(1) For the purposes of this Convention statements made by and other conduct of a party are to be interpreted according to his intent where the other party knew or could not have been unaware what that intent was.

(2) If the preceding paragraph is not applicable, statements made by and other conduct of a party are to be interpreted according to the understanding that a reasonable person of the same kind as the other party would have had in the same circumstances.

(3) In determining the intent of a party or the understanding a reasonable person would have had, due consideration is to be given to all relevant circumstances of the case including the negotiations, any practices which the parties have established between themselves, usages and any subsequent conduct of the parties.

ماده ۸

۱. از نظر این کنوانسیون، هرگاه یکی از طرفین نسبت به قصد طرف دیگر علم داشته باشد یا جهل او مسموع نباشد، الفاظ و سایر اعمال طرف دیگر باید مطابق قصد وی تفسیر شود.
۲. در صورت عدم شمول بند پیشین، الفاظ و سایر اعمال هریک از طرفین محمول بر استنباط افراد متعارف همان صنف در اوضاع و احوال مشابه است.
۳. در مقام تشخیص قصد هریک از طرفین یا تعیین استنباطی که یک فرد متعارف از آن خواهد داشت، باید به اوضاع و احوال ذیربط از جمله مذاکرات، هرگونه رویه مقرر بین طرفین، عرف و عادت و سایر اعمال بعدی آنان، توجه کافی مبذول شود.

Article 9

(1) The parties are bound by any usage to which they have agreed and by any practices which they have established between

themselves.

(2) The parties are considered, unless otherwise agreed, to have impliedly made applicable to their contract or its formation a usage of which the parties knew or ought to have known and which in international trade is widely known to, and regularly observed by, parties to contracts of the type involved in the particular trade concerned.

ماده ۹

(۱) طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق، و رویه‌های معمول بین خودشان هستند.

(۲) فرض بر این است که طرفین به‌طور ضمنی عرفی را که بدان وقوف داشته یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌الملل کاملاً شناخته شده و طرفین قراردادهای مشابه در آن نوع تجارت خاص، به‌طور منظم آن را رعایت می‌کنند، به‌نحو ضمنی بر قرارداد فی‌مابین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند، مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.

Article 10

For the purposes of this Convention:

(a) if a party has more than one place of business, the place of business is that which has the closest relationship to the contract and its performance, having regard to the circumstances

known to or contemplated by the parties at any time before or at the conclusion of the contract;

(b) if a party does not have a place of business, reference is to be made to his habitual residence.

ماده ۱۰

از نظر این کنوانسیون:

الف) هرگاه یکی از طرفین بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت وی جایی خواهد بود که با در نظر گرفتن اوضاع و احوالی که قبل از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن بر طرفین معلوم بوده یا منظور نظر آنها قرار گرفته است نزدیکترین رابطه را با قرارداد و اجرای آن دارد.

ب) هرگاه یکی از طرفین فاقد محل تجارت باشد، محل سکونت معمولی وی معیار خواهد بود.

Article 11

A contract of sale need not be concluded in or evidenced by writing and is not subject to any other requirement as to form. It may be proved by any means, including witnesses.

ماده ۱۱

ضرورتی ندارد که قرارداد بیع به صورت کتبی منعقد یا مستند شود و از نظر شکلی نیز محتاج به رعایت هیچگونه شروط و قیود دیگری نیست. وجود قرارداد را می توان به هر طریقی از جمله شهادت شهود به اثبات رساند.

Article 12

Any provision of article 11, article 29 or Part II of this Convention that allows a contract of sale or its modification or termination by agreement or any offer, acceptance or other indication of intention to be made in any form other than in writing does not apply where any party has his place of business in a Contracting State which has made a declaration under article 96 of this Convention. The parties may not derogate from or vary the effect of this article.

ماده ۱۲

هرگاه محل تجارت یکی از طرفین در یکی از کشورهای متعاهدی که به موجب ماده ۹۶ این کنوانسیون مبادرت به صدور اعلامیه‌ای نموده، واقع شده باشد، هیچ یک از مقررات مواد ۱۱ و ۲۹ یا فصل دوم این کنوانسیون که قرارداد بیع یا اصلاح یا اقاله آن یا هرگونه ایجاب و قبول یا سایر انواع بیان اراده را به نحو غیرکتبی اجازه می‌دهد، شامل آن طرف نخواهد بود. طرفین نمی‌توانند از حکم این ماده عدول نموده یا اثر آن را تغییر دهند.

Article 13

For the purposes of this Convention “writing” includes telegram and telex.

ماده ۱۳

وصف «کتبی» از نظر مقررات کنوانسیون، تلگرام و تلکس را شامل می‌شود.

Part II. Formation of the contract

بخش دوم : تشکیل قرارداد

Article 14

(1) A proposal for concluding a contract addressed to one or more specific persons constitutes an offer if it is sufficiently definite and indicates the intention of the offeror to be bound in case of acceptance. A proposal is sufficiently definite if it indicates the goods and expressly or implicitly fixes or makes provision for determining the quantity and the price.

(2) A proposal other than one addressed to one or more specific persons is to be considered merely as an invitation to make offers, unless the contrary is clearly indicated by the person making the proposal.

ماده ۱۴

۱. پیشنهاد انعقاد قرارداد خطاب به یک یا چند شخص معین در صورتی ایجاب محسوب می‌شود که به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب‌کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد. پیشنهاد در صورتی به اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و به نحو صریح یا ضمنی مقدار و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید.

۲. پیشنهاد، جز در موردی که خطاب به یک یا چند فرد معین است، صرفاً دعوت برای ایجاب محسوب می‌شود، مگر در صورتی که پیشنهاد دهنده خلاف آن را به‌وضوح اعلام نماید.

Article 15

(1) An offer becomes effective when it reaches the offeree.

(2) An offer, even if it is irrevocable, may be withdrawn if the withdrawal reaches the offeree before or at the same time as the offer.

ماده ۱۵

۱. ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب، نافذ می‌گردد.
۲. ایجاب، حتی در مواردی که غیر قابل رجوع باشد قابل انصراف است، مشروط بر این که اعلام انصراف، قبل یا همزمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد.

Article 16

(1) Until a contract is concluded an offer may be revoked if the revocation reaches the offeree before he has dispatched an acceptance.

(2) However, an offer cannot be revoked:

(a) if it indicates, whether by stating a fixed time for acceptance or otherwise, that it is irrevocable; or

(b) if it was reasonable for the offeree to rely on the offer as being irrevocable and the offeree has acted in reliance on the offer.

ماده ۱۶

۱. مادامی که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابلیت رجوع دارد، به شرطی که رجوع پیش از آن که مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد.

۲. در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد:
الف) در صورتیکه ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیر قابل رجوع است؛ یا
ب) تکیه مخاطب بر ایجاب، به عنوان یک ایجاب غیر قابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد.

Article 17

An offer, even if it is irrevocable, is terminated when a rejection reaches the offeror.

ماده ۱۷

ایجاب حتی اگر غیر قابل رجوع باشد، از هنگامی که رد آن از سوی مخاطب به ایجاب‌کننده برسد، منتهی می‌شود.

Article 18

(1) A statement made by or other conduct of the offeree indicating assent to an offer is an acceptance. Silence or inactivity does not in itself amount to acceptance.

(2) An acceptance of an offer becomes effective at the moment the indication of assent reaches the offeror. An acceptance is not effective if the indication of assent does not reach the offeror within the time he has fixed or, if no time is fixed, within a reasonable time, due

account being taken of the circumstances of the transaction, including the rapidity of the means of communication employed by the offeror. An oral offer must be accepted immediately unless the circumstances indicate otherwise.

(3) However, if, by virtue of the offer or as a result of practices which the parties have established between themselves or of usage, the offeree may indicate assent by performing an act, such as one relating to the dispatch of the goods or payment of the price, without notice to the offeror, the acceptance is effective at the moment the act is performed, provided that the act is performed within the period of time laid down in the preceding paragraph.

ماده ۱۸

۱. الفاظ یا سایر اعمال مخاطب ایجاب که حاکی از رضایت به ایجاب است قبول محسوب می‌شود. سکوت یا عدم اقدام فی‌نفسه منجر به قبول نمی‌گردد.

۲. قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب‌کننده واصل می‌گردد، نافذ می‌شود. هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که ایجاب‌کننده تعیین نموده یا، در صورت عدم تعیین مدت، ظرف مدت متعارفی به وی نرسد قبول نافذ نخواهد بود؛ در تشخیص مدت متعارف به اوضاع و احوال معامله، از جمله به سرعت و وسایل ارتباطاتی مورد استفاده ایجاب‌کننده توجه لازم معطوف می‌گردد. ایجاب شفاهی باید فوراً قبول شود مگر این‌که اوضاع و احوال به‌نحو دیگری دلالت نماید.

۳. مع الوصف، چنان‌چه به‌موجب ایجاب یا در نتیجه رویه متداول بین طرفین یا عرف و عادت، مخاطب، بدون اعلام به ایجاب‌کننده، بتواند با انجام عملی نظیر آنچه که مربوط به ارسال کالا یا پرداخت ثمن

است اعلام رضا نماید، قبول از لحظه‌ای که عمل به مرحله اجرا درمی‌آید نافذ است، مشروط بر این‌که آن عمل ظرف مدت مقرر در بند پیشین انجام شود .

Article 19

(1) A reply to an offer which purports to be an acceptance but contains additions, limitations or other modifications is a rejection of the offer and constitutes a counter-offer.

(2) However, a reply to an offer which purports to be an acceptance but contains additional or different terms which do not materially alter the terms of the offer constitutes an acceptance, unless the offeror, without undue delay, objects orally to the discrepancy or dispatches a notice to that effect. If he does not so object, the terms of the contract are the terms of the offer with the modifications contained in the acceptance.

(3) Additional or different terms relating, among other things, to the price, payment, quality and quantity of the goods, place and time of delivery, extent of one party's liability to the other or the settlement of disputes are considered to alter the terms of the offer materially.

ماده ۱۹

۱. هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده ولی متضمن

اضافات، محدودیت‌ها یا سایر اصلاحات باشد، به منزله رد ایجاب است و ایجاب متقابل محسوب می‌شود. ۲. هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده اما متضمن شروط اضافی و متفاوتی است که شروط ایجاب را به‌طور اساسی تغییر نمی‌دهد قبول محسوب می‌شود مگر این‌که ایجاب‌کننده، بدون تأخیر موجه، شفافاً به آن مغایرت اعتراضی کند یا یادداشتی بدان مضمون بفرستد. چنان‌چه مشارالیه بدین نحو اعتراضی نکند شروط قرارداد عبارتند از شروط مذکور در ایجاب با اصلاحاتی که در قبول مندرج است.

۳. شروط اضافی یا متفاوت مربوط به ثمن، تأدیه، وصف و مقدار کالا، مکان و زمان تسلیم کالا، حدود مسئولیت هریک از طرفین نسبت به طرف دیگر، یا حل اختلافات، از جمله شروطی هستند که شرایط ایجاب را به‌طور اساسی تغییر می‌دهند.

Article 20

(1) A period of time for acceptance fixed by the offeror in a telegram or a letter begins to run from the moment the telegram is handed in for dispatch or from the date shown on the letter or, if no such date is shown, from the date shown on the envelope. A period of time for acceptance fixed by the offeror by telephone, telex or other means of instantaneous communication, begins to run from the moment that the offer reaches the offeree.

(2) Official holidays or non-business days occurring during the period for acceptance are included in calculating the period. However, if a notice of acceptance cannot be delivered at the address of the offeror on the last day of the period because that day falls on an official

holiday or a non-business day at the place of business of the offeror, the period is extended until the first business day which follows.

ماده ۲۰

۱. مهلتی که ایجاب‌کننده در تلگرام یا نامه‌ای برای قبول تعیین می‌کند از لحظه‌ای که تلگرام جهت مخابره تحویل می‌گردد و یا از تاریخی که در نامه قید شده، یا چنانچه در نامه تاریخی قید نشده باشد از تاریخ منعکس روی پاکت نامه شروع می‌شود. مهلتی را که ایجاب‌کننده برای قبول به وسیله تلفن، تلکس یا سایر طرق مخابراتی فوری تعیین می‌کند، از زمانی آغاز می‌گردد که ایجاب به مخاطب آن برسد.

۲. تعطیلات رسمی یا روزهای غیر ارادی در خلال مهلت قبول، جزو مهلت قبول محسوب می‌شوند. پس چنانچه در آخرین روز آن مهلت تحویل اعلان قبول به آدرس ایجاب‌کننده بعثت آن که آن روز مصادف است با یک روز تعطیل یا یک روز غیر اداری، ممکن نباشد مهلت مذکور تا اولین روز اداری بعد از آن تمدید خواهد شد.

Article 21

(1) A late acceptance is nevertheless effective as an acceptance if without delay the offeror orally so informs the offeree or dispatches a notice to that effect.

(2) If a letter or other writing containing a late acceptance shows that it has been sent in such circumstances that if its transmission had been normal it would have reached the offeror in due time, the late acceptance is effective as an acceptance unless, without delay, the offeror orally informs the offeree that he considers his offer as having lapsed or dispatches a notice to

that effect.

ماده ۲۱

۱. اگر ایجاب‌کننده بدون تعلل، نافذ بودن قبول توأم با تأخیر را به‌طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند، این قبول نافذ خواهد بود.
۲. هرگاه نامه یا نوشته دیگری که متضمن قبول توأم با تأخیر است حکایت از این داشته باشد که ارسال آن در چنان اوضاع و احوالی صورت گرفته که اگر جریان انتقال به‌طور طبیعی بود، در موعد مقرر به ایجاب‌کننده می‌رسید، این قبول با تأخیر یک قبول نافذ محسوب می‌شود مگر این‌که ایجاب‌کننده بی‌درنگ به‌طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب ایجاب برساند که وی ایجاب خود را منتفی تلقی می‌کند.

Article 22

An acceptance may be withdrawn if the withdrawal reaches the offeror before or at the same time as the acceptance would have become effective.

ماده ۲۲

قبول به شرطی قابل انصراف است که انصراف، پیش از نافذ شدن یا هم‌زمان با آن، به ایجاب‌کننده واصل شود.

Article 23

A contract is concluded at the moment when an acceptance of an offer becomes effective in accordance with the provisions of this

Convention.

ماده ۲۳

قرارداد از لحظه‌ای که قبولِ ایجاب، مطابق مقررات این کنوانسیون، نافذ می‌شود، منعقد می‌گردد.

Article 24

For the purposes of this Part of the Convention, an offer, declaration of acceptance or any other indication of intention “reaches” the addressee when it is made orally to him or delivered by any other means to him personally, to his place of business or mailing address or, if he does not have a place of business or mailing address, to his habitual residence.

ماده ۲۴

از نظر این قسمت از کنوانسیون، ایجاب، اعلام قبول یا سایر انواع بیان اراده، هنگامی به مخاطب واصل می‌شود که به‌طور شفاهی به وی گفته شود، یا به هر طریقه دیگری به شخص او، به محل تجارت یا نشانی پستی وی، یا چنانچه محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد، به محل اقامت عادی او تحویل گردد.

Part III. Sale of goods

بخش سوم: فروش کالا

CHAPTER I. GENERAL PROVISIONS

فصل اول : مقررات کلی

Article 25

A breach of contract committed by one of the parties is fundamental if it results in such detriment to the other party as substantially to deprive him of what he is entitled to expect under the contract, unless the party in breach did not foresee and a reasonable person of the same kind in the same circumstances would not have foreseen such a result.

ماده ۲۵

نقض قرارداد توسط یکی از طرفین، هنگامی نقض اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خساراتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه که استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است اساساً محروم نماید، مگر این که طرف نقض‌کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در شرایط و اوضاع و احوال مشابه نمی‌توانسته چنین پیامد و نتیجه‌ای را پیش‌بینی کند .

Article 26

A declaration of avoidance of the contract is effective only if made by notice to the other party.

ماده ۲۶

اعلام بطلان قرارداد صرفاً در صورتی نافذ است که طی یادداشتی (کتبی یا شفاهی) به طرف دیگر اعلام شود.

Article 27

Unless otherwise expressly provided in this Part of the Convention, if any notice, request or other communication is given or made by a party in accordance with this Part and by means appropriate in the circumstances, a delay or error in the transmission of the communication or its failure to arrive does not deprive that party of the right to rely on the communication.

ماده ۲۷

در مواردی که هر نوع اخطار، تقاضا یا سایر انواع مراسلات توسط یکی از طرفین، مطابق این فصل و با وسایلی متناسب با اوضاع و احوال، صادر یا انجام شود، تاخیر یا اشتباه شکلی در ارسال یا عدم وصول آن، او را از حق استناد به مراسلات مذکور محروم نمی‌سازد، مگر این‌که طور دیگری تصریح کرده باشند.

Article 28

If, in accordance with the provisions of this Convention, one party is entitled to require performance of any obligation by the other party, a court is not bound to enter a judgement for specific performance unless the court would do so under its own law in respect of similar

contracts of sale not governed by this Convention.

ماده ۲۸

اگر بر اساس مقررات این کنوانسیون یک طرف قرارداد حق داشته باشد که ایفای تعهدی را از طرف دیگر درخواست کند، دادگاه مکلف به صدور حکم نسبت به اجرای عین تعهد نیست مگر این که مطابق قانون متبوع خود دادگاه، نسبت به قراردادهای بیع مشابه که مشمول مقررات این کنوانسیون نیستند حکم به اجرای عین تعهد دهد.

Article 29

(1) A contract may be modified or terminated by the mere agreement of the parties.

(2) A contract in writing which contains a provision requiring any modification or termination by agreement to be in writing may not be otherwise modified or terminated by agreement. However, a party may be precluded by his conduct from asserting such a provision to the extent that the other party has relied on that conduct.

ماده ۲۹

۱. قرارداد می‌تواند به صرف توافق طرفین، اصلاح یا اقاله شود.
۲. یک قرارداد کتبی که متضمن شرط اصلاح یا اقاله به نحو کتبی است، نمی‌توان به نحو دیگری اصلاح یا اقاله کرد. معهذا، امکان دارد که هریک از طرفین به علت رفتار خود از استناد به این شرط تا حدودی که طرف دیگر به چنین رفتاری اعتماد کرده است، ممنوع

شود .

CHAPTER II. OBLIGATIONS OF THE SELLER

فصل دوم: تعهدات فروشنده *Article 30*

The seller must deliver the goods, hand over any documents relating to them and transfer the property in the goods, as required by the contract and this Convention.

ماده ۳۰

فروشنده مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر گردیده کالا را تسلیم کند، هرگونه مدارک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد .

Section I. Delivery of the goods and handing over of documents

مبحث اول: تحویل کالا و اسناد

Article 31

If the seller is not bound to deliver the goods at any other particular place, his obligation to deliver consists:

(a) if the contract of sale involves carriage of the goods—in handing the goods over to the first carrier for transmission to the buyer;

(b) if, in cases not within the preceding subparagraph, the contract relates to specific goods, or unidentified goods to be drawn from a specific stock or to be manufactured or produced, and at the time of the conclusion of the contract the parties knew that the goods were at, or were to be manufactured or produced at, a particular place—in placing the goods at the buyer's disposal at that place;

(c) in other cases—in placing the goods at the buyer's disposal at the place where the seller had his place of business at the time of the conclusion of the contract.

ماده ۳۱

در صورتی که فروشنده ملزم به تسلیم کالا در محل معین دیگری نباشد تعهد او به تسلیم عبارت است از:

الف) چنانچه قرارداد فروش متضمن حمل کالا باشد، تسلیم این کالا به اولین حمل و نقل کننده جهت ارسال برای مشتری.

ب) در مواردی که مشمول قسمت الف نباشد، چنانچه قرارداد راجع به کالای معین باشد، یا کلی در معین که باید از انبار معینی استخراج شود، یا کالای کلی که باید ساخته یا تولید شود و طرفین در زمان انعقاد قرارداد می دانسته اند که کالا در محل معینی واقع است یا باید در محل معینی تولید یا ساخته شود، تعهد به تسلیم عبارت است از قرار دادن کالا در همان محل معین در اختیار خریدار.

ج) در سایر موارد، تعهد به تسلیم این است که با بیع کالا را در همان محلی که در زمان انعقاد قرارداد، محل تجارت او بوده، در اختیار مشتری قرار دهد.

(1) If the seller, in accordance with the contract or this Convention, hands the goods over to a carrier and if the goods are not clearly identified to the contract by markings on the goods, by shipping documents or otherwise, the seller must give the buyer notice of the consignment specifying the goods.

(2) If the seller is bound to arrange for carriage of the goods, he must make such contracts as are necessary for carriage to the place fixed by means of transportation appropriate in the circumstances and according to the usual terms for such transportation.

(3) If the seller is not bound to effect insurance in respect of the carriage of the goods, he must, at the buyer's request, provide him with all available information necessary to enable him to effect such insurance.

ماده ۳۲

۱. اگر فروشنده مطابق قرارداد با این کنوانسیون کالا را به حمل و نقل کننده تحویل دهد ولی کالا به وسیله علامت گذاری روی آن یا به وسیله اسناد حمل یا به نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشد که مربوط به قرارداد بیع است، بائع مکلف است مشتری را با مشخص نمودن کالا، از حمل آن مطلع نماید.
۲. هرگاه بائع مکلف شده باشد که ترتیب حمل کالا را بدهد، باید قراردادهای ضروری برای حمل کالا به محل تعیین شده با وسایل حمل و نقل که مناسب اوضاع و احوال و منطبق با شرایط متعارف این قبیل حمل و نقل است، منعقد نماید.
۳. در صورتی که فروشنده مکلف به بیمه کالا در رابطه با حمل

آن نباشد، باید بنا به درخواست خریدار، کلیه اطلاعات موجود که برای قادر ساختن مشتری جهت بیمه کالا ضروری است را در اختیار وی قرار دهد .

Article 33

The seller must deliver the goods:

(a) if a date is fixed by or determinable from the contract, on that date;

(b) if a period of time is fixed by or determinable from the contract, at any time within that period unless circumstances indicate that the buyer is to choose a date; or

(c) in any other case, within a reasonable time after the conclusion of the contract.

ماده ۳۳

بایع مکلف است در مواعد زیر کالا را تسلیم کند:
الف) چنانچه در قرارداد تاریخی تعیین شده باشد یا بر اساس آن قابل تعیین باشد، در همان تاریخ:
ب) چنانچه در قرارداد، مدتی معین شده باشد یا بر اساس آن مدتی قابل تعیین باشد، ظرف مدت مزبور، مگر این که اوضاع و احوال حاکی از این باشد که تعیین تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری است ؛
ج- در سایر موارد، ظرف مدت معقولی پس از انعقاد قرارداد .

Article 34

If the seller is bound to hand over documents relating to the goods, he must hand them over at

the time and place and in the form required by the contract. If the seller has handed over documents before that time, he may, up to that time, cure any lack of conformity in the documents, if the exercise of this right does not cause the buyer unreasonable inconvenience or unreasonable expense. However, the buyer retains any right to claim damages as provided for in this Convention.

ماده ۳۴

اگر فروشنده موظف باشد که اسناد مربوط به کالا را تسلیم نماید ، باید آن ها را در زمان و مکان و به شکلی که در قرارداد مقرر شده تحویل دهد. در صورتی که فروشنده اسناد را قبل از تاریخ مقرر تحویل دهد می تواند تا فرا رسیدن موعد هرگونه نقض راجع به عدم مطابقت در اسناد را تصحیح و رفع نماید مشروط بر این که اعمال این حق موجب ایجاد مشکل و ناراحتی غیر معقول برای مشتری یا تحمیل هزینه های نامتعارف بر او نباشد. البته، هرگونه حق مطالبه خسارت بنحوی که در این کنوانسیون مقرر شده برای مشتری محفوظ است.

Section II. Conformity of the goods and third-party claims

مبحث دوم: انطباق کالا و دعاوی شخص ثالث

Article 35

(1) The seller must deliver goods which are of the quantity, quality and description required by the contract and which are contained or packaged in the manner required by the contract.

(2) Except where the parties have agreed otherwise, the goods do not conform with the contract unless they:

(a) are fit for the purposes for which goods of the same description would ordinarily be used;

(b) are fit for any particular purpose expressly or impliedly made known to the seller at the time of the conclusion of the contract, except where the circumstances show that the buyer did not rely, or that it was unreasonable for him to rely, on the seller's skill and judgement;

(c) possess the qualities of goods which the seller has held out to the buyer as a sample or model;

(d) are contained or packaged in the manner usual for such goods or, where there is no such manner, in a manner adequate to preserve and protect the goods.

(3) The seller is not liable under subparagraphs (a) to (d) of the preceding paragraph for any lack of conformity of the goods if, at the time of the conclusion of the contract, the buyer knew or could not have been unaware of such lack of conformity.

ماده ۳۵

۱. فروشنده باید کالایی را تسلیم کند که دارای مقدار، واجد کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد

معین شده بسته‌بندی یا ظرف‌بندی گردیده باشد.

۲. به جز در مواردی که طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود مگر این‌که:

(الف) متناسب با مقاصد باشد که عرفاً کالاهای با آن اوصاف برای مقاصد مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(ب) متناسب برای هر مقصود خاصی باشد که به‌طور صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده است، مگر این‌که اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بایع اعتماد نکرده یا اعتماد او غیرمعقول بوده است.

(ج) واجد اوصافی باشد که فروشنده به‌عنوان نمونه یا مدل به مشتری ارائه نموده است.

(د) به‌نحوی ظرف‌بندی یا بسته‌بندی شده باشد که برای چنان کالایی معمول است یا در صورتی‌که چنین ترتیبی موجود نباشد آن را به نحوی انجام دهد که بقا و سلامت کالا تامین شود.

۳. هرگاه مشتری در زمان انعقاد قرارداد از عدم مطابقت کالا با قرارداد آگاه بوده یا نمی‌توانسته است ناآگاه باشد، فروشنده نسبت به هر نوع عدم انطباق کالا مسئولیتی طبق مقررات بندهای «الف» تا «د» بند پیشین را نخواهد داشت.

Article 36

(1) The seller is liable in accordance with the contract and this Convention for any lack of conformity which exists at the time when the risk passes to the buyer, even though the lack of conformity becomes apparent only after that time.

(2) The seller is also liable for any lack of conformity which occurs after the time indicated in the preceding paragraph and which is due to a breach of any of his obligations, including a

breach of any guarantee that for a period of time the goods will remain fit for their ordinary purpose or for some particular purpose or will retain specified qualities or characteristics.

ماده ۳۶

۱. فروشنده بر طبق قرارداد و این کنوانسیون مسئول هرگونه عدم مطابقت کالا است که در زمان انتقال ضمانت به مشتری وجود دارد ، حتی اگر عدم انطباق پس از آن زمان آشکار شود.
۲. فروشنده همچنین مسئول هرگونه عدم انطباقی است که بعد از زمان مذکور در بند پیشین حادث شود و ناشی از نقض هر یک از تعهدات وی باشد، از جمله نقض هرگونه ضمانت بائع دایر بر این که کالا تا مدتی جهت استفاده برای مقاصد عادی یا برای برخی مقاصد خاص، مناسب خواهد بود یا خصایص و اوصاف معینی را حفظ خواهد کرد.

Article 37

If the seller has delivered goods before the date for delivery, he may, up to that date, deliver any missing part or make up any deficiency in the quantity of the goods delivered, or deliver goods in replacement of any non-conforming goods delivered or remedy any lack of conformity in the goods delivered, provided that the exercise of this right does not cause the buyer unreasonable inconvenience or unreasonable expense. However, the buyer retains any right to claim damages as provided for in this Convention.

هرگاه بائع کالا را زودتر از موعد مقرر تسلیم نماید، می‌تواند تا فرا رسیدن موعد مزبور قسمت‌های کسری را تحویل دهد یا هرگونه

نقصانی در مقدار را جبران کند، یا کالای دیگری را در عوض کالای غیر مطابق تسلیم نماید، یا هرگونه عدم انطباقی را در کالای تسلیم شده مرتفع سازد، مشروط بر این که اعمال این حق موجب زحمت نامعقول یا مخارج نامتناسب برای مشتری نشود. با این وجود، حق مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر گردیده، برای مشتری محفوظ است .

Article 38

(1) The buyer must examine the goods, or cause them to be examined, within as short a period as is practicable in the circumstances.

(2) If the contract involves carriage of the goods, examination may be deferred until after the goods have arrived at their destination.

(3) If the goods are redirected in transit or redispached by the buyer without a reasonable opportunity for examination by him and at the time of the conclusion of the contract the seller knew or ought to have known of the possibility of such redirection or redispach, examination may be deferred until after the goods have arrived at the new destination.

ماده ۳۸

۱. مشتری باید ظرف کوتاهترین مدت ممکن، با توجه به اوضاع و احوال مربوطه، کالا را مورد بازرسی و آزمایش قرار دهد یا موجبات بازرسی آن‌ها را فراهم نماید.
۲. اگر قرارداد متضمن حمل کالا باشد، معاینه و بازرسی کالا می‌تواند تا وصول آن‌ها به مقصد به تعویق افتد.

۳. اگر مشتری مسیر و مقصد کالای در راه را تغییر دهد یا کالا را مجدداً به مقصد دیگری ارسال کند، بدون این‌که فرصت معقولی جهت بازرسی داشته باشد و در زمان انعقاد قرارداد، با بیع نسبت به امکان این گونه تغییر مقصد یا ارسال مجدد آن آگاهی داشته یا باید آگاهی می‌داشت، امر بازرسی می‌تواند تا وصول کالا به مقصد جدید به تعویق بیفتد.

Article 39

(1) The buyer loses the right to rely on a lack of conformity of the goods if he does not give notice to the seller specifying the nature of the lack of conformity within a reasonable time after he has discovered it or ought to have discovered it.

(2) In any event, the buyer loses the right to rely on a lack of conformity of the goods if he does not give the seller notice thereof at the latest within a period of two years from the date on which the goods were actually handed over to the buyer, unless this time limit is inconsistent with a contractual period of guarantee.

ماده ۳۹

۱. در صورتی که مشتری ظرف مدت متعارفی پس از این‌که عدم انطباق کالا را کشف کرد یا می‌باید کشف می‌کرد، اطلاعیه‌ای حاکی از تعیین نوع عدم انطباق جهت با بیع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق کالا ساقط می‌شود.

۲. در هر حال اگر مشتری حداکثر ظرف دو سال از تاریخی که عملاً کالا به او تسلیم شده است اطلاعیه‌ای حاکی از عدم انطباق برای با بیع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق ساقط می‌شود، مگر این‌که

این مهلت با دوره تضمین کالا که در قرارداد تعیین شده است مغایر باشد.

Article 40

The seller is not entitled to rely on the provisions of articles 38 and 39 if the lack of conformity relates to facts of which he knew or could not have been unaware and which he did not disclose to the buyer.

ماده ۴۰

هرگاه عدم انطباق کالا مربوط به اموری باشد که بائع نسبت به آن آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد و آن را به اطلاع مشتری نرسانده است، حق استناد به مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ را نخواهد داشت.

Article 41

The seller must deliver goods which are free from any right or claim of a third party, unless the buyer agreed to take the goods subject to that right or claim. However, if such right or claim is based on industrial property or other intellectual property, the seller's obligation is governed by article 42.

ماده ۴۱

فروشنده باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث است تحویل دهد مگر این‌که مشتری راضی به دریافت کالایی باشد که موضوع حق یا ادعای شخص ثالثی است. به هر حال هرگاه این حق یا ادعا ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی

Article 42

(1) The seller must deliver goods which are free from any right or claim of a third party based on industrial property or other intellectual property, of which at the time of the conclusion of the contract the seller knew or could not have been unaware, provided that the right or claim is based on industrial property or other intellectual property:

(a) under the law of the State where the goods will be resold or otherwise used, if it was contemplated by the parties at the time of the conclusion of the contract that the goods would be resold or otherwise used in that State; or

(b) in any other case, under the law of the State where the buyer has his place of business.

(2) The obligation of the seller under the preceding paragraph does not extend to cases where:

(a) at the time of the conclusion of the contract the buyer knew or could not have been unaware of the right or claim; or

(b) the right or claim results from the seller's compliance with technical drawings, designs, formulae or other such specifications furnished by the buyer.

۱. فروشنده باید کالایی را تحویل دهد که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی که در زمان انعقاد قرارداد از آن‌ها مطلع بوده یا نمی‌توانسته است نسبت به آن‌ها بی‌اطلاع باشد، مصون باشد، مشروط بر این‌که: الف) اگر طرفین هنگام انعقاد قرارداد فروش مجدد کالا، یا استفاده از آن به‌نحو دیگر را در کشور معینی پیش‌بینی کرده و انتظار داشته‌اند، در این صورت حق یا ادعای مذکور طبق قوانین همان کشور ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد، یا ب) در سایر موارد، حق یا ادعای مذکور طبق قوانین کشور محل تجارت مشتری، ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر انواع مالکیت‌های معنوی باشد.

۲. تعهدات بایع حسب بند پیشین، به مواد زیر تسری نمی‌یابد: الف) هنگامی که مشتری در زمان انعقاد قرارداد می‌دانسته یا نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد که این حق یا ادعا وجود دارد؛ یا ب) وقتی که آن حق یا ادعا ناشی از تبعیت فروشنده از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها یا سایر مشخصات مشابهی باشد که توسط مشتری ارائه شده است.

Article 43

(1) The buyer loses the right to rely on the provisions of article 41 or article 42 if he does not give notice to the seller specifying the nature of the right or claim of the third party within a reasonable time after he has become aware or ought to have become aware of the right or claim.

(2) The seller is not entitled to rely on the

provisions of the preceding paragraph if he knew of the right or claim of the third party and the nature of it.

ماده ۴۳

۱. اگر مشتری پس از آن که از حق یا ادعای شخصی ثالث آگاه شد یا می‌بایست آگاه می‌شد اخطاری که مبین نوع حق و ادعای مذکور است را در مدت متعارفی به فروشنده ندهد، حق استناد به مقررات اصول ۴۱ یا ۴۲ را از دست خواهد داد.
۲. در صورتی که بایع از حق یا ادعای شخص ثالث و نوع و ماهیت آن آگاه بوده باشد حق استناد به مقررات بند پیشین را نخواهد داشت .

Article 44

Notwithstanding the provisions of paragraph (1) of article 39 and paragraph (1) of article 43, the buyer may reduce the price in accordance with article 50 or claim damages, except for loss of profit, if he has a reasonable excuse for his failure to give the required notice.

ماده ۴۴

در صورتی که مشتری عذر موجهی برای عدم ارسال اخطار به فروشنده داشته باشد می‌تواند علیرغم مقررات بند ۱ از ماده (۳۹) و بند ۱ از ماده ۴۳ ثمن کالا را بر طبق مقررات ماده ۵۰ تقلیل دهد یا مطالبه خسارت، به‌جز عدم‌النفع، نماید .

Section III. Remedies for breach of contract by

the seller

مبحث سوم: جبران های نقض قرارداد توسط فروشنده

Article 45

(1) If the seller fails to perform any of his obligations under the contract or this Convention, the buyer may:

(a) exercise the rights provided in articles 46 to 52;

(b) claim damages as provided in articles 74 to 77.

(2) The buyer is not deprived of any right he may have to claim damages by exercising his right to other remedies.

(3) No period of grace may be granted to the seller by a court or arbitral tribunal when the buyer resorts to a remedy for breach of contract.

ماده ۴۵

۱. اگر فروشنده موفق به ایفای هر یک از تعهدات خود را بر طبق قرارداد یا این کنوانسیون نشود یا کوتاهی کند، مشتری می تواند:
الف) حقوق مقرر در اصول ۴۶ تا ۵۲ را اعمال کند.
ب) به ترتیب مقرر در اصول ۷۴ تا ۷۷ مطالبه خسارت نماید.
۲. استفاده از حق توسل به سایر طرق جبران خسارت، مشتری را از

هیچ حقی که ممکن است جهت مطالبه خسارت داشته باشد محروم نمی‌کند.

۳. در صورتی که مشتری به یکی از طرق جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد متوسل شود دادگاه یا دیوان داور، هیچ‌گونه مهلت اضافی به بایع اعطا نخواهد کرد.

Article 46

(1) The buyer may require performance by the seller of his obligations unless the buyer has resorted to a remedy which is inconsistent with this requirement.

(2) If the goods do not conform with the contract, the buyer may require delivery of substitute goods only if the lack of conformity constitutes a fundamental breach of contract and a request for substitute goods is made either in conjunction with notice given under article 39 or within a reasonable time thereafter.

(3) If the goods do not conform with the contract, the buyer may require the seller to remedy the lack of conformity by repair, unless this is unreasonable having regard to all the circumstances. A request for repair must be made either in conjunction with notice given under article 39 or within a reasonable time thereafter.

ماده ۴۶

۱. مشتری می‌تواند ایفای تعهدات بایع را از او بخواهد، مگر این‌که به

یکی از طرق جبران خسارت که با درخواست وی منافات دارد متوسل شده باشد.

۲. چنانچه کالا منطبق با قرارداد نباشد مشتری فقط در صورتی می‌تواند تسلیم کالای جانشین را از وی درخواست نماید که مغایرت کالا متضمن نقص اساسی قرارداد باشد، و درخواست بدل کالا، همزمان با اخطار مذکور در ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت بگیرد.

۳. هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری می‌تواند از فروشنده بخواهد که عدم انطباق را با تعمیر کالا جبران نماید مگر این‌که چنین درخواستی با توجه به کل اوضاع و احوال غیر معقول تلقی شود. درخواست تعمیر باید از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت پذیرد.

Article 47

(1) The buyer may fix an additional period of time of reasonable length for performance by the seller of his obligations.

(2) Unless the buyer has received notice from the seller that he will not perform within the period so fixed, the buyer may not, during that period, resort to any remedy for breach of contract. However, the buyer is not deprived thereby of any right he may have to claim damages for delay in performance.

ماده ۴۷

۱. مشتری می‌تواند جهت ایفای تعهدات بایع، مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.

۲. مشتری جز در مواردی که از بایع اخطاری مبنی بر این‌که

تعهدات خو را در مهلت اضافی تعیین شده ایفا نخواهد کرد دریافت کرده باشد، نمی‌تواند در مدت مزبور از بابت نقض قرارداد به هیچ یک از طرق جبران خسارت متوسل شود. با این وجود، مشتری از هیچ حقی که ممکن است در مورد مطالبه خسارت ناشی از تأخیر در ایفای تعهد داشته باشد، محروم نخواهد شد .

Article 48

(1) Subject to article 49, the seller may, even after the date for delivery, remedy at his own expense any failure to perform his obligations, if he can do so without unreasonable delay and without causing the buyer unreasonable inconvenience or uncertainty of reimbursement by the seller of expenses advanced by the buyer. However, the buyer retains any right to claim damages as provided for in this Convention.

(2) If the seller requests the buyer to make known whether he will accept performance and the buyer does not comply with the request within a reasonable time, the seller may perform within the time indicated in his request. The buyer may not, during that period of time, resort to any remedy which is inconsistent with performance by the seller.

(3) A notice by the seller that he will perform within a specified period of time is assumed to include a request, under the preceding paragraph, that the buyer make known his decision.

(4) A request or notice by the seller under paragraph (2) or (3) of this article is not effective unless received by the buyer.

ماده ۴۸

۱. فروشنده می‌تواند با رعایت ماده ۴۹، حتی پس از موعد تسلیم، هر نوع قصور در ایفای تعهدش را به هزینه خود جبران نماید مشروط بر آن‌که انجام این کار بدون تأخیر غیر معقول و بدون ایجاد مزاحمت نامعقول برای مشتری انجام شود و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت پیش پرداختش نشود. به هر حال هر نوع حق مطالبه خسارت برای مشتری، به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده است، محفوظ خواهد بود.

۲. اگر فروشنده از مشتری درخواست نماید که نظر خود در این خصوص که آیا ایفای تعهد توسط وی را خواهد پذیرفت یا خیر، اعلام کند و مشتری به تقاضای مذکور در مدت معقولی پاسخ ندهد، فروشنده می‌تواند ظرف مدت مذکور در درخواست، تعهدش را ایفا نماید. مشتری ظرف مدت مزبور نمی‌تواند به هیچ یک از طرق جبران خسارت که مغایر با ایفای تعهد بایع باشد، متوسل گردد.

۳. اعلام بایع دایر بر این‌که ظرف مدت معینی تعهد خود را ایفا خواهد نمود، به منزله استعمال از تصمیم مشتری مطابق بند پیشین است.

۴. تقاضا یا اختاری که به موجب بندهای ۲ و ۳ این ماده توسط فروشنده به عمل آمده، بلااثر است مگر این‌که توسط مشتری دریافت شده باشد.

Article 49

(1) The buyer may declare the contract avoided:

(a) if the failure by the seller to perform any

of his obligations under the contract or this Convention amounts to a fundamental breach of contract; or

(b) in case of non-delivery, if the seller does not deliver the goods within the additional period of time fixed by the buyer in accordance with paragraph (1) of article 47 or declares that he will not deliver within the period so fixed.

(2) However, in cases where the seller has delivered the goods, the buyer loses the right to declare the contract avoided unless he does so:

(a) in respect of late delivery, within a reasonable time after he has become aware that delivery has been made;

(b) in respect of any breach other than late delivery, within a reasonable time:

(i) after he knew or ought to have known of the breach;

(ii) after the expiration of any additional period of time fixed by the buyer in accordance with paragraph (1) of article 47, or after the seller has declared that he will not perform his obligations within such an additional period; or

(iii) after the expiration of any additional period of time indicated by the seller in accordance with paragraph (2) of article 48, or after the buyer has declared that he will not accept performance.

۱. مشتری می تواند در موارد زیر قرارداد را باطل اعلام نماید:

(الف) در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات بایع به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب می شود؛ یا (ب) در صورت عدم تسلیم کالا، هرگاه بایع ظرف مدت اضافی که مطابق بند اول ماده ۴۷ توسط مشتری تعیین شده است، کالا را تسلیم نکند یا اعلام کند که ظرف مدت مزبور، کالا را تسلیم نخواهد کرد. ۲. با این وجود، در مواردی که بایع کالا را تسلیم کرده باشد مشتری حق اعلام بطلان قرارداد را از دست خواهد داد مگر این که او این کار را به طریق ذیل انجام دهد:

(الف) در صورت تأخیر در تسلیم، ظرف مدت معقولی پس از وقوف از تسلیم کالا، اعلام بطلان کند.

(ب) در رابطه با نقض هر یک از تعهدات قرارداد از جانب بایع، غیر از تأخیر در تسلیم، ظرف مدت معقولی که:

(۱) پس از این که نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا باید مطلع می شد.

(۲) بعد از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند اول ماده ۴۷ توسط مشتری تعیین شده یا بعد از این که فروشنده اعلام کرد که او در مهلت اضافی نیز به تعهداتش عمل نخواهد کرد.

(۳) پس از انقضای مهلت اضافی که توسط فروشنده بر اساس بند ۲ ماده ۴۸ مشخص شده است، یا پس از اعلام مشتری مبنی بر این که ایفای تعهد را قبول نخواهد کرد.

Article 50

If the goods do not conform with the contract and whether or not the price has already been paid, the buyer may reduce the price in the same

proportion as the value that the goods actually delivered had at the time of the delivery bears to the value that conforming goods would have had at that time. However, if the seller remedies any failure to perform his obligations in accordance with article 37 or article 48 or if the buyer refuses to accept performance by the seller in accordance with those articles, the buyer may not reduce the price.

ماده ۵۰

اگر کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد و اعم از این که ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد، مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در زمان تسلیم، و ارزشی که کالای مطابق با قرارداد در روز تسلیم می‌داشت، ثمن را تقلیل دهد. معهذاً هرگاه بایع مطابق مواد ۳۷ یا ۳۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند، یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور، از قبول انجام تعهد بایع امتناع ورزد، مشتری نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد .

Article 51

(1) If the seller delivers only a part of the goods or if only a part of the goods delivered is in conformity with the contract, articles 46 to 50 apply in respect of the part which is missing or which does not conform.

(2) The buyer may declare the contract avoided in its entirety only if the failure to make delivery completely or in conformity with the

contract amounts to a fundamental breach of the contract.

ماده ۵۱

۱. در صورتی که فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا فقط قسمتی از کالای تسلیم شده مطابق قرارداد باشد اصول ۴۶ تا ۵۰ در رابطه با بخشی که تسلیم نشده یا مطابق قرارداد نیست اعمال می‌گردد.
۲. مشتری فقط در صورتی می‌تواند از تمام قرارداد اجتناب کند که عدم توفیق در تسلیم همه کالا یا عدم توفیق در تسلیم کالای مطابق با قرارداد منجر به نقض اساسی قرارداد شده باشد.

Article 52

(1) If the seller delivers the goods before the date fixed, the buyer may take delivery or refuse to take delivery.

(2) If the seller delivers a quantity of goods greater than that provided for in the contract, the buyer may take delivery or refuse to take delivery of the excess quantity. If the buyer takes delivery of all or part of the excess quantity, he must pay for it at the contract rate.

ماده ۵۲

۱. اگر فروشنده کالا را زودتر از موعد مقرر تسلیم نماید، مشتری مختار است آن را قبض کند یا از قبض آن امتناع ورزد.
۲. در صورتی که فروشنده بیشتر از مقدار کالایی که در قرارداد مقرر بوده، تسلیم کند، مشتری می‌تواند مقدار اضافی را قبض نموده یا از

قبض آن خودداری کند. چنانچه مشتری همه یا قسمتی از کالای اضافی را قبض کند باید قیمت آن را مطابق با نرخ قرارداد بپردازد .

CHAPTER III. OBLIGATIONS OF THE BUYER

فصل سوم: تعهدات خریدار

Article 53

The buyer must pay the price for the goods and take delivery of them as required by the contract and this Convention.

ماده ۵۳

مشتری باید به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است ثمن را بپردازد و کالا را قبض نماید .

Section I. Payment of the price

مبحث اول : پرداخت ثمن

Article 54

The buyer's obligation to pay the price includes taking such steps and complying with such formalities as may be required under the contract or any laws and regulations to enable payment to be made.

ماده ۵۴

تعهدات مشتری دایر بر تادیه ثمن شامل اقدامات و رعایت تشریفات است که حسب قرارداد یا هر قانون و مقررات دیگر، برای امکان تادیه ثمن لازم دانسته شود.

Article 55

Where a contract has been validly concluded but does not expressly or implicitly fix or make provision for determining the price, the parties are considered, in the absence of any indication to the contrary, to have impliedly made reference to the price generally charged at the time of the conclusion of the contract for such goods sold under comparable circumstances in the trade concerned.

ماده ۵۵

هرگاه قرارداد به نحو صحیح منعقد شده باشد ولی ثمن به طور صریح یا ضمنی تعیین نشده یا مقرراتی برای تعیین آن وضع نگردیده باشد، در صورت فقدان هرگونه دلیل مخالفت، چنین فرض می شود که طرفین به طور ضمنی بر روی ثمنی که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای چنان کالایی در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه رایج است، توافق کرده اند .

Article 56

If the price is fixed according to the weight of the goods, in case of doubt it is to be determined by the net weight.

ماده ۵۶

اگر ثمن بر حسب وزن کالا تعیین شده باشد، در صورت بروز تردید ثمن کالا بر اساس وزن خالص تعیین می‌شود .

Article 57

(1) If the buyer is not bound to pay the price at any other particular place, he must pay it to the seller:

(a) at the seller's place of business; or

(b) if the payment is to be made against the handing over of the goods or of documents, at the place where the handing over takes place.

(2) The seller must bear any increase in the expenses incidental to payment which is caused by a change in his place of business subsequent to the conclusion of the contract.

ماده ۵۷

۱. هرگاه مشتری ملزم نباشد که ثمن کالا را در محل معین دیگری تأدیه کند، مکلف است ثمن را :
الف) در محل تجارت فروشنده؛ یا
ب) اگر در پرداخت منوط به تحویل کالا یا اسناد باشد، آن را در محل تسلیم کالا یا اسناد تأدیه نماید.
۲. هر نوع افزایش هزینه‌ای که لازمه پرداخت ثمن و ناشی از تغییر محل تجارت بایع پس از انعقاد قرارداد باشد، به عهده اوست.

Article 58

(1) If the buyer is not bound to pay the price at any other specific time, he must pay it

when the seller places either the goods or documents controlling their disposition at the buyer's disposal in accordance with the contract and this Convention. The seller may make such payment a condition for handing over the goods or documents.

(2) If the contract involves carriage of the goods, the seller may dispatch the goods on terms whereby the goods, or documents controlling their disposition, will not be handed over to the buyer except against payment of the price.

(3) The buyer is not bound to pay the price until he has had an opportunity to examine the goods, unless the procedures for delivery or payment agreed upon by the parties are inconsistent with his having such an opportunity.

ماده ۵۸

۱. در صورتی که مشتری ملزم نباشد که ثمن را در یک زمان معین تأدیه نماید، مکلف است در زمانی که بایع، کالا یا اسناد استیلای بر آن را طبق قرارداد و طبق کنوانسیون در اختیار او قرار می دهد، ثمن را تأدیه کند. فروشنده می تواند تسلیم کالا یا اسناد آن را مشروط به به تأدیه ثمن نماید.
۲. هرگاه قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بایع می تواند کالا را با قید این شرط که تسلیم کالا یا اسناد آن به مشتری، موکول به تأدیه ثمن باشد، ارسال نماید.
۳. تا زمانی که مشتری فرصت بازرسی کالا را نیافته است، ملزم به تأدیه ثمن نیست، مگر این که نحوه تسلیم یا تأدیه مورد توافق متعاملین،

با قائل شدن چنین فرصتی برای او منافات داشته باشد.

Article 59

The buyer must pay the price on the date fixed by or determinable from the contract and this Convention without the need for any request or compliance with any formality on the part of the seller.

ماده ۵۹

مشتری مکلف است در موعد مقرر یا قابل تعیین به وسیله قرارداد و این کنوانسیون ، بدون این که مستلزم هرگونه تقاضا یا رعایت تشریفات از جانب بایع باشد، ثمن را تادیه نماید.

Section II. Taking delivery

مبحث دوم: تحویل گرفتن

Article 60

The buyer's obligation to take delivery consists:

(a) in doing all the acts which could reasonably be expected of him in order to enable the seller to make delivery; and

(b) in taking over the goods.

ماده ۶۰

تعهد مشتری به قبض کالا عبارت است از :
الف) انجام کلیه اقداماتی که به منظور قادر ساختن بایع بر تسلیم، عرفاً
از مشتری انتظار می رود

ب) قبض کالا

Section III. Remedies for breach of contract by the buyer

مبحث سوم: جبران نقض های قراردادی توسط خریدار

Article 61

(1) If the buyer fails to perform any of his obligations under the contract or this Convention, the seller may:

- (a) exercise the rights provided in articles 62 to 65;
- (b) claim damages as provided in articles 74 to 77.

(2) The seller is not deprived of any right he may have to claim damages by exercising his right to other remedies.

(3) No period of grace may be granted to the buyer by a court or arbitral tribunal when the seller resorts to a remedy for breach of contract.

ماده ۶۱

۱. هرگاه مشتری در ایفای هر یک از تعهدات خود طبق قرارداد یا این

کنوانسیون کوتاهی ورزد، بایع می‌تواند :
الف) حقوق مقرر در مواد ۶۲ تا ۶۵ را اعمال کند؛
ب) به ترتیب مقرر در مواد ۷۴ تا ۷۷ مطالبه خسارت کند.
۲. اعمال حق یا توسل به سایر طرق جبران خسارت، فروشنده را از هیچ حقی که ممکن است جهت مطالبه خسارت داشته باشد محروم نمی‌کند.

۳. در صورتی که بایع به یکی از طرق جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد متوسل شود، دادگاه یا دیوان داوری هیچ گونه مهلت اضافی به مشتری نخواهد داد.

Article 62

The seller may require the buyer to pay the price, take delivery or perform his other obligations, unless the seller has resorted to a remedy which is inconsistent with this requirement.

ماده ۶۲

فروشنده می‌تواند از مشتری تقاضای پرداخت ثمن، قبض کالا یا ایفای دیگر تعهداتش را بنماید، مگر این که متوسل به یک طریق جبران خسارتی منافعی با این تقاضاست شده باشد .

Article 63

(1) The seller may fix an additional period of time of reasonable length for performance by the buyer of his obligations.

(2) Unless the seller has received notice from the buyer that he will not perform within the period so fixed, the seller may not, during that

period, resort to any remedy for breach of contract. However, the seller is not deprived thereby of any right he may have to claim damages for delay in performance.

ماده ۶۳

۱. بائع می‌تواند جهت ایفای تعهدات مشتری، مهلتی اضافی و معقول تعیین کند.
۲. فروشنده نمی‌تواند در اثنای مهلت اضافی فوق متوسل به هیچ‌کدام از طرق جبران خسارات برای نقض قرارداد بشود، مگر این‌که اعلانی از مشتری مبنی بر این‌که او در مهلت اضافی تعیین شده ایفا تعهد نخواهد کرد، را دریافت نموده باشد. با این وجود، بائع از هیچ‌گونه حقی که ممکن است جهت دعوی خسارت ناشی از تأخیر تادیه داشته باشد محروم نمی‌شود.

Article 64

- (1) The seller may declare the contract avoided:

(a) if the failure by the buyer to perform any of his obligations under the contract or this Convention amounts to a fundamental breach of contract; or

(b) if the buyer does not, within the additional period of time fixed by the seller in accordance with paragraph (1) of article 63, perform his obligation to pay the price or take delivery of the goods, or if he declares that he will not do so within the period so fixed.

- (2) However, in cases where the buyer has paid the price, the seller loses the right to declare

the contract avoided unless he does so:

(a) in respect of late performance by the buyer, before the seller has become aware that performance has been rendered; or

(b) in respect of any breach other than late performance by the buyer, within a reasonable time:

(i) after the seller knew or ought to have known of the breach; or

(ii) after the expiration of any additional period of time fixed by the seller in accordance with paragraph (1) of article 63, or after the buyer has declared that he will not perform his obligations within such an additional period.

ماده ۶۴

در موارد زیر بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام نماید:
الف) در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا
ب) هرگاه مشتری ظرف مهلت اضافی که طبق بند (۱) ماده ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است تعهدات خود را مبنی بر پرداخت ثمن یا قبض کالا ایفا نکند یا اعلام نماید که در ظرف مهلت مذکور به تعهداتش جامه عمل نخواهد پوشاند.

۲. معهذاً، در مواردی که مشتری ثمن را پرداخته باشد فروشنده حق اعلام اجتناب از قرارداد را از دست خواهد داد مگر این که او این کار را به طریق ذیل انجام دهد:

(الف) در صورت تاخیر در ایفا تعهد از طرف خریدار، پیش از وقوف به انجام تعهد، اعلام بطلان کند؛ یا

(ب) در صورت نقض هر یک از تعهدات، غیر از تاخیر در ایفای تعهدات، ظرف مدت متعارف به شرح زیر اعلام بطلان نماید:

- (۱) پس از این‌که نسبت به نقض، اطلاع حاصل نموده یا می‌باید اطلاع حاصل می‌کرد؛ یا
- (۲) پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق بند (۱) ماده ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است، یا پس از اعلام مشتری مبنی بر این‌که ظرف مدت مزبور، تعهدات خود را ایفا نخواهد کرد.

Article 65

(1) If under the contract the buyer is to specify the form, measurement or other features of the goods and he fails to make such specification either on the date agreed upon or within a reasonable time after receipt of a request from the seller, the seller may, without prejudice to any other rights he may have, make the specification himself in accordance with the requirements of the buyer that may be known to him.

(2) If the seller makes the specification himself, he must inform the buyer of the details thereof and must fix a reasonable time within which the buyer may make a different specification. If, after receipt of such a communication, the buyer fails to do so within the time so fixed, the specification made by the seller is binding.

ماده ۶۵

۱. چنان‌چه حسب قرارداد، تعیین شکل، اندازه یا سایر مشخصات کالا به عهده مشتری باشد و او در انجام این امر قصور ورزد، اعم

از این‌که قصور در تاریخ مورد توافق صورت گیرد یا ظرف مدت متعارفی پس از وصول تقاضای تعیین مشخصات از بایع، فروشنده می‌تواند بدون این‌که خدشه‌ای به سایر حقوقش وارد گردد، با توجه به خواسته‌های مشتری که ممکن است بر او معلوم باشد، راساً مشخصات کالاها را تعیین کند.

۲. چنان‌چه خود بایع مشخصات کالا را تعیین کند، باید جزییات آن را به آگاهی مشتری رسانده و مدت متعارفی تعیین کند تا ظرف مدت مزبور، مشتری بتواند در صورت تمایل، مشخصات متفاوتی اعلام کند. هرگاه پس از وصول چنین اعلانی، مشتری ظرف مدت مقرر، مشخصات کالا را تعیین نکند، مشخصات تعیین شده از طرف بایع، لازم‌الاتباع است.

CHAPTER IV. PASSING OF RISK فصل چهارم : انتقال ریسک

Article 66

Loss of or damage to the goods after the risk has passed to the buyer does not discharge him from his obligation to pay the price, unless the loss or damage is due to an act or omission of the seller.

ماده ۶۶

تلف یا خسارت وارده بر کالا، بعد از انتقال ضمان (ریسک) به خریدار، موجب برائت وی از ایفای تعهدش مبنی بر پرداخت ثمن نمی‌شود، مگر این‌که تلف یا خسارت مذکور ناشی از فعل یا ترک فعل

Article 67

(1) If the contract of sale involves carriage of the goods and the seller is not bound to hand them over at a particular place, the risk passes to the buyer when the goods are handed over to the first carrier for transmission to the buyer in accordance with the contract of sale. If the seller is bound to hand the goods over to a carrier at a particular place, the risk does not pass to the buyer until the goods are handed over to the carrier at that place. The fact that the seller is authorized to retain documents controlling the disposition of the goods does not affect the passage of the risk.

(2) Nevertheless, the risk does not pass to the buyer until the goods are clearly identified to the contract, whether by markings on the goods, by shipping documents, by notice given to the buyer or otherwise.

ماده ۶۷

۱. هرگاه قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد و فروشنده ملزم به تسلیم آن‌ها در محل معینی نباشد از زمانی که کالا مطابق قرارداد بیع به اولین حمل و نقل کننده جهت ارسال به مشتری تسلیم شود، ضمان به مشتری منتقل می‌گردد. هرگاه بایع ملزم به تسلیم کالا به متصدی حمل در محل معینی باشد، تا زمانی که کالا تسلیم متصدی در محل مزبور

نشده است ، ضمان به مشتری منتقل نخواهد شد. این امر که بایع مجاز باشد اسناد کالاها را نزد خود نگه دارد، اثری در انتقال ضمان نخواهد داشت.

۲. با این وصف تا زمانی که کالاهای موضوع قرارداد، خواه از طریق علامت‌گذاری روی آن‌ها، خواه به وسیله بارنامه‌ها و خواه با اخطار به مشتری یا به‌نحو دیگر، کاملاً مشخص نشده باشند، ضمان به مشتری منتقل نخواهد شد.

Article 68

The risk in respect of goods sold in transit passes to the buyer from the time of the conclusion of the contract. However, if the circumstances so indicate, the risk is assumed by the buyer from the time the goods were handed over to the carrier who issued the documents embodying the contract of carriage. Nevertheless, if at the time of the conclusion of the contract of sale the seller knew or ought to have known that the goods had been lost or damaged and did not disclose this to the buyer, the loss or damage is at the risk of the seller.

ماده ۶۸

در مورد مبیعی که در حال حمل در میانه راه (ترانزیت) فروخته می‌شود، ضمان از تاریخ انعقاد قرارداد به مشتری منتقل می‌شود. مع‌هذا اگر از اوضاع و احوال چنین برآید، از تاریخ تسلیم کالا به موسسه حمل‌ونقلی که اسناد مربوط به قرارداد حمل را صادر می‌کند، ضمان بر ذمه مشتری مستقر خواهد شد. با این وصف، چنانچه بایع در زمان انعقاد قرارداد نسبت به تلف کالا یا زیان دیدن آن اطلاع داشته یا باید اطلاع می‌داشت و این امر را به آگاهی مشتری نرسانده

باشد، ضامن تلف یا زیان خواهد بود.

Article 69

(1) In cases not within articles 67 and 68, the risk passes to the buyer when he takes over the goods or, if he does not do so in due time, from the time when the goods are placed at his disposal and he commits a breach of contract by failing to take delivery.

(2) However, if the buyer is bound to take over the goods at a place other than a place of business of the seller, the risk passes when delivery is due and the buyer is aware of the fact that the goods are placed at his disposal at that place.

(3) If the contract relates to goods not then identified, the goods are considered not to be placed at the disposal of the buyer until they are clearly identified to the contract.

ماده ۶۹

۱. در غیر از موارد مندرج در اصول ۶۷ و ۶۸، از تاریخی که مشتری کالا را قبض می‌کند، یا چنانچه در موعد مقرر اقدام به قبض ننماید، از تاریخی که کالا در اختیار وی قرار داده شده است و به لحاظ قصور در قبض، مرتکب نقض قرارداد می‌گردد، ضامن به ذمه او منتقل می‌شود.

۲. چنانچه مشتری ملزم به قبض کالا در محلی غیر از محل تجارت

بایع باشد، با فرارسیدن موعد تسلیم و اطلاع مشتری از این که کالا در محل مزبور در اختیار او قرار داده شده است، ضمان به وی منتقل می شود.

۳. چنانچه قرارداد راجع به کالایی باشد که در زمان انعقاد قرارداد مشخص نگردیده است، تا زمانی که مشخص نشده که کالای تحویلی مربوط به قرارداد بوده، فرض بر این است که آن کالا در اختیار مشتری قرار نگرفته است.

Article 70

If the seller has committed a fundamental breach of contract, articles 67,68 and 69 do not impair the remedies available to the buyer on account of the breach.

ماده ۷۰

چنانچه فروشنده مرتکب نقض اساسی قرارداد شده باشد، مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ مانع از توسل مشتری به طرق جبران خسارت ناشی از نقض که در دسترس اوست، نخواهد شد.

CHAPTER V. PROVISIONS COMMON TO THE OBLIGATIONS OF THE SELLER AND OF THE BUYER

فصل پنجم: تعهدات مشترک بایع و مشتری

Section I. Anticipatory breach and instalment contracts

مبحث اول: نقض احتمالی و قراردادهای اقساطی

Article 71

(1) A party may suspend the performance of his obligations if, after the conclusion of the contract, it becomes apparent that the other party will not perform a substantial part of his obligations as a result of:

(a) a serious deficiency in his ability to perform or in his credit-worthiness; or

(b) his conduct in preparing to perform or in performing the contract.

(2) If the seller has already dispatched the goods before the grounds described in the preceding paragraph become evident, he may prevent the handing over of the goods to the buyer even though the buyer holds a document which entitles him to obtain them. The present paragraph relates only to the rights in the goods as between the buyer and the seller.

(3) A party suspending performance, whether before or after dispatch of the goods, must immediately give notice of the suspension to the other party and must continue with performance if the other party provides adequate assurance of his performance.

ماده ۷۱

۱. چنانچه پس از انعقاد قرارداد آشکار شود که یکی از طرفین به شکل زیر، بخش اساسی تعهدات خود را ایفا نخواهد نمود، طرف دیگر حق خواهد داشت اجرای تعهدات خود را معلق کند:

الف) نقصان فاحش در توانایی یا اعتبار مالی متعهد برای انجام قرارداد؛ یا
ب) نحوه رفتار او در تمهید مقدمه اجرای قرارداد یا اجرای اصل قرارداد.
۲. اگر فروشنده پیش از ظهور جهات موصوف در بند پیشین، کالا را ارسال کرده باشد، می‌تواند از تسلیم آن به مشتری جلوگیری کند، حتی اگر مشتری دارای سندی باشد که او را محق به وضع ید بر کالا می‌کند.
۳. طرفی که اجرای تعهد را، خواه قبل از ارسال کالا یا بعد از آن، معلق می‌نماید موظف است فوراً اخطار تعلیق را به طرف دیگر ارسال کند و چنانچه طرف دیگر در زمینه ایفای تعهد خود اطمینان کافی فراهم نماید، اجرای تعهد خود را از سر می‌گیرد.

Article 72

(1) If prior to the date for performance of the contract it is clear that one of the parties will commit a fundamental breach of contract, the other party may declare the contract avoided.

(2) If time allows, the party intending to declare the contract avoided must give reasonable notice to the other party in order to permit him to provide adequate assurance of his performance.

(3) The requirements of the preceding paragraph do not apply if the other party has declared that he will not perform his obligations.

۱. اگر قبل از تاریخ اجرای قرارداد معلوم شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد طرف دیگر می‌تواند قرارداد را باطل نماید.
۲. طرفی که قصد اعلام بطلان را دارد، چنانچه فرصت اقتضا کند، مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر بدهد تا برای او این امکان که اطمینان کافی جهت ایفای تعهدش بدهد، فراهم شود.
۳. چنانچه طرف دیگر اعلام کرده باشد که تعهدات خود را اجرا نخواهد کرد، الزامات مذکور در بند پیشین منتفی خواهند بود.

Article 73

(1) In the case of a contract for delivery of goods by instalments, if the failure of one party to perform any of his obligations in respect of any instalment constitutes a fundamental breach of contract with respect to that instalment, the other party may declare the contract avoided with respect to that instalment.

(2) If one party's failure to perform any of his obligations in respect of any instalment gives the other party good grounds to conclude that a fundamental breach of contract will occur with respect to future instalments, he may declare the contract avoided for the future, provided that he does so within a reasonable time.

(3) A buyer who declares the contract avoided in respect of any delivery may, at the same time, declare it avoided in respect of deliveries already made or of future deliveries if, by reason of their interdependence, those deliveries could not be used for the purpose

contemplated by the parties at the time of the conclusion of the contract.

ماده ۷۳

۱. در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط، چنانچه قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، طرف دیگر در همین رابطه اختیار اعلام بطلان دارد.

۲. چنانچه قصور یکی از طرفین در اجرای تعهدات نسبت به هر یک از اقساط، دلایل قانع کننده ای در اختیار طرف دیگر قرار دهد که نسبت به اقساط آتی نیز نقض اساسی قرارداد صورت خواهد گرفت، طرف اخیر حق دارد قرارداد را نسبت به آینده باطل اعلام نماید، مشروط بر این که ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری کند.

۳. در موردی که مشتری در رابطه با هر یک از دفعات تسلیم، اعلام بطلان می کند، می تواند همزمان با چنین اعلامی، نسبت به فقرات انجام قبلی یا آتی نیز اعلام بطلان نماید، مشروط بر این که به علت وابستگی متقابل کالا، نتوان از آنچه تسلیم شده یا می شود در مقاصد مورد نظر طرفین هنگام انعقاد قرارداد، استفاده کرد.

Section II. Damages

مبحث دوم: خسارات

Article 74

Damages for breach of contract by one party consist of a sum equal to the loss, including loss of profit, suffered by the other party as a consequence of the breach. Such damages may not exceed the loss which the party in breach

foresaw or ought to have foreseen at the time of the conclusion of the contract, in the light of the facts and matters of which he then knew or ought to have known, as a possible consequence of the breach of contract.

ماده ۷۴

خسارات ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی، که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. چنین خساراتی نمی‌تواند از مقدار زیانی که نقض‌کننده، در زمان انعقاد قرارداد و در پرتو حقایق و موضوعاتی که در همان موقع بدان واقف بوده یا می‌باید واقف می‌بوده، به عنوان اثر ممکن‌الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده و یا می‌باید پیش‌بینی می‌کرده است، تجاوز کند.

Article 75

If the contract is avoided and if, in a reasonable manner and within a reasonable time after avoidance, the buyer has bought goods in replacement or the seller has resold the goods, the party claiming damages may recover the difference between the contract price and the price in the substituted transaction as well as any further damages recoverable under article 74.

ماده ۷۵

هرگاه قرارداد فسخ شده باشد و مشتری پس از فسخ آن به شیوه متعارف و در ظرف مدت معقوله کالای دیگری به جای مبیع خریدده، یا فروشنده مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت ثمن مذکور در قرارداد با ثمن معامله جانشین و همچنین هر نوع

خسارتی که به موجب ماده پیشین، قابل وصول باشد، مطالبه نماید.

Article 76

(1) If the contract is avoided and there is a current price for the goods, the party claiming damages may, if he has not made a purchase or resale under article 75, recover the difference between the price fixed by the contract and the current price at the time of avoidance as well as any further damages recoverable under article 74. If, however, the party claiming damages has avoided the contract after taking over the goods, the current price at the time of such taking over shall be applied instead of the current price at the time of avoidance.

(2) For the purposes of the preceding paragraph, the current price is the price prevailing at the place where delivery of the goods should have been made or, if there is no current price at that place, the price at such other place as serves as a reasonable substitute, making due allowance for differences in the cost of transporting the goods.

ماده ۷۶

۱. در صورتی که قرارداد فسخ شده و برای کالا ثمن رایجی موجود باشد طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند در صورتی که به موجب ماده ۷۵ به خرید و فروش مجدد

مبادرت ننموده باشد ، تفاوت بین قیمت تعیین شده در قرارداد و قیمت رایج در زمان بطلان و همچنین سایر خسارات قابل وصول طبق ماده ۷۴ را مطالبه کند. با این وجود، اگر طرفی که مدعی خسارت است پس از قبض کالا مبادرت به ابطال قرارداد کند ثمن رایج در زمان قبض به جای ثمن رایج در زمان فسخ ملاک عمل خواهد بود.

۲. از نظر بند پیشین، قیمت رایج عبارت است از قیمت متداول در محلی که کالا می‌باید در آنجا تسلیم می‌شد ، یا چنانچه در آن محل قیمت رایجی نبود، با احتساب هزینه‌های حمل، قیمت رایج در محل دیگری که عرفاً جایگزین محل مزبور باشد.

Article 77

A party who relies on a breach of contract must take such measures as are reasonable in the circumstances to mitigate the loss, including loss of profit, resulting from the breach. If he fails to take such measures, the party in breach may claim a reduction in the damages in the amount by which the loss should have been mitigated.

ماده ۷۷

طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند مکلف است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان اقدامات متعارفی برای مقابله خسارت، از جمله عدم‌النفع، ناشی از نقض قرارداد معمول دارد. در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق‌الذکر قصور نماید، نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت قابل‌تقلیل بوده، مدعی کاهش خسارت گردد.

Section III. Interest

مبحث سوم: بهره

Article 78

If a party fails to pay the price or any other sum that is in arrears, the other party is entitled to interest on it, without prejudice to any claim for damages recoverable under article 74.

ماده ۷۸

هرگاه یکی از طرفین موفق به پرداخت ثمن یا یکی از وجوه معوقه نگردد طرف دیگر استحقاق دریافت بهره آن را دارد بدون این که به حق وی در ادعای خسارت موضوع ماده ۷۴ خللی وارد آید.

Section IV. Exemptions

مبحث چهارم: موارد رفع مسئولیت

Article 79

(1) A party is not liable for a failure to perform any of his obligations if he proves that the failure was due to an impediment beyond his control and that he could not reasonably be expected to have taken the impediment into account at the time of the conclusion of the contract or to have avoided or overcome it, or its consequences.

(2) If the party's failure is due to the failure by a third person whom he has engaged to perform the whole or a part of the contract, that party is exempt from liability only if:

(a) he is exempt under the preceding paragraph; and

(b) the person whom he has so engaged would be so exempt if the provisions of that paragraph were applied to him.

(3) The exemption provided by this article has effect for the period during which the impediment exists.

(4) The party who fails to perform must give notice to the other party of the impediment and its effect on his ability to perform. If the notice is not received by the other party within a reasonable time after the party who fails to perform knew or ought to have known of the impediment, he is liable for damages resulting from such non-receipt.

(5) Nothing in this article prevents either party from exercising any right other than to claim damages under this Convention.

(۶) ماده ۷۹

(۷) ۱. طرفی که هریک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت کند که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد، آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آن و آثارش اجتناب نموده، یا آن‌ها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود. ۲. اگر قصور طرف ناشی از قصور ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد او را به کار گرفته است طرف مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که : الف) به‌موجب بند پیشین از مسئولیت معاف باشد؛ و ب) متصدی انجام تعهد از جانب او نیز، در صورت اعمال

مقررات بند پیشین بر او، از مسئولیت مبری باشد.
۳. معافیت مقرر در این ماده ظرف مدتی که حادثه جریان دارد،
واجد اثر خواهد بود.
۴. طرفی که در اجرای تعهد خود قصور می‌ورزد، مکلف است
طی خطاری وقوع حادثه و آثار آن را بر توانایی خود در اجرای
قرارداد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه خطار وی ظرف
مدت متعارفی پس از این‌که به حادثه وقوف یافته یا باید وقوع
می‌یافته است، به طرف دیگر واصل نشود، طرف قاصر مسئول
خسارت ناشی از عدم حصول خواهد بود.
۵. هیچ یک از مندرجات این ماده مانع طرفین از اعمال هر نوع
حق، غیر از مطالبه خسارات موضوع این کنوانسیون، نخواهد
بود.

Article 80

A party may not rely on a failure of the other party to perform, to the extent that such failure was caused by the first party's act or omission.

ماده ۸۰

هیچ یک از طرفین نمی‌تواند تا جایی که قصور طرف دیگر ناشی از فعل یا ترک فعل خود او باشد، به قصور طرف دیگر استناد کند.

Section V. Effects of avoidance

مبحث پنجم: آثار ابطال

Article 81

(1) Avoidance of the contract releases both parties from their obligations under it, subject to any damages which may be due. Avoidance does not affect any provision of the contract for the settlement of disputes or any other provision of the contract governing the rights and obligations of the parties consequent upon the avoidance of the contract.

(2) A party who has performed the contract either wholly or in part may claim restitution from the other party of whatever the first party has supplied or paid under the contract. If both parties are bound to make restitution, they must do so concurrently.

ماده ۸۱

۱. بطلان قرارداد، طرفین را از انجام تعهدات موضوع قرارداد، به شرط تادیه هر نوع خسارت قابل مطالبه، مبری می‌کند. بطلان، تاثیری در شرایط قرارداد در مورد حل اختلافات یا بر سایر شرایط قرارداد که حاکم بر حقوق و تکالیف طرفین پس از بطلان است، نخواهد داشت.

۲. طرفی که تمام یا قسمتی از قرارداد را اجرا کرده است، می‌تواند از طرف دیگر اعاده آنچه را که به موجب قرارداد، تحویل یا تادیه نموده، طلب کند. چنانچه هر دو طرف ملزم به اعاده باشند، باید همزمان اقدام نمایند.

Article 82

(1) The buyer loses the right to declare the contract avoided or to require the seller to deliver substitute goods if it is impossible for him to make restitution of the goods substantially in the condition in which he received them.

(2) The preceding paragraph does not apply:

(a) if the impossibility of making restitution of the goods or of making restitution of the goods substantially in the condition in which the buyer received them is not due to his act or omission;

(b) if the goods or part of the goods have perished or deteriorated as a result of the examination provided for in article 38; or

(c) if the goods or part of the goods have been sold in the normal course of business or have been consumed or transformed by the buyer in the course of normal use before he discovered or ought to have discovered the lack of conformity.

ماده ۸۲

۱. اگر برای مشتری استرداد کالا عمدتاً به همان وضعیتی که آن‌ها را دریافت کرده، مقدور نباشد، حق اعلام بطلان قرارداد یا الزام بائع به تسلیم بدل کالا را از دست خواهد داد.
۲. بند پیشین شامل موارد زیر نخواهد بود:
 - الف) چنانچه عدم امکان اعاده کالا، یا عدم امکان اعاده آن عمدتاً با همان وضعیتی که مشتری آن‌ها را دریافت کرده، ناشی از فعل یا ترک فعل وی نباشد؛

ب) چنانچه تمام یا بخشی از کالا بر اثر بازرسی موضوع ماده ۳۸ از بین رفته یا در معرض نابودی قرار گرفته باشد؛ یا

ج) چنانچه تمام یا بخشی از کالا، پیش از این که مشتری عدم انطباق آن را کشف نماید یا باید کشف می نمود، در جریان عادی کسب توسط وی فروخته یا مصرف شده یا تغییر شکل یافته باشد .

Article 83

A buyer who has lost the right to declare the contract avoided or to require the seller to deliver substitute goods in accordance with article 82 retains all other remedies under the contract and this Convention.

ماده ۸۳

خریداری که مطابق ماده ۸۲ حق اعلام فسخ قرارداد یا مطالبه بدل کالا از فروشنده را از دست می دهد سایر طرق جبران خسارت مذکور در قرارداد و این کنوانسیون را برای خود محفوظ می دارد .

Article 84

(1) If the seller is bound to refund the price, he must also pay interest on it, from the date on which the price was paid.

(2) The buyer must account to the seller for all benefits which he has derived from the goods or part of them:

(a) if he must make restitution of the goods

or part of them; or

(b) if it is impossible for him to make restitution of all or part of the goods or to make restitution of all or part of the goods substantially in the condition in which he received them, but he has nevertheless declared the contract avoided or required the seller to deliver substitute goods.

ماده ۸۴

۱. چنانچه بائع ملزم به رد ثمن باشد، مکلف است بهره آن را از تاریخ تأدیه ثمن بپردازد.
۲. در موارد زیر مشتری مکلف است منافع حاصله از تمام یا قسمتی از کالا را تحویل بائع نماید:
 - الف) مکلف به اعاده تمام یا قسمتی از کالا باشد؛ یا
 - ب) چنانچه اعاده تمام یا قسمتی از کالا، عمدتاً یا همان وضعیتی که آن‌ها را دریافت کرده، برای وی مقدور نباشد، ولی با این وصف، اعلام بطلان کرده یا از بائع مطالبه بدل نموده باشد.

Section VI. Preservation of the goods

مبحث ششم: حفظ و نگهداری کالا

Article 85

If the buyer is in delay in taking delivery of the goods or, where payment of the price and delivery of the goods are to be made concurrently, if he fails to pay the price, and

the seller is either in possession of the goods or otherwise able to control their disposition, the seller must take such steps as are reasonable in the circumstances to preserve them. He is entitled to retain them until he has been reimbursed his reasonable expenses by the buyer.

ماده ۸۵

هرگاه مشتری نسبت به قبض کالا تاخیر نماید یا در موردی که تادیه ثمن و تحویل کالا می باید به صورت همزمان باشد، مشتری در تادیه ثمن قصور ورزد و کالا در ید بایع بوده و یا به نحو دیگری بر کالا استیلا داشته باشد، بایع مکلف است، حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که مشتری هزینه های متعارف انجام شده را تادیه ننماید، بایع حق دارد کالا را حبس کند.

Article 86

(1) If the buyer has received the goods and intends to exercise any right under the contract or this Convention to reject them, he must take such steps to preserve them as are reasonable in the circumstances. He is entitled to retain them until he has been reimbursed his reasonable expenses by the seller.

(2) If goods dispatched to the buyer have been placed at his disposal at their destination and he exercises the right to reject them, he must take

possession of them on behalf of the seller, provided that this can be done without payment of the price and without unreasonable inconvenience or unreasonable expense. This provision does not apply if the seller or a person authorized to take charge of the goods on his behalf is present at the destination. If the buyer takes possession of the goods under this paragraph, his rights and obligations are governed by the preceding paragraph.

ماده ۸۶

۱. چنانچه مشتری کالا را دریافت کرده و قصد اعمال هر یک از حقوق خود را در چهارچوب قرارداد و این کنوانسیون دایر بر رد آن داشته باشد، مکلف است حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد. تا زمانی که بایع هزینه‌های انجام شده را تادیه ننماید، مشتری حق دارد کالا را حبس کند.

۲. چنانچه کالای ارسال شده برای مشتری در مقصد مورد نظر در اختیار وی قرار داده شود و او از حق رد استفاده کند، مکلف است به نیابت از بایع، کالا را تصرف کند، مشروط بر آنکه انجام این کار بدون پرداخت ثمن و بدون زحمت غیر متعارف یا مخارج نامعقول انجام شود. چنانچه بایع یا شخص مأذونی که بتواند به نیابت از او حفظ کالا را تقبل نماید در مقصد حاضر باشد، شرط مذکور اعمال نخواهد شد. هرگاه مشتری در چهارچوب این بند، کالا را در تصرف نگاه دارد، حقوق و تعهدات او مشمول بند پیشین خواهد بود.

Article 87

A party who is bound to take steps to preserve the goods may deposit them in a warehouse of a third person at the expense of the other party

provided that the expense incurred is not unreasonable.

ماده ۸۷

طرفی که مکلف به انجام اقداماتی برای محافظت از کالا است می‌تواند آن را به هزینه طرف دیگر به انبار شخص ثالث بسپارد مشروط بر این‌که هزینه‌های مربوطه غیرمتعارف نباشد .

Article 88

(1) A party who is bound to preserve the goods in accordance with article 85 or 86 may sell them by any appropriate means if there has been an unreasonable delay by the other party in taking possession of the goods or in taking them back or in paying the price or the cost of preservation, provided that reasonable notice of the intention to sell has been given to the other party.

(2) If the goods are subject to rapid deterioration or their preservation would involve unreasonable expense, a party who is bound to preserve the goods in accordance with article 85 or 86 must take reasonable measures to sell them. To the extent possible he must give notice to the other party of his intention to sell.

(3) A party selling the goods has the right to retain out of the proceeds of sale an amount equal to the reasonable expenses of preserving the

goods and of selling them. He must account to the other party for the balance.

ماده ۸۸

۱. چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا بازپس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه‌های حفظ کالا به‌نحو غیرمتعارف تاخیر ورزد، طرفی که طبق مواد ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است، می‌تواند آن را به طرق مقتضی بفروشد، مشروط بر این که اخطار متعارفی مبنی بر قصد فروش، برای طرف دیگر ارسال کرده باشد.
۲. اگر کالا در معرض فساد سریع بوده یا نگهداری آن مستلزم هزینه غیر متعارف باشد، طرفی که مطابق مواد ۸۵ یا ۸۶ مکلف به حفظ آن است باید اقدامات متعارف جهت فروش آن معمول دارد. مشارالیه باید حتی‌الامکان اخطاری مبنی بر قصد خویش برای فروش کالا به طرف دیگر بدهد.
۳. طرفی که اقدام به فروش کالا می‌نماید حق دارد از عواید فروش، مبلغی معادل مخارج فروش و هزینه‌های متعارف نگهداری کالا برای خویش منظور دارد. مشارالیه باید حساب باقی مانده را به طرف دیگر پس دهد.

PART IV. FINAL PROVISIONS

بخش چهارم: مقررات نهایی

Article 89

The Secretary-General of the United Nations is hereby designated as the depositary for this Convention.

ماده ۸۹

بدین وسیله دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان امین [اسناد] این

کنوانسیون منصوب می‌شود .

Article 90

This Convention does not prevail over any international agreement which has already been or may be entered into and which contains provisions concerning the matters governed by this Convention, provided that the parties have their places of business in States parties to such agreement.

ماده ۹۰

این کنوانسیون بر هیچ‌کدام از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی دیگر که قبلاً منعقد شده یا ممکن است منعقد گردند، و متضمن مقرراتی راجع به موضوعات مشمول این کنوانسیون باشند، حاکمیت نخواهد داشت، مشروط بر این‌که محل تجارت طرفین در کشورهای عضو چنان موافقت‌نامه‌ای واقع شده باشد .

Article 91

(1) This Convention is open for signature at the concluding meeting of the United Nations Conference on Contracts for the International Sale of Goods and will remain open for signature by all States at the Headquarters of the United Nations, New York until 30 September 1981.

(2) This Convention is subject to ratification, acceptance or approval by the

signatory States.

(3) This Convention is open for accession by all States which are not signatory States as from the date it is open for signature.

(4) Instruments of ratification, acceptance, approval and accession are to be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

ماده ۹۱

۱. این کنوانسیون در جلسه پایانی کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا جهت امضاء مفتوح است و تا سی‌ام سپتامبر ۱۹۸۱ جهت امضای کلیه کشورها در مقر سازمان ملل متحد، واقع در نیویورک، مفتوح باقی خواهد ماند.

۲. این کنوانسیون موکول به تصویب، قبول یا تأیید کشورهای امضا کننده خواهد بود.

۳. این کنوانسیون، از تاریخی که برای امضاء مفتوح می‌شود جهت الحاق همه کشورهایایی که جزو کشورهای امضاکننده نیستند مفتوح خواهد بود.

۴. اسناد تصویب، قبول، تأیید و الحاق باید به دبیر کل سازمان ملل سپرده شوند.

Article 92

(1) A Contracting State may declare at the time of signature, ratification, acceptance, approval or accession that it will not be bound by Part II of this Convention or that it will not be bound by Part III of this Convention.

(2) A Contracting State which makes a declaration in accordance with the preceding paragraph in respect of Part II or Part III of this Convention is not to be considered a Contracting State within paragraph (1) of article 1 of this Convention in respect of matters governed by the Part to which the declaration applies.

ماده ۹۲

۱. هر یک از کشورهای متعاقد می‌تواند در زمان امضا، تصویب، قبول، تایید، یا الحاق اعلام نمایند که ملزم به رعایت فصل دوم یا فصل سوم این کنوانسیون نخواهد بود.

۲. هر یک از کشورهای متعاقد که مطابق بند پیشین، نسبت به فصل دوم یا سوم این کنوانسیون مبادرت به صدور اعلامیه نماید، نسبت به موضوعات فصلی که مشمول اعلامیه است، کشور متعاقد طبق بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون، محسوب نخواهد شد.

Article 93

(1) If a Contracting State has two or more territorial units in which, according to its constitution, different systems of law are applicable in relation to the matters dealt with in this Convention, it may, at the time of signature, ratification, acceptance, approval or accession, declare that this Convention is to extend to all its territorial units or only to one or more of them, and may amend its declaration by submitting another declaration at any time.

(2) These declarations are to be notified to the depositary and are to state expressly the

territorial units to which the Convention extends.

(3) If, by virtue of a declaration under this article, this Convention extends to one or more but not all of the territorial units of a Contracting State, and if the place of business of a party is located in that State, this place of business, for the purposes of this Convention, is considered not to be in a Contracting State, unless it is in a territorial unit to which the Convention extends.

(4) If a Contracting State makes no declaration under paragraph (1) of this article, the Convention is to extend to all territorial units of that State.

ماده ۹۳

۱. هرگاه یکی از کشورهای متعاقد شامل دو یا چند واحد ارضی باشد که طبق قانون اساسی آن کشور نظام‌های حقوقی مختلفی در رابطه با موضوعات مطروحه در این کنوانسیون بر آن‌ها حاکم است، آن کشور می‌تواند در زمان امضاء، تصویب، قبول، تایید یا الحاق اعلام نماید که این کنوانسیون بر تمام واحدهای ارضی خود یا تنها بر یک یا بیشتر تسری دارد و نیز می‌تواند، هر زمان با تقدیم اعلامیه دیگری، اعلامیه قبلی خود را اصلاح نماید.
۲. اعلامیه‌های مذکور باید به استحضار امین کنوانسیون برسند و باید در آن‌ها، واحدهای ارضی مشمول این کنوانسیون، صریحا تعیین گردند.
۳. چنانچه این کنوانسیون به موجب اعلامیه مندرج در این ماده نسبت به یک یا چند واحد ارضی کشور متعاقد، و نه همه واحدهای آن، تسری یابد، اگر محل تجارت یکی از طرفین در کشور مزبور واقع باشد، از

نظر این کنوانسیون چنین تلقی خواهد شد که محل تجارت مذکور در یک کشور متعاهد واقع نیست مگر آن که آن محل تجارت در یکی از واحدهای ارضی مشمول مقررات این کنوانسیون واقع شده باشد. ۴. چنانچه یکی از کشورهای متعاهد مبادرت به صدور اعلامیه موضوع بند ۱ این ماده ننماید، مقررات این کنوانسیون به تمام واحدهای ارضی آن کشور تسری داده خواهد شد.

Article 94

(1) Two or more Contracting States which have the same or closely related legal rules on matters governed by this Convention may at any time declare that the Convention is not to apply to contracts of sale or to their formation where the parties have their places of business in those States. Such declarations may be made jointly or by reciprocal unilateral declarations.

(2) A Contracting State which has the same or closely related legal rules on matters governed by this Convention as one or more non-Contracting States may at any time declare that the Convention is not to apply to contracts of sale or to their formation where the parties have their places of business in those States.

(3) If a State which is the object of a declaration under the preceding paragraph subsequently becomes a Contracting State, the declaration made will, as from the date on which the Convention enters into force in respect of the new Contracting State, have the effect of a

declaration made under paragraph (1), provided that the new Contracting State joins in such declaration or makes a reciprocal unilateral declaration.

۹۴

ماده

۱. دو یا چند کشور متعاهد که در رابطه با موضوعات تحت حاکمیت این کنوانسیون دارای قواعد حقوقی یکسان یا کاملاً مشابهی هستند هر زمان می‌توانند اعلام کنند که قراردادها را بیع یا انتقاد آن‌ها بین طرفینی که در آن کشورها دارای محل تجارتند، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود. اعلامیه‌های مزبور ممکن است مشترکاً یا به صورت اعلامیه یک طرف متقابل صادر شوند.

۲. یک کشور متعاهد که در خصوص موضوعات تحت حاکمیت این کنوانسیون دارای قواعد حقوقی یکسان یا کاملاً مشابهی با یک یا چند کشور غیر متعاهد است، هر زمان می‌تواند اعلام کند که قراردادها را بیع یا انعقاد آن‌ها بین طرف‌هایی که در آن کشورها دارای محل تجارت هستند، مشمول مقررات این کنوانسیون نخواهد بود.

۳. هرگاه کشوری که موضوع اعلامیه مذکور در بند پیشین است، بعداً در زمره کشورهای متعاهد درآید، از تاریخی که کنوانسیون نسبت به کشور متعاهد جدید لازم‌الاجرا می‌گردد، اعلامیه صادره آثار اعلامیه‌ای را که طبق بند ۱ صادر شده است، خواهد داشت، مشروط بر این‌که کشور متعاهد جدید به اعلامیه مزبور بپیوندد یا اعلامیه یک طرفه متقابلی صادر نماید .

Article 95

Any State may declare at the time of the deposit of its instrument of ratification, acceptance, approval or accession that it will not be bound by subparagraph (1)(b) of article 1 of this Convention.

ماده ۹۵

هر کشور می‌تواند در زمان تودیع سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق خود اعلام نماید که ملزم به رعایت قسمت (ب) ماده ۱ این کنوانسیون نخواهد بود .

Article 96

A Contracting State whose legislation requires contracts of sale to be concluded in or evidenced by writing may at any time make a declaration in accordance with article 12 that any provision of article 11, article 29, or Part II of this Convention, that allows a contract of sale or its modification or termination by agreement or any offer, acceptance, or other indication of intention to be made in any form other than in writing, does not apply where any party has his place of business in that State.

ماده ۹۶

هر یک از کشورهای متعاقد که قوانین داخلی آن انعقاد کتبی قراردادهای بیع یا مستند نمودن آنها را به صورت کتبی لازم بداند، می‌تواند هر زمان طبق ماده ۱۲ اعلامیه‌ای صادر نماید مبنی بر این که هر یک از مقررات ماده ۱۱، ماده ۲۹ یا قسمت دوم کنوانسیون که انعقاد قرارداد بیع یا اصلاح یا اقاله آن یا هر نوع ایجاب و قبول یا سایر انواع اعلام اراده را به هر شکل غیر کتبی اجازه می‌دهد، شامل طرفی که در کشور مزبور محل تجارت دارد، نخواهد شد .

Article 97

(1) Declarations made under this Convention at the time of signature are subject to confirmation upon ratification, acceptance or approval.

(2) Declarations and confirmations of declarations are to be in writing and be formally notified to the depositary.

(3) A declaration takes effect simultaneously with the entry into force of this Convention in respect of the State concerned. However, a declaration of which the depositary receives formal notification after such entry into force takes effect on the first day of the month following the expiration of six months after the date of its receipt by the depositary. Reciprocal unilateral declarations under article 94 take effect on the first day of the month following the expiration of six months after the receipt of the latest declaration by the depositary.

(4) Any State which makes a declaration under this Convention may withdraw it at any time by a formal notification in writing addressed to the depositary. Such withdrawal is to take effect on the first day of the month following the expiration of six months after the date of the receipt of the notification by the depositary.

(5) A withdrawal of a declaration made under article 94 renders inoperative, as from the

date on which the withdrawal takes effect, any reciprocal declaration made by another State under that article.

ماده ۹۷

۱. اعلامیه‌هایی که طبق مقررات این کنوانسیون در زمان امضا صادر می‌شوند، موکول به تایید بعدی در هنگام تصویب، قبول یا تایید کنوانسیون هستند.
۲. اعلامیه‌ها و تاییدیه‌های آن‌ها باید به صورت کتبی بوده و رسماً به آگاهی امین کنوانسیون رسیده باشند.
۳. هر اعلامیه هم‌زمان با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشور مربوط، نافذ می‌گردد. معهذا، اعلامیه‌ای که پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون رسماً به آگاهی امین کنوانسیون می‌رسد، از شروع اولین روز از ماهی که پس از انقضای شش ماه از تاریخ دریافت اعلامیه توسط امین، نافذ می‌شود. اعلامیه‌های یک‌طرفه متقابل موضوع ماده ۹۴ از شروع اولین روز از ماهی که پس از انقضای شش ماه از تاریخ دریافت آخرین اطلاعیه توسط امین آغاز می‌شود، نافذ خواهند شد.
۴. هر یک از کشورها که مطابق مقررات این کنوانسیون، مبادرت به صدور اعلامیه نماید هر زمان که بخواهد می‌تواند به‌وسیله اعلام رسمی مکتوبی خطاب به امین، اعلامیه مزبور را مسترد کند. تاریخ نفوذ چنین استردادی اولین روز از ماهی است که پس از انقضای شش ماه از تاریخ دریافت اعلامیه توسط امین آغاز می‌گردد.
۵. استرداد اعلامیه صادره طبق ماده ۹۴ از تاریخی که نافذ می‌شود، هر نوع اعلامیه متقابلی را که کشور دیگری طبق ماده مذکور صادر نموده است، بلااثر خواهد کرد.

No reservations are permitted except those expressly authorized in this Convention.

ماده ۹۸

هیچ‌گونه قید و شرط، جز آن‌هایی که صریحا در این کنوانسیون مجاز شناخته شده‌اند، پذیرفته نخواهد شد.

Article 99

(1) This Convention enters into force, subject to the provisions of paragraph (6) of this article, on the first day of the month following the expiration of twelve months after the date of deposit of the tenth instrument of ratification, acceptance, approval or accession, including an instrument which contains a declaration made under article 92.

(2) When a State ratifies, accepts, approves or accedes to this Convention after the deposit of the tenth instrument of ratification, acceptance, approval or accession, this Convention, with the exception of the Part excluded, enters into force in respect of that State, subject to the provisions of paragraph (6) of this article, on the first day of the month following the expiration of twelve months after the date of the deposit of its instrument of ratification, acceptance, approval or accession.

(3) A State which ratifies, accepts, approves or accedes to this Convention and is a party to either or both the Convention relating to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods done at The Hague on 1 July 1964 (1964 Hague Formation Convention) and the Convention relating to a Uniform Law on the International Sale of Goods done at The Hague on 1 July 1964 (1964 Hague Sales Convention) shall at the same time denounce, as the case may be, either or both the 1964 Hague Sales Convention and the 1964 Hague Formation Convention by notifying the Government of the Netherlands to that effect.

(4) A State party to the 1964 Hague Sales Convention which ratifies, accepts, approves or accedes to the present Convention and declares or has declared under article 92 that it will not be bound by Part II of this Convention shall at the time of ratification, acceptance, approval or accession denounce the 1964 Hague Sales Convention by notifying the Government of the Netherlands to that effect.

(5) A State party to the 1964 Hague Formation Convention which ratifies, accepts, approves or accedes to the present Convention and declares or has declared under article 92 that it will not be bound by Part III of this Convention shall at the time of ratification, acceptance,

approval or accession denounce the 1964 Hague Formation Convention by notifying the Government of the Netherlands to that effect.

For the purpose of this article, ratifications, acceptances, approvals and accessions in respect of this Convention by States parties to the 1964 Hague Formation Convention or to the 1964 Hague Sales Convention shall not be effective until such denunciations as may be required on the part of those States in respect of the latter two Conventions have themselves become effective. The depositary of this Convention shall consult with the Government of the Netherlands, as the depositary of the 1964 Conventions, so as to ensure necessary coordination in this respect.

ماده ۹۹

۱. با رعایت مقررات بند ۶ این ماده، کنوانسیون حاضر در اولین روز از ماهی که بعد از انقضای دوازده ماه از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تایید یا الحاق، از جمله اسناد حاوی اعلامیه صادره حسب ماده ۹۲، آغاز می‌گردد، لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲. هنگامی که یک کشور پس از سپردن دهمین سند تصویب، قبول، تایید یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تایید می‌نماید، یا بدان ملحق می‌شود، تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حاضر، به جز فصلی که مستثنی شده است، در ارتباط با آن کشور، با رعایت مقررات بند ۶ این ماده، اولین روز از ماهی خواهد بود که بعد از انقضای دوازده ماه از زمان تودیع اسناد تصویب، قبول، تایید یا الحاق آن کشور، شروع می‌شود.

۳. کشوری که این کنوانسیون را تصویب، قبول یا تایید می‌نماید، یا بدان ملحق می‌شود و ضمناً عضو «کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قرارداد بیع بین المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ لاهه» (کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه ۱۹۶۴) و یا «کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل ناظر بر بیع بین المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ لاهه» (کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴) و یا عضو هر دو آن‌ها باشد باید هم‌زمان با تصویب یا قبول یا تایید این کنوانسیون، برحسب مورد، یک یا هر دو کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴ و کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه ۱۹۶۴ را ضمن اطلاع به دولت هلند، رد نماید.

۴. هر کشور عضو کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تایید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده ۹۲ اعلام می‌کند یا اعلام نموده که ملزم به رعایت «فصل دوم» این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تایید یا الحاق ضمن اطلاع به دولت هلند، کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

۵. هر کشور عضو کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تایید می‌کند یا بدان ملحق می‌شود و طبق ماده ۹۲ اعلام می‌کند یا اعلام نموده که ملزم به رعایت «فصل سوم» این کنوانسیون نخواهد بود، باید در زمان تصویب، قبول، تایید یا الحاق با دادن اطلاع به دولت هلند، از کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

۶. از نظر این ماده تصویب، قبول، تایید و الحاق کشورهای عضو کنوانسیون انعقاد لاهه ۱۹۶۴ یا کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴ نسبت به این کنوانسیون نافذ نخواهد شد، مگر این‌که اعلام رد کنوانسیون‌های مذکور، از جانب کشورهای مزبور نافذ گردد. امین این کنوانسیون با دولت هلند به عنوان امین کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ جهت تضمین هماهنگی‌های لازم در این زمینه تبادل نظر خواهند کرد.

(1) This Convention applies to the formation of a contract only when the proposal for concluding the contract is made on or after the date when the Convention enters into force in respect of the Contracting States referred to in subparagraph (1)(a) or the Contracting State referred to in subparagraph (1)(b) of article 1.

(2) This Convention applies only to contracts concluded on or after the date when the Convention enters into force in respect of the Contracting States referred to in subparagraph (1)(a) or the Contracting State referred to in subparagraph (1)(b) of article 1.

ماده ۱۰۰

۱. این کنوانسیون تنها در صورتی حاکم بر انعقاد یک قرارداد خواهد بود که پیشنهاد انعقاد قرارداد مزبور در تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشورهای متعاهد مذکور در قسمت (الف) بند ۱ یا نسبت به کشورهای متعاهد مذکور در قسمت (ب) بند ۱ از ماده ۱ یا پس از آن تاریخ صورت‌گرفته باشد.

۲. این کنوانسیون صرفاً بر قراردادهای منعقد شده در تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشورهای متعاهد مذکور در قسمت (الف) بند ۱ یا کشورهای متعاهد مذکور در قسمت (ب) بند ۱ از ماده ۱ یا پس از آن حاکمیت دارد.

Article 101

(1) A Contracting State may denounce this Convention, or Part II or Part III of the Convention, by a formal notification in writing

addressed to the depositary.

(2) The denunciation takes effect on the first day of the month following the expiration of twelve months after the notification is received by the depositary. Where a longer period for the denunciation to take effect is specified in the notification, the denunciation takes effect upon the expiration of such longer period after the notification is received by the depositary.

DONE at Vienna, this day of eleventh day of April, one thousand nine hundred and eighty, in a single original, of which the Arabic, Chinese, English, French, Russian and Spanish texts are equally authentic.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned plenipotentiaries, being duly authorized by their respective Governments, have signed this Convention.

ماده ۱۰۱

۱. هر کشور متعاقد می‌تواند با اعلان رسمی و کتبی خطاب به امین ، اعلام ختم عضویت از این کنوانسیون یا قسمت دوم یا سوم آن را رد نماید.

۲. اعلام ختم عضویت یا رد کنوانسیون، در اولین روز از ماهی که پس از انقضای دوازده ماه از تاریخ وصول اعلام رد به امین آغاز می‌شود، نافذ خواهد گردید. چنانچه در اعلامیه رد کنوانسیون مدت

طولانی‌تری جهت نفوذ آن تعیین شده باشد، اعلام از انصراف پس از انقضای مدت مزبور از تاریخ وصول به امین نافذ می‌شود .

این کنوانسیون در تاریخ یازدهم آوریل سال یک هزار و نهصد و هشتاد، در یک نسخه اصلی که متنهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار واحدند در وین به تصویب رسید.

در مقام تسجیل آن اشخاص ذیل که نماینده تام الاختیار حکومتهای متبوع خود هستند، این کنوانسیون را امضاء نموده‌اند .

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
- جمعی از نویسندگان، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۴
- رنه داوید و کامی ژوفره اسپینوزی، دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص دکتر سید حسین صفایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱
- رنه داوید، مقدمه‌ای بر حقوق تطبیقی، ترجمه محمد علوی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل ج.ا.ا، ۱۳۷۱
- صفایی، سید حسین... و دیگران، حقوق بیع بین‌المللی؛ بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۲
- بیژن حاجی عزیزی، بیژن بیات، ضرورت الحاق به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مجله حقوقی بین‌الملل، شماره ۵۸، بهار-تابستان ۱۳۹۷
- پلانتار، ژان پیر، حقوق جدید متحدالشکل بیع بین‌الملل، کنوانسیون سازمان ملل، ترجمه ایرج صدیقی، مجله دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۴ و ۱۵

- Honnold, John, Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, Boston, 1991
- Schlechtriem, Peter, Commentary on the UN convention on the International Sale of Goods, Translated by G.Thomas, Oxford University press 1998
- Stephan, Paul B. , “The Futilitu of Unification and Harmonozation in International Commercial Law” , University of Virginia School of Law, 1999
- <https://www.hcch.net>
- [http://www. ICCwbo.org](http://www.ICCWbo.org)
- <https://Intracen.org>
- <http://www.uncitral.un.org>
- <https://www.unidroit.org>